

فرهنگنامه 

# ایران مردم

سید دیداد آموزگار



# آموزگارِ یزَم

فانوسی که خانهٔ ما را نور دهد

نباید از خانهٔ ما دور شود

نخواهیم ما که هم میهن کور شود

با نور ما، دیگر کشور سور شود

سید دیداد آموزگار / نویسنده سراب



سپنداد کُپنهاگی / نقاش زر آب

# فرهنگنامه ایران مردم

شلیکی در تاریکی

برای روشنایی ایران

شب یلدا ۲۰۲۰



## اطلاعات کتاب:

سید دیداد آموزگار (سدا)

فرهنگنامه ایران مردم

دی ۲۰۲۰ - کپنهاگ - دانمارک

نویسنده: سدا

نقاش اشخاص، حیوانات و سیرشت: سپنداد کپنهاگی

کمک نقاش: سدا

طراح تابلو ها، عکسها و نمادها: سدا

ویرایش: سدا

سبک کتاب: تئوری / شعر / افسانه / طنز

نقش بسیاری از افراد تاریخی، الگو گرفته از ایرانیان خرد به راه امروز است.

افرادی که در این کتاب یا نام برده می شوند یا الگوی نقاشی هستند،

در نوشتن این کتاب افسانه ای هیچ کدام دخیل نبوده اند.

سدا هیچ مشکل فردی یا علاقه فردی به افراد نام برده یا نقش شده در کتاب ندارد.

دلیل انتخاب ایشان یا عرض احترام یا عرض نقد به کردار یا گفتارشان است.

اسناد و مدارک این کتاب تئوری / طنز / افسانه ای تجربیات شخصی سدا است.

سدا از آزادی بیان، نگار و عقیده خود برای نوشتن این کتاب افسانه استفاده کرده.

متن کتاب در Microsoft Excel نوشته شده و طرح کتاب با Microsoft Publisher

چاپ یک - نسخه فارسی متن کتاب - یلدا ۲۰۲۰

چاپ دو (این نسخه) - نسخه فارسی متن و تصویری کتاب - اسفند ۲۰۲۱

انتشار: برای چاپ شخصی، این کتاب pdf رایگان است.

برای اجازه انتشار تجاری با [iranemardom.com](http://iranemardom.com) تماس بگیرید ©

برای کمک به گسترش آرمان این کتاب با [iranemardom.com](http://iranemardom.com) تماس بگیرید.

ISBN 978-87-972948-0-2



## فرهنگنامه ایران مردم

### پیش گفتار:

هنگامی که خاتمی به ما پناهندگان اجازه بازگشت به ایران را داد، تابستان ۱۳۷۷ من ایران را بعد از ۱۱ سال دوری بازدید کردم. در آن بازدید به راستی برای من این پرسش پیش آمد که چگونه کشور ثروتمندی چون ایران به دست دیکتاتور و مافیای دینی تاراج شده و چگونه جریان سرکوب دانشجویان آن سال، با دزدی یک ریشترانش به پایان رسید؟ به دانمارک برگشتم، اما مشعل کنجاوی و پژوهش من در مورد "دلیل پیدایش دیکتاتوری در ایران" روشن شده بود. برای همین میگویم سپاس به خاتمی برای این جرعه فکری.

بهار ۱۳۹۴ چون ممتحن تاریخ، هنگامی که متن پروژه دیکتاتورهای جهان را از دانش آموزانم میشنیدم، همچون وحی به من آمد که چگونه تمام دیکتاتورهای جهان، ساختار نظامشان یکسان است.

همزمان اندیشه ای به ذهن من خطور کرد که شاید راه حلی برای برانداختن تمام دیکتاتورها باشد.

این را بدانید که ساختار تمام دیکتاتورها مشابه و در ۴ بخش میباشد.

نخست شخص دیکتاتور و در رده دوم نزدیکان و دستیاران او کشور را کنترل میکنند.

در رده سوم لشکر نیروی سرکوب میباشد و در رده چهارم مردم سرکوب شده.

لازم به ذکر است که گروه سوم و چهارم فاقد قدرت سیاسی میباشند. هر چند که هر دو گروه اعضای یک جامعه و از خانواده یکدیگرند، اما گمراهی چماق به دستان مست و مدهوش به ریای دیکتاتور، آنها را خواسته یا ناخواسته تبدیل به آلت دست دیکتاتور کرده، و بین آنها و خانواده مردمی تنش، شکاف و نفرت ایجاد کرده است. همزمان که جان و مال این دو گروه به دست دیکتاتور و دستیاران به تاراج است، سر مردم و نیروی سرکوب با درگیری با یکدیگر مشغول است و به این تاراج واکنشی ندارند. به جای ستیز، اگر مردم و نیروی سرکوب به درک و شناخت واقعی یکدیگر برسند، دیگر هیچ رژیم دیکتاتوری توان گمراهی آنان را نخواهد داشت. پس:

اگر مردم و لشکر سرکوب متحد شوند، براندازی دیکتاتور و دستیارانش همچون آب خوردن است.



این اتحاد با جنگ مسلحانه انجام نمیگیرد. این اتحاد فقط با یک انقلاب فرهنگی به راستی میپیوندد.

ایران مردم کتاب راهنمایست برای این انقلاب فرهنگی در ایران.

بنیان فرهنگنامه ایران مردم اندیشه آموزگاریم است. اما این "ایزم" از آن "ایزم‌ها" نیست.

آموزگاریم یعنی: انسانیت، هُویّت و ملیّت

هدف آموزگاریم آگاه سازی مردم به حقوق فردی و اجتماعی خود و برانگیختن حس ملی گرای بین مردم است. آموزگاریم مختص به کشورهای سرکوب شده میباشد.

آموزگاریم همچون یک سیم رابط موقتی است که کشور سرکوب شده را از شرارت، اسارت و بیداد در جهل، به عدالت، آزادی و اعتماد در خرد راهنمایی کند.

در این اندیشه، مردم سرکوب شده با نو اندیشی به اتحاد ملی میرسند.

مردم خواسته های خود را از سیاستمداران طلب کرده و خود راه ۶ گام انقلاب فرهنگی را میروند.

پس از مدتی آشتی، دوستی و مهر بین مردم و نیروی سرکوب، این دو گروه با هم برنامه ریزی کرده و سر بزنگاه بدون هیچ درگیری، دیکتاتور و دستیارانش را از قدرت به پایین میکشند. سپس مردم با ممنوع کردن اعدام، کتک و شکنجه، و با سلاح دادگری یکسان، برای پیشرفت جامعه، امنیت جانی و آزادی ایفا میکنند.

آموزگاریم برای شهروندان، دست و دلباز است ولی به بیگانگان خسیس میباشد. چون کشور سرکوب شده به تمام توان خود برای بازسازی نیاز دارد.



بعد از انتخاب ملی، مردم قدرت و ثروت کشور را در جهت بازسازی کشور متمرکز کرده و بعد از چندین دهه همیاری و کوشش به "عدالت، آزادی و اعتماد"، که رمز پیروزی یک جامعه است میرسند. آن زمان آموزگاریم با انقلاب فرهنگی پیروز جایگزین شده و کشور پیشرفته دیگر نیازی به خساست نسبت به بیگانگان ندارد.

کتاب ایران مردم راهنمای این انقلاب فرهنگیست برای ایران، تا که مردم ایران و نیروی سرکوب به اتحاد برسند، و دیکتاتور فرومایه حاکم و دستیارانش را به روش صلح آمیز بر اندازند.

اگر اندیشه آموزگاریم در ایران به نتیجه برسد، دگر دیکتاتورهای جهان باید بشاشند به تنبان خود، چون که بعد از سرنگونی دیکتاتور ایران، نوبت آنهاست.

ایران مردم ۲۰ خواستار شهروندی از سیاستمداران دارد و ۶ گام انقلاب فرهنگی برای خود مردم.



این کتاب موشکافانه توضیح میدهد که چگونه با این دو سلاح، ایران بهشت خواهد شد و ایرانی بهشت بان.

این کتاب مجموعه ای است الهام گرفته از تاریخ مستند و افسانه های تاریخی و کنونی ایران، که به صورت شعر، انتقاد، پیشنهاد و طنز نوشته شده است.

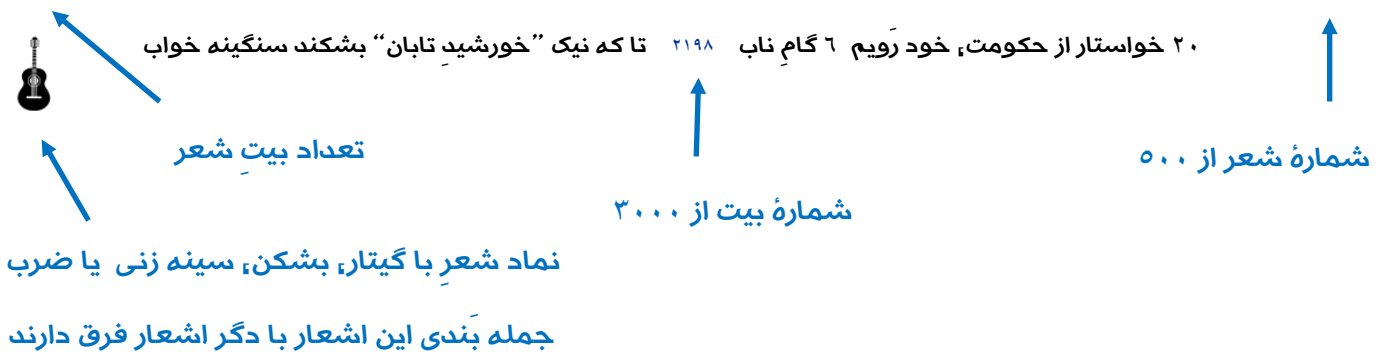
محور اصلی این فرهنگنامه، داستان ضحاک ماردوش تازی و کاوه آهنگر ایرانی میباشد. در این کتاب مردم و نیروی سرکوب کاویانند، مقابل آیت الله و دستیارانش که ضحاکیانند.

این کتاب در امروز ایران، در تاریکی شب یلدا آغاز میگردد. به پیش و پس سفر میکند و به حال برمیگردد. در این کتاب افسانه ای، مردم ایران خواهان نو اندیشی هستند. در این افسانه، نفاق بین نیروی سرکوب و مردم از بین رفته، کاویان متحد شده و ضحاکیان تازی را شکست میدهند. این پیروزی باعث طلوع مجدد خورشید تابان به ایران میشود.

ایران مردم دارای ۵۰۰ شعر در ۳۰۰۰ بیت است. تمام بیتها شماره دارند. برای پیشگیری از خواندن اشتباه اشعار، صدای حروف به روش ابتدایی ذکر شده اند. به غیر از بیتهای شماره دار، ۵۸ بیت هم در کتاب برای توضیح عکس یا موضوع نوشته شده است. این فرهنگنامه به زبانهای دانمارکی و انگلیسی هم ترجمه شده است.

اطلاعات اشعار (مثال):

۹	تیتیر سیاه یعنی موضوع - تیتیر آبی یعنی زیر موضوع	۳۷۶
---	--	-----



من سید دیداد آموزگار، شب یلدا ۱۳۹۶ نوشتن این فرهنگنامه را آغاز کردم.

زاده تهران، در سن ۱۴ سالگی، در سال ۱۳۶۶ در غروب جنگ، از ایران به دانمارک پناه بردم. پس این را بدان که هرچند در دانشگاه دانمارک مدرک آموزگاری خود را گرفته ام، اما سواد فارسی من بیش از ۸ کلاس نیست. پس اگر کلماتی به چشمت عجیب، جدید و ناآشنا آمد، دو کار بکن: مرا ببخش، اما آن کلمات جدید را بیاموز.

من شخصا نه دل خوشی از آن گروه مردم بیخیال ایران دارم، نه دل خوشی از آن گروه نیروی سرکوب بی خرد. نه دل خوشی از چپولهای آخوند پرور دارم، نه از راست گراهای افراطی. نه دل خوشی از آخوند و عمامه دارم و نه از چکمه و شمشیر. نه دل خوشی از چاپلوسان نظام جهل دارم و نه از ناراضیان سست و خود خواه بی محصول.

بین چقدر وضع ایران درام است که من آموزگار، خودم را ناچار دیدم که یک کاری برای کشورم بکنم. چون اگر ناراضیان، وظایف خود را در برون مرز در این مدت بیش از ۴۰ سال انجام داده بودند، دگر نیازی نبود که یک آموزگار گیتار نواز دوچرخه سوار، فرهنگنامه ای برای اتحاد ایران بنویسد. مقداری به این مطلب فکر کن.

برای من نخست خاک مقدس ایران مهم است، سپس شهروندان گرامی و سرکوب شده ایران. چون بدون زمین بازی، نه بازیگر هست، نه حقوق بازی. برای همین نخست خاک مقدس ایران، سپس ایرانیان راضی. پس بدان هر چیزی که از مرز ایرانمان حفاظت کند، از مطالب مهم این فرهنگنامه است.

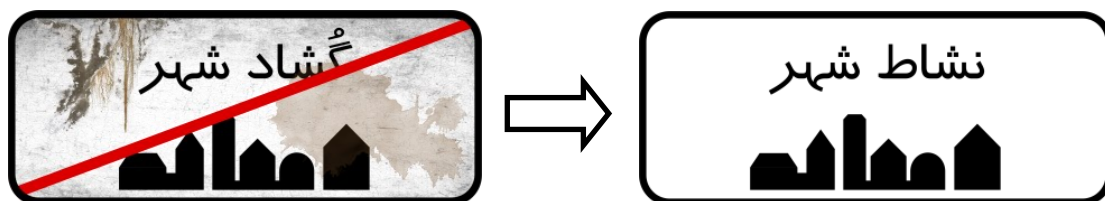
ما آموزگاران به دور از نظر شخصی و بنا به تجربه حرفه ای خود، قادریم که تمام دانش آموزان را در امور کلاس درس دخیل کنیم. پس بدان که این کتاب صرفا نظر شخصی من نیست، اما راه حلی است از یک آموزگار برای دخیل کردن و متحد کردن بیشتر کویان، تا بتوانیم ضحاکیان را بر اندازیم.

من در این فرهنگنامه، از حد دانش و تجربه خود، برای وصل کردن مردم و نیروی سرکوب استفاده کرده ام. از ریاضیات، ورزش و موسیقی گرفته، تا علوم، تاریخ، دین و جغرافیا را در این کتاب گنجانده ام.

در طی سه سال نوشتن این فرهنگنامه، دو بار به ایران سفر کرده ام. بار نخست به آرامگاه کاوه در مشهد کاوه اصفهان سفر کردم و از کاوه آهنگر اجازه نگارش یافتم. بار دوم کوه دماوند را فتح کردم، و در بام این آبر نماد ایران، که زنجیرگاه ضحاک میباشد، از دودخان گوگرد، طلب خرد، پایداری و نیرو برای نوشتن این کتاب و سرنگونی ضحاک زمانه کردم.

قابل ذکر است که من در طی ۱۸ سال حرفه آموزگاری هیچ گاه اینقدر خواهش و پاچه مالی از دو گروه شاگرد را برای آشتی نکرده ام، که از مردم ایران و نیروی سرکوب در این کتاب خواهش کرده ام.

این یعنی که برای وحدت و براندازی ضحاک ماردوش کنونی، اگر این کتاب مهر پرور هم نتواند نیروی سرکوب و مردم ایران را متحد از جا بلند کند، پس بدان که دگر بزم اتم هم نخواهد توانست در ۱۰۰۰ سال آینده، این گشادالدوله ها را از جا بلند کند.





نقد در این کتاب به سیرت است، و نه به صورت. نقد به فرد است و نه به خویشانِ فرد. نقد به کاستی در رفتار است، و نه به کاستی جسمانی.

مثلا به حماقتگر گفته میشود "خر"، به زورگو "گاو"، به بی فرهنگ "شبیپش" و به پاچه مال آخوند "سیریش".

آنها که تا به حال مقابل آخوند ادب پیشه کرده اند، هیچ سیفونی برای رفع رژیمِ عن در این بیش از چهل سال نکشیده اند. پس به جای استفاده از ادبیاتی چون "ابزارِ شخمِ کشاورزی" و "کود حیوانی"، بهتر است که "بیل" را "بیل" بنامیم و "پشکل" را "پشکل". این کتاب به پایین تنه کاری ندارد و هیچ گاه حشری نمیشود. اما کلماتی طبیعی چون ریدن، شاشیدن، عن، گوه و چس مجاز است و در این کتاب بسیار.

هدف نقد تلخ ما، شیخ آیت الله و هزاردستانش است.

هدف نقل شیرین ما، میلیون مستانِ نظامی و مردم میهن پرست است.

مثلا به ایرانی گفته میشود "یوز"، به حامی حق مردم "شیر" و به حامی خاک ایران "ببر".

### بی ارتباط به دین:

آیین مردم آمریست فردی و محترم برای فرد و به این دلیل این کتاب هیچ کاری با آیین مردم ندارد. مافیای آخوندی لباس دین را گروگان گرفته و برای همین، شاید نقد در این کتاب، برای تعدادی رنگ "نقد از دین" به خود گیرد که این هیچ گاه منظور نبوده. اگر مافیای آخوندی در ایران، ناوایی را گروگان می گرفتند، ما نقد از ناوا، ناوایی و لباس گروگان گرفته شده ناوایان می کردیم. آخوندهای پلید خود انتخاب کردند که به دین پناه برند، برای همین نقد از ایشان، افکارشان، بیانشان، نمادشان و لباس کاذبشان مجاز است. این کتاب به آیین حقیقی مردم به قدری احترام دارد که حتی افراد یا پیامبران دینی با لقب احترام در پراوتز ذکر شده اند. در عوض، این کتاب آخوندهای کلاش ننگین در لباس دینی و دورغشان را رسوا و نقد میکند. پس این کتاب نه به دین کار دارد، نه به مومن. این کتاب تنها به حکومت تبهکار رهبر فرسودگان درون ایران نقد دارد و هیچ ربطی به روحانیان یا ادیان دیگر کشورها ندارد.



## چند واژه و معنی:

کور: کسی که مشکلات را نادیده بگیرد. این کتاب به نابینایان احترام دارد  
کر: کسی که مشکلات را نشنیده بگیرد. این کتاب به ناشنوایان احترام دارد  
چپول: چپ گرای آخوند پرور

چاپول: دزدِ پُر طمع

تیش: تیشه

بیگان: بیگانه

صَفَو: صَفَوی

عَدَلِ مُساوه: دادگری یکسان همچون سپرِ مردم و پادزهری علیه "امر به معروف و نهی از منکر"

خوشخوین: خوش خو + خوش خواه + خوش بین

تاز، تازی: پلید ترین آداب، سیرت، و فرهنگِ درونیِ ما مردمِ خاورمیانه بدور از عللِ دینی یا مکانِ جغرافیایی

فارس، پارس، ایرانشهری، عجم، پهلوانی، کاویان: ایرانی

ایرج زمین: ایران

هزار دست: دستیاران و نزدیکانِ شیخ آیت الله

میلیون مَسْت: نیروی سرکوبِ مدهوش یا مجبور به ظلم آیت الله

خود چُس پَرست: خود خواه از ما بهتران

پالون دوز: قانون نویسیِ رژیمِ جمهوری اسلامی (با پوشش به پالون دوزان)

آبدارچی: فردی تشریفاتی بدونِ قدرتِ سیاسی (با پوشش به آبدارچیان)

لادن: زنی سرکوب شده که سرکوب را میپزیرد (با پوشش به تمام دختران با نام لادن)

گُلکن: مردی تبعیض گرا و بی احترام به حقوق زنان

الاغ: مردانِ تبعیض گرا که مُبلغ و حامیِ سرسختِ رژیمِ جهل و ریا هستند

کلاغ: زنانِ سرکوب شده که مُبلغ و حامیِ سرسختِ رژیمِ جهل و ریا هستند

مُجی گُجی: مجتبی خامنه ای

آیت الله، عمام، آخوند، شیخ، ملا، مداح: مافیای تبهکار و دشمنانِ ایران و ایرانی در لباس دینی و شخصی

روحانی، امام، شیخ، فرهنگشِیخ: روحانیانِ دادگر در ایران، بدونِ قدرتِ سیاسی

فرهنگشاه، فرهنگشهبانو: شاه و شهبانوی دادگرِ ایران، بدونِ قدرتِ سیاسی یا حق رأی

کیخسرو، خورشید تابان: شاه کوروشِ بزرگ

کُنَدابِ پارس: به جای "خلیج فارس"

دریاچه گیلماز: نامی پیوسته از "گیلستان گیلان و مازندران" به جای دریای "خزر"

سه دریاچه تاج: دریاچه های "تیشتر، اناهیتا و جازموریان" به جای صحرای "کویر، لوت و جازموریان"

آدابِ یانتِه: ۶ جمله "یادت نَره تو هرگز" برای شکستِ مرامِ خودخواهی

پارکِ یار: یادگاهِ ایرانیانِ رزمنده

نهادِ پهراز: پیشکِسوتانِ همیشه رزمنده ایران زمین

روشن: فردی آگاه و دادگر

بشکن: فردی آگاه و دادگر که ظلم را میشکند

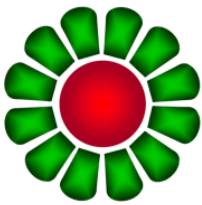
نهادِ بشکن: بنیانگذارانِ شجاعِ کَویانِ نوین

انرژیِ بهخا: انرژیِ یادی، هسته ای، خورشیدی و آبی

پوشناز: پَس اندازِ واجبِ شِخصیِ نفتِ از زادروز

فرد: واژه ای با احترام به هر دو جنس به جای ذکرِ مرد (مثلا: فَرَدانگی، نافرَد، فَرَد رند، جوان فَرَد)

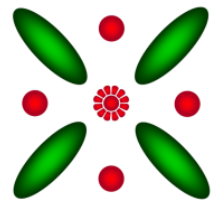
### نمادهای اصلی فرهنگنامه:



گل ۱۲ پَر سال، کهن ترین نمادِ ایران



۱۰ پَندِ انقلابِ فکری



درفشِ کَویانی، نمادِ ایرانیّت



۴ عنصر، نمادِ سیرِشت



مُشتِ بِشکن



۶ گامِ انقلابِ فرهنگی



۲۰ خواستارِ مردمی از سیاستمداران



چنگالِ آخوند، نمادِ امروزِ ضحاکیان و تازیان

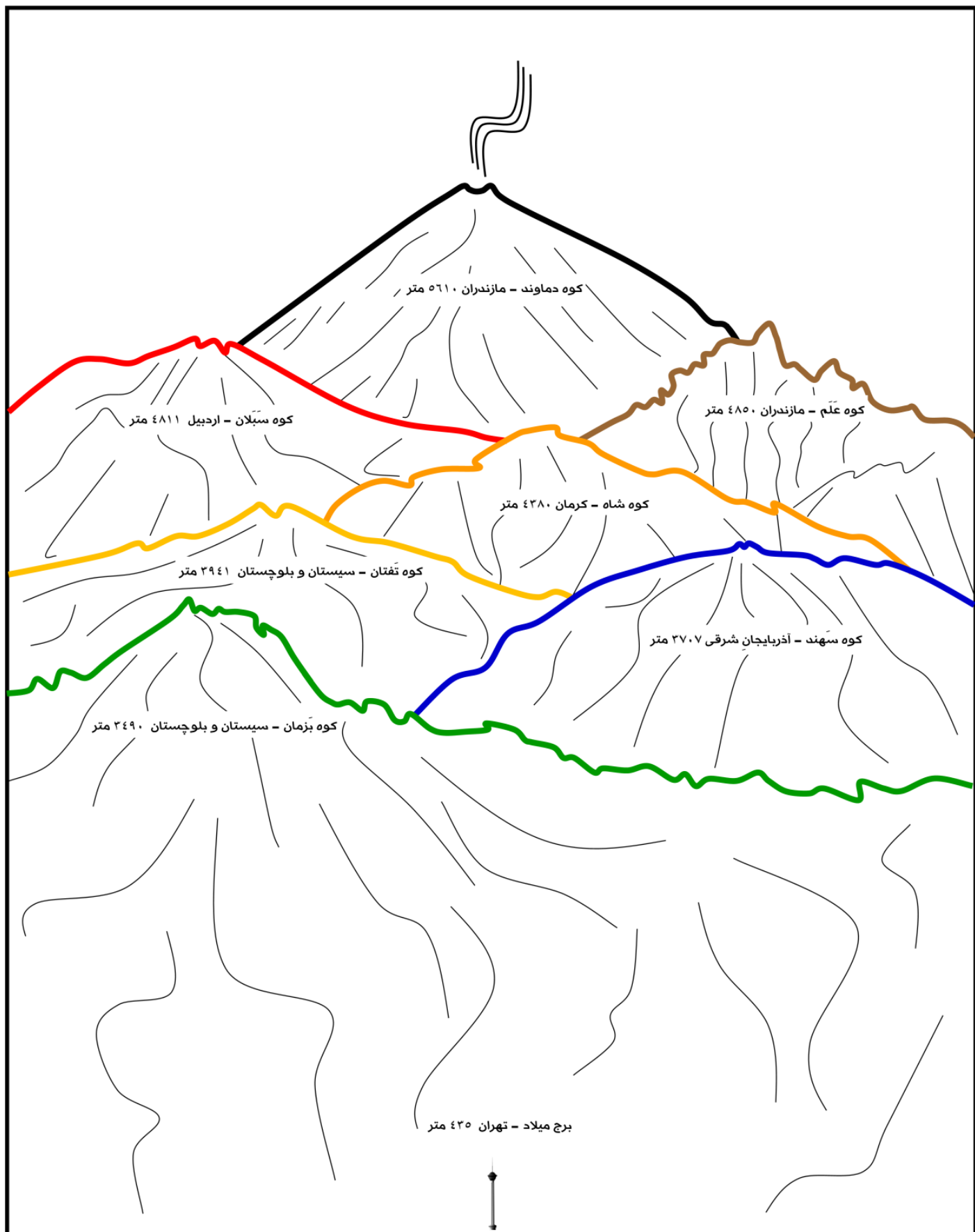


عمامة آخوند، نمادِ دزدی، قتل و ربا



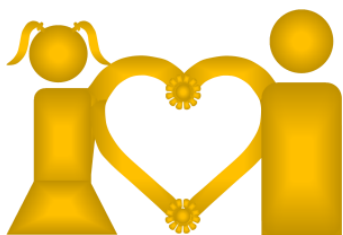
۲ مارِ ضحاک، نمادِ ضحاکیان و تازیان

## هفت کوه فرهنگنامه:



سه در سه فرهنگنامه در سه خط:

سه جنسِ گرانبمایه و گوهر:



اعتماد

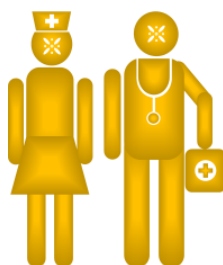


گندم



آب

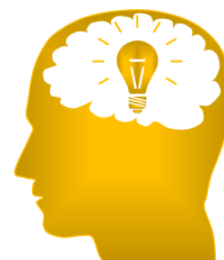
سه اقدام رایگان:



امداد پزشکی



تحصیلات



انقلاب فکری

سه دشمن ایران:



آخوند



تریاک



جهل

ترجمه دانمارکی و انگلیسی فرهنگنامه ایران مردم به فروش خواهد رسید.

اما اصل فارسی این کتاب، ارمغان رایگان سید دیداد آموزگار به تمام ایرانیان در جهان است، با امید به شکستِ جهل و طلوعِ خرد. پس یعنی فارسیش مَفْتی، بخوان و پخش کن.

### خرد مسئولیت آورد

بزرگترین دشمن ایران، جهل است و بزرگترین دوست ایران، خرد.

آرمان ایران مردم جایگزینی جهل با خرد در ایران است. این راندن نادانی و یافتن آگاهی رایگان نیست.

این آگاهی فرد را مسئول میسازد که علیه ظلم و جهل به پا خیزد. پس وقتی این کتاب را خواندی، گر "نادان" بودی، دانا گشتی و گر "گنه کار" بودی، گشتی بی گناه. پس دگر بهانه ای برای سُستی، گناه یا نادانی نداری و تو مسئولی که با آگاهی، تعهد و همیاری علیه ظلم و جهل در ایران به پا خیزی.

پس اگر خواهان جهل، تاریکی و اجبارِ ظلم هستی، این کتاب را نخوان.

اما اگر خواهان خرد، روشنایی و شکستِ ظلم هستی، بدان که ۳۰۰۰ بیت داری تا رسیدن به مقصد. این کتاب مال توست.

### بزن بریم:

شب یلداست. تو خیابون تاریکی و سرما بیداد میکنی. کجا؟ خیابون سعدی؟ بیا بالا! ولی اول باید یه تک پا از میدون فردوسی رد شیم.



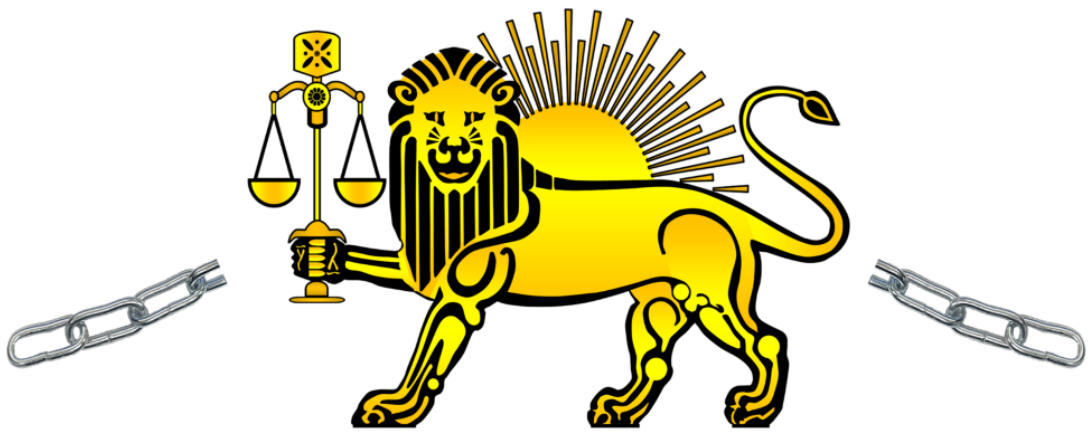
”تو ماشین گرم دیداد ما برونیم تا سحر تا که آگاه بشی و خورشید گنه یلدا به در“

به امید خرد، بزن بریم!

سید دیداد آموزگار ۲۰۲۰



ایران مردم



پشتا

## ۹ بخش فرهنگنامه ایران مردم





# نمای کلی فرهنگنامه ایران مردم

۱ 

## آغاز

---

فرهنگنامه  
آموزگاریم  
دادگری واجب  
روش نقد  
نشان عبور

۱۱ شعر  
۳۰ بیت

صفحه ۱۸

۲ 

## آگاه سازی

---

۲۰ خواستار مردمی  
مشکلات رژیم  
۶ گام فرهنگی  
مشکلات مردم  
عاقبت ستیز

۴۲ شعر  
۴۷۲ بیت

صفحه ۲۰

۳ 

## نو اندیشی (انقلاب فکری)

---

ده پند فردی  
عدل مساوه  
بخشش ملی  
آداب یانته  
خرد جهل شکن

۴۴ شعر  
۳۶۵ بیت

صفحه ۷۸

۴ 

## همبستگی (اتحاد ملی)

---

تاریخ و اساطیر  
ایران و ایرانیت  
اتحاد ناراضیان  
پیام به گمراهان  
ایزوله دشمن

۱۲۴ شعر  
۷۰۰ بیت

صفحه ۱۱۴

۵ 

## خروش (اعتراض ملی)

---

قیام بشکن  
رفتار گفتارشی  
رفتار فرسایشی  
آب، نان، روزنامه  
شب پلدا

۱۵۵ شعر  
۶۳۳ بیت

صفحه ۲۵۴

۶ 

## گزینش (انتخاب ملی)

---

انتخاب با خرد  
پند ایران مردم  
کیفر ظالمان  
پاکسازی جهل  
شفافیت سیاسی

۳۹ شعر  
۳۰۰ بیت

صفحه ۳۴۸

۷ 

## کوشش (اجتهاد ملی)

---

کوشش طولانی  
خدمت اجتماعی  
ایفای ۲۰ خواستار  
سرشت ایران  
سپر عدل مساوه

۲۳ شعر  
۱۵۱ بیت

صفحه ۳۹۲

۸ 

## باور (اعتماد ملی)

---

اعتماد در رضایت  
ایران بهشت  
مرور ۲۰ خواستار  
انحلال آموزگاریم  
رسیدن به آرمان

۲۳ شعر  
۴۹ بیت

صفحه ۴۲۶

۹ 

## پایان با آموزگار

---

درباره کتاب  
بنیان ایرانی  
تاثیر دایمارکی  
۱۰۰ خط بشکنان  
به پا خیز

۳۹ شعر  
۳۰۰ بیت

صفحه ۴۵۴



## ایران مردم

---

آغاز  
آموزگاریم  
آگاه سازی  
انقلاب فرهنگی  
پایان

۵۰۰ شعر  
۳۰۰۰ بیت

صفحه ۱ تا ۴۹۶

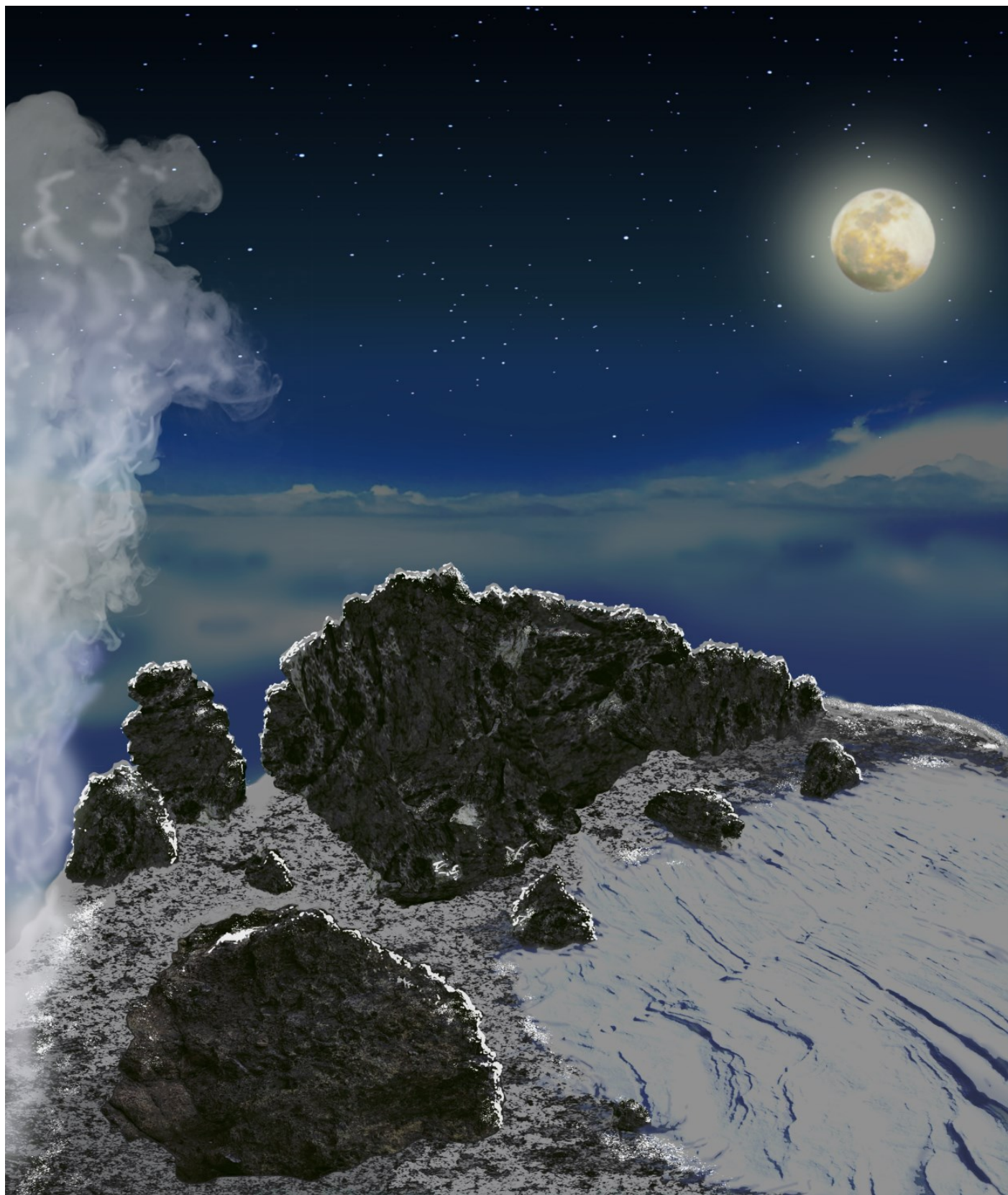
بخش ۱: آغاز



در ۱۱ شعر و ۳۰ بیت

به نام سرافراز ایران زمین و بر مردمش باد: خرد و آفرین





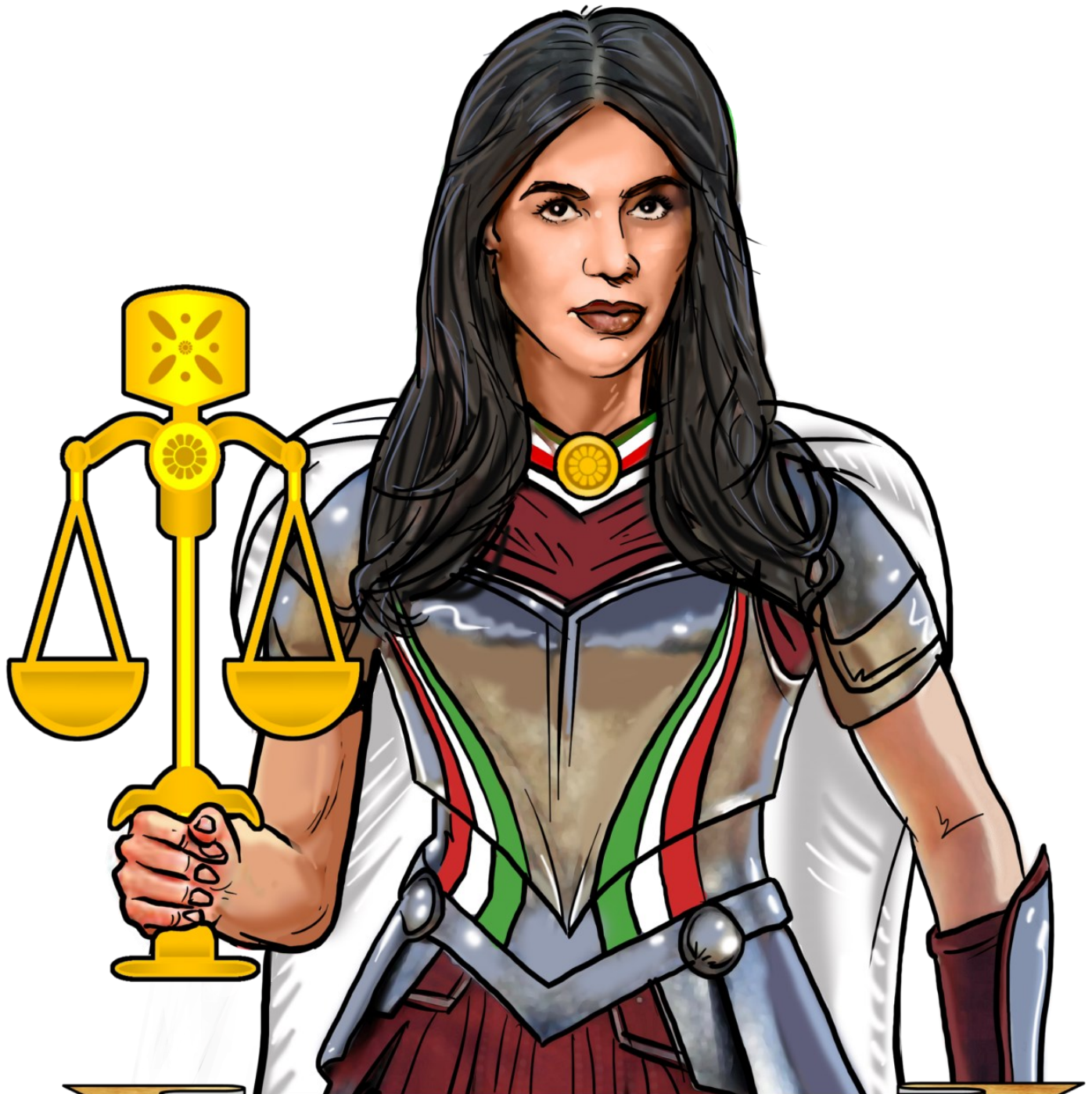
گوشه ای از بام دماوند در تاریکی شب یلدا

- گاه شمار این جهان که سال میلاد شد شروع ۲ سال گذشت ۱۰۱۰ تا نور به ایران کرد طلوع
- چون بگرد شاهنامه را فردوسی بر ما انتشار ۳ او به ایرانی بیاموخت که پارسیست با وقار
- خاکمان ایرج زمین، رستم نماد شیردلان ۴ و فرانک، رودابه، گردآفرید زنانمان



- اما باختیم ما هویت، چون به ما تاز شد فرو ۵ سال گذشت ۱۰۱۰ باز نور به ایران کرد طلوع
- چون بگرد آموزگار، ایران مردم انتشار ۶ تا که فرهنگنامه آموزد به ایران راه کار
- جهل بشکن، تاز برانداز در ایران با شتاب ۷ کاویان زمین زنفند ضحاکیان، با این کتاب





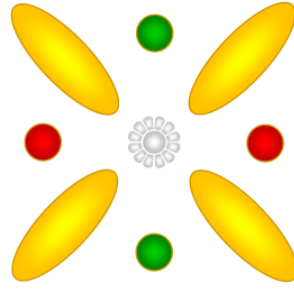
گُردآفریدِ قهرمان - اسطورهٔ ایرانی











فرانک - مادرِ شاه فریدون - اسطورهٔ ایرانی



کاوه آهنگر ایرانی

و

ضحاک ماردوش تازی



- متن فرهنگنامه ایران مردم را بخوان ۸ جنگ حق کاوه است بر ضد این ضحاکیان
- آرزوی آگهی دارد برای طغیان ۹ عشق ما مردم به ایران است، درفش کاویان
- بشنو بیش از یک هزار و یک شعار با خرد ۱۰ بر علیه پست هزار دستان و شیخ بی خرد



- ۱۱ "آموزگاریم"، نگاهش چیست به هستی؟ حق بشر، اجتماع، میهن پرستی
- ۱۲ فانوسی که خانه‌مان نور دهد نباید از خانه‌مان دور شود
- ۱۳ نخواهیم ما که هم میهن کور شود با نور ما، دگر کشور سور شود
- ۱۴ پولی که در این کشور زاده شود باید به این کشور آباده شود





- از بر سرکوب شده، آموزگاریزم شد بنا ۱۵ تا که پیشرفتی در آن کشور کنند مردم به پا
- نه بر سرمایه دار، کشور از هر غم جدا ۱۶ تا که او سرکوب کند، کشور سرکوب شده را
- پس بر سرکوب شده، آموزگاریزم ثروته ۱۷ اما بر پیشرفتگان، اغراق، طمع، حراسته

## شعار تقدیر ایران مردم

- یه ملت، مردم سرور ۱۸ یه کشور، ایران اول / جان / ای / ران

## شعار آرمان ایران مردم

- عدالت، آزادی، حقوق اجتماعی ۱۹ همیاری، بازسازی، ایرانیان راضی

The signboard displays the following content in each column:

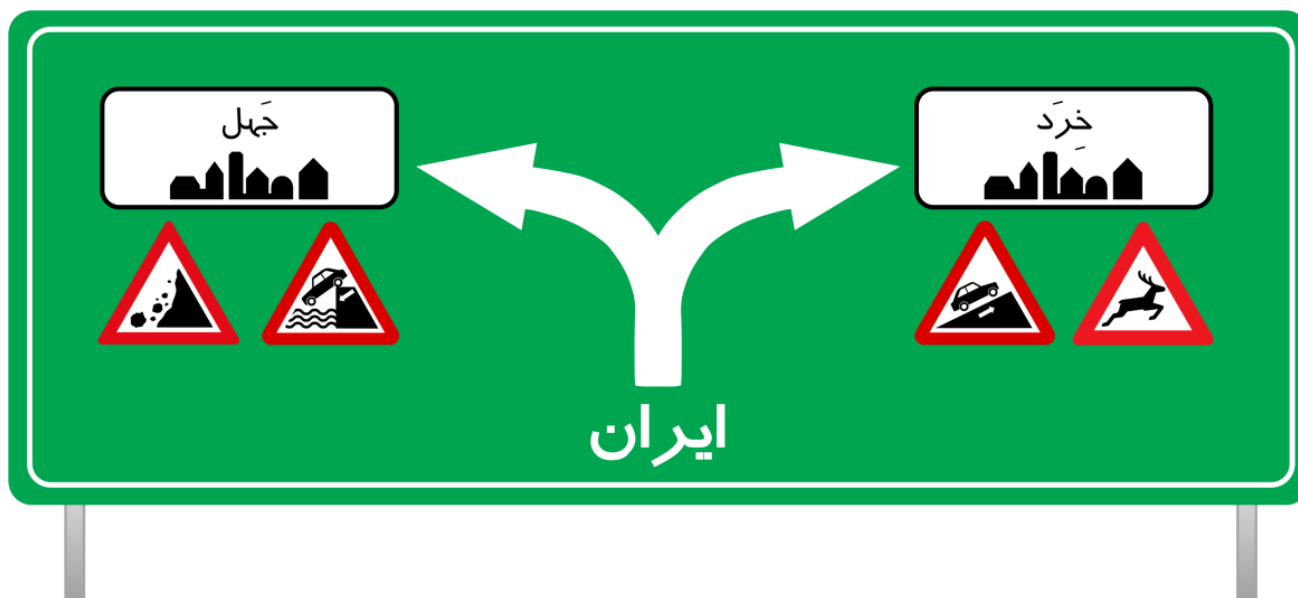
- Column 1: ایرانیان راضی (Iranians satisfied), ایرانی در بیکاری (Iranians unemployed), Amoozegarism logo, ایرانی در بیکاری (Iranians unemployed)
- Column 2: بازسازی (Reconstruction), ناکارایی (Inefficiency), Amoozegarism logo, ناکارایی (Inefficiency)
- Column 3: همیاری (Cooperation), تنهایی (Isolation), Amoozegarism logo, تنهایی (Isolation)
- Column 4: حقوق اجتماعی (Social rights), بیداد اجتماعی (Social tyranny), Amoozegarism logo, بیداد اجتماعی (Social tyranny)
- Column 5: آزادی (Freedom), اسیری (Captivity), Amoozegarism logo, اسیری (Captivity)
- Column 6: عدالت (Justice), شرارت (Treachery), Amoozegarism logo, شرارت (Treachery)

At the bottom of the signboard, there are two red octagonal signs with the word 'ایست' (STOP) in white. The signboard is supported by two pillars. At the bottom, there is a red banner with the number '۲۷' in the center, flanked by the Iranian national emblem and the text 'ایران مردم'.

- در ایرانِ مردمی، معنیِ نیکِ عدالت ۲۰ یعنی که پاسداری از حق ایران و ملت
- حقِ مردمِ ایران، برای ما مهمِ خط ۲۱ قرمز خطِ نشان است برای انسانیت
- حقِ مرزیِ ایران بود مهمِ ترین خط ۲۲ سیاه خطِ نشان است برای ایرانیت
- عبور از قرمز خط، نشانِ ظلم به ملت ۲۳ عبور از سیاه خط، به ایران بود خیانت
- پاسداری از هر دو خط، وظیفهٔ ما ملت ۲۴ پاسداری از هر دو خط، یعنی انجامِ عدالت



دوستِ ایرانِ ما، بودِ خرد ۲۵ دشمنِ ایران، بودِ اینِ جهلِ بد



- توهین به ظاهر، یا خویشانِ نفر را نَکُن ۲۶ نقد به باطنِ پلیدِ هر نفر را بَکُن
- توهین به صورتِ شخص، حماقتِ په لات است ۲۷ نقد به سیرتِ شخص، خودش یک انتقاد است
- حقِ ما انتقادِ آزاد، ز هر نوع سیرتِ ۲۸ نقد کُنیم با لقب از باغ وحش و طبیعت



- بالا بریم، پایین بیاییم، هر چی بگیم، بلاخره ۲۹ هر کی خَریت بگنه، آدم بهش میگه: خَره!

تنها نشانِ عبور از نظام ۳۰ نقدِ سیرتی به شعورِ عمام



بخش ۲: آگاه سازی

مشکلات رژیم و مردم ایران، و راه حل

۲



آگاه سازی

در ۴۲ شعر و ۴۷۲ بیت

- این سیاست آخوندی ورشکسته است ۲۱ در سیاست جهل و ریا ۴ رتبه است
- اول آیت الله پلید خود پرست ۲۲ دوم مافیای ظالم هزار دست
- سوم لشکر میلیون مست چماق بدست ۲۳ چهارم مردم سرکوب شده میهن پرست
- شیخ آیت الله و هزار دستاند ضحاکیان ۲۴ میلیون مست و میهن پرستانند قوم کاویان

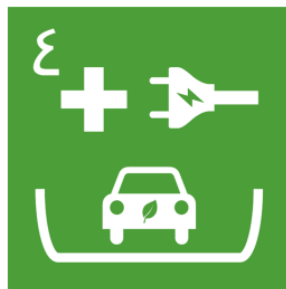


- این سیاست آخوندی ورشکسته است ۲۵ در سیاست جهل و ریا ۲ طایفه است
- ضحاکیان مار به دوش در قدرت است ۲۶ و کاویان خانه به دوش در ذلت است
- بر فریاد کاوه، گوش این ضحاک گر است ۲۷ خواری به ما و کشورمان دست خر است





# خواستار شهروندی





## متن ۲۰ خواستار شهروندی از سیاستمداران:

۱ خ	حق دسترسی به هوای پاک، آب تمیز، خوراک و پوشاک برای تمام مردم ایران.
۲ خ	پایان اعدام، شکنجه، قصاص و کتک.
۳ خ	حق یکسان، مستقل و عادل برای زنان و مردان. حق صمیمیت، داشتن مسکن، کار، امکانات کار عادل و حقوق کار عادل.
۴ خ	حق امداد پزشکی رایگان و دارو با قیمت بیمه ملی. حق دسترسی به برق، راه امن، و حمل و نقل پاک و مطمئن.
۵ خ	حقوق فکری و دینی آزاد و یکسان. حق گفتار، نگارش، کردار و انتخاب عادل. حق پوشش آزاد، ولی با صورت باز.
۶ خ	نه سال تحصیل واجب کودکان، به عنوان تنها وظیفه کودکان. حق تحصیل رایگان، تحصیل فرهنگ عادل و تحصیل به فارسی، و همچنین آموزش ۳ زبان: محلی، انگلیسی، و زبان کشور همسایه، در مدارس امن و مجهز.
۷ خ	یک سال خدمت اجتماعی واجب برای دختران و پسران ۱۹ ساله، به عنوان تمرین تعهد و مسئولیت، تمرین مستقل شدن، انتخاب شغل، خدمت به هم میهنان و بازسازی کشور. درصد اندکی میتوانند دلخواه این خدمت را با خدمت نظامی جایگزین کنند.
۸ خ	رسیدگی عادل به جانبازان، معلولین، سالمندان، بازماندگان شهدا، بازنشستگان، مال باختگان و نیازمندان جامعه.
۹ خ	ممنوعیت فروش دخانیات به کودکان، و آزادی فروش الکل به بزرگسالان.
۱۰ خ	مبارزه با اعتیاد، با سلاح انگیزه و فعالیت.
۱۱ خ	هر شخصی با هر رتبه و عنوان، زیر دستور قانون اساسی است.
۱۲ خ	هدایت ایران به دست مردم، یعنی سیاستمداران منتخب مردم، با مجلسی از حزبهای مردمی مختلف، و نخست وزیر منتخب مردم، با حد اکثر نخست وزیری در ۲ ترم ۴ ساله.
۱۳ خ	ارتش حرفه‌ای و قوی برای مرزبانی از خاک مقدس ایران، و نابودی کامل فساد و رشوه در دستگاه حکومت، و تبدیل این دستگاه به دستگاه منطقی، پیشرفته، شفاف و عادل که خدمتگذار مردم باشد.
۱۴ خ	پایان مهریه و جهیزیه برای زوج‌های آینده، در قبال تامین اقتصادی فردی از سوی دولت.
۱۵ خ	حقوق یکسان و عادل برای بهبود و پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی هر ۳۱ استان ایران.
۱۶ خ	احترام و ارجمندی به خاک، طبیعت، محیط زیست و وحش ایران، با آبیاری ملی، دریاچه سازی ملی و جنگل سازی ملی.
۱۷ خ	احترام و ارزش فرهنگی به فرهنگ‌شاه و فرهنگ‌شیخ، بدون دخالت ایشان در سیاست.
۱۸ خ	صلح، گفتگو، روابط و تجارت با تمام کشورهای آزاد جهان. خواستار تغییر رفتار مقابل دیگر کشورهای جهان. خواستار تبدیل ایران در آینده به کشور آزاد تجاری و توریستی در خاور میانه.
۱۹ خ	به خاک سپاری افسانه بمب اتم، ولی خواستار و محتاج به تولید برق بینهایت، برای بازسازی ایران، با انرژی "به‌خا" (بادی، هسته ای، خورشیدی، آبی)، که به تدریج جایگزین انرژی آلوده فسیلی شود.
۲۰ خ	علم، صنعت و کشاورزی پیشرفته، به عنوان اقتصاد اول کشور. حرکت به سوی استقلال اقتصادی کامل از نفت، در ۲۰ سال آینده، و استفاده از پول نفت، تنها برای بازسازی ایران، و سرمایه گذاری در "پوشناز" (پس انداز واجب شخصی نفت از زادروز).



## شعار خواستار ۱

- آب و نون گندم ۳۸ ایران برای مردم
- هوا می‌خواهیم، اونم پاک ۳۹ نه دود، نه طوفان خاک
- غذا می‌خواهیم و پوشاک ۴۰ نه فقر و ظلم ضحاک
- کوفت آن لقمه نان، به ما نباشد نوش جان ۴۱ وقتی که بیش هم میهنان، به خواب روند گشنه دهان



## شعار خواستار ۲

- اعدام با هر محکومیت، واسه مجرم، رهاییه ۴۲ فرار از مسئولیت، نافردي به دادخواهيه
- آبد با هر محکومیت، واسه مجرم، به خفته ۴۳ پاسخ به هر جنایت و واسش به درس عبرته
- مرگ به جانی چیزی یاد نمیده ۴۴ زندان عمری درس عبرت میده
- تا وقتی که طالب گشتن هستیم ۴۵ باید واسه زیستن خود بترسیم
- اعدام نه، جاش حبس آبد ۴۶ ظالم نه، جاش عادل فقط
- نگو: ”مرگ بر تو“ ۴۷ بگو: ”ننگ بر تو“
- اعدام، کتک، شکنجه ۴۸ ظلمه، کثیفه، رنجه
- اعدام کار به مزدوره ۴۹ از آدمیت به دوره
- شکنجه کار ظالمه ۵۰ شکنجه گر، ناسالمه

- کُتک از زورِ ترسه ۵۱ نصیحتہ کہ درسه  
 قصاصِ بی عدالت ۵۲ معلول کُند یہ ملت  
 ناظم نباشد گاو و خر ۵۳ لازم نباشد چوبِ تر

حقِ یکسان، مستقل و عادل برای زنان و مردان. حقِ صمیمیت، داشتنِ مسکن، کار، امکاناتِ کارِ عادل و حقوقِ کارِ عادل.

خ ۳

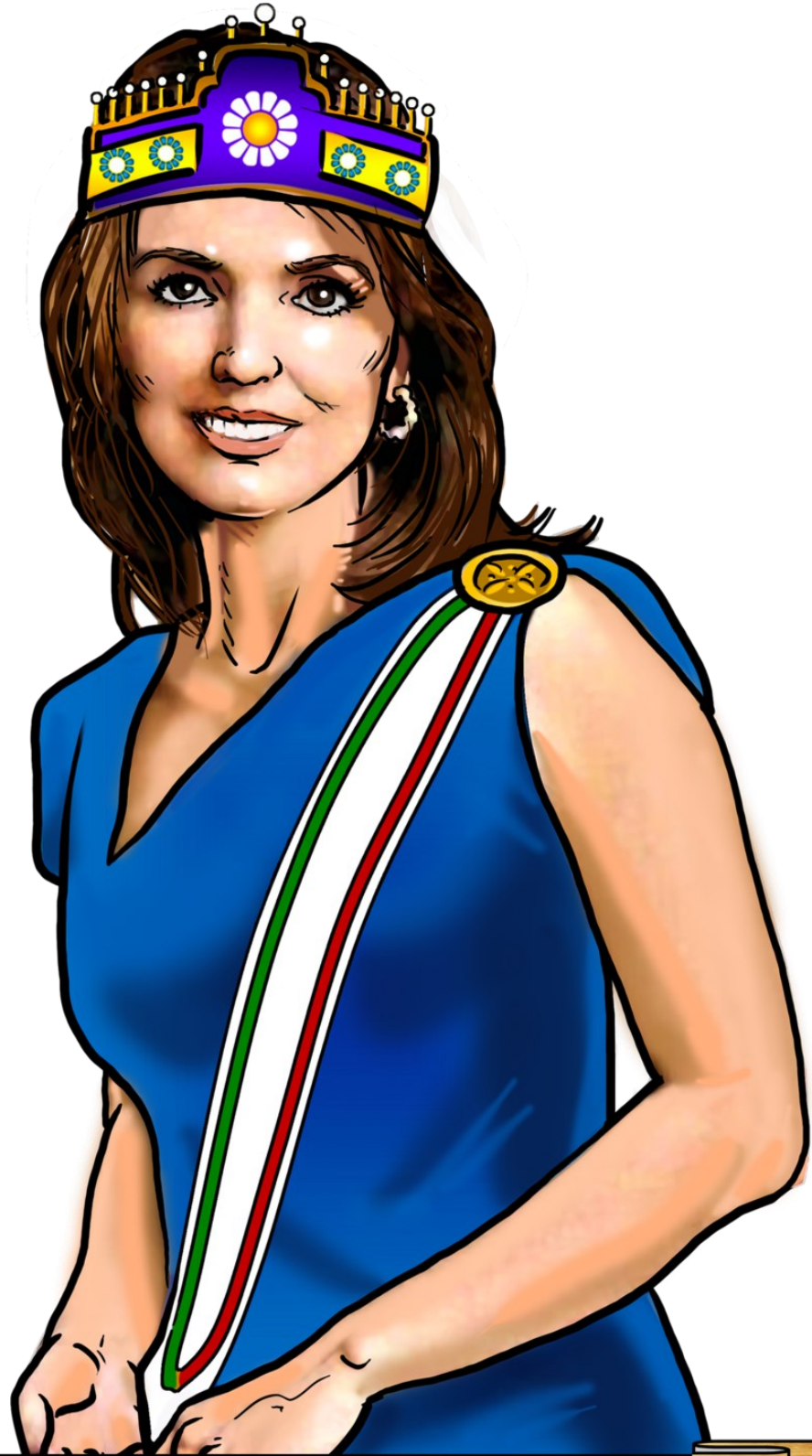


۱۹

شعارِ خواستار ۳

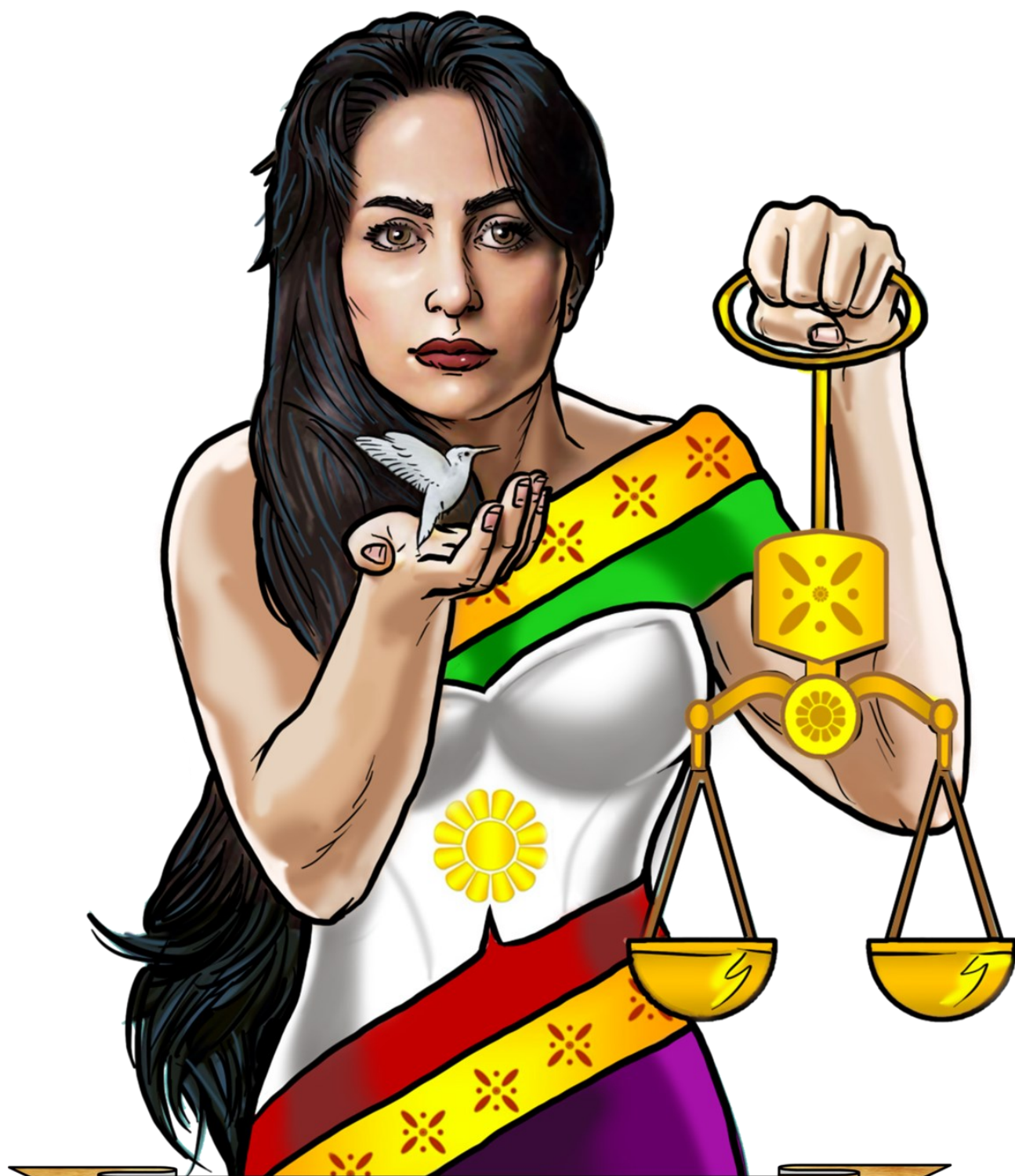
۱۵

- زنهای ما زیرِ زورن ۵۴ قانون گذارامون کورن  
 زنها تو هر کاری سرن ۵۵ قانون گذارامون کرن  
 نصفِ ایرانیها زدن ۵۶ قانون گذارامون خرن  
 قانون به این کور و کری ۵۷ هرگز ندیده دختری  
 دیهٔ مرد، شتر تو دشتِ عرب ۵۸ دیهٔ زن، کمتره از تخمِ چپ  
 حقوقِ عادلِ زنان، منطقی و امروزیه ۵۹ فرهنگِ خاله سوسکه ای، فرسوده و دیروزیه  
 زن، مرد، دختر، پسر ۶۰ تاجِ یگانگی به سر  
 چه زن، چه مرد، ما انسان ۶۱ میخوایم حقوقِ یکسان  
 به جای "مردانگی" ۶۲ بگو تو: "فردانگی"  
 نگو: "یارو نامرده" ۶۳ بگو: "یارو نافرده"  
 صمیمیتِ بس واجبه ۶۴ انکارش امرِ کاذبه  
 صمیمیتِ تصمیمِ دخترِ پسره ۶۵ صیغهٔ مالِ قرونِ عصرِ حجره  
 سقفِ بالا سر، اصولِ ماست ۶۶ خونه داری حقوقِ ماست  
 ایرانیان نخواهند ۶۷ بی خانمان بمانند  
 ما بیزاریم از بیکاری ۶۸ ما کار میخوایم، نه بیگاری



فرهنگشهبانو یاسمین دادگر، شیرزن کاویانی

زن، صرد، دفتر، یسر تاج یگانگی به سر



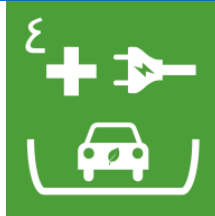
وکيل سُهيلا حجاب، شير زنِ کاويانی

په زن، په مرد، ما انسان میخوالیم مقوق یکسان

- میخواهیم کار بی مشکل ۶۹ حقوق کار عادل
- حقوقمون ریالیه، هزینه ها دلاریه ۷۰ واسه هزاردست عالیه، سفره مردم خالیه
- ما اعتراض داریم، حقوق نیاز داریم ۷۱ واسه پرداخت هزینه، لسیت دراز داریم
- ما کارمند و کارگر ۷۲ نه برده ستمگر

خ ۴

حق امداد پزشکی رایگان و دارو با قیمت بیمه ملی. حق دسترسی به برق، راه امن، و حمل و نقل پاک و مطمئن.



۱۷

شعار خواستار ۴

۱۶

- خرج طبیب نفس گیره ۷۳ مریض بی پول میمیره
- این همه مردم بیمارن ۷۴ دکتر، پرستار ندارن
- سخته خرید دارو ۷۵ درمان، دعا و جادو
- دعا بکن مریض نشی ۷۶ چون که تو ورشکست میشی
- کمبود امداد و بیمارستان ۷۷ محصول این رژیم بیمارستان
- از بزرگر تا روحانی ۷۸ برق، خونه هر ایرانی
- امکانات مسکنی بدون فرق ۷۹ لوله آب، لوله گاز و سیم برق
- جاده ها بی امن و امان ۸۰ تصادفات در هر مکان
- ماشین حلب قراضه ۸۱ صفر کیلومتر، مرگ سازه
- چراغ قرمز ایران ۸۲ چناریست در خیابان
- تهران تا قم، حرف نداره ۸۳ آسفالت، چراغ، ضعف نداره
- اصفهان تا لر، آسفاره ۸۴ تصادفهای مرگباره
- تهران تا قم، چراغونه ۸۵ چون گور شیخ حیونه
- بقیه ایران ویرونه ۸۶ جاده های بی امونه

موتور سوار بدون کاسکت، یعنی دیونه ۸۷ بخوره زمین، قاچ میخوره کلش، مثل هندونه

هوای شهرها نکبته ۸۸ دود خونه مصیبتنه

بنزین، دیزل و گاز سوز ۸۹ خودرو با فیلتر آگزوز

خ ۵

حقوق فکری و دینی آزاد و یکسان. حق گفتار، نگارش، کردار و انتخاب عادل. حق پوشش آزاد، ولی با صورت باز.



۲۹

شعار خواستار ۵

۱۷

شکست جهل و اجبار ۹۰ با آزادی افکار

بکن ظلمو تو باطل ۹۱ با انتخاب عادل

آزادپوشی، نشان عقل سالم ۹۲ خاری شده، تو چشم کور ظالم

نظام جهل و اجبار، با روسای وحشی ۹۳ زندان کرده هر افکار، از بدای تا بخشی

ظالم میگه: "نویسنده، فقط برای ما بلاست" ۹۴ همه رو میده جوخه دار، وگرنه دستش برملاست

روزنامه با انتقاد ۹۵ نویسنده آزاد

به زیست ایرانی و مرز ایران احترام بذار ۹۶ آزاد بگو تو هر سخن، چه فرد، چه روزنامه نگار

آزادی نگار، سخن، عقیده ۹۷ جامعه شفاف بیافریده

کی گفته دین به دین سره؟ ۹۸ دین آزاد یک گوهره!

گر بچه های ابراهیم ۹۹ برادریم، برابریم

نه اصحاق، نه اسماعیل ۱۰۰ نکشتشون جبریل

کسی برادر کشتد ۱۰۱ قاتل و ظالم بود

زرتشتی، کلیمی، بهائی یا مسیحی ۱۰۲ چه شیعه، چه سنی، برابری دینی



- ۱ - محمد یا صلی الله (ص) ۱۰۴ بشکن ظلم آیت الله
- ۲ - أم فاطمه، یا زهرا (ع) ۱۰۵ دختر شده یه کالا
- ۳ - علی امیر المومنین (ع) ۱۰۶ اینم علی مفسدین
- ۴ - حسن یا سید مجتبی (ع) ۱۰۷ نداریم ما صلح و صفا
- ۵ - حسین یا سید شهدا (ع) ۱۰۸ آخوند کرده ما را گدا
- ۶ - علی یا زین العابدین (ع) ۱۰۹ مریضیم از منافقین
- ۷ - محمد یا الباقر (ع) ۱۱۰ رژیم ما نا عاقل
- ۸ - امام جعفر یا صادق (ع) ۱۱۱ هزار دست هست یک سارق
- ۹ - امام موسی یا کاظم (ع) ۱۱۲ ما گشنه، ما پول لازم
- ۱۰ - علی یا امام رضا (ع) ۱۱۳ سفره هامون بدون غذا
- ۱۱ - محمد یا امام جواد (ع) ۱۱۴ ایران دست یه بیسواد
- ۱۲ - علی هادی یا النقی (ع) ۱۱۵ گمراهمون کرد این وقیح
- ۱۳ - امام حسن یا عسکری (ع) ۱۱۶ سربازیمون در بدری
- ۱۴ - مهدی یا امام زمان (ع) ۱۱۷ از دست این ظالم امان

آیین و دین آزاد ۱۱۸ نفاق رو میده بر باد





## سقوط در تحصیلات ۱۱۹ به علت خرافات

- |     |  |     |   |
|-----|--|-----|---|
| ۱۲۰ | فرهنگ ما زیر فشار، کتاب شده آخوند شعار | ۱۲۰ | مدرسه ها زیر رادار، کلاسهای بی در و دیوار |
| ۱۲۱ | خروشی ما نزدیکوار، آخوندا در فکر فرار  | ۱۲۱ | دانشجو از دولت سوال، دستگیری آموزگار      |
| ۱۲۲ | آموزگار الگوی ماست                     | ۱۲۲ | آخوند فقط، زورگوی ماست                    |
| ۱۲۳ | آموزگار یه فرهنگ                       | ۱۲۳ | آخوند فقط، یه نیرنگ                       |
| ۱۲۴ | از آموزگار میترسه                      | ۱۲۴ | آخوند چقدر میلرزه                         |
| ۱۲۵ | آموزگار رها کن                         | ۱۲۵ | آخوند برو حیا کن                          |
| ۱۲۶ | با فرهنگ آموزگار ور افتد               | ۱۲۶ | کسی که با آموزگار در افتد                 |
| ۱۲۷ | تحصیلات رایگان                         | ۱۲۷ | دانشگاه تا دبستان                         |
| ۱۲۸ | تحصیل در هر مکان                       | ۱۲۸ | تنها کار کودکان                           |
| ۱۲۹ | با آموزش محلی                          | ۱۲۹ | عدالت در هر اهلی                          |
| ۱۳۰ | در مدرسه پیشرفته                       | ۱۳۰ | تحصیل در هر هفته                          |
| ۱۳۱ | چنان شوند هم دختر هم پسر شاد           | ۱۳۱ | خواستار ما مدرسه های آزاد                 |
| ۱۳۲ | عرعر این سست مَلاها، خراف بی ارزش میشه | ۱۳۲ | فرهنگ مدرسه آگه تاریخ، علم و ورزش باشه    |

با خراف و تاز کلام، متن کتابها بی وثوق ساخته اسطوره ز فرهنگ آخوندی با دروغ

یک سال خدمت اجتماعی واجب برای دختران و پسران ۱۹ ساله، به عنوان تمرین تعهد و مسئولیت، تمرین مستقل شدن، انتخاب شغل، خدمت به هم میهنان و بازسازی کشور. درصد اندکی میتوانند دلخواه این خدمت را با خدمت نظامی جایگزین کنند.



## شعار خواستار ۷

- سربازیمون پرخاشیه ۱۳۳ جمهوری وقت کُشیه
- سرباز فقط حقیر میشه ۱۳۴ چون فرماندش یک نشیپیشه
- سربازی در جمهوری اسهاله ۱۳۵ ۲ سالتو میندازی سطل زباله
- داداش کاری نداری؟ خدمت اجتماعی! ۱۳۶ خواهر عشوه نخواهی؟ خدمت اجتماعی!

- بازسازی کشور ما ۱۳۷ خدمت بی چون و چرا
- نشان استقلال ما ۱۳۸ خدمت بی چون و چرا
- تصمیم به آینده ما ۱۳۹ خدمت بی چون و چرا
- خوشنودی مردم ما ۱۴۰ خدمت بی چون و چرا
- یک سال فدای خاک ما ۱۴۱ خدمت بی چون و چرا

رسیدگی عادل به جانبازان، معلولین، سالمندان، بازماندگان شهدا، بازنشستگان، مال باختگان و نیازمندان جامعه.



## شعار خواستار ۸

- رژیم سر سپرده ۱۴۲ حق ضعیفو خورده
- شرکتی که ورودی معلولین نداره ۱۴۳ درشو بگیر به گل، واسه ما اون چه فایده داره؟
- حقوق بازنشستگی، یه هفته ای تموم میشه ۱۴۴ باقی ماه گرسنه، خانوادش هم نیم جون میشه
- نه سوریه، نه غزه ۱۴۵ حقوق بازنشسته

- کشورمون رو ثروته ۱۴۶ دلتش مال ملته
- مافیای بانک مرکزی، جیبهارو خالی کرده ۱۴۷ دزدی پول بی دادرسی، همه رو بیچاره کرده
- بنیاد مستضعفین ۱۴۸ ظالم، دروغ و ننگین
- درد به خانواده شهیدان این کشور ۱۴۹ حق همه یکیست ولی، نه کمتره، نه بیشتر

خ ۹ ممنوعیت فروش دخانیات به کودکان، و آزادی فروش الکل به بزرگسالان.



شعار خواستار ۹

۲۱

۶

- فروش دود به کودکان ۱۵۰ ممنوع باد در هر مکان
- آزادی مشروب چیه؟ درآمد توریستیه ۱۵۱ واسه جشن و خوشنودیو، سخترانی طوطیه
- استاندارد مشروب چیه؟ آبجوی توی قوطیه ۱۵۲ جلوگیری از سوتیو، مسمومیت این لوتیه
- استادیوم برید چه دختر، پسر ۱۵۳ آبجو و فوتبال، کنار جیگر
- آزادی مشروب که شد برملا ۱۵۴ میریزیم عرق سگی رو تو مستراح
- با این دو حق، آزادپوشی با آزادی الکل ۱۵۵ چنان توریست ایران بیاد، جیب مردم بشه پر

خ ۱۰ مبارزه با اعتیاد، با سلاح انگیزه و فعالیت.



شعار خواستار ۱۰

۲۲

۷

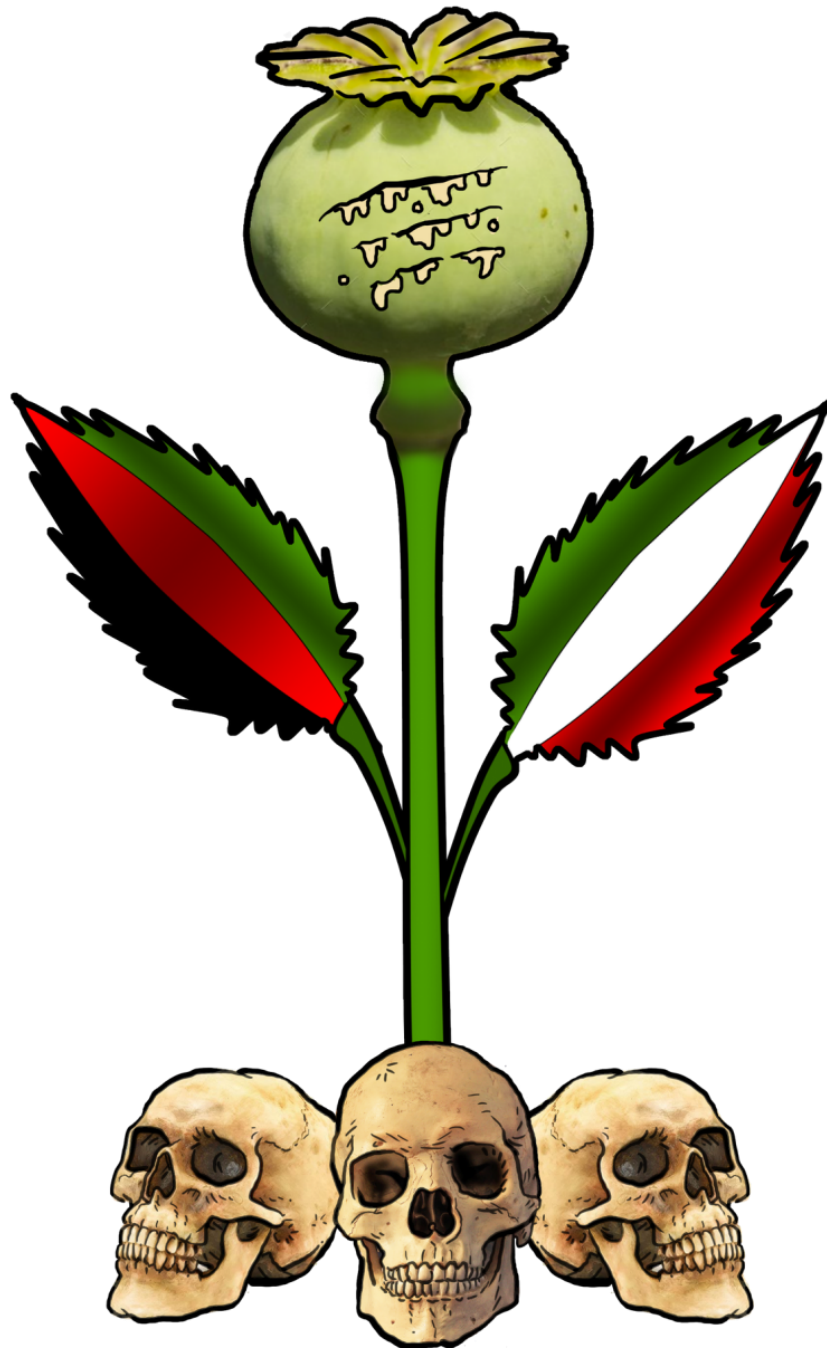
- جوانان در بیگاری، کار هم شده بیگاری ۱۵۶ فرار از بیقراری، معتاد میشن اجباری
- دستگیری معتادین، جارو به زیر فرش ۱۵۷ با انگیره ترک میکنه، اون وقت میدرخشه

نکن خودت را هلاک ۱۵۸ اینقدر نکش تو تریاک

کک، هرویین، تریاک، شیشه ۱۵۹ با اینا ایران پاک همیشه

هدف اگر ورزش باشه ۱۶۰ تنبلی بی ارزش همیشه

کار بدون کمبود باشه ۱۶۱ معتادی هم نابود همیشه



سستی سلاح ضحاکه ۱۶۲ دشمن ایران تریاکه



۲	شعارِ خواستار ۱۱	۲۳
---	------------------	----

کسی بگه که بر تره، یا حقش از ما بیشتره ۱۶۳ خربت از اون نفره، قانون اساسی برتره  
 چه حکام، چه قاضی ۱۶۴ زیرِ قانونِ اساسی

خ ۱۲	هدایتِ ایران به دستِ مردم، یعنی سیاستمدارانِ منتخبِ مردم، با مجلسی از حزبهای مردمی مختلف، و نخست وزیرِ منتخبِ مردم، با حدِ اکثرِ نخست وزیری در ۲ ترم ۴ ساله.
------	--



۱۴	شعارِ خواستار ۱۲	۲۴
----	------------------	----

۵۸ این ظالما یه رای از ما گرفتن ۱۶۵ ۷ رئیس جمهور، ۲ رهبر بعد، هنوز از رو نرفتن  
 این مجمع تشخیص مصلحت بی نظام ۱۶۶ حق مارو میگیره، میریزه توی جیبِ عمام  
 در جامعهٔ جهل و ریا، برای رئیس جمهور شدن ۱۶۷ حذفند دگر آیینگرا، عادل خواهان و کل زن  
 فقط مرد شیعه گرا، ولایتِ فقیه به تن ۱۶۸ یعنی رئیس جمهورشون، نمایندهٔ ۱۰ درصدن  
 ملیجکهای بی وفاء، فقط یه عرعر بلدن ۱۶۹ قدرت که صفر، صحبت جفا، آبدارچی حکومتن  
 وزیر امور خارجشون یه دلالِ اوراچپیه ۱۷۰ رئیس جمهور آبدارچی و رهبرشون قاچاقچیه  
 مقننه، مجریه، قضایه ۱۷۱ قدرت این کشور، دستِ جانیه  
 روحانی تو چه "قندی"، تو فاجعه میخندی؟ ۱۷۲ خود گوزی، خود بخندی، تو آخوند چرندی  
 رئیس قوه مقننه، فالیبافِ قاچاقچیه ۱۷۳ رهبر میگه برام بدزد! دستش تو دستِ مجیه  
 رئیس قوه قضایه، ابراهیم رئیسیه ۱۷۴ قاتل و مزدور کثیف، یه فاسدِ مریضیه



- ایران به دستِ کرگدن، نه تو حقی داری، نه من ۱۷۵ خود بپرَن، خود بدوزن، بین خود انتخاب کنن
- آخوندها دشمنِ وطن، هزاردستها باید برَن ۱۷۶ هدایتِ ایران وطن، به دستِ تو، به دستِ من
- نه شورای نگهبان، نه مجلسِ خبرگان ۱۷۷ مردم رهبرِ ایران، در مجلسِ کاویان
- پایانِ ظلم و ویران، اصلاحِ نه، رفراندوم ۱۷۸ مردم برای ایران، ایران برای مردم

خ ۱۳

ارتشِ حرفه‌ای و قوی برای مرزبانی از خاکِ مقدس ایران، و نابودیِ کامل فساد و رشوه در دستگاه حکومت، و تبدیلِ این دستگاه، به دستگاهِ منطقی، پیشرفته، شفاف و عادل که خدمتگذارِ مردم باشد.



۲۰

شعارِ خواستارِ ۱۳

۲۰

- سر لشگرِ جنگ و دود، قاسم سلیمانی بود ۱۷۹ یه خون خوارِ عالی بود، یه طبلِ تو خالی بود
- دو نوع ستادِ لشگری؟ سپاهی تو یا افسری؟ ۱۸۰ یه قدرتِ دو لشگری، هرگز ندیده کشوری
- در ایرانِ آینده، قدرتِ یگانه منده ۱۸۱ سپاه نامِ بازنده، ارتشمان پاینده
- حمایت از هر دهی، از هر قوم و فرقه ای ۱۸۲ حفاظتِ جبهه ای، با ارتشِ حرفه ای
- تفکرِ تجزیه، گمراهیِ مغزیه ۱۸۳ اون که به این فرضیه، یه مزدورِ مرزیه
- درودِ ما بی امان، ایرج زمینِ شیران ۱۸۴ ما مردمِ نگهبان، جانم فدای ایران
- کسی به ایران چشمِ بد بدوزد ۱۸۵ با قدرتِ ارتشمان بسوزد
- 
- تا نشه نابود این فساد ۱۸۶ زندگیمون میمونه کساد
- خواهر نکن! رشوه نگیر! نکن تو ایرانی اسیر! ۱۸۷ داداش نکن! رشوه نگیر! تو دستِ ایرانی بگیر!
- اقتصادِ کمر شکن ۱۸۸ دلار شده خدا تومن
- شرکتهای مافیا ۱۸۹ ایران خودرو و سایپا
- سیمتهای تعجبی ۱۹۰ مدارکِ تقلبی
- از دکتر تا علامه ۱۹۱ رشوه واسه کارنامه

- سِمَتِ که شد نُقل و نبات، مُعجزه همیشه واللّه ۱۹۲ شب حُجتِ الاسلامی، صبحِ میثی آیت اللّه
- شیرینی نخواه، بد عادتہ، میثی تو شیخِ شکر ۱۹۳ رژیمِ که سرنگون بشہ، شکر میثہ دردِ سر
- شیرینی خوری غذایِ کرمِ دندونہ ۱۹۴ عاقبتِ شیرینی خورها تو زندونہ

- حسابِ بیتِ رهبری، مثل حسابِ صدِ عمام ۱۹۵ ستادِ اجراییِ فرماناتِ غارتِ عمام
- جامعہٴ مُصطفیٰ، آستانِ قُدسِ رضوی ۱۹۶ یه مُشتِ دزدِ بی وفا، اهلِ ولایتِ فقیہ
- حوزهٴ دزدِ علمیه، به ریش ما میخندہ؟ ۱۹۷ ایرانِ مردمِ که اومد، درِ حوزه را میبندہ!
- حوزهٴ دزدِ آخوند، ترورِ پرور و لمپن ۱۹۸ تمامِ حوزه های آخوند را کنیم حوضِ عن



خ ۱۴ پایانِ مهریه و جهیزیه برای زوج‌های آینده، در قبالِ تامینِ اقتصادیِ فردی از سوی دولت.



۲	شعارِ خواستار ۱۴	۲۶
---	------------------	----

- جهیزیه، مهریه، باعثِ بدبختیه ۱۹۹ علاقهٴ شخصیہ، باعثِ خوشبختیه
- ازدواجِ علاقه ای به ملت ۲۰۰ با تامینِ اقتصادی از دولت

خ ۱۵ حقوقِ یکسان و عادل برای بهبود و پیشرفتِ فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادیِ هر ۳۱ استانِ ایران.



۱۶	شعارِ خواستار ۱۵	۲۷
----	------------------	----

- رضایت در هر مکان، آرزویِ یک استان ۲۰۱ رضایتِ هر استان، هست آرزویِ ایران
- تقسیمِ پول در تهران، عادل برِ هر استان ۲۰۲ میخوایم حقوقِ یکسان، بهرِ تمامِ ایران
- پیشرفت در هر استان، ثروتِ بود به ایران ۲۰۳ آبادیِ هر استان، کندِ ایرانِ گلستان

- کُمک به زیستِ بهتر ۲۰۴ اول روستا، بعدش شهر
- شهرداری با اصول ۲۰۵ چه اندیشک، چه دزفول
- دسترسی هر کی، تو هر ولایت ۲۰۶ به اینترنتِ بی فیلترِ پُر سرعت
- 
- آب به آبخانه روان ۲۰۷ تو هر روستا، تو هر مکان
- برق در منزلمان ۲۰۸ تو هر روستا، تو هر مکان
- میخواهیم طبیبِ رایگان ۲۰۹ تو هر روستا، تو هر مکان
- لباس واسه ایرانیان ۲۱۰ تو هر روستا، تو هر مکان
- مدرسه های کودکان ۲۱۱ تو هر روستا، تو هر مکان
- جاده های امن و امان ۲۱۲ تو هر روستا، تو هر مکان
- کشاورزی جاودان ۲۱۳ تو هر روستا، تو هر مکان
- صنعت و علمِ نو زمان ۲۱۴ تو هر روستا، تو هر مکان
- آبادیِ کشورمان ۲۱۵ تو هر روستا، تو هر مکان
- خوشنودیِ ایرانیان ۲۱۶ تو هر روستا، تو هر مکان

۱۶ خ احترام و ارجمندی به خاک، طبیعت، محیط زیست و وحشِ ایران، با آبیاریِ ملی، دریاچه سازیِ ملی و جنگل سازیِ ملی.



۲۷

شعارِ خواستار ۱۶

۲۸

- رژیم به دست بیسواد ۲۱۷ طبیعتِ ایران به باد
- برج که شد به جای باغ ۲۱۸ سریشِت همیشه بد نُقره داغ
- فروشِ آب، معدن و خاک ۲۱۹ جیبِ هزاردستِ ناپاک
- سریشِتِ ما زیرِ ستم، ایران زمین در سوگ و غم ۲۲۰ ۸۵ میلیون آدم، تعدادِ یوز از صد به کم



با جاهلی بَبر و شیرو به باد دادیم	۲۲۱	با عاقلی باید یوزو نجات بدیم
جواز شکار زیر میزیه	۲۲۲	خجالت هم خوب چیزیه
کسی که وحش- حیوان بیجان کند	۲۲۳	قاتل و بس دشمنِ ایران بود
جاده ها بی امن و امان	۲۲۴	تصادف با یه بی زبان
آب به باغ سرا روان	۲۲۵	حیواناتِ تشنه دهان

در این رژیم، بارون که میاد از هوا	۲۲۶	به جای نعمت، میشه آب: سیل و بلا
فردوسی گفت ۱۰۱۰ سال پیش، چه ناز:	۲۲۷	”جای که ازش آب رد میشه، خونه نسااز“
ولی هزاردستها یه مُشت کَرگَدَن	۲۲۸	با فکرِ میمون، اندر انسان بَدَن
آخوند میگه: ”بساز اگه سیل هم بیاد	۲۲۹	یه مُشت خاکِ امام بریز، سیل بند میاد“

هر کی محیطِ زیستی بود، آخوند بگردش سر به نیست	۲۳۰	حالا تو سیل و فاجعه، واسه کمک هیچ کسی نیست
آخوند تو فکرِ غارته، فکرِ محیطِ زیست که نیست	۲۳۱	حفاظت از محیطِ زیست، پس عهده کدوم کسیست؟
حفاظت از طبیعت، نشانِ احترام است	۲۳۲	حتی یک سگِ ولگرد، می ارزد به هزاردست

ارومیه که خالیه	۲۳۳	بازگشتِ آبِ عالیه
جازموریان که خالیه	۲۳۴	بازگشتِ آبِ عالیه
کویرِ لوت که خالیه	۲۳۵	دریاچه سازی عالیه
دشتِ کویر که خالیه	۲۳۶	دریاچه سازی عالیه



آبیاری ایران به دست بگیرین	۲۳۷	پالایشگاهِ تصفیه آبِ شیرین
تصفیه آب تو بندرِ هرمزگان	۲۳۸	دریاچه تو بلوچستان و کرمان
لوت، ارومیه، کویر، جازموزیان	۲۳۹	دریاچه سازی وسیع، ایرانیان
آب به مزرعه روان	۲۴۰	بلوچستان تا خوزستان
آب به دریاچه روان	۲۴۱	دریاچه جازموریان



چو کندی تو درختی با یه تیشه	۲۴۲	بکاری ۲ نهال به خاک به ریشه
جمهوری جهل و ریا، واسه طبیعت آنگله	۲۴۳	نجاتِ اقلیمی ما، با کاشت و ساختِ جنگله





۱۰	شعارِ خواستار ۱۷	۲۹
----	------------------	----

فرهنگ ایران: تاج، دین و پیشرفت ۲۴۴ هر حاکم مُنکر، فنا به نیش رفت

حاکم شاهی و یا حاکم امامت ۲۴۵ خیانت است به ایران و به ملت

هر کی به سر گذاشت تاج یا عمامه ۲۴۶ یعنی نفوذِ سیاسیست تمامه

فرهنگ شاهی و یا فرهنگ امامت ۲۴۷ دور از قدرت، دور از هر نوع سیاست

فرهنگشاهان بدانند: تاریخ، قانون نخوانیم ۲۴۸ ما قانون اساسی، گوشِ تاریخ بخوانیم

فرهنگشایخان بدانند: آیین، قانون نخوانیم ۲۴۹ ما قانون اساسی، گوشِ آیین بخوانیم

فرهنگشاهان و شایخان! ظلم است به ما یک نیرنگ ۲۵۰ شکستِ ظلم به دست مردم است به ما یک فرهنگ

فرهنگ شاهی و یا فرهنگ امامت ۲۵۱ خدمت کند به ایران و به ملت

تنها کار فرهنگی این دو فرد ۲۵۲ پندِ فرهنگ ایرانی با خرد

فرهنگشاه و فرهنگشایخ صمیمی ۲۵۳ هم پای فرهنگشیر علی کریمی

صلح، گفتگو، روابط و تجارت با تمام کشورهای آزاد جهان. خواستار تغییر رفتار مقابل دیگر کشورهای جهان. خواستار تبدیل ایران در آینده به کشور آزاد تجاری و توریستی در خاور میانه.



۱۷	شعارِ خواستار ۱۸	۳۰
----	------------------	----

مدیریت آخوند، سیستمِ ورشکسته ۲۵۴ کافیه این سیستم را به "دشمن" بفرسته

سیستم "دشمن"، یه ماهه سرنگونه، بی شک ۲۵۵ اون وقت دیگه نیازی نیست به فشفشه یا موشک

جنگ و ستیز با دنیا، علامتِ وقار نیست ۲۵۶ بالا رفتن از دیوارِ سفارت، افتخار نیست

- جنگ و ستیز با دنیا، تحریم تاز میاره ۲۵۷ دوستی ما با دنیا ترمیم ناز میاره
- نه جنگ میخوایم، نه ویران ۲۵۸ دوستی برای ایران
- توریستهای آزاد جهان، پول خرج کن و پُر برکتن ۲۵۹ نه مثل دین توریستها که خَسِیس های در غُرَبَتَن
- افغانیها برادرَن، همیار ما ایرانیان ۲۶۰ هزاردستها سَتَمگرن، دشمنِ جونِ کاویان

- ما ایرانیا مهربون، مهمان نوازیمون سره ۲۶۱ هر وقت بیای قدم رو چشم، سوغاتیمون یادت نره
- سفر به ایران قشنگِ ما، حقِ هر نفره ۲۶۲ ایران بیای، پول خرج کن، اینجوری خیلی بهتره
- هم کوه داریم، هم صحرا، هم دریا و هم جنگل ۲۶۳ ایران تمام دنیاست، خلاصه در یک کشور
- میهن ما یک گنج است، ایرج زمین شیران ۲۶۴ تو شهروندِ این جهان، خوش آمدی به ایران

- اقتصاد رقابتی برات مزایا داره ۲۶۵ اقتصاد انحصاری پَدَرَتو در میاره
- آزادی تجارت ۲۶۶ با مالیات به دولت
- خرید جنس ایرانی، خوبه میهن پرستیه ۲۶۷ کمک به هم میهن و پول از این جیب به اون جیبیه
- خرید جنس میهن ۲۶۸ آباد کند این وطن

- شرکت که از خارج بیاد، برای ما مشکلی نیست ۲۶۹ باید تمیز کار بکنه، مَرَاعَاتِ محیطِ زیست
- ایرانی استخدام کنه، بهش میدیم نمره ۲۰ ۲۷۰ اگر استخدام نکنه، میگیم: برو! جات اینجا نیست!

خ ۱۹ به خاک سپاری افسانه بمب اتم، ولی خواستار و محتاج به تولید برق بینهایت، برای بازسازی ایران، با انرژی "بهخا" (بادی، هسته ای، خورشیدی، آبی)، که به تدریج جایگزین انرژی آلوده فسیلی شود.



### شعار خواستار ۱۹

۳۱

- انرژی بهخا به سود ۲۷۱ انرژی نفت به دود
- آبادی ایران در هر ولایت ۲۷۲ با تولید برقی بینهایت
- بمب اتم خریته ۲۷۳ انرژی حق ملته



پاکسازی هوایی ۲۷۴ با برق باد و آبی

تولید برق به‌خا، عملکرد به اصول ماست ۲۷۵ سوزش نفت آلوده، دلیل بر نزول ماست

علم، صنعت و کشاورزی پیشرفته، به عنوان اقتصاد اول کشور. حرکت به سوی استقلال اقتصادی کامل از نفت، در ۳۰ سال آینده، و استفاده از پول نفت، تنها برای بازسازی ایران، و سرمایه‌گذاری در "پوشناز" (پس انداز واجب شخصی نفت از زادرز). ۲۰



۲۴

شعار خواستار ۲۰

۳۲

هر جا خرد پیش رفته ۲۷۶ آخوندیت پس رفته

با علم و دانش و اصول منطقی ۲۷۷ نابود شود بیت ولایت فقیه

کشاورزی و صنعت ۲۷۸ فقط به نفع ملت

وارداتی کم صرف کن ۲۷۹ جنس خودی مصرف کن

ثروتمون به غارته ۲۸۰ نفت باعث این وحشته

دولتمون در خفته ۲۸۱ نفت باعث این وحشته

خشکسالی با سرعته ۲۸۲ نفت باعث این وحشته

تجاوز به طبیعت ۲۸۳ نفت باعث این وحشته

فرار علم و صنعت ۲۸۴ نفت باعث این وحشته

کشور بی امنیته ۲۸۵ نفت باعث این وحشته

قتل و ترور در غربته ۲۸۶ نفت باعث این وحشته

یه ملت زیر ذلته ۲۸۷ نفت باعث این وحشته

رژیم بی شخصیت ۲۸۸ نفت باعث این وحشته



نماد نفت حراجی آخوندی

نه جهل و نفت سوزان ۲۸۹ خرد و نفت سازان

- نفت واسه ما یک ثروته ۲۹۰ پوشناز حقِ ملتّه
- نفت واسه علم و صنّعتّه ۲۹۱ پوشناز حقِ ملتّه
- نفت واسه عدالتّه ۲۹۲ پوشناز حقِ ملتّه
- نفت واسه تجارته ۲۹۳ پوشناز حقِ ملتّه
- بازسازی مملکتّه ۲۹۴ پوشناز حقِ ملتّه
- درسِ آدب به دولتّه ۲۹۵ پوشناز حقِ ملتّه
- عرضِ آدب به ملتّه ۲۹۶ پوشناز حقِ ملتّه
- نفتِ ایرانِ غنیمته ۲۹۷ پوشناز حقِ ملتّه



بنزینِ ارزون، خودش مادرِ هر چی دوده ۲۹۸ قیمتِ میزونِ روز، باعثِ کلی سوده

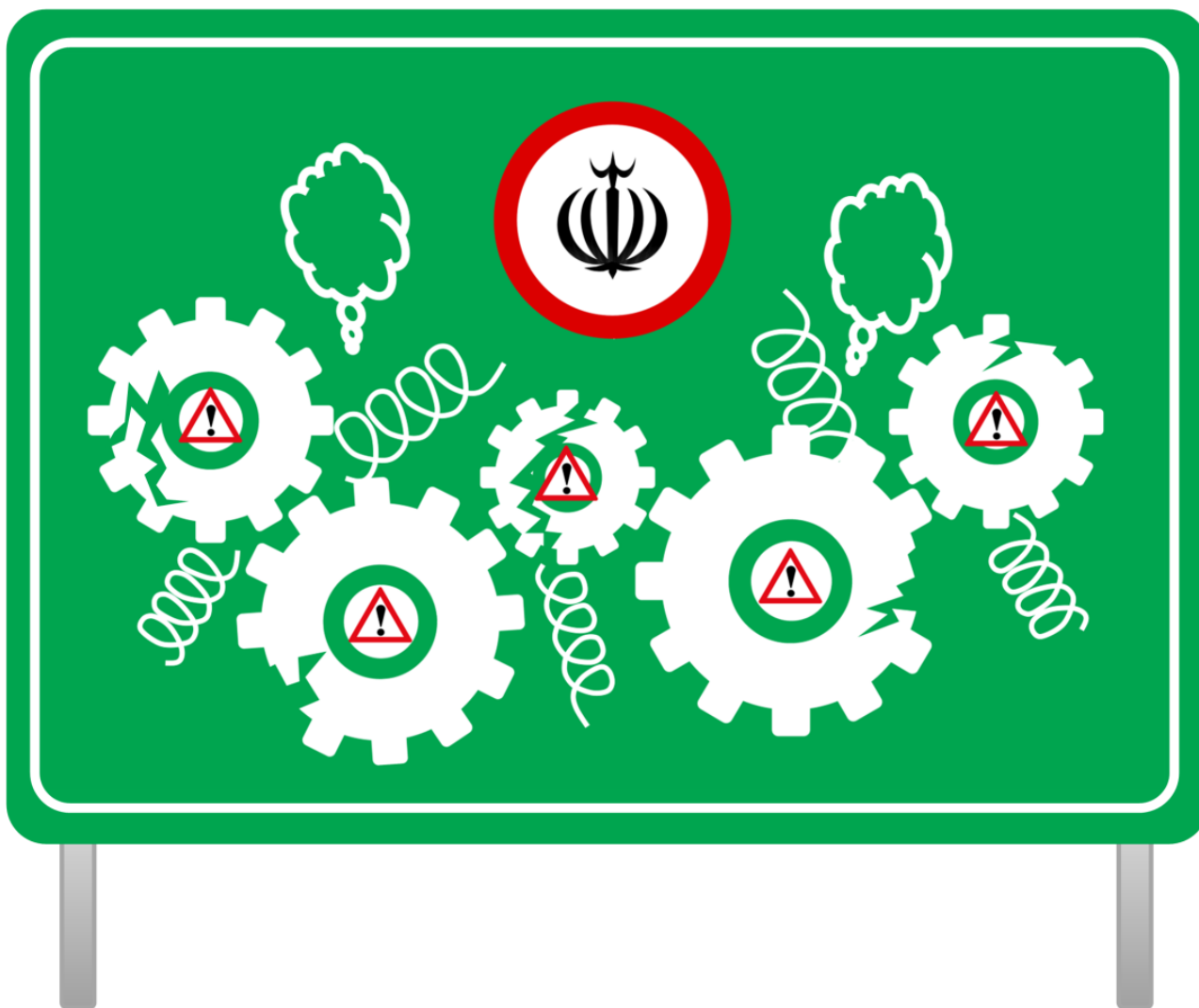
ما سودِ بنزینِ را میخوایم ۲۹۹ ما دودِ بنزینِ نمیخوایم

۱	بهشتِ با ۲۰ خواستار	۲۳
---	---------------------	----



ایرانِ مردمِ واسمون ۲۰ خواستارِ نوشته ۲۰۰ امروزِ عملِ کنیم ۴۰ سالِ دیگه، ایرانِ بهشته

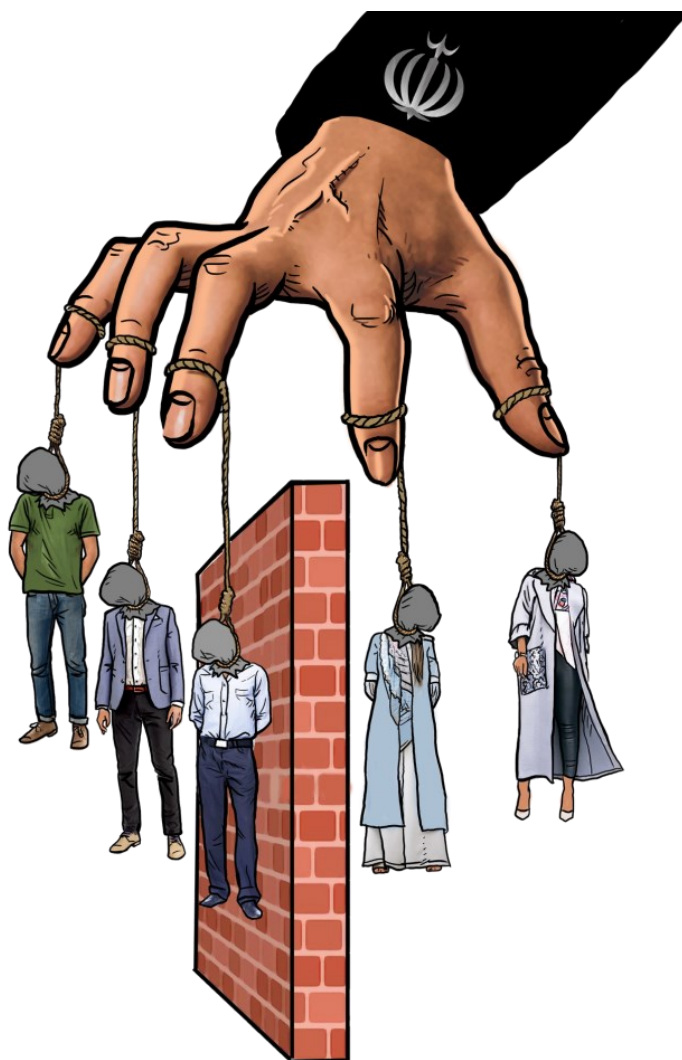
۵ مشکل اساسی رژیم جمهوری اسلامی که این رژیم را مجبور به رفتن میکند:



- ۱ رژیم قاتل و دروغ مند
- ۲ رژیم سرتق و خودسر
- ۳ رژیم بی اعتنا و نا مسئول
- ۴ رژیم فاسد و ظالم
- ۵ رژیم غارتگر و جاهل

رژیم قاتل و دروغ‌مند جمهوری اسلامی با دروغ، کشتار، حق‌خوری و ریا‌آغاز شد، و هنوز ادامه دارد. برای همین این رژیم باطل است و باید برود.

- ۲۰۱ در زمان انقلاب وحشی ۵۷ یک شغال، در قلب مردم با ریا و حيله رفت
- ۲۰۲ او په شیخ عقده ای، با حرف وحدت در دهان با ریا آتش کشید سینما رکس آبادان
- ۲۰۳ او که قول مستقل جمهوری آزادی داد وقتی بر قدرت رسید، بر قول خود، جا خالی داد



- ۲۰۴ او چنین گفت: "انتخاب هر نفر دست خود است" حق ما را حق سوسک دید، و نشان داد خود بُت است
- ۲۰۵ کشت و کشار عقیده، هر سخن یا هر نگار هم درون خاک ایران، هم در آن غربت دیار
- ۲۰۶ پس کسی که با ریا و قتل بر قدرت نشست او رژیمش باطل و حکومتش در به در است

مشکل ۲ رژیم جمهوری اسلامی:

رژیم سرتق و خودسر جمهوری اسلامی، سازمانی سرتق و خودسر بدون دخالت مردم دارد.

برای همین این رژیم باطل است و باید برود.

۸	<b>رژیم سرتق و خودسر</b>	۳۵
---	--------------------------	----

- این رژیم جهل و ذلت، ساخته است بد روزگار ۳۰۷ ساخته است دیواری در جامعه دار و ندار
- قسمتی آن سوی دیوار، در رفاه ضحاکیان ۳۰۸ مردم ما پشت دیوار، بینوایند کاویان
- جالب است ضحاکیان ۱۰۰۱ سر نقرند ۳۰۹ اما قوم کاویان ۸۰ میلیون بیشترند
- شیخ ضحاک، خود خدا بیند، در هر نوع انتخاب ۳۱۰ حق هر کاوه خورد، او در نقاب انقلاب
- حق انتخاب ما، رئیس جمهور دولت است ۳۱۱ که سوپاپ شیخ، و یک آبدارچی بی قدرت است



- پشت پرده، شیخ ضحاک دولتی دارد به پا ۳۱۲ دولت هزار دست آخوندی و رئیس سپاه
- قدرت ایران به دست کرگدن، گاو و الاغ ۳۱۳ حق ما زندگی سوسکی، وگرنه خون دماغ
- پس کسی که خود پرستید و حق مردم شکست ۳۱۴ او رژیمش باطل و حکومتش در به در است



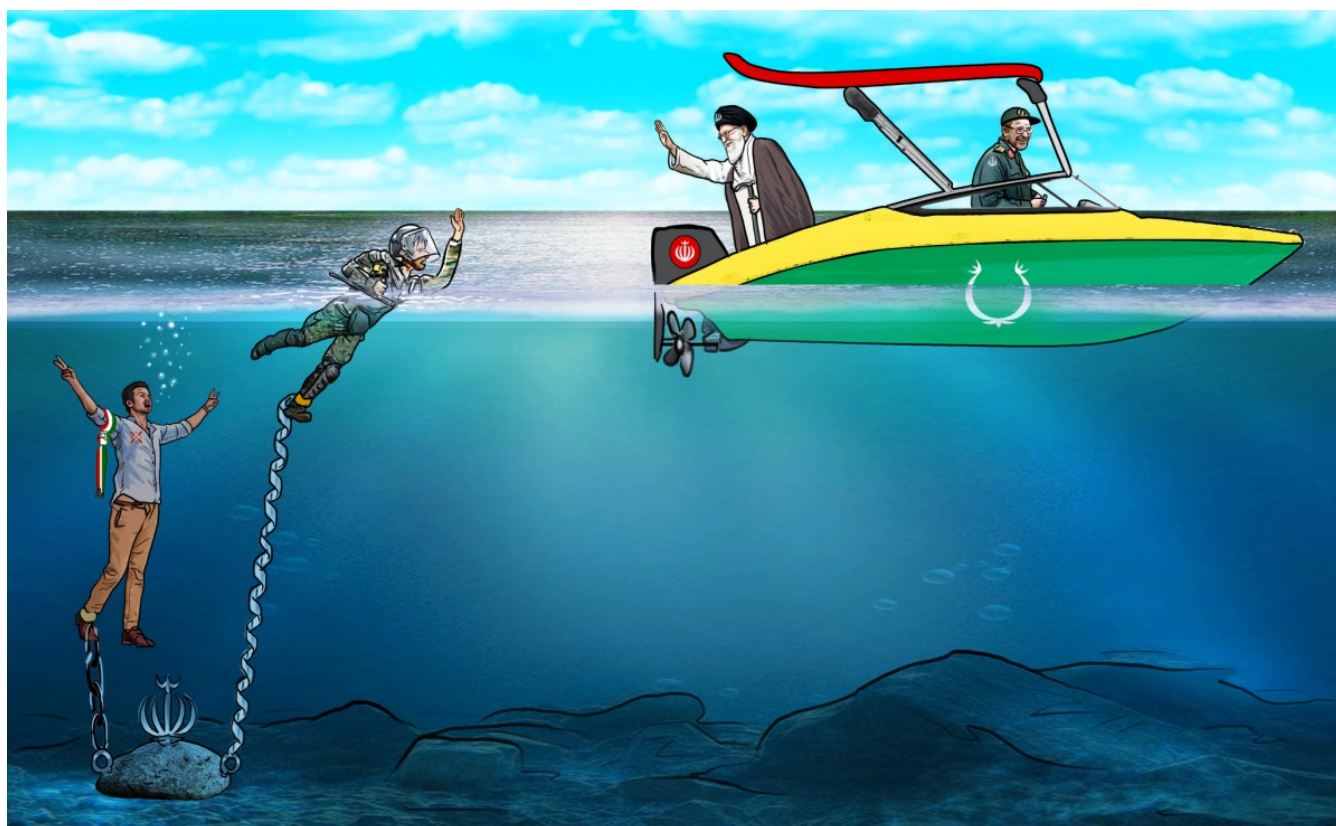
مشکل ۳ رژیم جمهوری اسلامی:

رژیم بی اعتنا و نا مسئول جمهوری اسلامی، به هیچ کدام از نیاز مردم پاسخگو نیست.

برای همین این رژیم باطل است و باید برود.

۹	رژیم بی اعتنا و نا مسئول	۳۶
---	--------------------------	----

- در کشورهای عدالت، خدمت مردم به پاست ۲۱۰ دولت کشور، فراهم میکند، هر نوع نیاز
- از نیاز جسمی تا فردی، و شهروندی و هوش ۲۱۶ هیچ فراهم نکنند ضحاکیان مار به دوش
- نداریم آب، نداریم نون، نباشیم در امنیت ۲۱۷ چه رسد به کار، آزادی و یا خلّاقیت
- یک فشار زندگی بر کاویان بر پا بود ۲۱۸ که زمان فکر و پرسش به حال خود نبود
- وقتی این رژیم اومد، مردم داشتند کت شلوار ۲۱۹ اما اکنون، کبَد و کُلیه فروشنده تو بازار
- شیخ ضحاک کرده حقوق کار را پایگیر ۲۲۰ به میلیون مست کش بسته، به میهن پرست زنجیر



- بر سر سیل تورم، شیخ ندارد باکی ۲۲۱ او شناور روی سیل، در کشتی ضحاک
- کش میلیون مست، به او اجازه شنا دهد ۲۲۲ اما هر میهن پرست، در طغیان فنا شود
- پس کسی که به نیاز ایرانیان زنجیر بست ۲۲۳ او رژیمش باطل و حکومتش در به در است

رژیم فاسد و ظالم جمهوری اسلامی، ما را مجبور به ظلم و فساد کرده، و فرهنگ و اقتصاد ما را به پُسرقتگی به دوران دایناسورها، تبدیل کرده است. برای همین این رژیم باطل است و باید برود.

۱۸	رژیم فاسد و ظالم	۳۷
----	------------------	----

- ۳۲۴ قوم ضحاکیان از باستان ما بدش میاد دوست داره پاک بکنه، هر چی که هست ایران نژاد
- ۳۲۰ هر چه بود آثار باستانی، آخوند به باد داده حتی آرامگاه کاوه، شده یک امام زاده
- ۳۲۶ منع نام، فرهنگ به دام، کتابهای ملا کلام انگار ایرانی نبود، پیش از ترکمون عمام
- ۳۲۷ خیلی زود به دنیا فهموندن که نیستند دلسوز ۸ سال جنگ، گروگان گیر ۴۴۴ روز



- ۳۲۸ در کشورهای عدالت، بس بگویند: "وقت طلاست" در رژیم جهل و سُستی، وقت کُشی رمزِ بلاست
- ۳۲۹ هر الاغی ۶ دقیقه وقت ۱۰ نفر بگُشت در حقیقت ۶۰ دقیقه وقت پُر نمر بگُشت
- ۳۳۰ چه و چند سالی ما وقت کُشتیم در این رژیم آگه ما وقت کُشی ایرانیان جمع بزنیم
- ۳۳۱ ما به پُسرقت ۹۰ میلیون ساله میرسیم بر میگردیم به زمان دایناسورهای و خیم

- ۴۰ سال رانندگی تو جاده منحرف خطاست ۳۳۲ دور بزن که ۴۰ ساله ما دور شدیم ز راه راست
- خوبی "دیر تصمیم" از "هیچ تصمیم" واضح است ۳۳۳ ماهی را هر وقت ز آب گیری، بدان که تازه است



مدیر خوشخوین و سگ پاچه گیر

- یک دکان مرغوبی داشت، کارمندان دلیر ۳۳۴ اما داشت مدیری بد خلق، و مثل سگ، پاچه گیر
- این دکان داشت در هر غرفه یک جنس بهتری ۳۳۵ اما این مدیر بد، ترسونده هر چی مشتری
- دم ورشکستگی، هر چی کالا، نیم قیمت ۳۳۶ مدیر ننگین رفت، جاش مدیر خوشخوین آمد
- با مرام خوش نوایی، این مدیر کرد انقلاب ۳۳۷ باز دکان پر مشتری، پول جیب کارمندان ناب
- با جدال شیخ با دیگران، تحریم مشکل میشه ۳۳۸ مشکل که رسید به ما، عدالت هم پیشکل میشه
- چون که قوم کاویان، گمراه و در ۲ قسمت است ۳۳۹ بخش میلیون مست، زند چماق سر میهن پرست
- وقتی حرف ضحاک است: تهدید، جنگ و گرگوری ۳۴۰ کاویان مجبور میشند به ظلم، ریا و لاشخوری
- پس کسی که فرهنگ ایرانیان به جوخه بست ۳۴۱ او رژیمش باطل و حکومتش در به در است

فرهنگ ما رفته به باد  
فرهنگ ما تاریک و کور  
شیخ آیت الله، بی سواد  
شیخ آیت الله، بی شعور

مشکل ۵ رژیم جمهوری اسلامی:

رژیم غارتگر و جاهل جمهوری اسلامی، نفت، طبیعت، معدن، آب و خاک ما را طوری غارت کرده که ایران در ۳۰ - ۴۰ سال آینده تبدیل به صحرای غیر مسکونی شده، و باعث کوچ بیش از ۱۰۰ میلیون ایرانی میشود. برای همین این رژیم باطل است و باید برود.

۱۰	رژیم غارتگر و جاهل	۳۸
----	--------------------	----

- در کشورهای عدالت، رهبرند با منطقان ۳۴۲ نفتشان ثروت بود، پس نفتشان هست سازان
- در کشورهای حماقت، رهبرند پالون دوزان ۳۴۳ نفتشان ذلت بود، پس نفتشان هست سوزان
- نفت ما سوزان است، به دست لات ملایی ۳۴۴ مثل یک برگ برنده بلیط بخت آزمایی
- جای سرمایه گذاری رو نیاز کاویان ۳۴۵ پولو خرج جهل و ذلت میکند، شیخ بی گمان
- ثروت نفتی ما، نیست چیز همیشگی ۳۴۶ اگه نفت تموم بشه، چطور کنیم ما زندگی؟
- غارت سریشست و آب و خاک و معدن از رژیم ۳۴۷ مصرف بی رویه، بدون وقت ترمیم
- گربه ایران ما ۴۰ سال پیش گوشتالو بود ۳۴۸ اما اکنون نیمه جون، عنقریب هست او نابود



مُجی گُجی آخوند،  
دشمن سریشست، جان و مال  
ایران، ایرانی و ایرانیّت



- اگه ما طبیعت ایرانو این طور پوچ کنیم ۳۴۹ ۳۰ - ۴۰ سال دیگه، باید از ایران کوچ کنیم
- قحطی و خشکی کند ایرانو صحرای عظیم ۳۵۰ تقصیر ماست این خیانت، پس ما از پست، پست ترمیم
- پس کسی که غارت طبیعت را گرفت به دست ۳۵۱ او رژیمش باطل و حکومتش در به در است

رژیم جمهوری اسلامی هیچ کدام از ۲۰ خواستار ایران مردم را فراهم نمیکنند. برای همین این رژیم باطل است و باید برود.

۱۷	کارنامه جمهوری اسلامی	۳۹
----	-----------------------	----

- بیا ما نگاه کنیم به لیست این خواستار ۲۰ ۳۵۲ بینیم رژیم ضحاک آیا اصلاح شدنیست؟
- ۲۰- آیا ما پس انداز پوشناز داریم؟ که خیر ۳۵۳ ۱۹- آیا ما انرژی بهزا را داریم؟ که خیر
- ۱۸- آیا ما تجارت گلرنگ داریم؟ که خیر ۳۵۴ ۱۷- آیا ما احترام به فرهنگ داریم؟ که خیر
- ۱۶- آیا ما آبادی و گلستان داریم؟ که خیر ۳۵۵ ۱۵- آیا ما پیشرفت در هر استان داریم؟ که خیر
- ۱۴- آیا ما عروس بی مهریه داریم؟ که خیر ۳۵۶ ۱۳- آیا ما نگهبان ایران پاکیم؟ که خیر
- ۱۲- آیا ما کشورمان دست مردم است؟ که خیر ۳۵۷ ۱۱- آیا ما قانونمان بر همگان است؟ که خیر
- ۱۰- آیا ما به اعتیاد جواب داریم؟ که خیر ۳۵۸ ۹- آیا ما آزادی شراب داریم؟ که خیر
- ۸- آیا ما کمک نیازمندی داریم؟ که خیر ۳۵۹ ۷- آیا ما خدمت اجتماعی داریم؟ که خیر
- ۶- آیا ما مدرسه نوینی داریم؟ که خیر ۳۶۰ ۵- آیا ما آزادی هر دینی داریم؟ که خیر
- ۵- آیا ما آزادی چالشی داریم؟ که خیر ۳۶۱ ۵- آیا ما آزادی پوششی داریم؟ که خیر
- ۴- آیا ما دکتر، دوا، یا دارو داریم؟ که خیر ۳۶۲ ۴- آیا ما حق به برق و نیرو داریم؟ که خیر
- ۴- آیا ما به راه امن دسترسی داریم؟ که خیر ۳۶۳ ۳- آیا ما عدالت به هر جنسی داریم؟ که خیر
- ۳- آیا ما در این زمان، منزلی داریم؟ که خیر ۳۶۴ ۳- آیا ما کار و حقوق کاری داریم؟ که خیر
- ۲- آیا ما امنیت زیستن داریم؟ که خیر ۳۶۵ ۱- آیا ما حق لباس داشتن داریم؟ که خیر
- ۱- آیا ما حتی حق خوراکی داریم؟ که خیر ۳۶۶ ۱- آیا ما آب یا هوای پاکی داریم؟ که خیر



- ۳۶۷ پس شما ضحاکیان چطور از رو نمیروید؟  
 ۳۶۸ پس شما ضحاکیان چطور از رو نمیروید؟  
 ۳۶۷ ظلمتان این همه سال، حق از گلوی ما برید  
 ۳۶۸ حتی یک خواستار از این ۲۰ را رفع نمیکنید پس برید، نخواستیم ما، گورتان را گم بکنید!



رژیم الاغ الدوله رهبرِ خرِ پرورِ فرسودگان



ما می‌گیم: رژیمِ این ضحاکیان در به در است ۳۶۹ بچه‌ها بنویسید: شیخ آیت الله خر است!

خَرّی واللّٰه ۳۷۰ آیت الله، عَرَعَرُ اللّٰه

ما می‌گیم: تَشْنَمُونَه ۳۷۱ آب به عراق رَوْن همیشه

ما می‌گیم: گُشْنَمُونَه ۳۷۲ یَمَن پُر از تافتون همیشه

ما می‌گیم: سَقْف نداریم ۳۷۳ فلسطین در رفاه همیشه

ما می‌گیم: پُول نداریم ۳۷۴ لبنان پُر سلاح همیشه

ما می‌گیم: کار نداریم ۳۷۵ موشکها شون هوا همیشه

ما می‌گیم: نون نداریم ۳۷۶ گُنَبْدَشون طلا همیشه

ما می‌گیم: فَرَق نداریم ۳۷۷ با ظلم ما رو کور می‌کنند

ما می‌گیم: بَرَق نداریم ۳۷۸ با سَد، اَبو شور می‌کنند

ما می‌گیم: کُنْدابِ پارس ۳۷۹ ماهیشو چین میدوشه

ما می‌گیم: ایرانِ ماس ۳۸۰ این خر، گیلماز می‌فروشه

ما می‌گیم شیخ نمی‌خواهیم ۳۸۱ رئیس جمهور عوض همیشه

ما می‌گیم: خر نمی‌خواهیم ۳۸۲ پالونِ خر عوض همیشه

نه خر می‌خواهیم، نه پالون ۳۸۳ لعنت به شیخ حیون

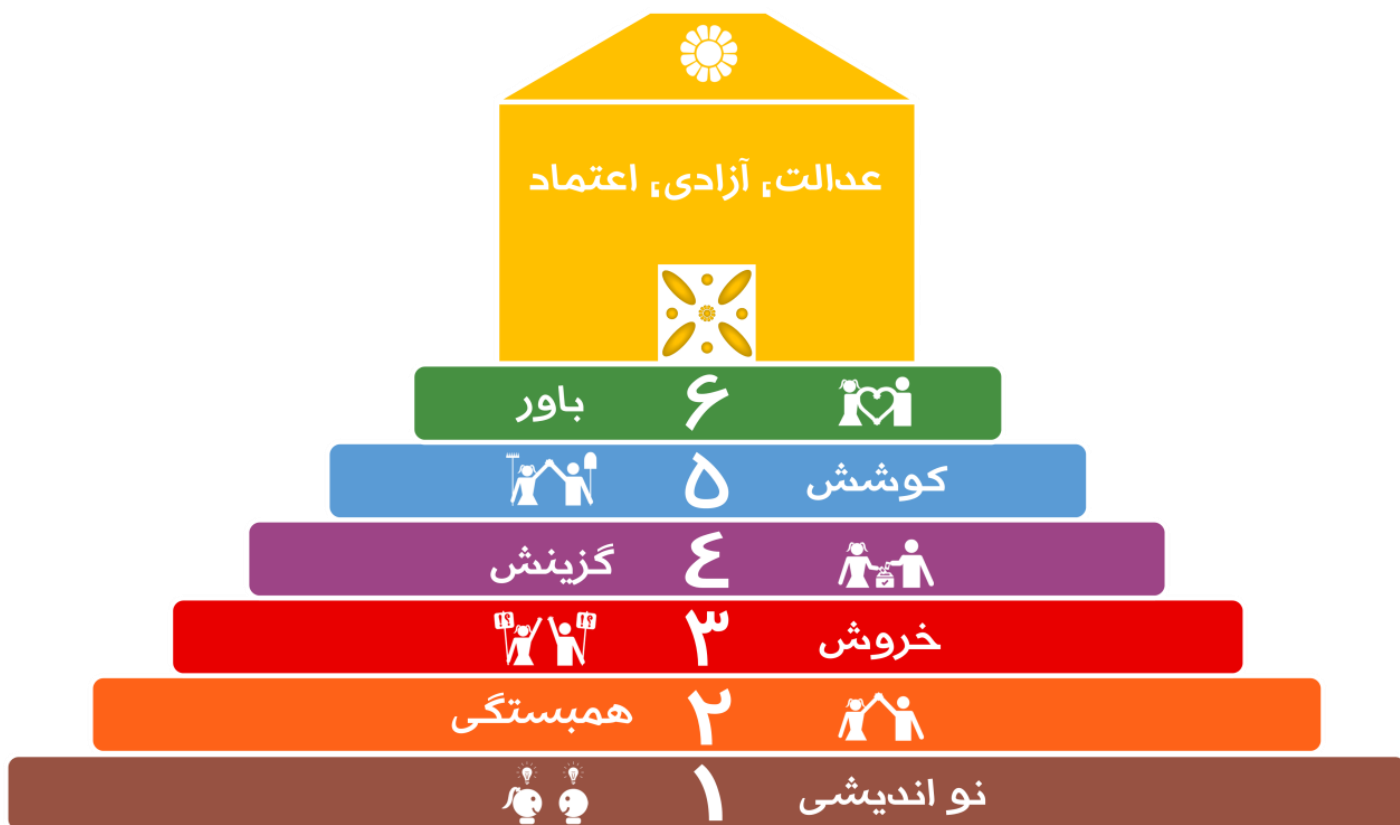
نه ظلم می‌خواهیم، نه ذلت ۳۸۴ بیداریِ یه ملت

نه ساکتیم، نه ساده ۳۸۵ رژیمِ تو به باده

نه شیخی، نه عمامی ۳۸۶ بلکه خرِ تمامی

خران در طویله به هم می‌پرند ۳۸۷ خران در ره حاکمیت نرنند

رژیمِ آخوند و هزار دستِ خر ۳۸۸ باید گورِ خود گم کنند و برنند



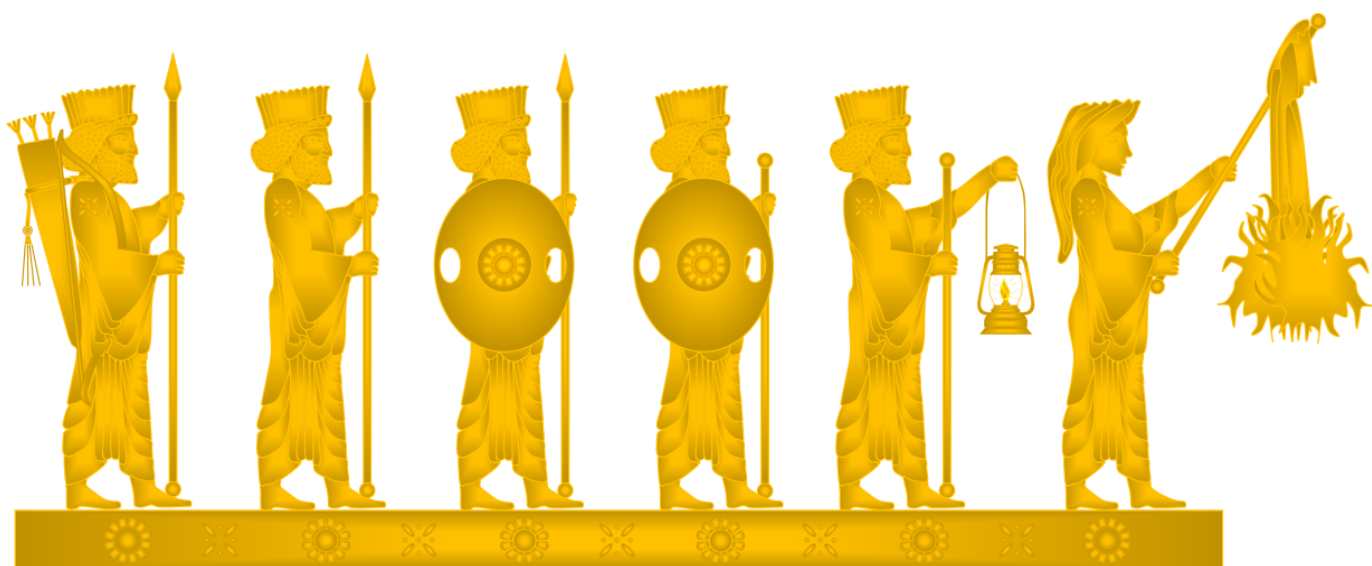
<p>۱</p> <p><b>نو اندیشی</b> (انقلاب فکری)</p> <p>ده پند فردی عدل مساوه بخشش ملی آداب یانته خرد جهل شکن</p>	<p>۲</p> <p><b>همبستگی</b> (اتحاد ملی)</p> <p>تاریخ و اساطیر ایران و ایرانیت اتحاد ناراضیان پیام به گمراهان ایزوله دشمن</p>	<p>۳</p> <p><b>خروش</b> (اعتراض ملی)</p> <p>قیام بشکن رفتار گفتارشی رفتار فرسایشی آب، نان، روزنامه شب یلدا</p>	<p>۴</p> <p><b>گزینش</b> (انتخاب ملی)</p> <p>انتخاب با خرد پند ایران مردم کیفر ظالمان پاکسازی جهل شفافیت سیاسی</p>	<p>۵</p> <p><b>کوشش</b> (اجتهاد ملی)</p> <p>کوشش طولانی خدمت اجتماعی ایفای ۲۰ خواستار سرشت ایران سپر عدل مساوه</p>	<p>۶</p> <p><b>باور</b> (اعتماد ملی)</p> <p>اعتماد در رضایت ایران بهشت مرور ۲۰ خواستار انحلال آموزگاریزم رسیدن به آرمان</p>
---	---	--	--	--	---



گر بخواهیم ما بدیم ایران و ایرانی نجات ۳۸۹ باید از جهل و ریا پریم به سوی اعتماد



راه اعتماد ما پر پیچ و خم در حرکت است ۳۹۰ آخرش نیکی بود، این راه در ۶ قسمت است



گ ۱ نو اندیشی (انقلاب فکری)



۱  
نو اندیشی  
(انقلاب فکری)

مرگ و انتقام و زور داریم ما، در هر ذکری ۳۹۱ بدجوری نیاز داریم ما به انقلاب فکری

انقلاب فکری از حق همه دفاع کنه ۳۹۲ این نو اندیشی به ماها احترام ایفا کنه

وقتی ما احترامو بنا کنیم در هر ستون ۳۹۳ آن زمان دیگران احترام میذارن بهمون



۲



همبستگی  
(اتحاد ملی)

۲

شعار گام ۲

۴۳

- تعداد ناراضی از رژیم ضحاک خلیفه ۳۹۴ تنها راه کاویان یک اتحاد ملیه
- تاریخ و اساطیر و فرهنگ ما ایرانیان ۳۹۵ مهر به ایران کند همبسته گل کاویان
- ما که دانیم دشمن مشترک ایران کیه ۳۹۶ یکصدا ایران به پا خیزیم و گویم: کافیه!



۳



خروش  
(اعتراض ملی)

۲

شعار گام ۳

۴۴

- متحد می‌خواهیم بگیم: ایران مال ایرانیه! ۳۹۷ بهترین اسلحه مون پس اعتراض ملیه
- ما باید بشکن باشیم، پرچم کنیم ۲۰ خواستار ۳۹۸ با خروش و شب شعار، در همه جا دیوار نگار
- از ماکو تا آبادان، به چابهار تا شیروان ۳۹۹ اعتراضات پیاپی بشکند ضحاکیان



۴



گزینش  
(انتخاب ملی)

۲

شعار گام ۴

۴۵

- آگه با منطق و همتایی برانداز کنیم ۴۰۰ با یک انتخاب ملی، دادگری آغاز کنیم
- نیک گزین کاویان، حقوق بر هر نفر است ۴۰۱ در ره حقوق فرد، ایران مردم بهتر است
- خرد و سود و عدالت، سر گیریم در هر مسیر ۴۰۲ یک وطن، ایران زمین، به دست نیک نخست وزیر





## کوشش (اجتهاد ملی)

۲ ————— ۴۶

### شعار گام ۵

- کارِ بازسازی و آبادیِ ایرانِ خلیه ۴۰۳ تنها راهِ کاویان یک اجتهادِ ملیه
- همه همتا احساسِ مسئولیت بنا کنیم ۴۰۴ بکوشیم ایرانو از مظلومیت رها کنیم
- خدمتِ اجتماعی گوهر بود به هر جوان ۴۰۵ بازسازد کشورش، ایران شود مهر جهان



## باور (اعتماد ملی)

۳ ————— ۴۷

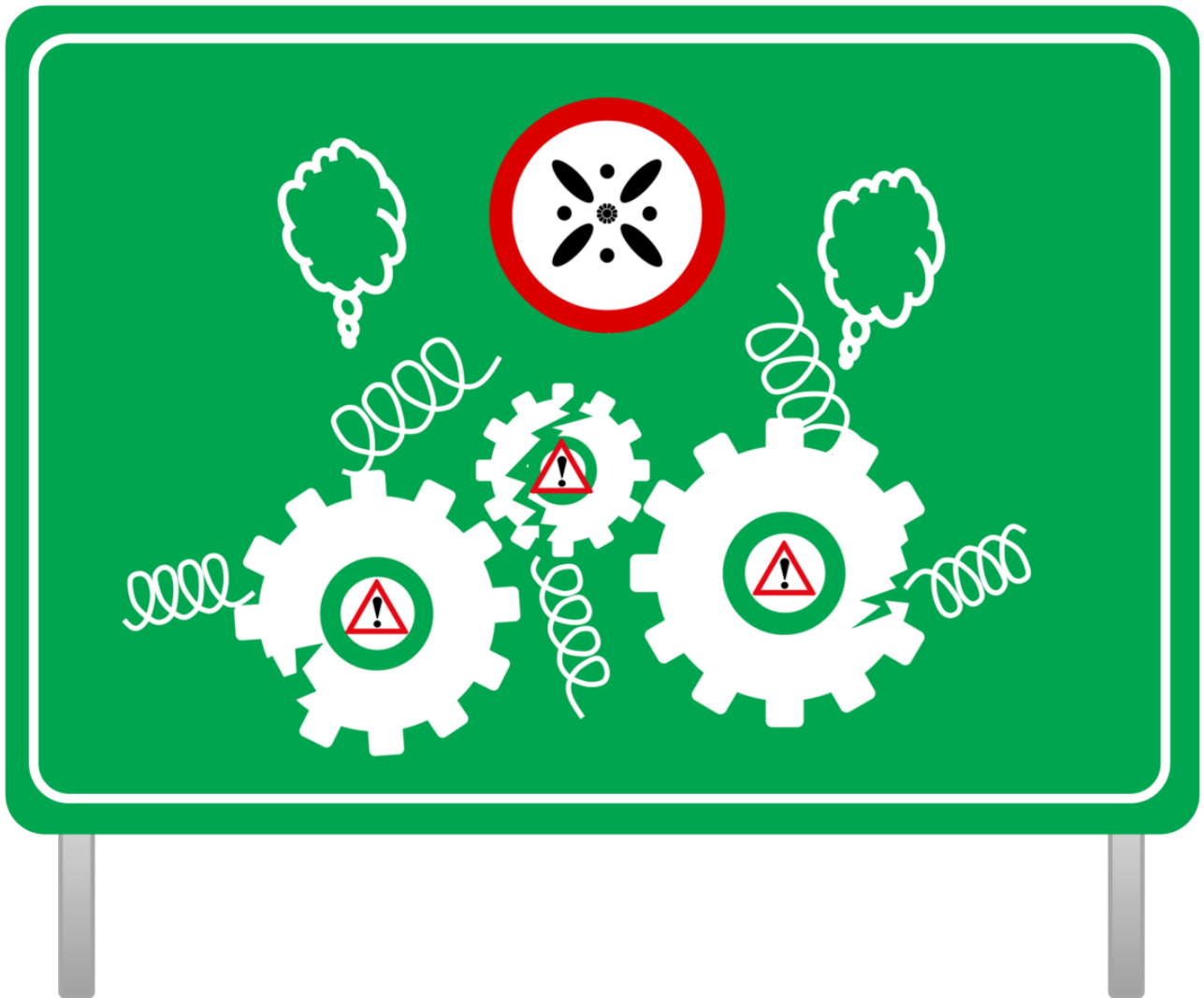
### شعار گام ۶

- وقتی با کوششِ مان به حقِ فردی برسیم ۴۰۶ آن زمان است که به اعتمادِ ملی برسیم
- اعتمادِ ملی است رمزِ بهار در روزگار ۴۰۷ اعتمادِ عدل آورد، بشنو تو از آموزگار
- در ره باورمان، بس بود پیچ و خم زیاد ۴۰۸ اما در آخر، رسید ایران ز جهل به اعتماد



۳ مشکل اساسی ما مردم، که ما را مجبور به تغییر رفتار میکند.

(چرا رژیم جمهوری اسلامی، به دست ما مردم، بر انداز نشده است؟)



۱ جهل، فساد و ظلم ما

۲ قتل و مرگ خواهی ما

۳ ذلت فکری ما



- در قیامِ وحشیِ آخوندی ۵۷ ۴۰۹ هر چه که مرامِ ایران بود، زیر سلطه رفت
- البته ما کاویانِ قبلش کمی ضعف داشتیم ۴۱۰ اما با ظهورِ ضحاک، ما دیگه گل کاشتیم
- منطق و انسانیت و صلح ما ایرانیا ۴۱۱ جای خود داد به خرافه، ظلم و جنگ، جهل و ریا
- کرده ایم "امر به معروف" آخوند، آرمانِ خود ۴۱۲ فضولی در هر مکان، همسایه و خویشانِ خود
- وقتی میبینیم هزار دست، ما بهش ارزش میدیم ۴۱۳ بیخودی سیریش میشیم، قدرتِ کاذبِ بهش میدیم
- وقتی که فرزند میگه یکی اونو گتک زده ۴۱۴ یه فصل هم ما میزنیم، میگیم: نرو! بیرون بده!
- نداریم هیچ احترام به فکر و حرفِ دیگران ۴۱۵ حالا فرقی نداره، خارج باشیم یا در ایران
- ما فقط میخواهیم که هم عقیده‌مون حرف بزنه ۴۱۶ هر کی چیزِ دیگه گفت میگیم که: اون ور نزنه!
- جای نقدِ سیرتی، با فحش رو کم میکنیم ۴۱۷ خشتکی خانواده یارو را پرچم میکنیم
- به قیافه گیر میدیم، فحش میدیم و هپلی میشیم ۴۱۸ فحشا هم پاین تنه، انگار با فحش حشری میشیم
- کسی اشتباه کنه، یک عمر سرزنش کنیم ۴۱۹ کارشو به یاد داریم، خارِ تو چشمش میکنیم
- اگر هم تغییر کنه، یک صادق آدمی بشه ۴۲۰ جای آفرین، با فحش میگیم: گوه آدم نمیشه!
- نیکی در فردی نبینیم، حتی باشه بهترین ۴۲۱ پی ضعفِ فرد میگردیم، با چراغ و ذره بین



- چشم دیدنِ ترقیِ کسی را نداریم ۴۲۲ روزمون خراب میشه، چون به حسادت بیماریم
- اگه همسایه یه روز به پول رسید، خرید یه باغ ۴۲۳ ما به زوج گیر میدیم که: باغ بخر یا که طلاق!
- دم در تعارف کنیم: اول شما! بزرگتری! ۴۲۴ در ترافیک هل میدیم بزرگو به در به دری
- وقتی که رشوه خوری باشه سلاح این نظام ۴۲۵ شیرینی عادی میشه، فاسد میشیم ما در مرام
- دوست داریم مردم بریزند خیابون، رژیم بره ۴۲۶ اما دوست نداریم از خویشان کسی بیرون بره
- تو خونه لم دادیم و ناراحتیم که شیخ چی گفت ۴۲۷ دوست داریم رژیم بره، اما با انقلاب مفت
- دستهارو دادیم هوا، به شرق و غرب میگیریم: بیا! ۴۲۸ شیخ رو تو بزن کنار، خودتو فرو بکن به ما!
- وقتی هم ایرانی ایجاد میکنه یک اتحاد ۴۲۹ کارمون میشه نفاق، اتحادو میدیم به باد
- تا که زورگویی، نفاق، جهل و ریاست میانمان ۴۳۰ پس بدانیم که هیچ جا نروند ضحاکیان

مشکل ۲ ما مردم:

ما مردم، خواهان آزادی و امنیت هستیم، اما با شعار مرگ، و این مرگ خواهی اجازه اعتماد و همیاری را در شکستِ ظلم نمیدهد.

۱۳

قتل و مرگ خواهی ما

۴۹



- ۴۳۱ خیلی از تاریخ ما گشتار و نابود کردن است قدرت شمشیرِ ظلم، قطع سر از پَسگردن است
- ۴۳۲ نداریم هیچ احترام به زیستنِ ایرانیان چه رسد به مجرمین، یا وحش حیوان، بی زبان
- ۴۳۳ بشنو از قاتلِ مُرده، مرگ به او چه درسی داد؟ میگه: هیچی! تازه راحت شدم از داد بیداد!
- ۴۳۴ بشنو از قاتلِ حَبسی، که آبد چه درسی داد؟ میگه: دارم میپوسم! بگش منو بده نجات!
- ۴۳۵ اگر هم با دین بخوایم ما اعدام را نگاه کنیم ما خدا نیستیم که روز قیامت به راه کنیم
- ۴۳۶ با شکنجه و قصاص، سادیست بودن قبول همیشه انتقام اصول همیشه، یه جامعه معلول همیشه
- ۴۳۷ ما میخوایم میلیون مست و میهن پرست همتا بشن ظلم ضحاک بشکنن، کاوه هم صدا بشن
- ۴۳۸ وقتی ما میگیم به مستان: واسه تو مرگ است یه درس! پس اونا با ما میجنگند، چون که دارند ترس و لرز
- ۴۳۹ ما میخوایم یه رفراندوم صلح آمیز تو ایران میدونیم کلیدش هست پیش شیخ و ضحاکیان
- ۴۴۰ وقتی ما میگیم که: مرگ بر تو، ای شیخ خود پرست! سرکوب ایرانیان تنها راه نجاتش است



- ۴۴۱ ترسِ مرگ، زندگی ما را کند بس بی ثبات ترسِ مرگ هست، بزرگ دشمن هر نوع اعتماد
- ۴۴۲ اعتماد میانمان، بنیانِ همتا شدن است ترسِ مرگ نفاق ایجاد کرده، و گمراه شدن است
- ۴۴۳ تا زمانی که بخوایم مرگ ما میانمان پس بدانیم که هیچ جا نروند ضحاکیان

خواستار ۲:  
پایانِ اعدام، شکنجه، قصاص و کتک.





- ۴۴۴ “حق مردم، واژه مقبول: چرا، ممنوع: چرا؟” رهبرِ مَخِ فَنَدُقِ بِي خِرْدَانِ گُفْتِه بِه ما:
- ۴۴۵ ما فقط منتظریم به ما بگن چی کار کنیم فکرِ خودکار نکنیم، خرد را بیدار نکنیم
- ۴۴۶ هر که زورش بیش، حقش بیشتر در فرمان خود شدیم آتشفشانِ خاموش و بی فوران
- ۴۴۷ وقتی ما زور میکنیم، حتی به خویش و خانمان این میشه فرهنگمان، اون وقت هیچکی نیست در امان
- ۴۴۸ به دخالت تو کار هر کسی ما ممتازیم مشکلاتمان به گردن این و اون میندازیم
- ۴۴۹ منتظر نشستیم که عدالت از هوا بیاد درِ خونه بزنه، به ما بده نقل و نبات
- ۴۵۰ ما به مسئولین میگی: چه جوری روزو سر کنیم؟ خود را مسئول ندیده، که مشکلات رو حل کنیم
- ۴۵۱ وقتی که ضحاکیان، کاویان میکشند به دار انگاری شهرِ فرنگه، جمع میشیم ما چه بی عار
- ۴۵۲ وقتی که ضحاکیان، میگن: بیاید و رأی بدین! مثل گوسفند رأی میدیم به ذلتِ مردم به دین

۴۵۲ با تفکرِ فُسیل، حتی با ابزارِ جدید هیچ گاه ایران و ایرانیتِ آسایش ندید

۴۵۴ افکار ما هست فقط تو ذلت و ظلم و فساد چه رسد به آزادی، برابری یا اعتماد

۴۵۰ اگر هم رژیمِ آخوندی را ما بدیم به باد با این افکار، جای اون، به ظالمِ دیگه میاد



- فکر کن: ایران هست یک کامپیوتر ناب و تمیز ۴۵۶ که ۴۰ سال پیش، او شد به یک ویروس مریض
- ویروس جمهوری اسلامی، مثل عنکبوت ۴۵۷ تار ویروس کرده این کامپیوترو بد نابود
- حالا ما می‌خواهیم که این ویروس را کلاً پاک کنیم ۴۵۸ یه ری - اینستال بکنیم که ترکی ضحاک بکنیم



- اگه با نصب یه ویروس شکن این دفاع نشه ۴۵۹ خیلی زود به ویروس دیگری مبتلا میشه



- انقلاب فکری است اسم چین ویروس شکن ۴۶۰ انقلاب فکری است نگهبان ایران وطن
- آزادی در جامعه، نیست که یک سیخ کباب ۴۶۱ که سریع آزادی یابی، با یه وحشی انقلاب
- تا که آزادخواه نباشیم ما برای دیگران ۴۶۲ پس بدانیم که هیچ جا نروند ضحاکیان





ستیز میان کایان و ضحاکیان

- ۴۶۳ ما با این فکر و مرام به اتحاد نمیرسیم ضحاک هم اونجا نشسته، سر این ظالم رژیم
- ۴۶۴ اگر هم مردم بریزن خیابون، قیام بشه جامعه بر هم میریزن، ترکی هر مرام میشه
- ۴۶۵ یکی شرقی، یکی غربی، هر کسی منم کنه شاید هم مزدور یا دشمن قد علم کنه
- ۴۶۶ اسلحه تو دست مردم، یعنی کشتار و بلا چه جوری مردمو بعدش بکنیم خلع سلاح؟
- ۴۶۷ اگه ما دادگاه انقلاب وحش به پا کنیم کلی ضحاک بکشیم، از کشتار دفاع کنیم
- ۴۶۸ به عدالت حقیقی هیچ گاه نمیرسیم دوباره بنا میشه ستاد سرکوب در رژیم
- ۴۶۹ ما با قتل پهلوی رژیم، کردیم ایران فقیر تجربیات بعضی از هزاردستها هست بی نظیر
- ۴۷۰ هر هزاردستی که با مردم قیام، وحدت کند حتی در زندان تواند به ایران خدمت کند
- ۴۷۱ پس میگیریم: اعدام ضحاکیان هست یک انتخاب بین عادل دادگری یا حلق آویز به طناب
- ۴۷۲ "امضاء کن ایران مردم، تضمین جانی بیاب" نکن امضاء، بشو اعدام تو دادگاه انقلاب"



- ۴۷۳ کاوه جان، عَقْدَه، تَعَصُّب، انتقام بِنار کنار  
 پیِ سَوَد تُو هر چی باش، گناه کارو بکش به کار
- ۴۷۴ خَرَد و انسانیّت، بنیانِ هَمَتَا شُدن است  
 جَهَل و وحش میانمان، باعثِ خودخواه شُدن است



تا جهالت حاکم است و مردم ما جهل خیز ۴۷۵ انقلاب وحشی است آینده این بد ستیز

### مرورِ کارنامهٔ ما مردم برای طی کردن ۶ گام:

ما مردم هیچ کدام از ۶ گامِ فرهنگیِ ایرانِ مردم را طی نکرده ایم. برای همین ما مردم مجبور به تغییر رفتار هستیم.

۷	کارنامهٔ ما مردم	۵۲
---	------------------	----

۴۷۶ بیا ما نگاه کنیم به لیست فرهنگ گام ۶ بینیم برای مرگ این رژیم چیست واکنش؟

۴۷۷ ۶- آیا ما اعتماد ملی داریم؟ که خیر ۵- آیا ما اجتهاد ملی داریم؟ که خیر

۴۷۸ ۴- آیا ما انتخاب ملی داریم؟ که خیر ۳- آیا ما اعتراض ملی داریم؟ که خیر

۴۷۹ ۲- آیا ما اتحاد ملی داریم؟ که خیر ۱- آیا ما انقلاب فکری داریم؟ که خیر



۱ نو اندیشی  (انقلاب فکری)	۲ همبستگی  (اتحاد ملی)	۳ خروش  (اعتراض ملی)	۴ گزینش  (انتخاب ملی)	۵ کوشش  (اجتهاد ملی)	۶ باور  (اعتماد ملی)
<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>

۴۸۰ پس ما اهل کاویان به چه امید دل بسته ایم؟ ما میگیریم رژیم بره، بی واکنش نشسته ایم

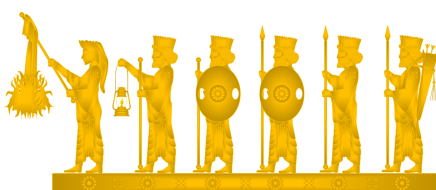
۴۸۱ ما داریم کم احترام، کم اعتراض، هیچ اتحاد چه رسد به انتخاب، یا اجتهاد، یا اعتماد

۴۸۲ ما با این ۶ گام نیک، نجات آبرو کنیم پس بیا درون گود، که باید کار شروع کنیم





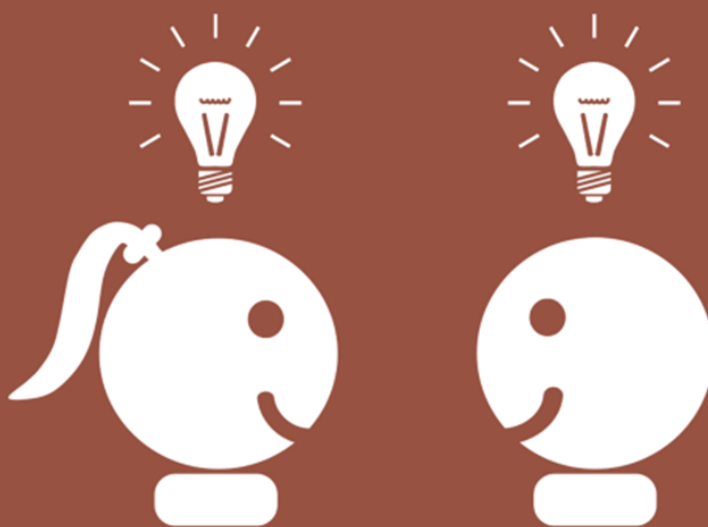
- کشورِ آزاد با جامعهٔ آزاد ۴۸۳ جامعهٔ آزاد با مردمِ آزاد
- مردمِ آزاد با اندیشهٔ آزاد ۴۸۴ ذلتِ فکریِ شکن، تا پیشی آزاد
- 
- آگه آزادی میخواهی تو جامعهٔ کشورمون ۴۸۵ یه سوزن به خود بزنی، بعدش یه میخ به دیگرون
- آگه از شیخ و هزار دستانش بدت میاد ۴۸۶ همونو به ما بکن که دوست داری سرت بیاد
- 
- زور نگو، کتک نزن، فضولی نکن، رشوه نگیر ۴۸۷ مرگ نخواه، بت نپرست، حقتو از ظالم بگیر
- راست بگو، خود نپرست، گذشت بکن، به دل نگیر ۴۸۸ با امید به زندگی، وظیفه رو به دست بگیر
- به گناه کارِ پلید، هیچ وقت نگو: مرگ بر تو! ۴۸۹ بگنش تو زندونو بهش بگو: ننگ بر تو!
- مرگِ یک انسانِ جانی که به اون درس نمیده ۴۹۰ ولی زندانیِ عمری چه به اون ترسی بده
- 
- همیشه با خانم ها رفتار بکن با احترام ۴۹۱ دخترها خوششون میاد از پسرهای با مرام
- دست نزن، تعقیب نکن، له له نزن و فحش نگو ۴۹۲ نگاه کن با احترام، لبخند بزنی، روزخوش بگو
- از بر هم میهنان همیشه تو خوشخوین باش ۴۹۳ احترام انتخاب، هم به خواهر، هم به داداش
- توی میهن عاشق مردمِ هر استان باش ۴۹۴ همیشه به فکر پیشرفتِ تمامِ ایران باش
- 
- خیلی ها ظالم بودند، ولی حالا پشیمونند ۴۹۵ چشمه‌هاشون وا شده، و به حال ما پریشونند
- بهشون پرخاش نکن چون کارشون شجاعته ۴۹۶ خروج از گمراهی و آگاه شدن، یک ثروته
- آگه تو ظلمی دیدی، با دوربینت افشا کن ۴۹۷ آگه عَرَعَرِ خر شنیدی، با منطقَت حاشا کن
- خودتو بذار کنار و همیار مردم شو ۴۹۸ با این کار نشون بده: شیخ آیت الله گمشو!
- 
- پس اول انقلابِ فکری ۴۹۹ دوم اتحادِ ملی
- سوم اعتراضِ ملی ۵۰۰ چهارم انتخابِ ملی
- پنجم اجتهادِ ملی ۵۰۱ و در آخر اعتمادِ ملی
- 
- شروع کردنِ ۶ گام، با تغییرِ آرمان است ۵۰۲ و انقلابِ فکری، آمری به کل رایگان است



بخش ۳: نو اندیشی

(گام انقلاب فکری)

۳



نو اندیشی



در ۴۴ شعر و ۳۶۵ بیت

- ۸۰ میلیون کاویان، پراکنده، بی وحدت ۰۰۳ خیلی هامون عادل، ولی بعضی غلام نکبتن
- شوربختی ما اینه که عادل‌مون در ذلتن ۰۰۴ و جاهلان بی وفا، ظالمان در قدرتن
- زنهای ما ۴ قسمت: کلاغ، لادن، روشن، بشکن ۰۰۵ مردهامونم ۴ قسمت: الاغ، گلکن، روشن، بشکن
- کلاغ زن ستم دیدس، امر به معروف میکنه ۰۰۶ الاغ مرد تبعیض گراس، امر به معروف میکنه
- امر به معروف زن یعنی غار غار کلاغ ۰۰۷ امر به معروف مرد یعنی عر عر الاغ
- لادن زن ستم دیدس، ولی تو لای خودشه ۰۰۸ گلکن مرد تبعیض گراس، اون هم تو لای خودشه
- روشن زن و مردیه که عدالت یکسان دارن ۰۰۹ ولی وقتی که ظلم میشه، کاری با ظالم ندارن
- بشکن زن و مردیه که عدالت یکسان دارن ۰۱۰ امر به معروف میشکنن، عدل مساوو را دارن



- سفره انقلاب پهن، ایران دست دشمن ۰۱۱ امر به معروف سخن، مردم پراکنده اند
- کلاغ است زوج الاغ، لادن است زوج گلکن ۰۱۲ روشن است زوج روشن، بشکن است زوج بشکن
- تو ای زن هموطن، ریشه جهلو بکن! ۰۱۳ نباش کلاغ یا لادن! تو باش روشن و بشکن!
- تو ای مرد هموطن، ریشه ظلمو بکن! ۰۱۴ نباش الاغ یا گلکن! تو باش روشن و بشکن!

- ۵۱۵ تن که بخورد تن آخوند، ارادمون فنا رفت  
مفت خوری و گشادیمون، تا بام کوه شاه رفت
- ۵۱۶ شُدیم ما دودخور آخوند، شُدیم گشادالدوله  
آخوند شُدۀ تریاک و ما: منقل، وافور و شُعله!



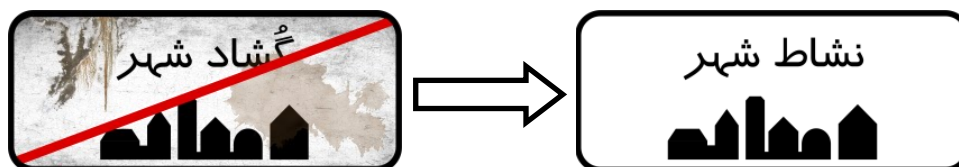
- ۵۱۷ ماشینمون پنچر شُدۀ، دَرَبِ ورودی بازار  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۱۸ منزلمون قدیم شُدۀ، نقاشی میخواد این دیوار  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۱۹ رئیسمون میگه: حقوق میدم واسۀ اضافه کار!  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۲۰ ۱۰۰ متری خونۀ، داریم میریم ما با دو کیسه بار  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۲۱ حیاتمون داد میزنه: خسته ایم از بوته و خار!  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۲۲ برای تعمیر کُمد، باید به دست گیریم آچار  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۲۳ باید بریم رو پشتۀ بوم، دیش شُدۀ خارج از مدار  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۲۴ داداش کُمد نیاز داره، ما هم که علاف و بیکار  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۲۵ چشم رو گوشی، کمک میخواد، زمین خورده موتورسوار  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!
- ۵۲۶ دَرَبِ خونۀ باید کنیم جارو، ما این چند تَه سیگار  
گشادیمون میگه: خودت نکن. په افغانی بیار!



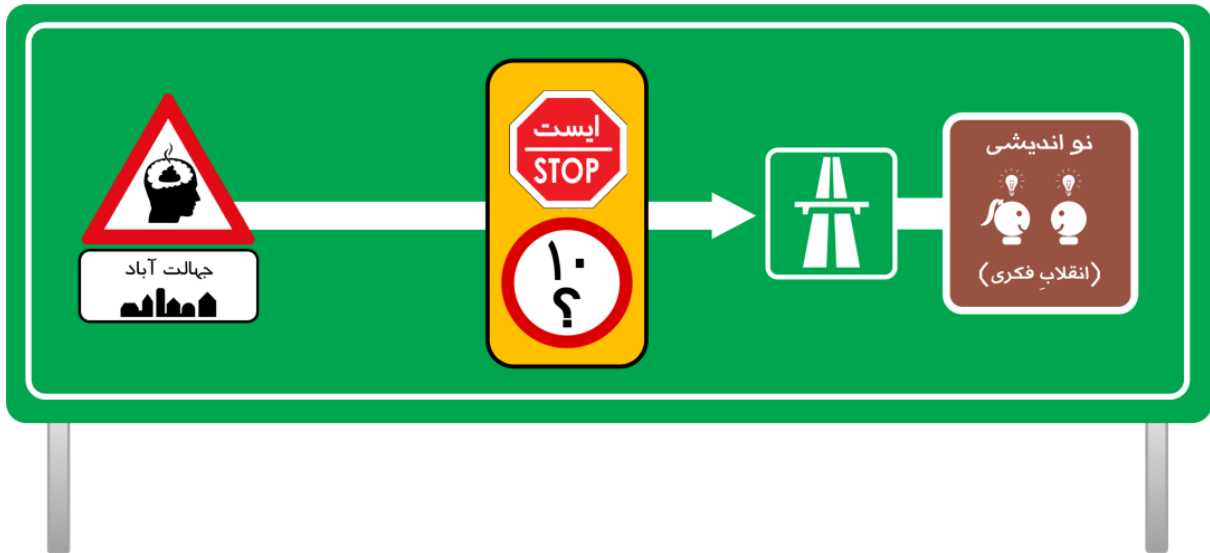
- ۵۲۷ کم مونده وقتی که بخوایم درست کنیم آب دوغ خیار گُشادیمون بگه: خودت نکن. یه افغانی بیار!
- ۵۲۸ کم مونده وقتی که بابا بگه: برو چایی بیار! گُشادیمون بگه: خودت نکن. یه افغانی بیار!
- ۵۲۹ کم مونده وقتی زوج بگه: نیاز دارم به تخت سوار! گُشادیمون بگه: خودت نکن. یه افغانی بیار!
- ۵۳۰ آخر که به حاکم میگویم: باید رها شیم از فشار! اون هم گُشاد، میگه: خودت نکن. یه افغانی بیار!



- ۵۳۱ حالا ما موندیم که: اگر افغانی در ایران نبود مسئول بازسازی کند و این همه ویران کی بود؟
- ۵۳۲ اراده افغانیا خونده به هر شهری سرود گُشادی آخوندا هست، که رفته در هر تار و پود
- ۵۳۳ لقمه تو دست هر آخوند، تو ماست هر گدا رفت با شُست و شوی این آخوند، عَقلمون هم فنا رفت
- ۵۳۴ شُدیم ما دلاک آخوند، شُدیم گُشادالدوله آخوند شده واجبی و ما: کیسه، لیف و حوله
- ۵۳۵ فقط با کوشش شوی آزاد، این به تو یک قوله پس تو نباش آخوندک و نباش گُشادالدوله



آیا حاضریم قبول کنیم؟ (۱۰ سوال شخصی برای ترک مرام بد، پیش از هر نوع انقلاب فکری)



۲	<b>سوال ۱: ترک مرگ خواهی</b>	۵۶
---	------------------------------	----

- آیا حاضریم بگیم: هر کسی داره حق زیست؟ ۵۳۶ حالا با هر چه گناه، جزای هیچ کس مرگ نیست؟
- آیا حاضریم دیگه شعار "مرگ بر تو" ندیم؟ ۵۳۷ ولی جاش نقد کنیم و شعار "ننگ بر تو" بدیم؟

۲	<b>سوال ۲: ترک انتقام</b>	۵۷
---	---------------------------	----

- آیا حاضریم که ترک از انتقام پیشه کنیم؟ ۵۳۸ یک بزرگ فردی باشیم که بخشش اندیشه کنیم؟
- آیا حاضریم به جای کینه ما گذشت کنیم؟ ۵۳۹ با فامیل آشتی کنیم، به دوستی بازگشت کنیم؟

۲	<b>سوال ۳: ترک کتک</b>	۵۸
---	------------------------	----

- آیا حاضریم بگیم: هشدار ما نصیحتیست؟ ۵۴۰ هر کسی هر کاری کرد، جزای او کتک که نیست؟
- آیا حاضریم بگیم: کتک زدن مصیبتیه؟ ۵۴۱ بهترین سلاح علیه اشتباه نصیحتیه؟

۲	<b>سوال ۴: ترک کلک</b>	۵۹
---	------------------------	----

- آیا حاضریم که دست از حقه بازی برداریم؟ ۵۴۲ حتی به ضرر باشه، بر کلک ارزش نزاریم؟
- آیا حاضریم کمک کردنو حرفه بگیریم؟ ۵۴۳ خودمون ریشوه ندیم، از کسی ریشوه نگیریم؟

۲	<b>سوال ۵: ترکِ بت پرستی</b>	۶۰
---	------------------------------	----

- آیا حاضریم مُریدِ سرِ سپرده‌ی نشیم؟ ۰۴۴ عقلِ خود، دستِ کسی ندیم و شیفته‌ی نشیم؟
- آیا حاضریم فقط از کسی الهام بگیریم؟ ۰۴۵ اراده‌ی نشون بدیم، تصمیمِ خودکام بگیریم؟

۲	<b>سوال ۶: ترکِ خود پرستی</b>	۶۱
---	-------------------------------	----

- آیا حاضریم که خودخواهیمونو ترکِ بکنیم؟ ۰۴۶ احترام بنا کنیم، دیگرونو درک بکنیم؟
- آیا حاضریم ندیم به فرق و تبعیض تکیه؟ ۰۴۷ با شهادت ما بگیم: حقِ زن و مرد یکیه؟

۲	<b>سوال ۷: ترکِ تظاهر</b>	۶۲
---	---------------------------	----

- آیا حاضریم با چاپلوسی تظاهر نکنیم؟ ۰۴۸ با حقیقت ایرانو با صادقین پُر بکنیم؟
- آیا حاضریم که با راست گویی زندگی کنیم؟ ۰۴۹ نظرِ واقعیِ خود نمایندگی کنیم؟

۲	<b>سوال ۸: ترکِ اجبار</b>	۶۳
---	---------------------------	----

- آیا حاضریم که ترکِ هر نوع اجبار کنیم؟ ۰۵۰ انتخاب پیشه کنیم، و زور به افکار نکنیم؟
- آیا حاضریم بگیم: تصمیمِ حقِ هر کسیه؟ ۰۵۱ انتخابِ شغل یا زوج، فقط به امرِ شخصیّه؟

۲	<b>سوال ۹: ترکِ نا امیدی</b>	۶۴
---	------------------------------	----

- آیا حاضریم که نا امیدی را نابود کنیم؟ ۰۵۲ با امیدواری ما ضعف را تبدیل به سود کنیم؟
- آیا حاضریم که ما منفی و مظنون نباشیم؟ ۰۵۳ اعتماد پیشه کنیم، این قدری دلخون نباشیم؟

۲	<b>سوال ۱۰: ترکِ سُستی</b>	۶۵
---	----------------------------	----

- آیا حاضریم مقابلِ ستمِ خروش کنیم؟ ۰۵۴ سُست نباشیم، با اراده، دادگری آغوش کنیم؟
- آیا حاضریم بلند شیم و براندازی کنیم؟ ۰۵۵ بگیم: ایرانِ اوله! کشور را بازسازی کنیم؟



ایرانِ مردم! ایرانو با انقلابِ فکری آزاد کن ۵۵۶ ایرانِ مردم! ایرانو با همیاریِ ملی آباد کن

- ۱- کُشتن را با زیستن ۵۵۷ جایگزین کن
- ۲- انتقام را با بخشش ۵۵۸ جایگزین کن
- ۳- کُتک را با نصیحت ۵۵۹ جایگزین کن
- ۴- کَلک را با کُمک ۵۶۰ جایگزین کن
- ۵- بُتِ پَرستی را با الهام ۵۶۱ جایگزین کن
- ۶- خودِ پَرستی را با احترام ۵۶۲ جایگزین کن
- ۷- تظاهر را با صداقت ۵۶۳ جایگزین کن
- ۸- اجبار را با انتخاب ۵۶۴ جایگزین کن
- ۹- نا امیدي را با امیدواری ۵۶۵ جایگزین کن
- ۱۰- سُسْتی را با تَعَهْد ۵۶۶ جایگزین کن



# ده‌پند برای نواندیشی





- هر کی را دوست نداریم، دلیل مرگِ او که نیست ۵۶۷
- نقدِ سیرت بهتر است، با احترام به حق زیست
- اگر ما این "مرگ" را با "ننگ" جایگزین کنیم ۵۶۸
- ما دگر قاتل نبوده، فکرِ خود نوین کنیم
- بعضی ها میگوین: حالا "مرگ" یا "ننگ"، فرقیش چیه؟ ۵۶۹
- ترکِ مرگ با حکمِ ننگ، یک انقلابِ فکریه
- تا زمانی که بگیریم "مرگ"، ما نیستیم در امان ۵۷۰
- و باید از ترسِ زیستِ خود بشاشیم به تُمبان
- فردا روز دگر نباید در ایران کشتار شود ۵۷۱
- حقِ زیستن، حقِ هر ایرانیان باید بود



- شیخ آیت الله، آواره گردی ۵۷۲
- خاکِ وطن را، ویرانه کردی
- کُشتی اقتصادِ وطن ۵۷۳
- ای فاسد ننگ بر تو
- کردی ما را زنده کفن ۵۷۴
- ای ظالم ننگ بر تو
- ننگ بر تو، ننگ بر تو ۵۷۵
- ننگ بر تو، ننگ بر تو

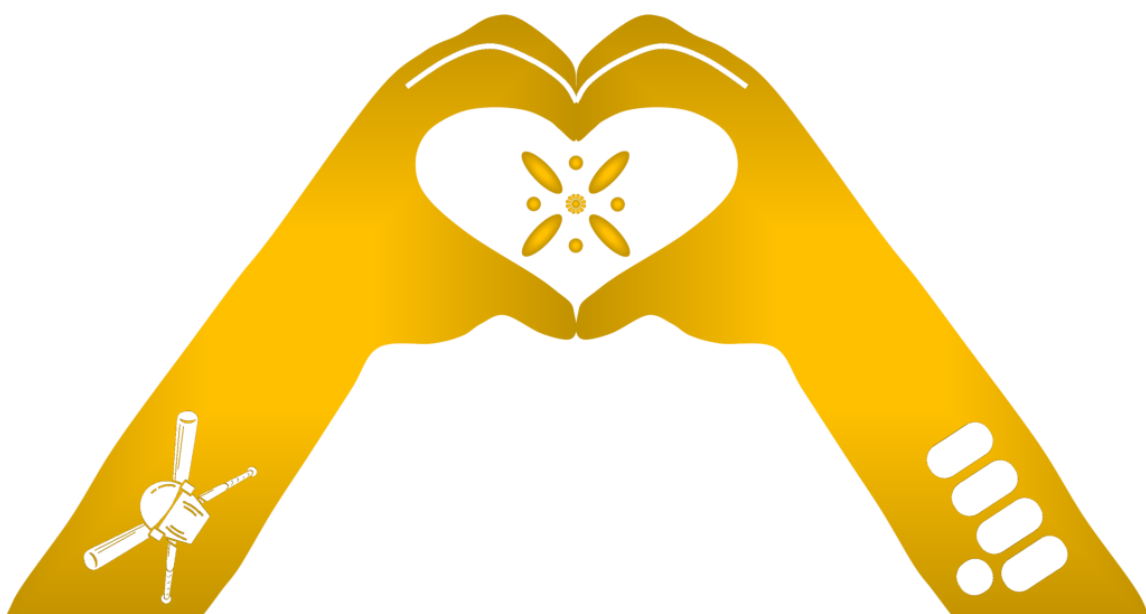


- مرگ بر جمهوری اسلامی ۵۷۶
- ننگ بر خاندانِ لاریجانی
- مرگ بر جمهوری اسلامی ۵۷۷
- ننگ بر رئیسی و روحانی
- مرگ بر جمهوری اسلامی ۵۷۸
- ننگ بر خامنه ای جانی
- مرگ بر آخوندیت ۵۷۹
- ننگ بر آخوند صفت





- وقتی یک کسی میاد به ما کار بد میکنه ۵۸۰ احساس انتقام ما را بیش از حد میکنه
- ولی انتقام جویی برای ما که خوب نیست ۵۸۱ وقت ما را میکشه، این انتقام به سود نیست
- انتقام درد دل ما را نمیکند هلاک ۵۸۲ ذهن انتقام جو از ما میگیره خواب و خوراک
- این بدان که ما فقط یکبار زندگی کنیم ۵۸۳ نباید این وقت را صرف انتقام جویی کنیم
- انتقام هست ایست کامل پشت یک وقت کش دیوار ۵۸۴ بخشش و گذشت بود پیشرفت در این روزگار
- 
- کار بد علیه ما هست چون شعله آجاق ۵۸۵ دست ما سوزد، چون این شعله بود بد جوری داغ
- انتقام دست ما را رو شعله ثابت میکنه ۵۸۶ نه فقط دست میسوزه، ما را هم ساقط میکنه
- با گذشت، ما دست خود را از شعله بر میداریم ۵۸۷ دست هنوز درد میکنه، ولی ما امنیت داریم
- 
- انتقام و وجدان هست دو روی یک سکه پول ۵۸۸ انتقام یه نفرته، وجدان برای ماست اصول
- هر چی انتقام بیشتر بشه، وجدان کمتر میشه ۵۸۹ مظلوم هم ظالم میشه، عدالت بی اثر میشه
- اگه ما ها نه بگیریم به انتقام در هر مسیر ۵۹۰ میگیریم ظالمو با عذاب وجدان ما اسیر
- وقتی ما گذشت کنیم، خود را ز کینه دور کنیم ۵۹۱ ننگ به وجدان ستمگر، ما از او عبور کنیم





- خیلی وقتا دیگران به اشتباهی می‌کنند ۵۹۲ با این اشتباه ما را بد جوری شاکی می‌کنند
- ما هم از کوره به در میریم، میشیم یه گاوِ نر ۵۹۳ به کُتک رو میاریم ما میزنیم دختر و پسر
- انگاری با کُتک ما اشتباهی حل میشه ۵۹۴ انگاری با زورِ بازو آبلیمو عسل میشه
- توضیحی نمیدیم که چرا این کار واست بده ۵۹۵ زورِ پرخاش و کُتک اسلحه بد عاده
- جای این کُتک اگر ما پند و اندرز بدیم ۵۹۶ به حریمِ شخصیِ هر کسی ما مرز میدیم
- با کُتک زدن هر اشتباهگری کُنجاو میشه ۵۹۷ کارِ خود ادامه میده، اون وقت کُتکزن گاو میشه
- اگه با نصیحت علتِ مخالفت بگیم ۵۹۸ ما با منطق میتونیم تغییرِ کارِ بد بدیم
- پس بساطِ کُتکو جمع کن بریز تو جوِبِ آب ۵۹۹ با نصیحت تو کُنی بیدار، هر کسی ز خواب
- اگر هم اشتباهگر نخواد بشه بیدار ز خواب ۶۰۰ دیگه اون پای خودشه، کارِ تو بود یه پندِ ناب



- ریشه هر رژیمِ فاسدی هست کَلک و ریا ۶۰۱ این کَلک روزگارِ هر جامعه کُند سیاه
- ما برای زیستن به این کَلک مجبور میشیم ۶۰۲ با کَلک ما کور میشیم، از عدالت ما دور میشیم
- فکر این نیستیم که این کَلک چه بازتابی داره ۶۰۳ این کَلک بر میگردد، میخوره سرِ ما دوباره
- وقتی ما رشوه میدیم برای حلِ مشکلات ۶۰۴ به عدالت نه میگیریم، کشور میشه چه بی ثبات
- اگه ما به جای این کَلک، کُمک پیشه کنیم ۶۰۵ با عدالت حلِ مشکلات را اندیشه کنیم
- هر کُمک به هموطن، دارای خوشخوین بازتاب ۶۰۶ این کُمک عدل آورد، بوی کُمک هست چون گلاب
- ما با این کُمک نظامِ رشوه ای هلاک کنیم ۶۰۷ با کُمک به دیگران، وجدان خود را پاک کنیم
- شاید این کُمک در آغاز باشد بدونِ سود ۶۰۸ در دراز مدت شَوَد فساد، هلاک از تار و پود





هر کسی عقل و شعور خود به دست لات داد ۶۰۹ همزمان قدرت تصمیم ز خود به باد داد

این خود ما مردمیم که دیکتاتور میسازیم ۶۱۰ خود تراشیم این ستایش سنگ، ما بت سازیم

ما به این قدرتی که به بت میدیم، مینازیم ۶۱۱ اینقدری قدرت میدیم، آخر به بت میبازیم



بت پرستی به یه بت قدرت سرشار میده ۶۱۲ حق ما را میخوره، مردم را بت فشار میده

اگه ما بخواهیم که تصمیم بگیریم بر بقیه ۶۱۳ خودمون خوب میدونیم که این یه کار سخته

چه رسد تصمیم بگیریم واسه زمین و زمان ۶۱۴ واسه کل یه ملت، ایران و ایرانیان

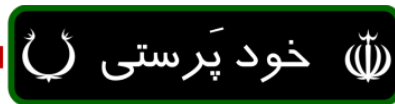
فرمانو دست یه بت دادن، کار حماقته ۶۱۵ از کسی الهام گرفتن، یه کار صداقته

اگر هم ما کاملا همفکر باشیم با یه بت ۶۱۶ الهام از او کافیه، باید بگیریم تصمیم خود

حالا هر کی حق داره یه الگویی داشته باشه ۶۱۷ عکس از الگو، تو خونه، به هر سویی داشته باشه

اما ما نمیتونیم که جامعه مجبور کنیم ۶۱۸ الگوی خود به تمام جامعه ما زور کنیم

- کی میگه الگوی ما باشد برای همگان؟ ۶۱۹ هم تو تهران، زاهدان، کرمان، مریوان، همدان؟
- کی میگه ما دوست داریم نگاه کنیم به ریش و پشم؟ ۶۲۰ روزمون خراب بشه، با دیدن شعار خشم؟
- اگه ما بخواهیم که الگویی تو شهر به قاب بشه ۶۲۱ باید این الگو به دست مردم انتخاب بشه
- انتخاب منطقی الگویی هست از فرهنگ ۶۲۲ از هنر تا علم و تاریخ، شعر و ساخت آهنگ
- پس بدان که بت پرستی عمل نا کام است ۶۲۳ راه استقلال شخصی، کافی به الهام است



- ما یک جام سنگی پیدا میکنیم از زیر خاک ۶۲۴ این جام را به شهر میاریم میذاریم به اشتراک
- هر چه کارشناس ما دعوت به گفتار میکنیم ۶۲۵ که بدونیم ما با این جام عجیب چه کار کنیم
- 
- یه فیزیکیان میاد و میگه که این جام سنگیه ۶۲۶ قطر این جام ۲۰ سانت، این یه جام ۲ لیتریه
- یه کوزه ساز میاد و میگه که سنگش تاریکه ۶۲۷ بالا و پایین قطور، اما میانش باریکه
- یدونه طراح میگه این جام به شکل بدنه ۶۲۸ اگه ما دقت کنیم، فرمش مثل فرم زنه
- یدونه شاعر میگه این جام منو مستانه کرد ۶۲۹ دسته این جام هست چون صورت یک زن و یه مرد
- یه زمین شناس میاد میگه که سنگش نادره ۶۳۰ نباید که داغ بشه، چون میشکنه از بین میره
- یدونه باستان شناس میگه این جام هست از قدیم ۶۳۱ آثار باستانی، ما باید به موزه بدیم
- آخرش آخوند میگه: تو مسجد شمعدون کم داریم! ۶۳۲ ببریم این جام را مسجد، جای شمعدون بذاریم!
- 
- حالا دیدیم هر کسی دارد برای خود نظر ۶۳۳ ما با منطق انتخاب کنیم یه کار پُر اثر
- اگه حرف این آخوند فقط مبنای کار بود ۶۳۴ کلی از حقایق این جام را میکرد نابود
- با یک احترام ما حرف دیگران را میشنویم ۶۳۵ و با آگاهی به سوی تصمیم خرد روییم
- ما با منطق میتونیم ضرر به سود تبدیل بدیم ۶۳۶ پس باید جام را به موزه ملی تحویل بدیم
- این بنای احترام بر همگان بر سود است ۶۳۷ خودپرستی جهل و ننگ و بینش در دود است



جام احترام



- تعارف و تظاهر و چند چهرگی در هر ولایت ۶۳۸ داده بر باد، اصول راستگویی و صداقت
- وقتی از ما یک کسی خواهش به کاری میکنه ۶۳۹ اگه ما آره بگیم، رو ما اون حساب میکنه
- اگه ما خوب میدونیم، این کار از ما بر نمیاد ۶۴۰ میدونیم یارو میخواد برنجه از ما چه زیاد
- جای آره گفتن که فقط یارو خوشش بیاد ۶۴۱ رُک و راست باید بگیم؛ این کار از ما بر نمیاد!
- فکر نکن که نه بگی، میشی دلیل و بی ثبات ۶۴۲ نه منطقی واسه یارو میسازه اعتماد
- میدونه واسه چه کار، رو چه کسی حساب کنه ۶۴۳ راستگویی در په کشور، کشف هر نقاب کنه



- دختر همسایه رو که دوست داری، میبینی ۶۴۴ کیسه هاش سنگینه از طالبی و سیب زمینی
- تو میخوای یکجوری این سخن را آغاز کنی ۶۴۵ وارد فکرش بشی، قلبش را تو باز کنی
- تو میگی: حالت خوبه؟ همسایه خوب و گلم؟ ۶۴۶ اون میگه: امتحان عربی دارم. چیکار کنم؟
- تو خودت خوب میدونی، عربی تو ترکمونه ۶۴۷ اگه تو کمک کنی، مثل خر تو گل میمونه
- پاسخ تظاهر است: ” بیا که من کمک کنم ۶۴۸ من دو سال دویی بودم، عربی رو من پُفک کنم!“
- دختره امتحان رو میده و بعد رفوزه میشه ۶۴۹ اعتماد اون به تو، شکسته در کوزه میشه
- پاسخ صداقت است: ”عربی من افتضاحه ۶۵۰ کیسه هارو بده من، چون مسیرمون همراهه!“
- دختره حال میکنه، واست یه لبخند میزنه ۶۵۱ شاید هم به خود بگه: این پسره مال منه

## معجزه گُمای حاجی فلانی

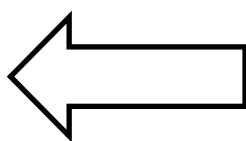
**آخوند:** حاجی فلانی بعد از ۴۰ روز در گُمای چشم گشود. اقوام خوشحال شدند که حاجی بیدار شده. به اقوام گفت: "یک تَشْت بیاورید". برایش تَشْتی بزرگ آوردند. یک تَشْت رید و گفت: "وَسَلام و علیکم" و مُرد!  
**گوسفندان شَنونده:** عَجَب! عَجَب! عَجَب!

- ۶۵۲ به نماز جمعه آخوند با پای خویش میری همه اونجا ریش و پشمی، تو هم با ریش میری
- ۶۵۳ تو خودت خوب میدونی، آخوند نمایندت نیست همه حرفاش ظلم و جنگ، این باعث خندت نیست
- ۶۵۴ هر چه این آخوند میگه، مردم همه شُعار میدن همه مُشت گِره کرده، شُعار جنگ و زار میدن
- ۶۵۵ عَمَلِ تظاهر است: تو هم اونجا شُعار بدی مُشْتتو گِره کنی، شُعارهای بی عار بدی
- ۶۵۶ چون که وقتی تو از اونجا طرفِ منزل میری میدونی چاپلوسی کردی، خسته و بی دل میری
- ۶۵۷ میگی: این چه بود که کردم؟ از خودت بدت میاد میدونی که این تظاهر، شخصیت میده به باد
- ۶۵۸ عَمَلِ صداقت است: پیش آخوند اصلا نری اگر هم میری، سه تیغ بری و دلخون تو نری
- ۶۵۹ اول این آخوند را بشنو، و اگر هم نظری فقط اون هنگام تو باید مُشتِ خود بالا بری
- ۶۶۰ اگه ملت به صداقت قُدرتِ واجب میداد با تظاهر، به آخوند قُدرتِ کاذب نمیداد
- ۶۶۱ وقتی هم نظر نباشی، اگه تو شُعار ندی نُطقِ آخوند کور میشه، میفته در روزِ بدی
- ۶۶۲ دیگه اون وقت نیماذ عرعِرِ جنگ و زور کُنه حقِ ما رو بخوره، آب به گلوی ما شور کُنه
- ۶۶۳ با صداقت این تظاهر دیگه از سینه میره با صداقت، نمازِ جمعه دیگه کسی نمیره



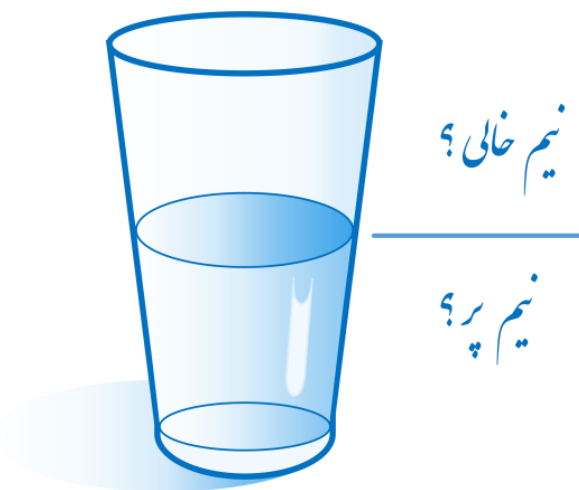


- ۶۶۴ امرِ اجباری بسازد ناامیدی و اضطراب ۶۶۴ امر اجباریست که پایمال میکند هر انتخاب
- ۶۶۵ انتخابِ زوج یا آینده، یک امرِ شخصیه ۶۶۵ تو میخواهی چه کاره بشی، این مربوط به هیچ کسیه
- ۶۶۶ خودِ ما راهی که رفتیم بود به سوی پرتگاه ۶۶۶ حالا با اجبار میخواهیم جبران کنیم این اشتباه
- ۶۶۷ ما به بچه مون میگیریم: اشتباهِ ما رو نکن! ۶۶۷ ولی آن چه آرزویمان بود را بیا و بکن!
- ۶۶۸ یا میگیریم: باید بیای کارِ ما رو ادامه دهی! ۶۶۸ و به خواسته های شخصیِ خودت گوش ندهی!
- ۶۶۹ وقتِ ازدواج میگیریم: باید که این زوجت باشه! ۶۶۹ اگه خواستِ ما نباشه، دنیا از هم میپاشه!
- ۶۷۰ آخه ای آدمکِ یاوه گوی پرت و پلا ۶۷۰ به خودت ریدی، حالا میخواهی برینی به بچه ها؟
- ۶۷۱ خواستِ آرزوی ما از بچه ها، عادل نیست ۶۷۱ اجبارِ ما به خواستِ ما، کارِ یک عاقل نیست
- ۶۷۲ کی میگه آرزوی ما، آرزوی بچه مونه؟ ۶۷۲ او با این میراثِ شغلی باید اینجا بمونه؟
- ۶۷۳ شاید اون چه ما میخواستیم، اون زمان جواب میداد ۶۷۳ اما الان همه بیکار، چون از اون کار هست زیاد
- ۶۷۴ خود فدای خانواده، منطقِ دلسوز نیست ۶۷۴ این بدان ارزشِ دیروز، ارزشِ امروز نیست
- ۶۷۵ آیا تو یه زوجِ صادق میخواهی، یا با نقاب؟ ۶۷۵ که به تو تحمیل بشد، یا خودش کردت انتخاب؟
- ۶۷۶ مگه با زور هم میشه تو عاشقِ یک یار بشی؟ ۶۷۶ با زور و اجبار بیای باهاتش تو بچه دار بشی؟
- ۶۷۷ وقتی تو زور میکنی، مردمو مجبور میکنی ۶۷۷ اونا رو از دادگری و از خودت دور میکنی
- ۶۷۸ وقتی تو اجازه انتخاب به مردم میدی ۶۷۸ آن زمان مشتاق میشن، از بین میره ناامیدی
- ۶۷۹ پس با اجبار، هر کسی ناخواسته یک جور اسیره ۶۷۹ اما با انتخاب، هر دیکتاتوری از بین میره





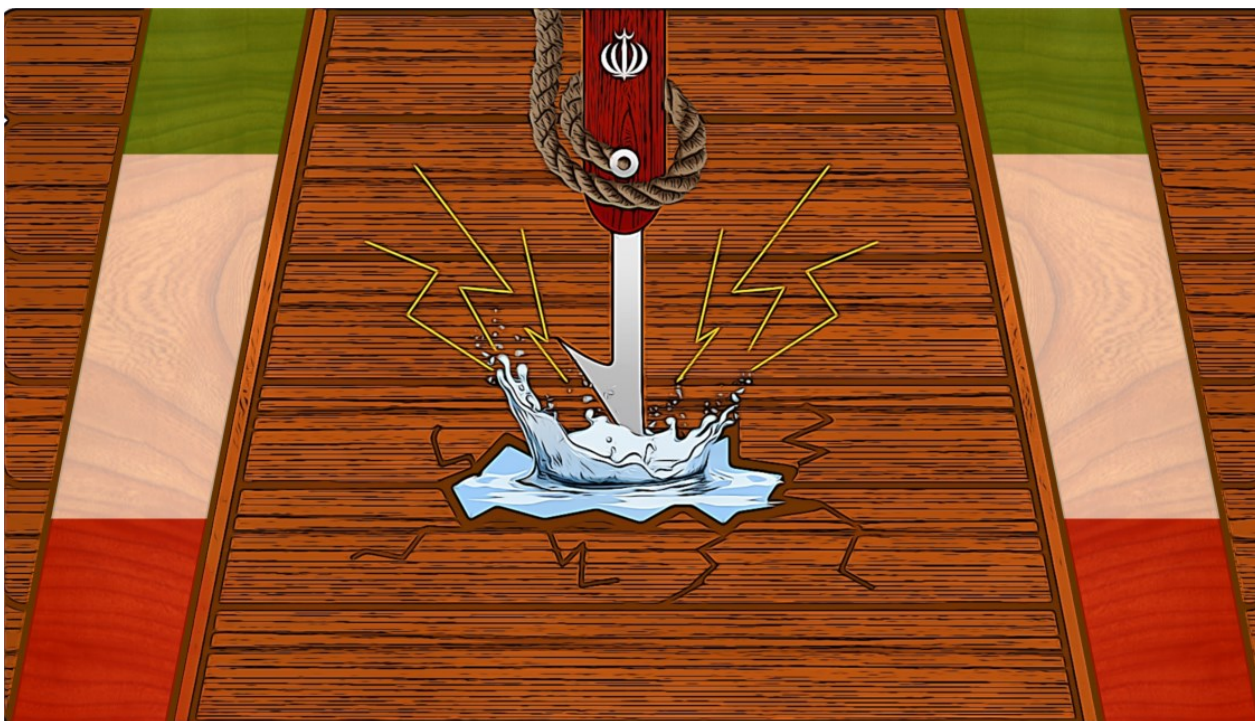
- ۶۸۰ فرق بین نا امید و با امید، خیلی کم است  
با امیدواری شویم خوشنود، نا امیدی غم است
- ۶۸۱ با امیدواری به پیش رویم لب تیغه کوه  
نا امیدی یک سقوط است، ما بازیم جان و روح
- ۶۸۲ منشأ این نا امیدی کمبود مکرر است  
منشأ امیدواری اراده هر نفر است
- ۶۸۳ ذهن منفی روی کمبود، باعث غرق و سقوط  
ذهن مثبت روی بهبود، باعث خوشخوین سرود
- ۶۸۴ آگه ما مشکلات رو با یأس و ضعف نگاه کنیم  
هیچ پیشرفتی نکرده، مردم آگاه نکنیم
- ۶۸۵ آگه ما امیدوار به این مشکلات نگاه کنیم  
با گزین علم و منطق چاره ای به راه کنیم
- ۶۸۶ ما به وضع داغون ایران امروز آگاهیم  
میدونیم ۵۰ سال بازسازی پیش رو داریم
- ۶۸۷ حرف یک نا امید است: ول کن مگه مرض داری؟  
ایران آباد نمیشه، نکش ما رو به بیگاری!
- ۶۸۸ حرف یک امیدوار است: گزینه های ما غنیست!  
این به کار مشکل است، اما به کار شدن نیست!



- ۶۸۹ لیوان ایران ما تا خط نیمش آب داره  
میتونه خالی بشه، یا که بشه پر دوباره
- ۶۹۰ تمام ایران باید از این لیوان آب بخوره  
پس نگو: نیم خالیه! بگو: لیوان نیمش پره!
- ۶۹۱ شانسی ۵۰ درصد سقوط، ذهن در دسر است  
شانسی ۵۰ درصد عبور، نور باور است
- ۶۹۲ گر تو باشی با امید، امید دهی به دیگران  
ما براندازیم رژیم فاسد ضحاکیان
- ۶۹۳ نا امیدی باعث سوگ، شکست و ذلت است  
با امید شادی پیروزی یک ملت است



- صیادِ دیوانه ای، همراه با چندین ماهیگیر ۶۹۴ روی هم پول گذاشتند، خریدند بَلَمی کبیر
- هر کسِ سَهامی داشت در این قایقِ رنگارنگ ۶۹۵ دست به پارو، دل به دریا زدند آنها بی درنگ
- وسطِ دریا همه قُلابِ تو آب، میله به دست ۶۹۶ صدایِ ناهنجاری آمد، انگار قایق شکست
- همه با هراس چراندند چشم، که این صدا چه بود؟ ۶۹۷ فوری دیدند که صدایِ نیزهٔ دیوانه بود
- صیادِ دیوانه، خندان به همه میده بیلاخ ۶۹۸ داره با نیزهٔ تیز می‌کنه این قایق سوراخ
- سوراخِ کوچکی را با ضربِ اول باز کرد ۶۹۹ ماجرای غرقِ این قایق را او آغاز کرد



- سایر ماهیگیران جمع شدند با پای خیس ۷۰۰ گفتند: ای دیوانه! با این کار کنی ما سر به نیست!
- در جواب دیوانه گفت: سَهَم من است بَهرِ خودم ۷۰۱ حقِ من باشد که سَهَمِ خود را سوراخِ بکنم!
- حالا دیگران بدانند این صیادِ دیوانه است ۷۰۲ غرقِ حتمی توئی دریا، به همه ترانه است



- این حدیث در این زمان دارد دو نوع عکس العمل ۷۰۳ یکی هست مثال سُستی، و دگر تعهد مثل
- امر سُستی است؛ که هیچ کار ماهیگیران نکنند ۷۰۴ از بر این فاجعه خود را پریشان نکنند
- اگره نیزه را ز دستِ جهل صیاد نگیرند ۷۰۵ توی این دریا به زودی غرق و ناشاد میبرند
- امر تعهد است؛ دگر ماهیگیران خروش کنند ۷۰۶ نیزه از صیاد گرفته، سوراخ رو پاپوش کنند
- صیاد رو دستگیر کنند، سوی کرانه بتازند ۷۰۷ به کرانه رسیدند، دیوانه زندان بندازند



- صیاد دیوانه است ضحاک و یا تجزیه طلب ۷۰۸ و دگر ماهیگیران، ایرانیان حق به لب
- نیزه صیاد است سلاح این بیگانگان ۷۰۹ قایق رنگارنگ است میهن ما ایرانیان
- فرد سُست میگه: این مشکلات به من ربط نداره! ۷۱۰ اگه غرق شدیم، شدیم، ظالم مروت نداره!
- میگه: این ترکمون اوناست، تقصیر من که نیست! ۷۱۱ شکم من پر بشه، همه بشن نابود و نیست!
- فرد با تعهد میگه: مشکل تو قایق منه! ۷۱۲ این قایق ایران من و ایران هم وطنه!
- میگه: این ترکمون اوناست، ولی من مسئولم! ۷۱۳ اگه تعمیر نکنم، به زودی خونه به کولم!
- ما همه در قایق ایران زمین شناوریم ۷۱۴ پس باید با پشتکار این قایقو پیش ببریم
- منتظر نشیم کسی بیاد قایق تعمیر کنه ۷۱۵ چون که قایق غرق میشه، اگه تعمیر تأخیر کنه
- ما باید از این قایق درست حفاظت بکنیم ۷۱۶ از بر ایران و ایرانی حراست بکنیم
- چون که سُستی جز نزول و تن به ذلت هیچ نگفت ۷۱۷ هنگام مسئولیت، پس یاد این قایق بیفت
- ظلم ضحاک، ما را با سُستی نموده بس اسیر ۷۱۸ اما با تعهد کنیم زمینگیر، ما ضحاک پیر
- پس با سُستی، حق یک جامعه پایمال میشه ۷۱۹ اما با تعهد تمام جامعه خوشحال میشه

- انقلاب فکری است؛ این ۱۰ پند آموزگار ۷۲۰ جایگزین کن توی پندار، گفتار، با کردار
- گر بکوشی در ره ۱۰ پند شوی فرد خرد ۷۲۱ دست بگیری از بر میهن، یه دادگر عاقبت



تقسیم کیک نو اندیشی

- تو با ۱۰ پند شوی محترم و بس آگاه ۷۲۲ و در انقلاب فکری بررسی به نیمه راه
- ۱۰ سلاح برای تو، تمام راه در خدمت است ۷۲۳ هر جای جهان بری، این ۱۰ پند یک نعمت است



- شاید امروز بگیم: این هست ۱۰ پند نوین ۷۲۴ فردا که قانون بشن، انجام ندی میخوری زمین
- پس بکن ۱۰ پند نیک را تو از امروز جایگزین ۷۲۵ تا که محصولش به نسل بعد بود عدل نوین

هر چه در ایران زمین باشد، به ماست او عافیّت ۷۲۶ آدم و سریشّت و جانور بُودِ ایرانیّت



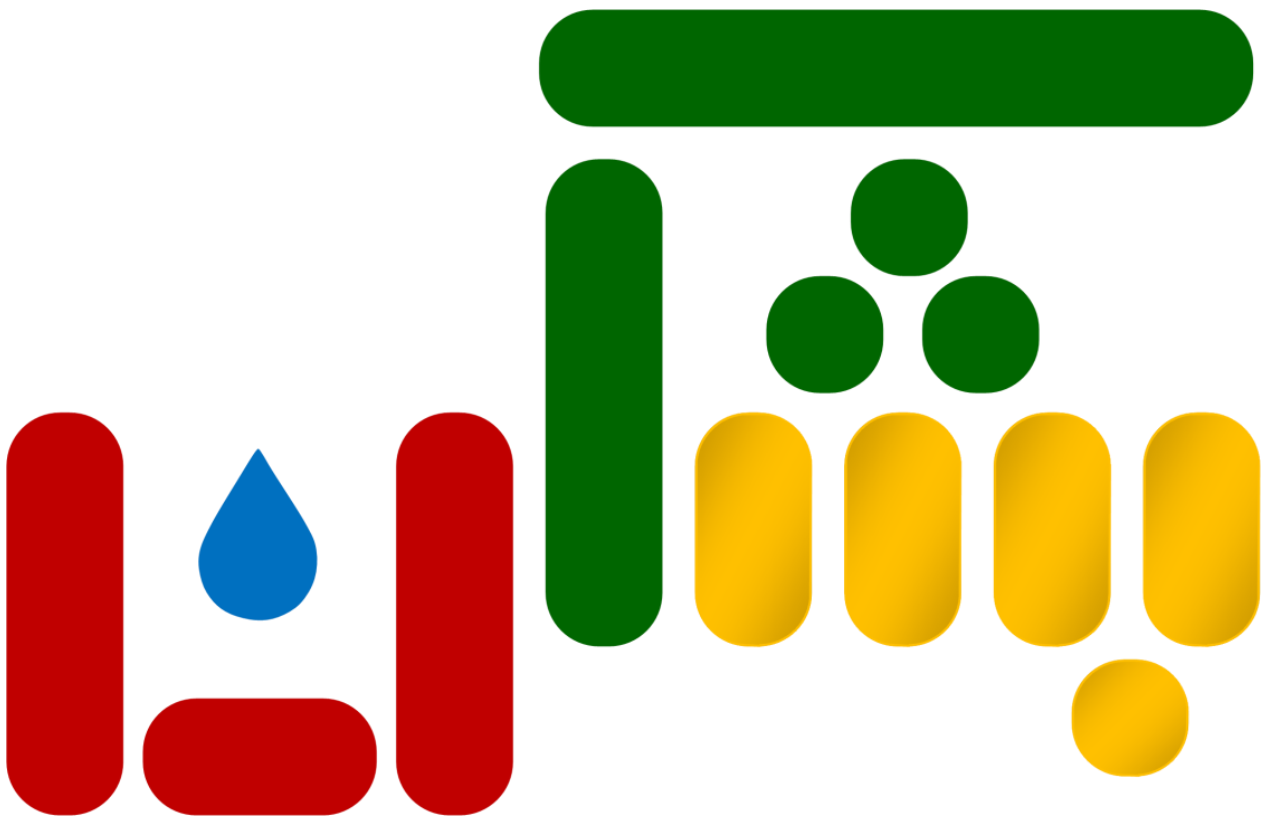
شاه داریوشِ هخامنشی و سریشّتِ کوهپایهٔ دماوند

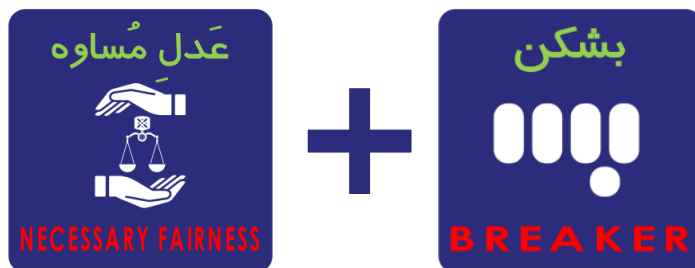


- داد و بیدادِ سریشّت و دَد و دام یا انسان ۷۲۷ دادگر باش از برِ ایرانیّت پس یکسان
- ذهنِ حق پایمال کننده، هست مرامِ تازیان ۷۲۸ پس دفاع کن با کلامِ تازی، از ایرانیان
- تو بدان دادگریِ یکسان هست خواستارِ کاوه ۷۲۹ پس به تازی صِفَتان بگو میخواهی "عَدَلِ مُساوِه"
- هر جا دیدی سزایِ ایرانیّت پایمال شد ۷۳۰ تو بگیر عَدَلِ مُساوِه، با وقار به دستِ خود
- ریشۀ عَدَلِ مُساوِه، ۱۰ پندِ به مردم است ۷۳۱ تو بده هشدار به جاهل، چون که او سر در گم است
- ما میگیریم: ایرانیّت دارد په دادگر حقِ زیست! ۷۳۲ پس مقابلِ کتک یا ظلم و زور، دادگر بایست
- وقی که ما میشنویم فریادِ انسان یا که دام ۷۳۳ قلبمون جریحه دار میشه، باید کنیم قیام
- تو نباش سست و نگو که این به من ربط نداره ۷۳۴ دفاع از ایرانیّت هیچ تعارف و شرط نداره
- هر کجا زور و ستم، حقِ ایرانیّت بخورد ۷۳۵ تو بگیر عَدَلِ مُساوِه، چون سپر به دستِ خود
- حالا فرقی نداره حاکم، ناظم، پدر باشه ۷۳۶ امرِ زور از سرِ هر کسی باید به در بشه
- پس تو شو داخل، علیه ظلمِ ضحاک بخروش ۷۳۷ تو با این کار، در ره دادگریِ ایران بکوش
- این بدان عَدَلِ مُساوِه دهد ایرانی نجات ۷۳۸ ما با این عَدَلِ مُساوِه برسیم به اعتماد



- ۷۳۹ ای تو که دانی که این عدلِ مساویهِ دادگریست تو شوی روشن، ولی ذهنِ دادگری کافی نیست
- ۷۴۰ تو باید نشانِ بدی، دادگری در حرف و عمل بشکنی ستم به ایرانیّت را در هر محل
- ۷۴۱ دادگری در یک وطن، بنیادِ شادی و صفا باش تو بشکن، گن سزای دادگری را تو دفاع
- ۷۴۲ هر کُمک به هموطن، هست خود مرامِ بشکنی با نوشت و عملِ دادگر بگو هموطنی
- ۷۴۳ فردِ روشن فقط هست آگاه به حقِ کاویان فردِ بشکن است که بشکند ظلمِ ضحاکیان
- ۷۴۴ پس تو باش بشکن، تبه بشکن بر ایران زمین باش تو "بنیانگذارِ شجاعِ کاوه نوین"





- این امر به معروف صفتان را که میبینی ۷۴۵ جاهلانی بیش نیستند، در نقاب دینی
- امر به معروف یعنی زور به همگان ۷۴۶ عدل مساوه یعنی دادگری یکسان
- امر به معروف فقط جهل است و خرافه ۷۴۷ جواب جاهلان بده، با عدل مساوه

زور نگو، کتک زن، فضولی نکن، رشوه بگیر! ۷۴۸ مرگ نخواه، بت نپرست، سرتو تو لای خود بگیر!

عدل مساوه، خواستار کاوه ۷۴۹ ظلم اشتباه، زور کار گاو



- لادن سکوت نکن! عاقل زن است یه روشن ۷۵۰ کلاغی خورد حق زن، ظلم کلاغ رو بشکن!
- گلکن سکوت نکن! یه عاقل است یه روشن ۷۵۱ الاغی شد بد دهن، ظلم الاغ رو بشکن!
- عدل مساوه، خواستار کاوه ۷۵۲ ظلم اشتباه، زور مال گاو
- سزای عادل به زن، هم به کلاغ و لادن ۷۵۳ سزای عادل به مرد، هم به الاغ و گلکن
- امر معروف کلاغ جهل است و خرافه ۷۵۴ بشکن عرعر الاغ با عدل مساوه
- عدل مساوه، خواستار کاوه ۷۵۰ ظلم اشتباه، زور شاخ گاو

مقابل هر کی که "امر به معروف" کرد، سپر "عدل مساوه" را استفاده کن. بهش این دو شعر را بگو:

۱ زور نگو، کُتک نزن  
فضولی نزن، رشوه نگیر  
مرگ نخواه، بَت نپرست،  
سَر تو تو کَلابِ خود بگیر



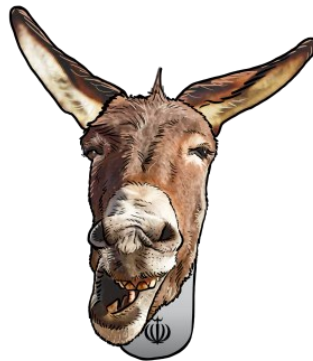
۲ عَدْلِ مُاَوِه  
خواستارِ کَاوِه  
ظلمِ اشْتِبَاهِ  
زورِ کَارِ کَاوِه

۱	بگو به کلاغ	۸۴
---	-------------	----



ما بشکنیم، تو یک کلاغ، رژیم تاز باید بره ۷۵۶ کویر تاز، بدجوری داغ، رفتی صندل یادت نره

۱	بگو به الاغ	۸۵
---	-------------	----



ما بشکنیم، تو یک الاغ، رژیم تاز باید بره ۷۵۷ کویر تاز، بدجوری داغ، رفتی سانددیس یادت نره

۱	بگو به بشکن	۸۶
---	-------------	----



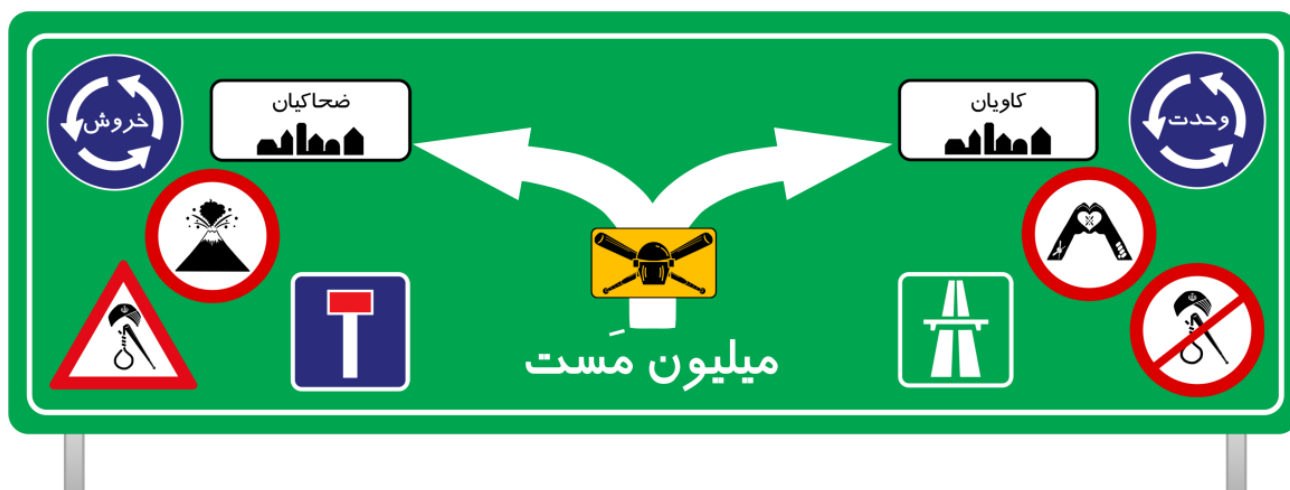
دروء، درود به روی تو ۷۵۸ غرور و آبروی تو



- چهل و آندی ساله، به ما شده زور و ستم ۷۵۹ فردرندی بس دیدیم، فردانگی را خیلی کم
- قاتلی کردیم ما دیگه، کم مونده ما کنیم قیام ۷۶۰ بگیریم ما انتقام، یا که کنیم بد قتل عام
- ما که در ۱۰ پند گفتیم: نه به انتقام و مرگ؟ ۷۶۱ سر حرفمان بایستیم، تا که داریم خون به رگ
- گر ریا به ما شده، ما خود بکردیم بس ریا ۷۶۲ گر سزا پایمال شده، ما هم کردیم پایمال سزا
- وقتی که کشور باشه دست هزار دست و آخوند ۷۶۳ شعر سوگواری باید برای هر دادخواهی خوند
- قوم ضحاک دهد فرمان به قوم کاویان ۷۶۴ اگه میلیون مست نباشی، زندگیت هست پر زیان
- پس بدان: میلیون مست چماق بدست ناچاره است ۷۶۵ گر به ضحاک "نه" بگوید، کالبدش ۶ پاره است
- بعضی از مستان بگردند مردمان را بس شکنج ۷۶۶ بعضی از مستان بگشتند مردمان را با تفنگ
- خود آنها خوب بدانند که نباشند در پناه ۷۶۷ ولی ما میلیون ها مست داریم، که هستند بی گناه
- اگه مست به مردمش ستم بکرد، زندانی است ۷۶۸ ولی مجرم خواندن کل مستان، نادانی است
- هدف ما شیخ ضحاک است و دستانش هزار ۷۶۹ پس بر دگر ایرانیان باید کنیم گذار
- ما باید "بخشش ملی" را همه صدا کنیم ۷۷۰ بین هر کی کاوه است، ما اعتماد ایفا کنیم
- گر بدانیم کل مردم بر ما خواهند نیک گذشت ۷۷۱ ما همه همتا خروشیم، از ده و کوه، شهر و دشت
- پس بدان "بخشش ملی" هست نشان انسانیت ۷۷۲ این گذشت همتا کند، هر چه که هست ایرانیت
- رفع نفاق فعلی ۷۷۳ با یک بخشش ملی



- ما که دانیم تازی ضحاکیان در قدرت است ۷۷۴ و بدانیم کاوه ایرانیان در ذلت است
- ما ۲ راه داریم، برای ریزش ضحاکیان ۷۷۵ یکی هست "همتایی" و دگر بود "بد طغیان"
- میدونیم که قدرت است به دست میلیون مستان ۷۷۶ میتونند ضحاک باشند، یا ما باشند کاویان
- اگه من، میهن پرست، همتا بشم با میلیون مست ۷۷۷ خیلی آسوده دهیم ضحاکیان را ما شکست
- ولی ما چطور کنیم میلیون مستان را هم صدا؟ ۷۷۸ وقتی ما می‌گیم: "حمایت"، می‌کشند پویا و ندا
- چون که ما حمایت را تو ضرب و طغیان می‌خواهیم ۷۷۹ بدون پیش برنامه، حمایت اون زمان می‌خواهیم
- اگه ما تو روز معمولی، با مست صحبت کنیم ۷۸۰ گل بدیم، بغل کنیم، به همیاری دعوت کنیم
- ما بفهمیم که میلیون مست نباشد بی خرد ۷۸۱ خود او بداند که ضحاک، حق همه خورد
- گر بگویم ما به مستان: بخشش ملی به توست ۷۸۲ ما کنیم روابط مستان با آخوندها رو سست
- تو با این کار، بسازی دوستی با اعتماد ۷۸۳ وقت اعتراض، شاید با هم بدید نظام به باد
- چون اگر مست شود ضحاک، ره ماست طغیان ۷۸۴ ولی گر کاوه شود، سوسک کنیم ضحاکیان



- پس بدان تنها ره "آشتی گذار"، همتایی است ۷۸۵ خوب بکن مستان از آن خود، تو ای میهن پرست
- میلیون مست بی گناه ۷۸۶ بخشش ملی، مال شما
- شما میلیون مستین ۷۸۷ شما دوست ما هستین
- ما جفتی کاوه هستیم ۷۸۸ ما ضد ضحاک هستیم
- همه ایران پرستیم ۷۸۹ از آخوند خسته هستیم



یار بیاموز که چرا همتایی هست امر مفید	۷۹۰	آیا با "آشتی"؛ توانیم عاقبت کنیم سپید؟
مالکی ارثی بیافت؛ که بود سرزمینی بزرگ	۷۹۱	ولی این مالک ستمگر؛ داشت افکار سترگ
او که از رعیت؛ ز خود پاسدار میلیون مست خرید	۷۹۲	او په باره؛ آب به سوی هر چه دهقان است برید
هر که رعیت بود؛ بشد با این عمل؛ او خشمگین	۷۹۳	دست گرفتند؛ بیل و چنگال؛ داس و میله آهنین
با خشونت؛ سر گرفتند راه به مالک منزلش	۷۹۴	ولی این مالک داده؛ تفنگ دست آراذش
این گروه مَستان که خود؛ از خویشان این مردم است	۷۹۵	با تفنگ جولان دهند؛ دور کاخ مالک پست
در افق مَستان ببینند؛ گرد و خاک است در هوا	۷۹۶	جمع رعیت بس بزرگ است؛ آنها آیند سوی ما
این حدیث در این زمان دارد دو نوع عکس العمل	۷۹۷	یکی است مثال "آشتی"؛ و دگر "خشن" مثل
مثال خشن میگه؛ رعیت با خشم به پیش میاد	۷۹۸	دستور حمله میدن؛ صدای بیل و تیش میاد
این زمان؛ هر میلیون مست؛ وارد یک وحشت میشه	۷۹۹	اسلحه دست میگیره؛ هرکی نزدیک شد میکشه
مثال آشتی میگه؛ رعیت آروم به پیش میاد	۸۰۰	به مَستان درود میگن؛ گلایه از مالک زیاد
اعتماد دهند به مَستان؛ که هدف این مالک است	۸۰۱	حق رعیت با حق مَستان؛ حق مشترک است
این زمان هر میلیون مست؛ با مردمش همتا میشه	۸۰۲	درب کاخ باز میکنه؛ مالک دیگه فنا میشه
کودنیت یعنی که تکرار کنیم یک اشتباه	۸۰۳	اما فکر کنیم که بازتابش شود امری جدا
ما چهل ساله که پیش گرفته ایم؛ خشن مثل	۸۰۴	پس بیایم یک بار کنیم؛ مثال آشتی را عمل
ما نگییم که آشتی با؛ پیروزی برابر است	۸۰۵	ولی شانسیش از خشونت؛ باری بارها بهتر است
پس بدان تنها ره "آشتی گذار"؛ همتایی است	۸۰۶	کاویان همتا شوند؛ ضحاکیان خورند شکست
میلیون مست از ما نترس	۸۰۷	بخشش ملی مال تو است
اینا میلیون مَستن؛ اینا دوست ما هستن	۸۰۸	هزار دستان و شیخ از همیاری مون میترسن
درود بر میلیون مست	۸۰۹	لعنت بر هزار دست
باید با هم ظلمو شکوند	۸۱۰	ننگ بر هزار دست و آخوند



آدابِ "یانته" یادت نره ۸۱۱ فرعونیت باید بره

آدابِ "یانته" یادت نره ۸۱۲ زور و ستم باید بره

۱- یادتِ نره تو هرگز ۸۱۳ که بالاتر از ما نیستی

۲- یادتِ نره تو هرگز ۸۱۴ که زرنکتر از ما نیستی

۳- یادتِ نره تو هرگز ۸۱۵ که بهتر از ما نتونی

۴- یادتِ نره تو هرگز ۸۱۶ که بیشتر از ما ندونی

۵- یادتِ نره تو هرگز ۸۱۷ که نخوری به دردِ کاری

۶- یادتِ نره تو هرگز ۸۱۸ که اهمیتی نداری

”عدلِ مساوه“ سپرِ میهن پرستان ۸۱۹ ”بخششِ ملی“ حامیِ میلیون مستان

”آدابِ یانته“ عبرتِ خود چس پرستان ۸۲۰ ”زنجیر و زندان“ بر سرِ هزاردستان

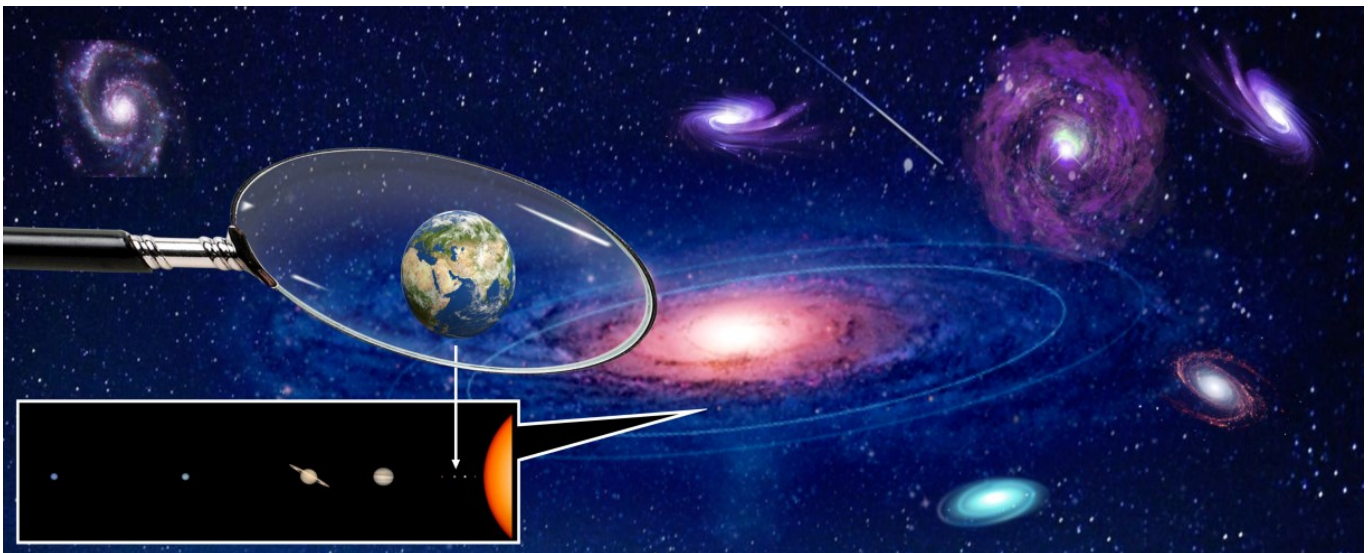


## خردِ جهلِ شکن



۱۴	آفرینش، پیدایش و ستایش	۹۲
----	------------------------	----

- ۸۲۱ ۱۳.۷ میلیارد سال پیش، گیتی زاده شد ۴.۵ میلیارد سال پیش، خورشید زاده شد
- ۸۲۲ زمین هم دورِ غبارِ خورشیدی باز کرد کتاب اما بود اول بدونِ آب، داغ، پُر از مَذاب
- ۸۲۳ نزدیک به ۴ میلیارد سال از این زمان گذشت تا که حیوان و گیاه، پُر شد در آب، کوه و دشت
- ۸۲۴ نسلِ انسانها فقط ۳ میلیون سالی عمیقه اگه دنیا یک روزه، نسلِ ما هست یک دقیقه
- ۸۲۵ تو فقط یک نفری، ما بینِ ۸ میلیارد نفر روی یک سیاره ای، از ۸ سیاره کَمَر
- ۸۲۶ دورِ یک ستاره چرخشی، بینِ ۳۰۰ میلیارد توی یک کَهکشانی، ما بینِ ۳۰۰۰ میلیارد
- ۸۲۷ این بزرگ گیتی که میباشد شاید بی انتها ما کوچکتر از اتم، اما همه پُر ادعا



- ۸۲۸ اگه تو فکر میکنی، خدا اونجا بیکار نشسته اونجا علاف، با میکروسکوپ، فقط چشم به تو بست؟
- ۸۲۹ این بدانِ علافیت تنها گریبانگیرِ ماست یارو عمامه سرش میزاره، میگه آیتِ خداست
- ۸۳۰ عاقلان دانش بجویند، با سفر سوی فضا جاهلان سر هم بکوبند، از برِ ملا عزا

- اگه تو عقیده داری که خدا گیتی بساخت ۸۳۱ این بدان خدا به آخوند شعرِ رمزی نَنواخت
- پس به تو کافی بُوَد عقیده تو بر خدا ۸۳۲ با تو هَسْت هر جا که باشی، چه غنی مند چه گدا
- این خدا بنا کند وجدانِ نیک بر شخصیت ۸۳۳ تا بداننی چه پلید است، و چه باشد عافیت
- با نیایش توی منزل همیشه وجدان پاک نمود ۸۳۴ پس دیگه هیچ نیازی نیست، بری پیش آخوند



۶	<b>زنان، محور ایران مردم</b>	۹۳
---	------------------------------	----

- ضحاکِ اژدها که میزیست ۵۰۰۰ سال پیش ۸۳۵ کاری با زن نداشت، فقط مردها رو میکُشت با تیش
- ضحاکِ امروز ما، که قاتلِ میهن است ۸۳۶ بزرگترین دشمنِ حق و جانِ هر چی زن است



- کاوه اسطوره که میزیست ۵۰۰۰ سال پیش ۸۳۷ یک مرد بود، آهنگر، قوی و با پشم و ریش
- کاوه امروز ما، که فکرِ این میهن است ۸۳۸ شجاع است، بی ریا. کاوه امروز زن است



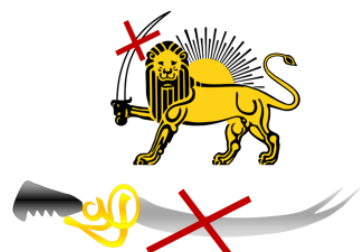
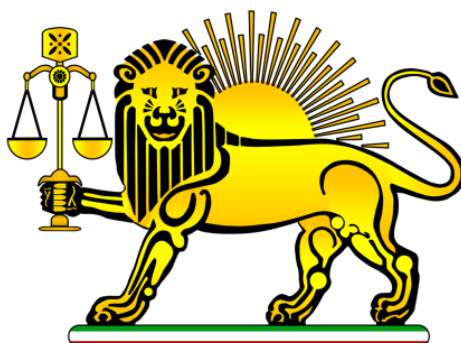
- مردی که ظلم به زن دید، اما تنها سکوت کرد ۸۳۹ دیگر به او نگو مرد. بگو به سوسکِ نافرد
- مردی که ظلم به زن دید، شکست ظلم و خروشید ۸۴۰ او بشکنی بنا کرد، با شیردلی درخشید

- فردِ آزادگرا، هست در سراسرِ جهان ۸۴۱ ولی این آخوند میگه: ما نداریم. ببند دهان!
- ایرانو کردن یه زندان، جنسها را از هم جدا ۸۴۲ بعضی از فشارِ جنسی شدند همجنس گرا
- ما در ایران داریم دو نوع فردِ همجنس پسند ۸۴۳ بعضیها حقیقی اند، اما بعضی کاذب گزند
- همچو زندان اندر ایران زورِ بازو هست به کار ۸۴۴ کُتک و تجاوز به همجنس گرا، یا تیرِ دار
- واژه "همجنس گرایی" هم خودش دو رویه ۸۴۵ اون که بهش فرو میره، فقط میگیریم اینه ایه
- تو با این منطق اشتباه نکن فرهنگسازی ۸۴۶ گر فرو کنی، یا بهت فرو بره، همجنسبازی

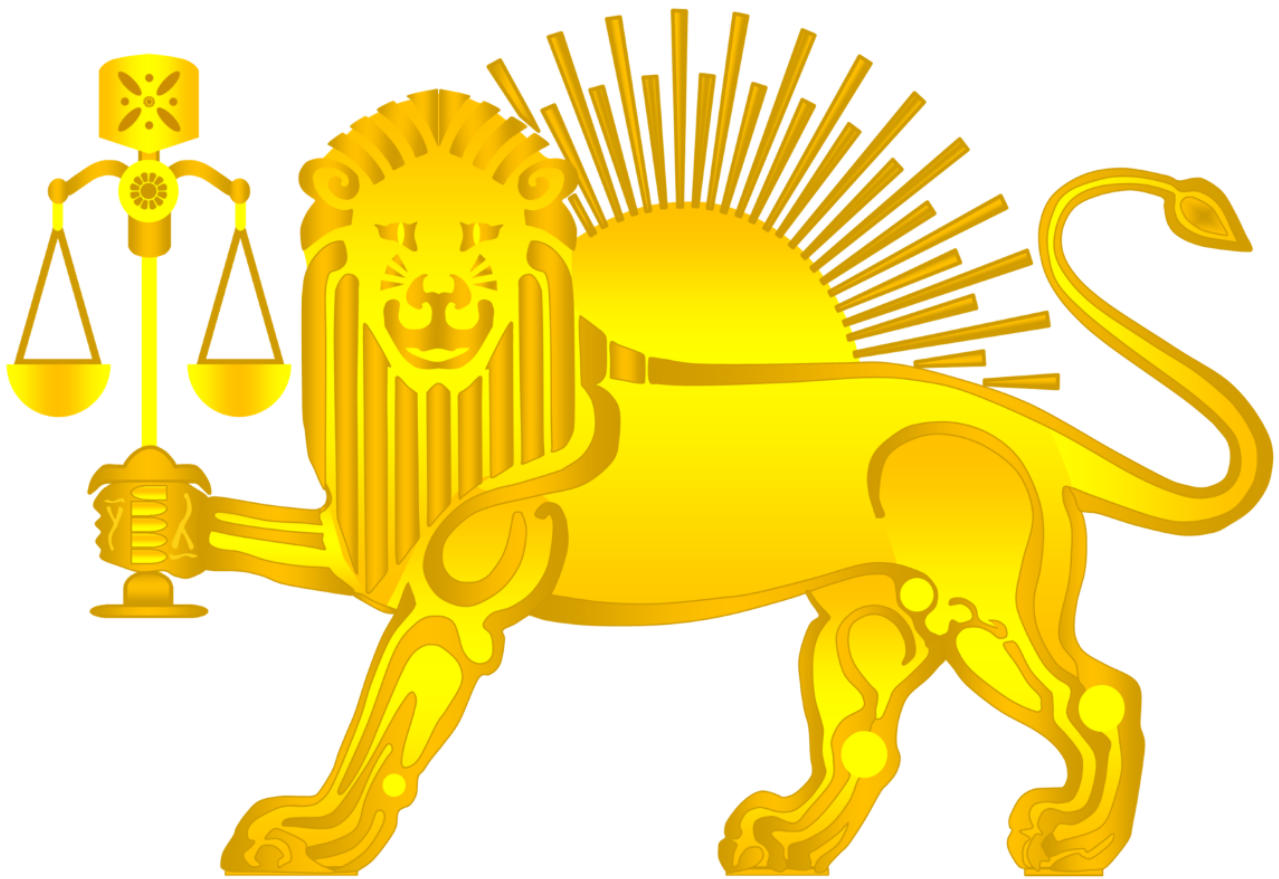
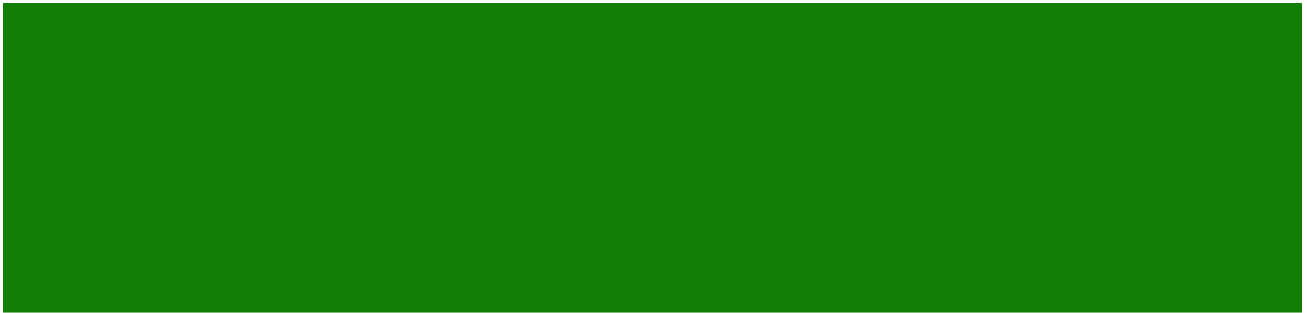


- فرداروز آزادی جنسی امر فراگیره ۸۴۷ زن و مرد آمیخته شن، کاذب گری از بین میره
- آن زمان حماقتِ ضدِ آزادگر میخوابه ۸۴۸ فردِ آزادگرا هم، آزاد میره یار میابه

شمشیرِ ظلم و ذلت، پایان باید گردد	۸۴۹	ترازوی عدالت، پایدار باید گردد
این شیر ما هست عادل	۸۵۰	شمشیرِ نمادِ قاتل
این شیر ما خورشیدیه	۸۵۱	ترازِ نمادِ ملیه
شمشیرِ نمادِ ذلته	۸۵۲	ترازِ مالِ عدالته
یا با تراز، یا هیچ چیز	۸۵۳	شمشیرِ نمادِ ستیز
یا با تراز، یا دست خالی	۸۵۴	شمشیرِ نمادِ خلّالی
آخوند عاشقِ شمشیره، چون شیخِ هند و بنگال	۸۵۵	شمشیرِ که هیچ، به پرچمِ ایران افزود یه چنگال
شمشیر و تیزی در نماد، نشانِ ظلم و اجبار	۸۵۶	آخوند حتی ترازِ دادگستریش هم شمشیرِ داره



شیر، خورشید و تراز	۸۵۷	ظلمِ شمشیرِ بر ملاست
شیر، خورشید و تراز	۸۵۸	شمشیرِ سلاحِ دشمن ساز
شیر، خورشید و تراز	۸۵۹	شمشیرِ باعثِ هراس
شیر، خورشید و تراز	۸۶۰	شمشیرِ ظلمِ یه گاوباز
شیر، خورشید و تراز	۸۶۱	عدالتِ کشور ساز
شیر، خورشید و تراز	۸۶۲	پرچمِ ایران سرفراز
پرچم که شد شمشیرِ دار، دلیلِ جنگ و بیگار	۸۶۳	پرچم که شد ترازِ دار، عادل میشیم در افکار
خرد و آشتی با اساس، دادگری در هر ذکریه	۸۶۴	تعویضِ شمشیرِ با تراز، یک انقلابِ فکریه





حقِ هم میهن دفاع کن، باش تو یک "فردِ شیر" ۸۶۵ حقِ میهن را دفاع کن، باش تو "ببرِ دلیر"  
 هر دو باش، ایران رها کن، از غمِ ضحاکِ پیر ۸۶۶ "شیرِ ببر" خوب است، ولی بهتر بود یک "ببرِ شیر"



گر که مردمِ بَهر فرهنگ، روند یک سال به جنگ ۸۶۷ بازتابش بیشتر است، ز صد سالِ جنگِ با تفنگ

بخش ۴: همبستگی

(گام اتحاد ملی)

۴

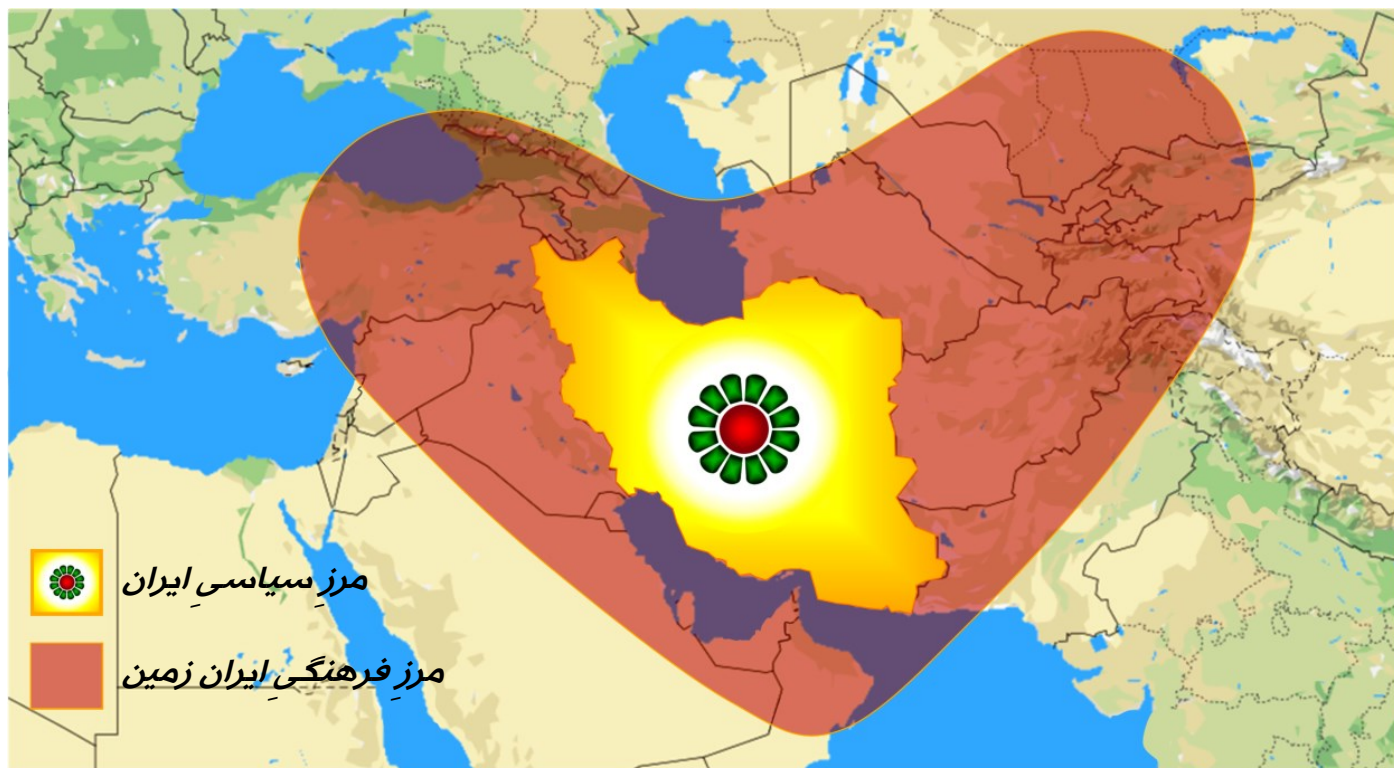


همبستگی



در ۱۲۴ شعر و ۷۰۰ بیت

- ۸۶۸ ما که گوئیم: هستیم اهل ایران، و ایران زمین فرقی در دو واژه باشد، و آن فرق است این چنین
- ۸۶۹ گر گوئیم "ایران"، سخن گوئیم ز یک سیاسی مرز گر گوئیم "ایران زمین"، آن است ابر فرهنگی مرز
- ۸۷۰ ما که دانیم وسعت ایران را در ۱۰۰ سال پیش این بدان وسعت ایران زمین هست ۳ بار یا بیش

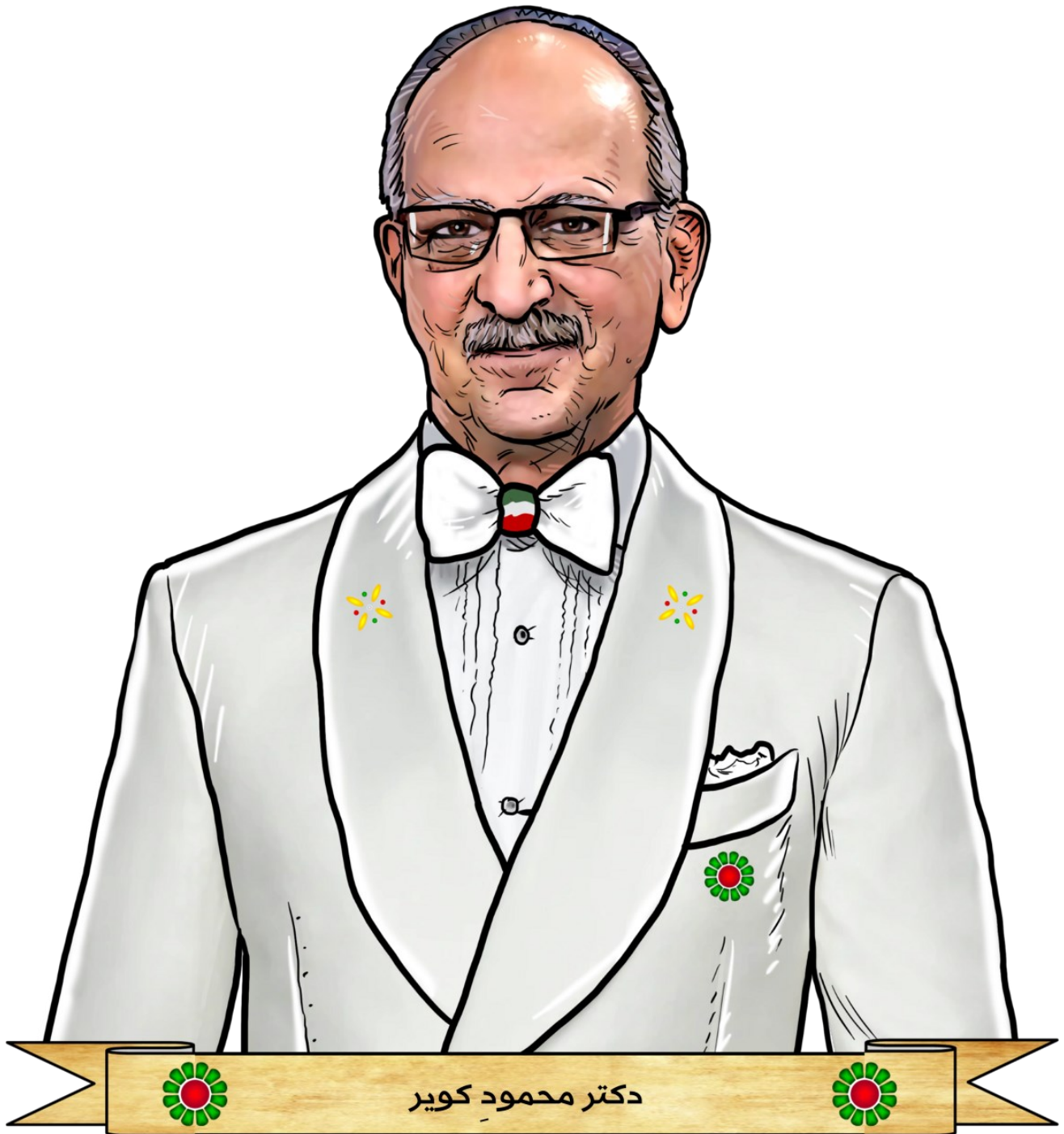


- ۸۷۱ مرز این ایران زمین گسترده است در گفتار ما کنیم آغاز گوهر مرز، ز دشت ظفار
- ۸۷۲ روی آب و خاک مکران، افغان و تاجیکیان قرقیز و دریاچه بلخاش، آسی گل، تیان شان
- ۸۷۳ سوی اُزبک، ترکمن، ساری گامیش، گیلماز نفوذ روی قفقاز، کوه البرز تا به دریاچه توز
- ۸۷۴ روی دریای میانه، بر ۳ شهر پر شمار ما دهیم پایان گوهر مرز، ز دشت ظفار
- ۸۷۵ گر کشیم خطی از این مرز، در نقشه جهان میبینیم ایران زمین هست چون ابر قلب تپان
- ۸۷۶ هر که در ایران زمین چشم به این جهان گشود این بدان فرهنگ او ایرانی است، در تار و پود
- ۸۷۷ پس بدان: گر ما کنیم امروز ایران را گوهر فرداروز با عشق شویم ایران زمین، بار دگر

- هر کسی به تاریخ ایرانی دارد یک نگاهی ۸۷۸ چند سر آفرای فقط، چندی کشند فریاد و آهی
- تو نکن با "صورت" از تاریخ، افکار را گلاویز ۸۷۹ چون با درس "سیرت" از تاریخ، کنی ایران گوهرخیز
- حیف و افسوس به تاریخ، کند ایرانی غم انگیز ۸۸۰ پس ز تاریخ "بیاموز"، و به تاریخ "نیاویز"



نمادهای ایرانی فرهنگنامه، از سال ۳۰۰۰ پیش از میلاد تا کنون



پس ز تاریخ "بیاموز"، و به تاریخ "نیاویز"

حیف و افسوس به تاریخ، کند ایرانی غم انگیز



دکتر زرتشت ستوده

این بدان فرهنگِ او ایرانی است، در تار و پود






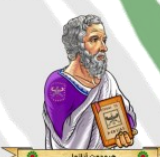






















هر که در ایران زمین چشم به این جهان گشود

دَرسِ سیرت از تمامِ تاریخِ ایرانِ بسنج ۸۸۱ که چه کردند این ۴۰ تاریخ سازِ گنج یا رنج

از سال ۲۰۰۰

پیش از میلاد



۱	 کامران لشکر ایران	۲	 خسرو پارویز پادشاه ساسانی	۳	 شاه ایزد سیمشکر	۴	 شاه ساسان پادشاه ساسانی	۵	 شاه کوروش انشیران		
۶	 شاه انوشیروان پادشاه ساسانی	۷	 شاه خسرو دوم پادشاه ساسانی	۸	 زرتشت بنیانگذار مذهب زرتشتی	۹	 شاه بهرام گور پادشاه ساسانی	۱۰	 شاه بهرام پنجم پادشاه ساسانی	۱۱	 شاه یزدگرد سوم پادشاه ساسانی
۱۲	 شاه اردشیر یکم پادشاه ساسانی	۱۳	 شاه هرمزد اول پادشاه ساسانی	۱۴	 پیروز انوشیروانی	۱۵	 بهرام چوبین پادشاه ساسانی	۱۶	 شاه بهزاد پادشاه ساسانی	۱۷	 شاه رستم پادشاه ساسانی
۱۸	 فرخ پادشاه ساسانی	۱۹	 شاه شاپور اول پادشاه ساسانی	۲۰	 شاه شاپور دوم پادشاه ساسانی	۲۱	 شاه اردشیر دوم پادشاه ساسانی	۲۲	 شاه یزدگرد سوم پادشاه ساسانی	۲۳	 شاه رستم پادشاه ساسانی
۲۴	 کامداد پادشاه ساسانی	۲۵	 کرمز پادشاه ساسانی	۲۶	 هرمز سوم پادشاه ساسانی	۲۷	 کرمز پادشاه ساسانی	۲۸	 کرمز پادشاه ساسانی	۲۹	 کرمز پادشاه ساسانی
۳۰	 کرمز پادشاه ساسانی	۳۱	 کرمز پادشاه ساسانی	۳۲	 کرمز پادشاه ساسانی	۳۳	 کرمز پادشاه ساسانی	۳۴	 کرمز پادشاه ساسانی	۳۵	 کرمز پادشاه ساسانی
۳۶	 کرمز پادشاه ساسانی	۳۷	 کرمز پادشاه ساسانی	۳۸	 کرمز پادشاه ساسانی	۳۹	 کرمز پادشاه ساسانی	۴۰	 کرمز پادشاه ساسانی	تا امروز در ایران	





کاوه آهنگر ایرانی

۲۲ دی - زادروز کاوه آهنگر

۱	کردار کاوه	۱۰۱
---	------------	-----

مردم ایران به چنگِ ظلم و زور در خوابه ۸۸۲ بخروش بر ضدِ ظلم، با کردارِ کاوه



۲

(اسطوره)

پیشه: شاه

تاریخ: ۳۰۰۰ پیش از میلاد

نام سلسله: ضحاکیان

دوام سلسله: تا کنون

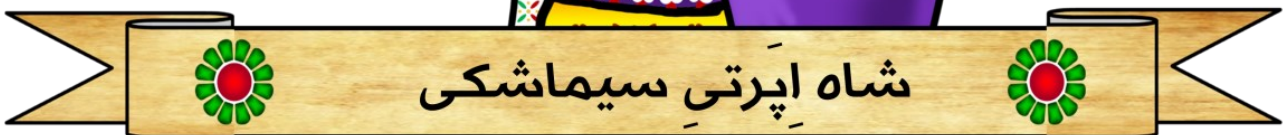
نماد:




ضحاکِ ماردوشِ تازی

۱	ظلمِ ضحاک	۱۰۲
---	-----------	-----

رَدِ حَقِّ مَرَدْمَان، کَنَدِ هَر مَرَدْمی هَلاکِ ۸۸۲ ظلمِ هَر نَافَرَدی رَا مِیگَیْم مَا ظَلَمِ ضَحَاکِ



به پسر، شیلخه، گفت: شاهی بدارد شرطی ۸۸۴ به سریشت و مردم ارجمندیست، ارثِ اِپرتی

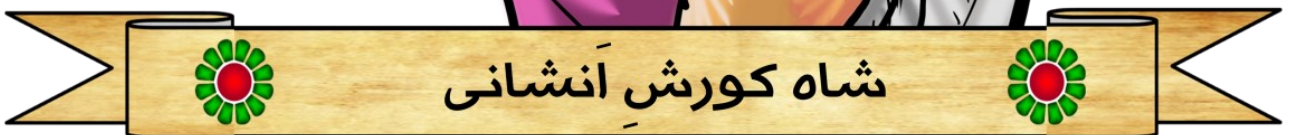
۴



شاه دیاکو مادی

۱	دلیری دیاکو	۱۰۴
---	-------------	-----

خاک ما یکپارچه کرد؛ ایرانی پادشاه کاکو ۸۸۰ خواست دادگر بر همگان است؛ دلیری دیاکو



۱	کلام کوروش	۱۰۵
---	------------	-----

دست بگیر عدل مساوه، کن تو هر ایرانی خوش ۸۸۶ یاد گیر تو مهر دادگر، از کلام کوروش

۶



شاه داریوشِ پارسی

۱ دروغِ داریوش ۱۰۶

بَرَدیا را او بکُشت، تا شرّ بخوابد با هوش ۸۸۷ به دروغ مصلحتی می‌گیم دروغِ داریوش



پیشه: شاه  
 تاریخ: ۴۸۰ پیش از میلاد  
 نام سلسله: هخامنشیان  
 دوام سلسله: ۲۲۵ سال  
 نماد:



۱	خشم خشایارشا	۱۰۷
---	--------------	-----

آتین را آتش کشید، آنجا شکاف بود بر پا    ۸۸    طرد هر شکافی را می‌گیم خشم خشایارشا



**هرودوتِ آناتولی**

۱	حدیثِ هرودوت	۱۰۸
---	--------------	-----

همچو بیگانه نوشت تاریخ، در ایران زاده شد ۸۸۹ اغراقِ سالمندان را میگیرم حدیثِ هرودوت



شاه بگداد فرترکه

۱	بهار بگداد	۱۰۹
---	------------	-----

خاک ایران سلوک، ایرانیت به رگ داد ۸۹۰ ایران از بیگان رها کن با بهار بگداد



۱۰

پیشه: شاه  
 تاریخ: ۱۶۰ پیش از میلاد  
 نام سلسله: اشکانیان  
 دوام سلسله: ۴۷۵ سال  
 نماد:




شاه مهرداد پارتی

۱ مَرَمِ مَهرداد ۱۱۰

مَرَدَمِ آزاد، خاک آباد، او ایران داد نجات ۸۹۱ دفاع از سِریشْتِ ایران است مَرَمِ مَهرداد



۱	بزرگی بلاش	۱۱۱
---	------------	-----

خطِ فارسی را به ایران بازگرداند، با تلاش ۸۹۲ نفوذ بیگان برانداز، با بزرگی بلاش



۱	آیینِ اردشیر	۱۱۲
---	--------------	-----

با ورودِ دینِ به قدرت، مردمِ ما شد اسیر ۸۹۲ هر که دینِ قدرت دهد، ما گوئیم آیینِ اردشیر



۱	آرج انوشیروان	۱۱۳
---	---------------	-----

دلت از ایران رها کن، ظلم بیگان را بران ۸۹۴ از بر ایران بکوش، با آرج انوشیروان

۱۴

(ابو لؤلؤ)

پیشه: سردار

تاریخ: ۶۴۴ میلادی

نام سلسله: ساسانیان

دوام سلسله: ۴۲۷ سال

نام سلسله: راشدیان

دوام سلسله: ۱۹ سال

نماد:




۹ آبان - سالروز سوگند نهاوندی

۱	<b>سوگند نهاوندی</b>	۱۱۴
---	----------------------	-----

مهر به ایران او بگرد، گشت او یه تاز نافردی ۸۹۰ سر قول خود به ایست، با سوگند نهاوندی



۱	خروشِ خرمدين	۱۱۵
---	--------------	-----

بابکی ایران پرستید و گریزند ظالمین ۸۹۶ داد علیه خشم را میگیم خروشِ خرمدين



شاه یعقوب لیث صفاری

۱	یادگار یعقوب لیث	۱۱۶
---	------------------	-----

رادمان، فارسی به ایران بازگرداند این رئیس ۸۹۷ هر چه فارسی بود هست یادگار یعقوب لیث



او که با فارسی براند زبان هر آخوندکی ۸۹۸ ایرانی خود را شناخت با راهنمای رودکی





تازیان در قدرت، او فارسی نشانند بر کرسی ۸۹۹ هر چه ایرانیّت هست فرهنگِ فردوسی



## خیام نیشابوری

او به ایران گاهشمار بخشید و می نوشید به جام ۹۰۰ مست آگاه برسد پس به مقام خیام

۲۰



۱	سُرودِ سَعَدِی	۱۲۰
---	----------------	-----

با دروغ و با ریا، بنیان شود دلسردی ۹۰۱ راستگویی و صداقت هست سُرودِ سعدی



شاه اسماعیل صفوی

شیعه شاه اسماعیل

۱۲۱

ساخت یک دین جدید، تَخَلُّفَاتِ قوم و ایل ۹۰۲ سیاسی تَخَلُّفَاتِ، یعنی شیعه شاه اسماعیل



نادر شاه افشاری

حاکمان به دست خویش و خانِ خود، به تیرِ دار ۹۰۳ جانِ هم افتادن رو می‌گیم یه گُشتارِ افشار



شاه لُطفعلی خان زند

وُسعتِ ایران کوچک، کوری شاه در دستبند ۹۰۴ گر به ما حق خوری شد، باشد پس آن ذلت زند

۲۴



محمد شاه قاجار

شمشیر شاه محمد ۱۲۴

شیر ما شمشیری کرد، قاجار سست و بی خرد ۹۰۰ خشم بیهوده بساخت، این شمشیر شاه محمد



۱	اندیشه امیر کبیر	۱۲۵
---	------------------	-----

یک وزیر مردمی بود و خردمندی مدیر ۹۰۶ فکر ایرانیّت هست اندیشه امیر کبیر





۱	روشن رشديه	۱۲۶
---	------------	-----

او که ساخت مدرسه نون، نشان داد درس چه ۹۰۷ درس خلاقیت آموز با روشن رشديه

پیشه: سردار جنبش  
 تاریخ: ۱۹۰۵ میلادی  
 نام سلسله: قاجاریان  
 دوام سلسله: ۱۳۱ سال  
 نماد:




ستار خان قراچه داغی

۱ سَخت کوشی ستارخان ۱۲۷

او که جان داد در ره ایجاد حق بر کاویان ۹۰۸ ما به پُشتکار میگیریم سخت کوشی ستارخان



۱	روح رضا شاه	۱۲۸
---	-------------	-----

هرچه بازسازی داریم بنیان از اوست، بی حاشا ۹۰۹ فردا روز ایران بسازیم ما با روح رضا شاه



منع حزب، آزادی آخوند مار در هر قضا ۹۱۰ مار در آستین پروراند متنی محمد رضا

۳۰



۱	مُشْتِ مُصَدِّق	۱۳۰
---	-----------------	-----

ثروتِ ایران زِ سُلطه ساخت رها با منطق ۹۱۱ بَسْت دِهانِ جَاهِ طَلَب، این مِلی مُشْتِ مُصَدِّق



۱	بُتِ شَکَنیِ بُرَقِی	۱۳۱
---	----------------------	-----

پیش‌زمان گفت، آخوندیت رژیم‌ست سلطه‌ای ۹۱۲ ما به این بیان می‌گیم، بُتِ شَکَنیِ بُرَقِی

۳۲



۱	بَد رُوزِ بَختیار	۱۳۲
---	-------------------	-----

بهترین فرد تو بدترین زمان آمد رو کار ۹۱۳ ما به شور وقتی میگیریم، به بد روزی بختیار

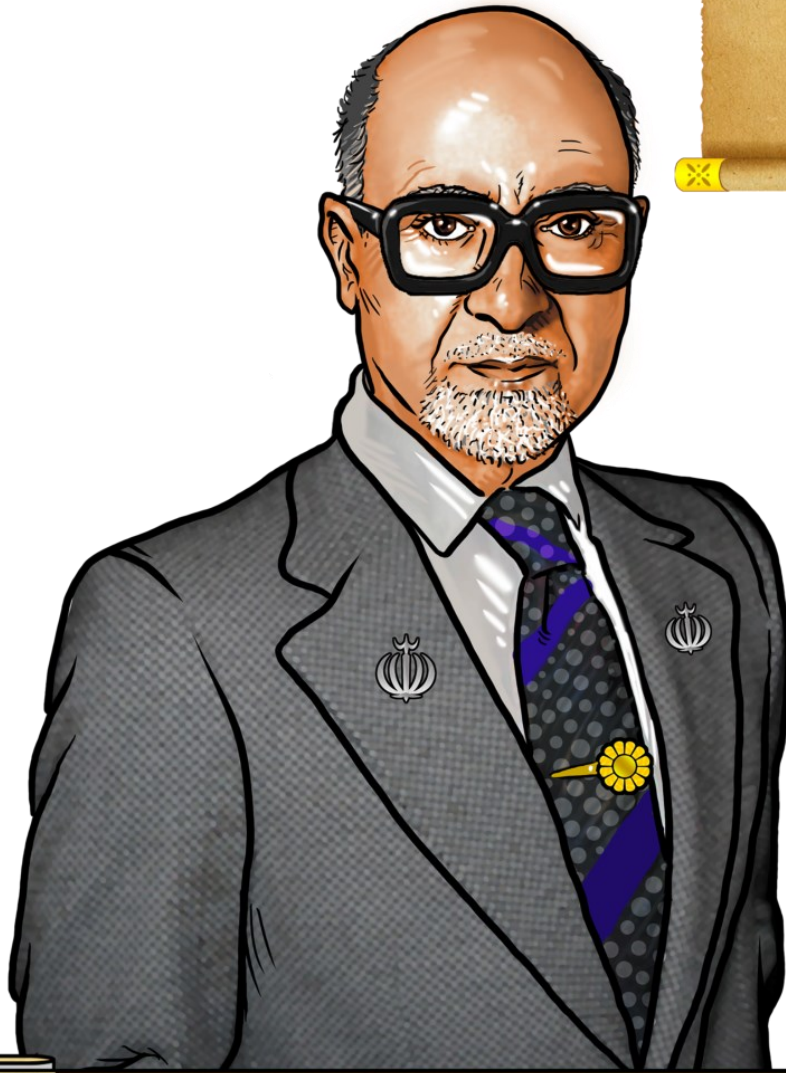


۱	خَرَبَتِ خُمَیْنِی	۱۳۳
---	--------------------	-----

نه سواد داشت، نه علمی، نه سیاست و نه ذهنی ۹۱۴ کار احمقانه را می‌گیم خَرَبَتِ خُمَیْنِی



۳۴



۱	باجِ دهیِ بازرگان	۱۳۴
---	-------------------	-----

او که سرِ سپرد و شد یک سپریشِ شیخِ فرمان ۹۱۰ میلیون مَسْتی یعنی باجِ دهیِ بازرگان



سید ابولحسن بنی صدر

۱	بَن بَسْتِ بَنی صَدْر	۱۳۵
---	-----------------------	-----

کودتای شیخ بر منتخب ۸۰ درصد ۹۱۶ توطئه علیه مان باشد بن بست بنی صدر

۳۶



اکبر هاشمی رفسنجانی

۱	ریای رفسنجانی	۱۳۶
---	---------------	-----

بد بساخت او رهبری از فاسد آخوندکِ جانی ۹۱۷ ما به هر موذی بازی می‌گیم ریای رفسنجانی



سید علی خامنه ای

خودپرستی خامنه ای

۱۳۷

او برای رهبری نابود بکُرد هر مانعی ۹۱۸ ما به خودخواهی می‌گیم خودپرستی خامنه ای

۳۸

پیشہ: رئیس منفور  
 تاریخ: ۱۹۹۷ میلادی  
 نام سلسلہ: آخوندیان  
 دوام سلسلہ: ۴۲ سال تا کنون  
 نماد:




سید محمد خاتمی

۱ | ختنه سورون خاتمی | ۱۳۸

با هزار انگیزه، شیخ نشوندتیش به ماتمی ۹۱۹ هر کی خنثی شد میگیم ختنه سورون خاتمی



۱	کشفِ فسادِ احمدی نژاد	۱۳۹
---	-----------------------	-----

بعدِ قدرتِ گفت: بگم کی پولِ نفت رو داد به باد؟ ۹۲۰ آبرو ریزی یعنی کشفِ فسادِ احمدی نژاد

۴۰



۱	روغن مالی روحانی	۱۴۰
---	------------------	-----

او که قول چرب زبان داد تو هر سخنرانی ۹۲۱ قول تو خالی یعنی روغن مالی روحانی

- هر که داشت برداشتِ تاریخ، داشت او یک نوعِ نظر ۹۲۲ با هزاران نظراتِ کنیم ما تاریخِ پُر اثر
- دانشِ تاریخِ دَهَدِ احساس به هر مینِ پَرست ۹۲۳ چون بدانَد که هزاران سال ایران ایستاده است
- تاریخِ چندین هزار سال، کُشت میلیونِ مَرَدمان ۹۲۴ تنها چیزِ جاودان، همیشه هست ایرانِمان
- مَرَدم آمدند و رفتند از این کشورِ ناز ۹۲۵ ایران هیچ جایی نَرَفَت، پرچمِ ایران سَرَفراز



- ۸۰ و چند میلیون آدم، هر جا نمونه داریم ۹۲۶ میهنمون ایران، از اون فقط یه دونه داریم



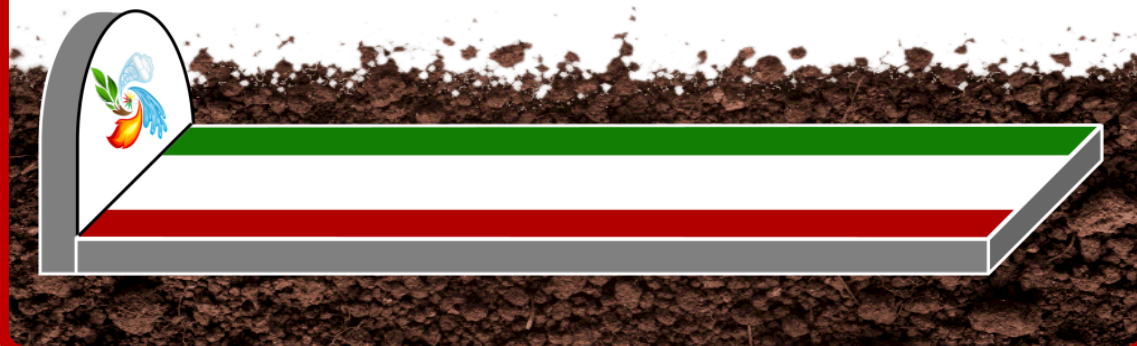
- ۹۲۷ مردمان کشور بساختند در جهان بر دو ملاک یک ملاک هست تعهدِ خون، و دگر تعهدِ خاک
- ۹۲۸ خون یا قوم یا دین یکسان وقتی بود امرِ نخست مردمان با خون تعهد کردند یک کشور درست
- ۹۲۹ ولی آن زمان که خون یا قوم یا دین بودند جدا مردمان با خاک تعهد کردند کشور یک صدا
- ۹۳۰ ما در ایران ساخته ایم یک تعهد ویژه به خود که با خاک آغاز گردید، و به خون آمیخته شد



- ۹۳۱ خاکِ ایرانِ ما باشد بر همه چسبِ آبر چند هزار سال همسری، آمیخته خونِ هر نفر
- ۹۳۲ خاک و خونِ ایرانی داریم درونِ استخوان خوش به ما، تعهدِ ما ایرانیان هست خاک و خون
- ۹۳۳ یک یک ما که در ایران چشم گشودیم به جهان آجری هستیم تو ساختِ هویتِ به ایرانمان
- ۹۳۴ از سهامِ یک یک ما این هویت یافته زیست هیچکی در این هویت تافته جدا بافته نیست
- ۹۳۵ گر هویت بد بود، بدیش از آن گلِ ماست گر هویت نیک بود، نیکیش از آن گلِ ماست
- ۹۳۶ ما با خاک و خون تعهد، ساختِ کشور کرده ایم هر کدام ما به ایران، یک خرد رزمنده ایم
- ۹۳۷ وقتی که از مرزِ ایران باید پاسداری بشه خاک و خون است که مارو به مرزدار می‌کشه
- ۹۳۸ وقتی تیم ملی با پیروزی زمین ترک می‌کنه شادی ملی ما را کم کسی درک می‌کنه
- ۹۳۹ وقتی ضحاک هموطن را می‌کنه خونه به دوش خاک و خون است که به ایرانی می‌گه: یار بخروش
- ۹۴۰ فردِ ایرانی برانش مهم نیست، یک استان فقط ایرانی دهد به گلِ کشورش اهمیت
- ۹۴۱ درکِ خاک و خون تعهد، دانش بی نظیره با این آگاهی در ایران تبعیض هم از بین میره



خون ما ساخته شده از آب ایرانِ قدیم ۹۴۲ ما از این خاک آمدیم، زیر همین خاک هم میریم



- ایرانی: کُرد و بلوچ، تُرکمن و خوز و خُراس ۹۴۳ لار و لُر، بختیار و تالیش و لک، گیلک و ماز
- سیستانی، بوش-هرمزی، باصری، افغان، قفقاز ۹۴۴ قرقیز و ایماق و اُزبک، قشقایی، ایلامِ ناز
- تاجیک و خوارزم و آشور، آذر، آرمَن، گُرج و فارس ۹۴۵ همه ما ایرانی و ایران زمین میهنِ ماست
- گَر کُنیم ایران زمین، باغِ گُلستان و گُلاب ۹۴۶ باز کُنیم ایرانی آزاد، بال در این باغِ ناب
- اگه هر پرنده باشد در رفاه و در خرد ۹۴۷ بُلبل از باغِ گُلستان جای دیگر نپرد



- کشور زیبای ما ۸۰ میلیون فردیه ۹۴۸ خیلی جاها زبان یا لهجه ما محلیه
- اما این فارسیه که ما را به هم چسبونده ۹۴۹ ما را از نفاق و جهل و ظلم دشمن رونده
- زبان محلی احترام داره، بدون شک ۹۵۰ اما این فارسیه که به ایران می‌کنه کمک



- اگه بر فرض زبان این کتاب محلی بود ۹۵۱ بینیم تمام ایران می‌فهمید این سرود؟

به آذری

- هر آدم دوردو آياق اوسته، دیدی آذری دی ۹۵۲ دیبرخ ساق آل، اما گرک بیله که ایرانی دی
- گزل ایران، بیزه میهن دی، ائی بیز ساتمیریخ ۹۵۳ شیخی بیز ایستمدیخ، گوج آلتیندا بیز گالمیریخ
- ایران مردم دیبر: اشک شیخ، بیز آجیخ! ۹۵۴ نمنی اشیت میرن؟ چورکیمیزه محتاجیخ
- پولوموز یخ، ایشیمیز یخ، باعثی سن کیفیران ۹۵۵ گتمیرن، اتومیشان، زالو کیمین قان ایچیران
- هر "مین آل لر" گندرن، هامیسی اینک، هامیسی گولاخ ۹۵۶ دیبرخ استمدیخ، بیز بو ایلانی گرک بوراخ
- سن ایلان ضحاک، بیز کاوه، بونی هامی بیلیر ۹۵۷ سزوموز بیر، دیبرخ: شیخ آیت الله سیکدیر!
- گوجوموز چخ، سن گوجون یخ، آیت الله سیکدیر! ۹۵۸ سنین هامی سزترین یخ، آیت الله سیکدیر!
- ایرانین اینسان لری دیبیز: آیت الله سیکدیر! ۹۵۹ هامی بیر سس دیبرخ: شیخ آیت الله سیکدیر!
- او که فهمید میگه: آرمان این شعر عالیست ۹۶۰ اما دیدیم که زبان محلی یک راه حل نیست
- پس تو ای شهروند ایرانی، فارسی سخن بگوی ۹۶۱ و برای کشورت عدالت یکسان بجوی
- من پدرم گیلکی، از لنگرود گیلان ۹۶۲ و مادرم آذری، از قلب شهر زنجان
- برادر زاده من هست از دزفول خوزستان ۹۶۳ و عمه زاده من هست از زابل شهر سیستان
- خود زاده دانشگاه جنگ، منطقه ۱۱ تهران ۹۶۴ زبان من فارسی، منم میهن پرست ایران

# ایران شهر



	یاسوج	یزد		ایران				اراک	اردبیل	
همدان	ک	ک	ل	م	ن	و	ه	ی	آ	ارومیه
مشهد	ق	اردیبهشت					خرداد		ب	اصفهان
کرمان	ف	شهریور		حاک		هوا	مر	پ	اهواز	
کرمانشاه	غ	دی					بهمن	ت	ایلام	
کرمان	ع							ث	بجورد	
کرج	ظ	فروردین			تیر		ج	بندرعباس		
قم	ط	مرداد	آتش		آب	آبان		چ	بوشهر	
قزوین	ض	آذر				اسفند		ح	سیرجان	
شیراز	ص	ش	س	ژ	ز	ر	ذ	د	خ	تبریز
	شهرکرد	سمنان	سنان	ساری	زنجان	زاهدان	رشت	خرم آباد	تهران	

الفبای فارسی، مرکزهای ۳۱ استان ایران، ۱۲ ماه و نشان سیرشت هر ماه

خیلی ما ایرانیا ندانیم الفبا ردیف ۹۶۵ این خطا کرده زبان ملی ما را ضعیف

## الف... ب... پ... ت... گوز... پیچ... ؟

گر بپرسند، آیا فارسی الفبا از ببری؟ ۹۶۶ بعد ۴ حروف شویم گوزپیچ عصرِ حَجری

پس "الفبا در ردیف" آموز تو بر نسل جدید ۹۶۷ شاید این نسل کند جهالت ما ناپدید



الفبای فارسی ۹۶۸ تا ۳۲ حروفه

در این تمام دنیا ۹۶۹ زبان ما معروفه

الف ب پ ت ث ۹۷۰ ج چ ح خ د ذ

رز ژ س ش ۹۷۱ ص ض ط ظ ع غ

ف ق ک گ ل م ۹۷۲ ن و ه ی

ما فارسی یاد میگیریم ۹۷۳ بزرگ میشیم، مبینیم

فارسی زبان دانش ۹۷۴ تو مدرسه میخوامش

فارسی مال هر استان ۹۷۵ فارسی زبان ایران

آ ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ

رز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ

ف ق ک گ ل م ن و ه ی



- ۹۷۶ چو کوشیدی تو بر بامِ دماوند تویی رستم، تو باشی یک هنرمند
- ۹۷۷ بُود داستان در این بام چندی بگیر از مردمِ ایران تو پندی
- ۹۷۸ به دستِ ماردوشِ سرِ سپرده که مغزِ مردمِ ایران بخورده
- ۹۷۹ بگشت ضحاک ایرانی به خنجر خروشید شیردل کاوه آهنگر
- ۹۸۰ بشد ضحاک در پایان گریزون به دستِ کاوه و شهزاد فریدون
- ۹۸۱ کُند دستگیر آن ماردوش هر چند به زنجیر و به زندان در دماوند
- ۹۸۲ ز تیرِ آرش ایران مرزدار شد به تختِ ایرج ایران نامدار شد
- ۹۸۳ نمای بیتا گوید: "جاوید ایران" دماوند بُود نمادِ شیران





تویس رستم، تو باش یک هنرمند	چو کوشیدس تو بر بام دماوند
بگیر از مردم ایران تو پند	بود داستان در این بام چند
کم مغز مردم ایران بصورده	به دست فاروش سرپرده
خروشید شیردل، کاوه آهنگر	بگشت فهاک، ایران به خنجر
به دست کاوه و شمراد فریدون	بشد فهاک در پاین گرزون
به زنجیر و به زندان در دماوند	کنند دستگیر آن فاروش هر چند
به تخت ایرج ایران نام دار شد	ز تیر آرش ایران مرزدار شد
دماوند بود نما شیران	نمار بیبا گوید: "جاوید ایران"

سید آموزگار میهن پرست ایرانی

## DAMAVAND

<i>If you tried hard to reach the summit of Damavand</i>	<i>You are Rostam, you are an artist</i>
<i>There are a lot of stories about this summit</i>	<i>Get an advice from the people of Iran</i>
<i>In hands of the brainwashed snake shoulder</i>	<i>Who ate the brain of Iranian people</i>
<i>Zahak killed Iranians with sword</i>	<i>The lion heart Kaveh the smith raged against him</i>
<i>At last Zahak ran away</i>	<i>Chased by Kaveh and prince Fereydoon</i>
<i>They arrested the snake shoulder at the end</i>	<i>They chained and jailed him here at Damavand</i>
<i>At the arrow of Arash, Iran got it's borders from here</i>	<i>At the throne of Iraj, Iran got it's name from here</i>
<i>This incomparable view says: "Long live Iran!"</i>	<i>Damavand is the sign of the lions</i>

Seyed Amoozegar Iranian patriot



- هزاران سال پیش، فراخ کُرت بود دریا در ایران ۹۸۵ گرما تبخیرش بکرد؛ اکنون نمک صحرای سوزان
- ما با این خُشکسالی، گُشنه دهان میگردیم ۹۸۶ آب در خانه و ما تشنه لبان میگردیم
- در جنوب هزاران سال کُندابِ پارس آبگاہِ ماست ۹۸۷ تنگه هُرمز و دریای مکران آبراهِ ماست
- ۲۰۰۰ کیلومتر بیش، کرانه ایرانِ ماست ۹۸۸ از پسا بندر تا آروند کنار آبِ ایرانیاست
- در شمال دریاچه گیلماز هست آبگاہِ مان ۹۸۹ نامش ایرانیست از گیلان و از مازندران
- بیش از ۷۰۰ کیلومتر کرانه به گیلماز داریم ۹۹۰ از کمیش دپه تا آستارا ما آبِ ناز داریم



- آبِ گیلماز گود در قسمتِ ایران، آبِ شور ۹۹۱ به سوی دریاچه ارومیه کُند عبور
- آبِ مکران ما کُنیم شیرین، نمک از آبِ بران ۹۹۲ تصفیه تو هُرمزگان، دریاچه جازموریان
- بعد از اندی سال کُنیم خُشکسالی شاید نابود ۹۹۳ از ره جازموریان، آب به کویر و آب به لوت
- این بدان به زودی هر قطره آب گوهر شود ۹۹۴ آب شُرَبِ گران تر از قیمتِ نفت و زر شود
- گر که ما تمامِ ثروتِ سرِ آبِ کُنیم به خرج ۹۹۵ ما فقط کردیم خرد، سازیم به ایران تاج و آج
- در ره آبادی ایران، آبِ ابرِ نیاز ۹۹۶ زنده باد گیلماز، مکران، هُرمز، کُندابِ پارس



- هر کسّی که با صداقت، سَهَمِ آبِ خویش خورد ۹۹۷ از بَرِ رَفَعِ عَطَش، دست به جدال و تیش نَبَرَد
- هر کسّی که با صداقت، نانِ کارِ خویش خورد ۹۹۸ از بَرِ رَفَعِ هَزِينَه، مَنّت از شِيبِيش نَبَرَد
- سُسْتی و کَلاشی است اَفْت به ما ایرانیان ۹۹۹ پُشتکارِ صادق آورد به هر کس آب و نان

- این آب و نانِ گندم از ایرانِ ماست ۱۰۰۰ و ما به این خاکِ مقدس بدهکاریم
- ایران به ما عدالت و این نعمت خواست ۱۰۰۱ و ما به این مهرِ میهن سپاسگزاریم
- اما ما به ایرانِ جنگ، غارت و رنج دادیم ۱۰۰۲ که ما از این کارهای ننگین شرمساریم
- ما با خرد و همیاری، ایران سازیم ۱۰۰۳ که ما به این کارهای خوشخوین قصد داریم
- ما کاویانِ نوینِ میهن پرستیم ۱۰۰۴ ما خواستارِ رضایت و آبادی هستیم
- پس از بهرِ این برکت، سپاس به ایران ۱۰۰۵ ایران زمین، کن این غذا به ما نوشِ جان



- آخِ نوشِ جان، نوشِ جان، به ما نوشِ جان ۱۰۰۶ تو پندارِ خوشنودیِ مردمِ ایران
- آخِ نوشِ جان، نوشِ جان، به ما نوشِ جان ۱۰۰۷ با آگاهی رها کنیم ظلم را ز ایران
- با همیاری آباد کنیم تمامِ ایران ۱۰۰۸ با آبیاری بنا کنیم شکوهِ ایران

اگه شهروندِ جهانی ۸۰۰۰ میلیون تا هست ۱۰۰۹ اگه از اسلامیانی ۲۰۰۰ میلیون تا هست

اگه با شیعه امامی ۳۰۰ میلیون تا هست ۱۰۱۰ اما شهروندِ ایرانی، زیر ۱۰۰ میلیون تا هست

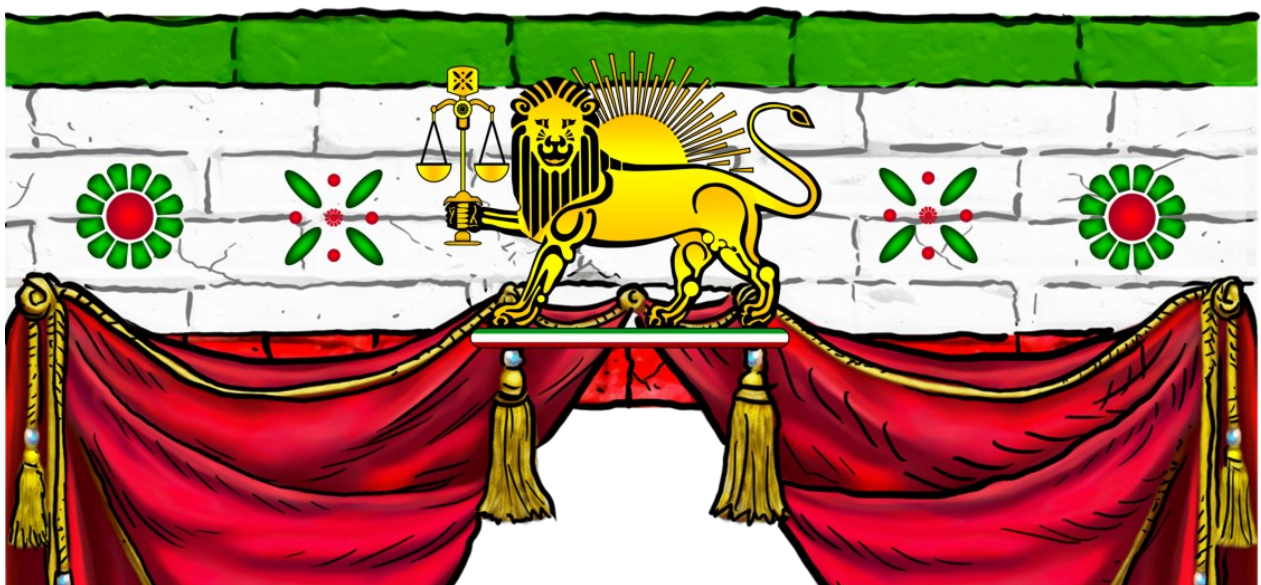
بین شهروندِ جهانی، یا که دینِ اسلامیّت ۱۰۱۱ تا به دینِ شیعه امامی، یا که از ایرانیّت

اگه با آمار ببینیم که کدام یک کمتر است ۱۰۱۲ یابیم: از این ۴ گروه، ایرانیّت ویژه تر است



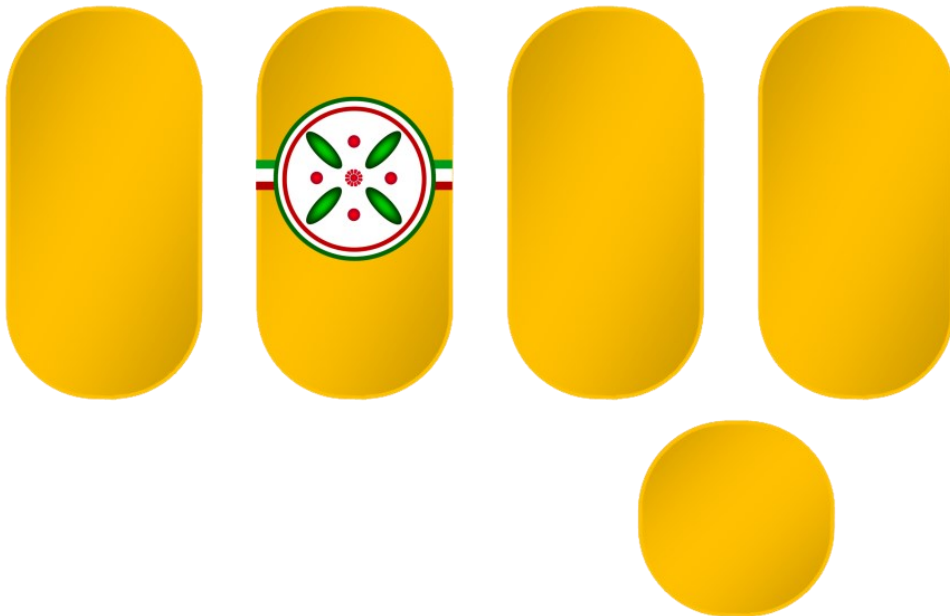
ویژگی یعنی که ما از دیگران باشیم جدا ۱۰۱۳ کُند این ویژگیِ فرهنگ، مردم هم صدا

از بر تبلیغ به هر گزینه هست میلیون هزار ۱۰۱۴ پس بکن تبلیغ نیک به ایرانیّت، با وقار



- باش تو بشکن، بده تغییر در نگارش و سخن ۱۰۱۵ ارجمند باش تو به ایرانیّت در هر انجمن
- گر تو هر روز تازی واژه بگی، فارسی برانی ۱۰۱۶ پس تو گو سخن با واژه از زبان پهلوانی
- ما نگفتیم که ما باید فارسی پاکسازی کنیم ۱۰۱۷ اما با چند تایی واژه میتونیم بازی کنیم
- واژه های خارجی، با آرمان دین و دعا ۱۰۱۸ را بکن جایگزین با واژه از ایران ما

- جای استفاده از "سلام" باید بگیم "درود" ۱۰۱۹ جای هر "خداحافظی" را هم میگیم ما "بدرود"
- جای این "الحمد ولله" یا که اون "شکر خدا" ۱۰۲۰ ما به این فارسی زیبا میگیم "خوشا به ما"
- جای تحسین با "ماشالله" یا با "بارک الله" ۱۰۲۱ خیلی ساده ما میگیم "آفرین" یا "آفرین ها"
- جای "انشالله" یا "به امید خدا" در عاقبت ۱۰۲۲ ما از این به بعد باید بگیم "به امید خرد"
- جای "والله" برای آغاز حرف، قسم یا پند ۱۰۲۳ بگو "راستش"، "خوب"، "بین" یا که "به ایران سوگند"



- تو بگو: دورد و بدرود، آفرین، آفرین ها ۱۰۲۴ بگو: به امید خرد. یار تو بگو: خوشا به ما
- کس که گفت این واژه ها، به ایرانیّت تن بسته است ۱۰۲۵ بشکن است او، و از هر آخوند لمپن خسته است
- پس تو ای کاوه بشکن، گو سخن این واژه ها ۱۰۲۶ تا که دیگر بشکنان دانند تو باشی هم صدا

ماه‌رخ این تازیان: روح الله جلد ۱۰۲۷ ماه‌رخ ایرانیان: رضاه شاه، روح شاد



اگر ضحاکیان، آخوند خمینی را در ماه دیدند، پس ما کاویان، شادایاد رضا شاه را در ماه میبینیم!

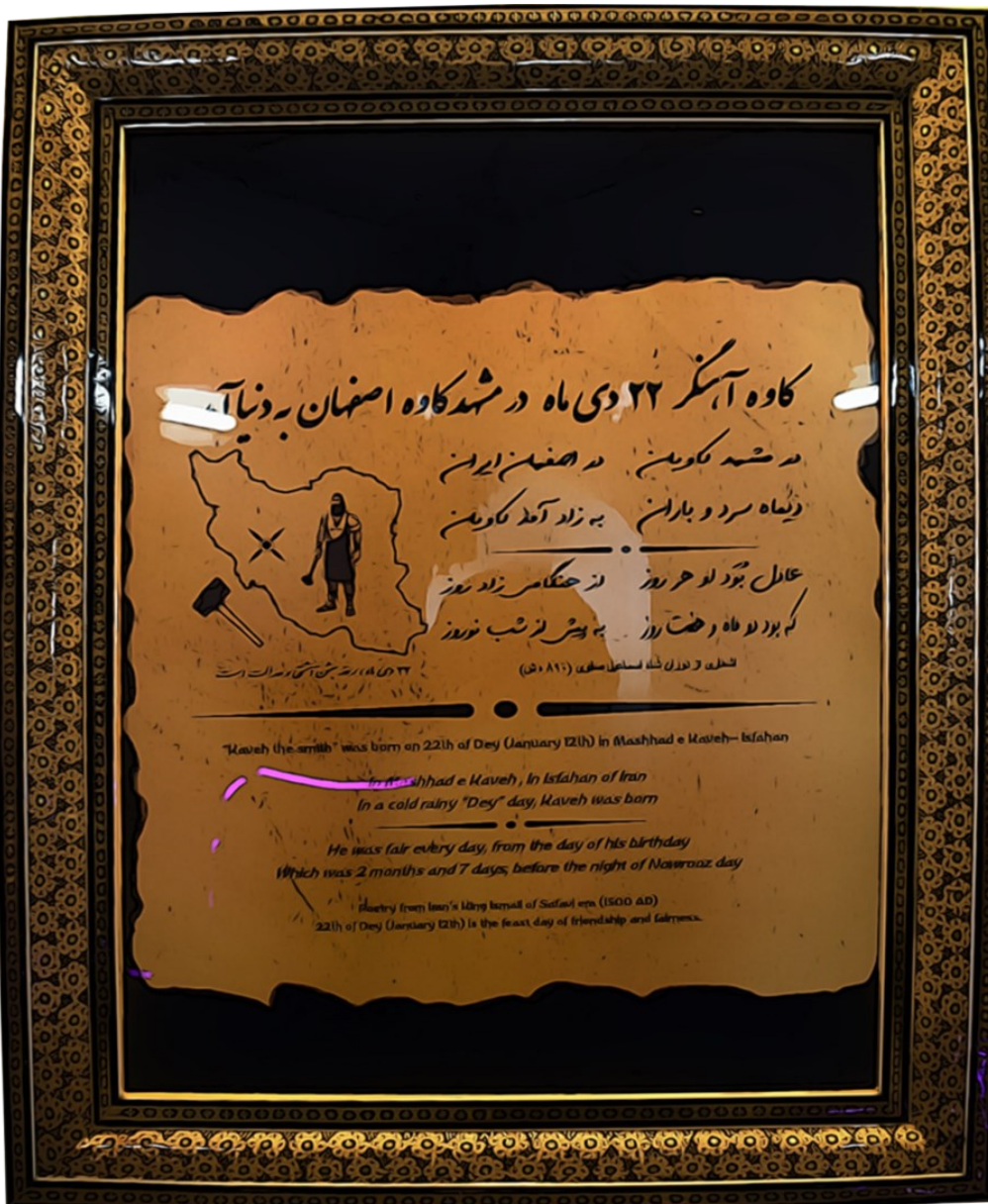
### کاوه



مشهد کاوه اصفهان: زادگاه و آرامگاه کاوه آهنگر سپاهانی

تولدِ کاوه کیه؟ ۲۲ ماهِ ديه!

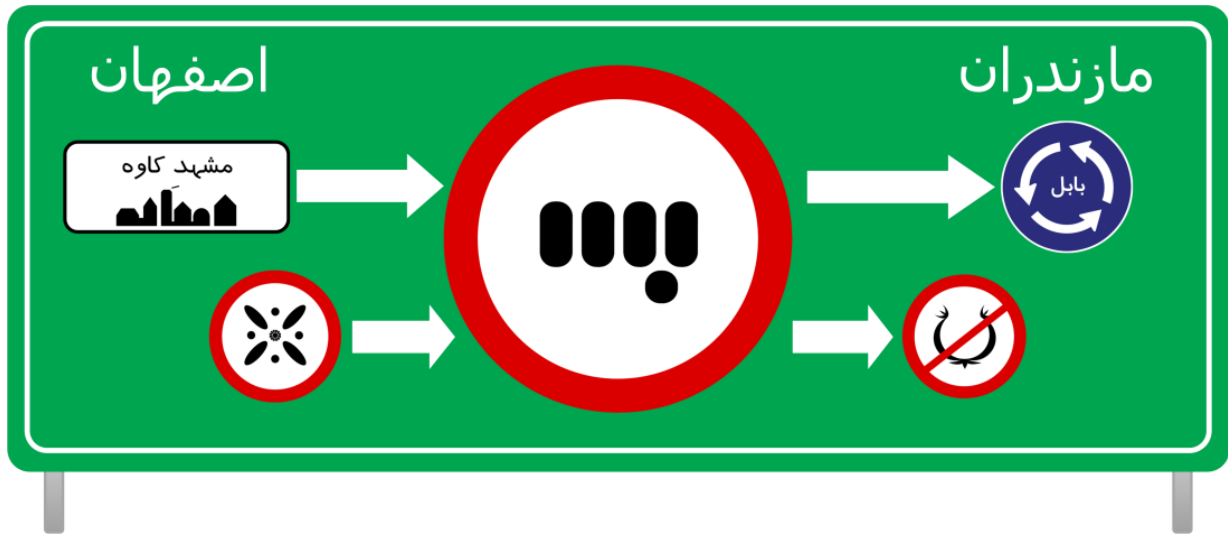
- اسطوره کارگر ۱۰۲۸ ای کاوه آهنگر  
تولدت شادی ماست ۱۰۲۹ عدالتت حامی ماست  
ای کاوه بت شکن ۱۰۳۰ ریشه ظلمو بکن  
ما کاوه بیداریم ۱۰۳۱ از فقر و ظلم بیزاریم  
آخوند ضحاکِ جونِ ماست ۱۰۳۲ کاوه بودن تو خونِ ماست



شناسنامه کاوه در آرامگاه کاوه - مشهد کاوه اصفهان

از مشهدِ کاوه در اصفهان ۱۰۳۳ تا میدانِ بابلِ مازندران

تمام راه خروشِ ایرانیان ۱۰۳۴ ضحاکیان بیازند به کاویان



اگر بخواهی که ضحاک زمینگیر شود ۱۰۳۵ به دستِ کاوه در دماوند به زنجیر شود

بدان دماوند نتواند سوی این کاوه رود ۱۰۳۶ این کاوه باشد، که باید به دماوند برود

ایران به دستِ ضحاک، مردم سویِ هلاکت ۱۰۳۷ از کاوه گر شد حرکت، دماوند دهد برکت

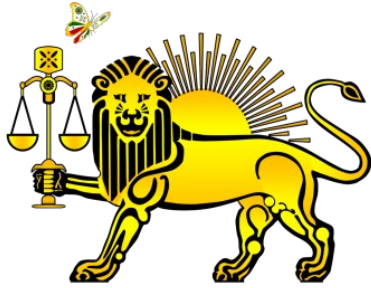
- مردم ایران اهمیت دهند بر فرهنگ ۱۰۳۸ بعضی تاج، بعضی نیایش، بعضی تاریخ ۳ رنگ
- اگر این فرهنگ، اجبار به سیاست نکند ۱۰۳۹ احترام خود نگه داشته، دخالت نکند
- اگر این فرهنگ کند بس هم میهنان شادمان ۱۰۴۰ خرجش را دولت میدهد، گر این فرهنگ هست بی زیان
- شادی و خوشنودی مردم، امر برتر است ۱۰۴۱ داشتن یک شخص فرهنگی، حق هر نفر است



نماد خواستار ۱۷: احترام و ارزش فرهنگی به فرهنگشاه و فرهنگشبیخ، (همردیف با ورزشکاران) بدون دخالت ایشان در سیاست.

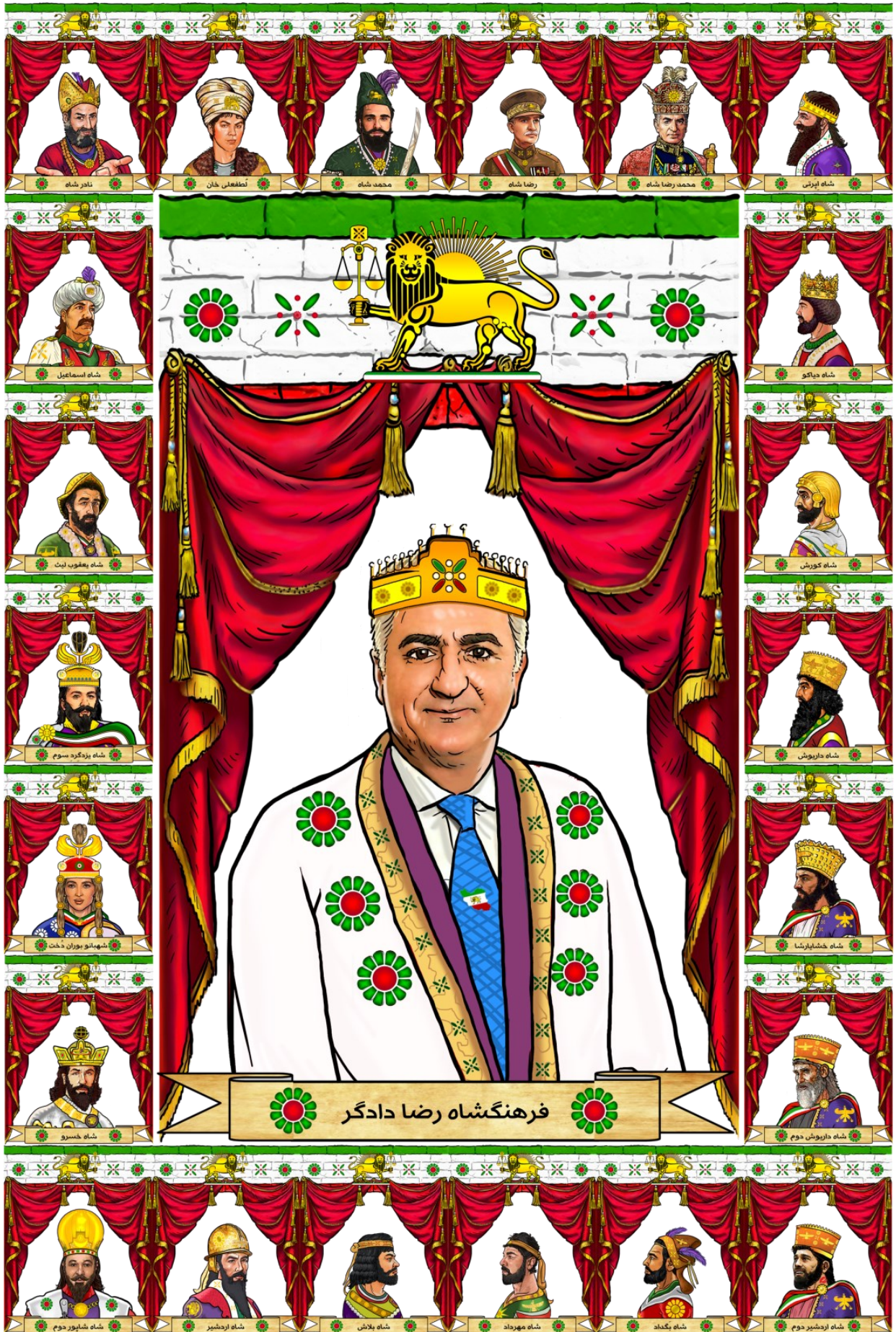
در نماد خواستار دیده میشود که مردم بالاتر از تاج، توپ و عمامه هستند

- بعضی گویند که: "فرهنگشاه رضا، تندخو نیست ۱۰۴۲ برای حفاظت از یک سلطنت جنگجو نیست"
- میگن: "او باید مثل رضا پدر بزرگ باشه ۱۰۴۳ یا که مثل پدرش، در سیاست یک گرگ باشه"
- میگن: "او ایرانو باید زیر چکمه بگیره ۱۰۴۴ هر کی حرف دیگه زد، با زور شمشیر بمیره"
- ما میگیم: "خوشا به ما، فرهنگشاهمون این جور نیست ۱۰۴۵ چون اگر این جور بود، در فکر ما او نمیزیست"
- ما میگیم: "فرهنگشاه ما باید دادگر باشه ۱۰۴۶ برای ایران و مردمش یک کارگر باشه"



- واسه این ما میگیم: "فرهنگشاه رضا دادگرین ۱۰۴۷ برای فرهنگشاهی، هست او گزین بهترین"
- نکند دخالت او در هیچ نوع سیاستی ۱۰۴۸ پاک کند فرهنگ ایرانیان از هر آفتی
- علم و تحصیل، عدل و منطق، هست گزین کاویان ۱۰۴۹ این رضا دارد همه، فرهنگشاه ایرانیان
- او که زادروزش با سوگند نهند هم زمان ۱۰۵۰ بهتر است آغاز کند او سلسله دادگران
- او کند ایرانیان در هر مکان جمع چون پدر ۱۰۵۱ همه زیر چتر فرهنگشاه رضا دادگر
- وقتی که پارلمانی در ایران پادشاه باشه ۱۰۵۲ دست یک تجزیه طلب از امر ننگ کوتاه میشه

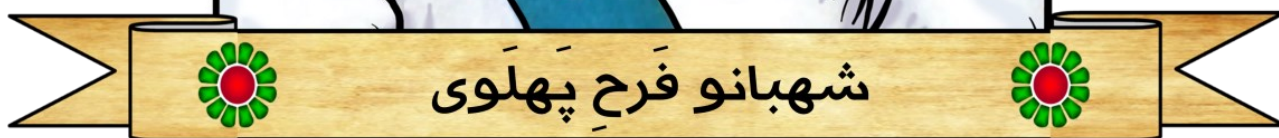






شهبانو بوران دخت ساسانی







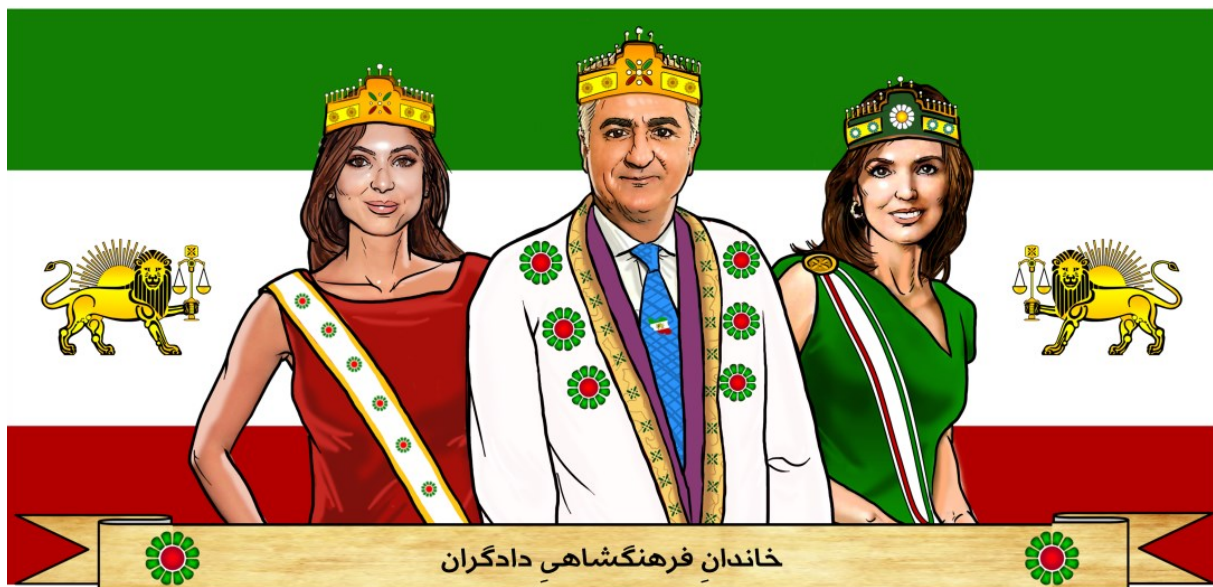
وقتی ما می‌گیم که حق زن و مرد باشه یه جور ۱۰۵۴ از الان حفاظت میکنیم ما از شهزاده نور

ما نظام مردسالاری به زانو آوریم ۱۰۵۵ بعد از فرهنگشاه رضا، فرهنگ شهبانو داریم

زنده باد مادر فرح شهبانو یاسمین همچو نور ۱۰۵۶ تا که از ایران و مرزش، چشم بیگان باشه دور

پس تو، ای ایرانی، از شمشیر و چکمه گر رها ۱۰۵۷ دادگر باش، با تراز، دادگری را بکن بنا

چون نماد دادگری هست: شیر و خورشید و تراز ۱۰۵۸ جاوید ایران، دادگران، ۳ رنگ ایران سرفراز



رضا شاه، روزت شاد ۱۰۵۹ با تو میشیم ما آزاد

حق زن و مرد، حق برابره ۱۰۶۰ شهبانوی آینده، نور دادگره

آخوند فقط جهل و ریا ۱۰۶۱ ای شاه رضا، بیا بیا!

- اگر تو فرهنگ‌شِیخی، وظیفه خود بدان ۱۰۶۲ که باشی یک خدمتکار برای ایرانیان
- نشان بده که نیستی، آخوند بی خاصیت ۱۰۶۳ بیا پایین ز منبر، کمک بکن به ملت
- عاری به کار نباشد، خدمت به ایرانیان ۱۰۶۴ جارو به دست بگیر و بروب تو خیابان



- اون وقت مردم میبینند، شاید دین نیست خیانت ۱۰۶۵ میبینند که فرهنگ‌شِیخ، خدمت کند به ملت
- شاید بتونی بگنی ترمیم دین ز ذلت ۱۰۶۶ شاید مردم ز دین گنند پاک، سینه ز نفرت
- عدالت، آزادی، حقوق اجتماعی ۱۰۶۷ از این سخن بگو تو، وقتی سخن نمایی



- فرهنگ‌شِیخ صمیمی، از هر آیین و دینی ۱۰۶۸ مسلمان، بهائی، زرتشت، کلیم، مسیحی
- تعداد شیخ به ندرت، بدون هیچ نوع قدرت ۱۰۶۹ نخواستیم ما امامت، فقط خدمت به ملت

فرهنگ‌شایخ خدمتکار، نه آخوند تبه‌کار ۱۰۷۰ خامنه‌ای تبه‌کار، بروجردی خدمتکار



آخوند خامنه‌ای تبه‌کار و فرهنگ‌شایخ بروجردی خدمتکار



حاکم شیخ قاتل ما، دزد زبون گردیه ۱۰۷۱ فرهنگ‌شایخ عادل ما، کاظم بروجردیه



خمینی و خامنه‌ای، "خه و خه" خراب کار ۱۰۷۲ برقعی و بروجردی، "به و به" بزرگوار

سال روز جشنِ وَطَن، رقص و صدا بسازید ۱۰۷۳ سال روزِ ظلمِ دُشمن، روز عزا بسازید

”یا مُقلب القلوب“ برای تاز آیمه ۱۰۷۴ پای هفت سین جای ”نوروز نامه“ خیامه

## نوروز نامهٔ عمر خیام نیشابوری



بَر چهرهٔ گل، نَسیمِ نوروز خوش است

در صَحَنِ چَمَن، رویِ دلِ آفرود خوش است

از دِی که گذشت، هر چه گویی خوش نیست

خوش باش و زِ دِی مَکُو، که امروز خوش است

روزیست خوش و هوا نَه گرم است و نَه سرد

آبر از رُخِ گلزار، هَمی شوید گَرد

بَلَبَلْ به زبانِ پهلوی با گلِ زرد

فریادِ هَمی بَزَد که: مِی باید خورَد

چهار بیتِ پای سفرهٔ هفت سین

اثرِ خیامِ نیشابوری

سال ۴۸۰ خورشیدی (۱۱۰۰ میلادی)





به تو سالِ نو شاد، ای نازنین ۱۰۷۵ زمستان برفت و بهار در کمین  
 به نوروز گلستان شد ایران زمین ۱۰۷۶ بهار بر تو باشد ز پیش بهترین





- ۴ صده پیش، شاهِ صفوی دین فرو کرد به مردمش ۱۰۷۷ گفت نیوتن که "هر کُنش زاید به خود یه واکنش"
- ۴۰ ساله که ضحاک میگه "نوروز را از بین ببریم" ۱۰۷۸ بیا ما هم ۴۰۰ سال، ستمگر آتیش بزنیم
- مترسک از خمینی ساز، واسه "بلا به دوری" ۱۰۷۹ آتیش بزنی مترسک رو، شبِ چهارشنبه سوری



- آتیش بکش نه یک سال، نه ۴ سال، نه ۴۰ سال ۱۰۸۰ آتیش بکش خمینی ستمگرو ۴۰۰ سال
- نگاه بکن ضحاک را در آتشِ سرخ و روشن ۱۰۸۱ بگو که "زردیم به تو، و سُرخی تو بر من"
- بذار دنیا بدانند که نوروز بهار بی ریاست ۱۰۸۲ آتشکده و چهارشنبه سوری، فرهنگِ ایرانیاست
- چهارشنبه سوری ۱۰۸۳ شبِ خمینی سوزی



- ما در این ریاضیات مُعادله زیاد داریم ۱۰۸۴ اما این ایکس مجهوله، و ما از این ایکس بیزاریم
- رَفْتَه ایکس قاطی شُدِه، بینِ علامت و عدد ۱۰۸۵ ما شُدیم گوزپیچ، حالا یکی به ما کُنِه مَدَد
- تنها راهِ حَلِ اینِه، که ما ایکس را ایزوله کُنیم ۱۰۸۶ جوری تنها بمونه، ما این ایکس را دوره کُنیم
- هر چی تو علامت یا عدد دورِ این ایکس داری ۱۰۸۷ همه را باید به این وِرِ مُعادله آوری
- آن زمان تنها همیشه ایکس اون وِرِ مُعادله ۱۰۸۸ همیشه آشکار دستِ او، بدونِ هیچ مُعامله
- آن زمان خواهی بَفَهَمی مقدار این ایکس چیست ۱۰۸۹ آن زمان حلِ این مجهول، ساده کاری بیش نیست

$$13 - x^2 + 7 = 3(-x^2 + 6) + 2$$

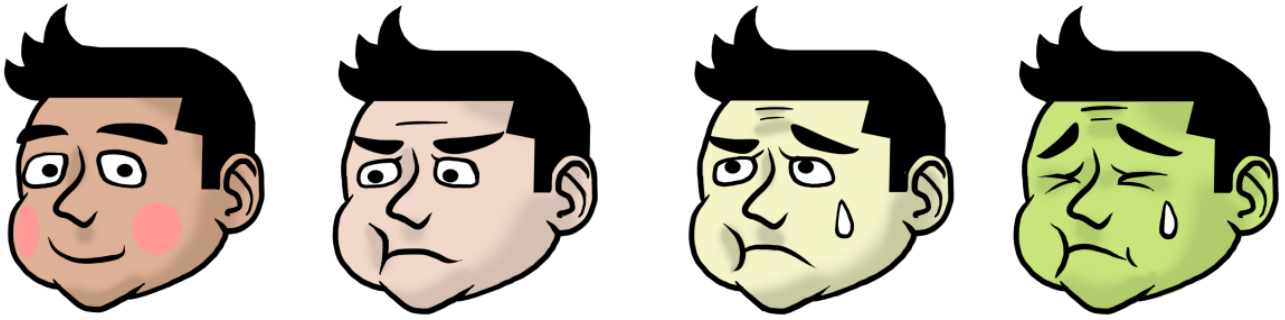
$$3x^2 - x^2 = 3(6) + 2 - 13 - 7$$

$$x = \sqrt{\frac{3(6) + 2 - 13 - 7}{2}}$$

$$x = \square$$

- قوم ضحاک خود بکرده قاطی آندر جامعه ۱۰۹۰ کرده خود پنهان همچون ایکس در مُعادله
- تو دانشگاه، تو بازار، تو دِه، مجلس، بیمارستان ۱۰۹۱ توی ارتش، دین و دادگاه، آلبسه روحانیان
- تنها راهِ حَلِ ما، ایزوله هر ظالم است ۱۰۹۲ این چنین تفکیک کُنیم میهن پرست از بُت پرست
- گر کُنیم ضحاکیان را ما تو هر جایی نشان ۱۰۹۳ ساده شد نابودی رژیم این ناپاکیان

این ۳ گام، راه عبور از هر گونه مشکلیه ۱۰۹۴ این ۳ هست: مشکل چیه، راه حل چیه، و اقدام چیه؟



کاوه شیرینی خورد، ولی دهان او مسواک نَدید ۱۰۹۵ نا گهان او مُبتلا شد به دندان دردِ شدید

کرمِ دندان با عفونت کرده این کاوه اسیر ۱۰۹۶ چرکِ دندان رخنه کرده در بدن در هر مسیر

اینقدری بدن تو درد، ندونه مشکل کجاست ۱۰۹۷ دست میگه مشکل تو کتفه، کتف میگه مشکل تو پاست



مغز آگاه میگه: دوستان مشکل تو دندونه! ۱۰۹۸ اگه کاری نکنیم، این کرم سر جاش میمونه!

حالا که بدن بفهمید منشا این درد چیست ۱۰۹۹ باید انتخاب کنه یک راه حل برای زیست

دست میگه: خودت با آنبرک این دندان را بکش! ۱۱۰۰ کتف میگه: اسید بریز دهان، کرمه میمیره خودش!

پا میگه: با چاقو کرم را تیکه تیکه بکنش! ۱۱۰۱ مغز آگاه میگه: بریم پیش دندانپزشک!

کرم رو از دهان ما در میاره این دکتر ۱۱۰۲ سوراخ رو پاک میکنه، بعد میکنه دندان رو پُر

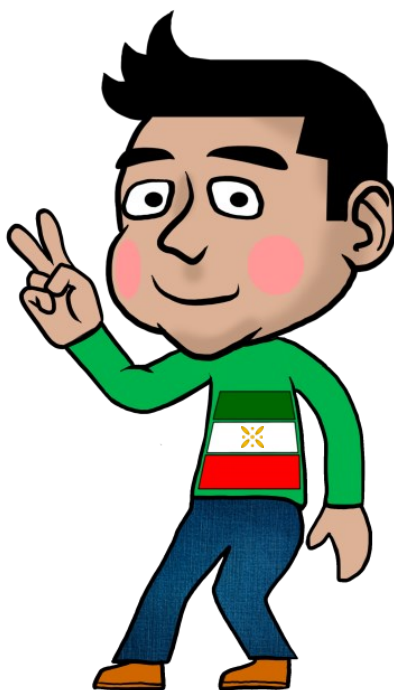
كاوه، ما ايرانيان، چه مغز، چه دست، چه پا، چه كتف ۱۱۰۳ كرمِ دندان باشد اين ضحاكيان، آخوندِ جلف



دکتر است، گنونی دادگر سیاستمدارمان ۱۱۰۴ تاختِ ما سوی علاج، باشد خروشِ ایرانیان

این بدان ما با هماهنگی سوی علاج میریم ۱۱۰۵ اگه پامون بگه نه، با این چرک ما تاراج میشیم

پس تو ای کاوه بگن تمام تن را هم صدا ۱۱۰۶ تا کنیم ما کرمِ دندان را بجای خود فدا



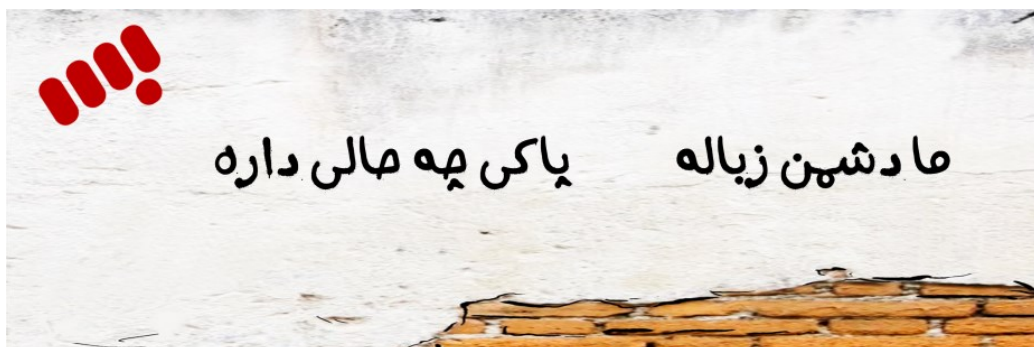


- یک کشاورز نیاز دارد به آب و بذر و خاک ۱۱۰۷ به ماشین ابزارِ کارا و حمل و نقلِ پاک
- حالا از گندم گرفته، تا به سبزیجات و تاک ۱۱۰۸ هر کشاورز شده محصولش در این رژیم هلاک
- یا کشاورز به خشکی بی محصول محکومه ۱۱۰۹ یا که گلِ محصولاتش، روی دستش میمونه
- پس شما کشاورزانِ کاویان شین هم صدا ۱۱۱۰ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا



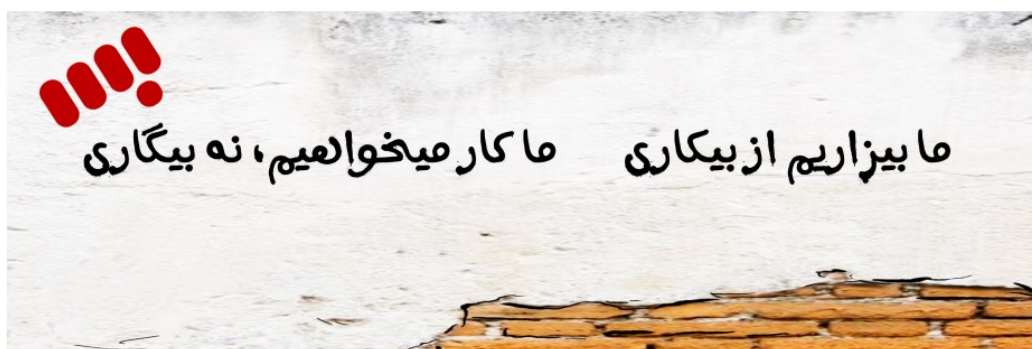


- کار واجب باشد این رُفَتِگَر و زباله بر ۱۱۱۱ تاجِ پاکسازیِ ایران دارند آنها روی سر
- خسته شب، ایران که میرود سوی خواب و خمار ۱۱۱۲ رُفَتِگَر، زباله بر تازه شروع کنند به کار
- رُفَتِگَر، زباله بر نیاز دارند به تجهیزات ۱۱۱۳ نه به جاروی شکسته، و شب پر مشکلات
- با وسایلِ مَجَهَز، پاکِ آسوده همیشه ۱۱۱۴ وقتِ کارِ رُفَتِگَر صرفِ بیهوده همیشه
- ما داریم تَوَقُّع به تمیزی توئی هر جایی ۱۱۱۵ اما به رُفَتِگَران دادیم حقوقِ گدایی
- مغزِ عاقل، باعثِ پیشرف در شهرِ نظیف ۱۱۱۶ جهلِ آخوند، باعثِ مریضی و شهرِ کثیف
- پس شما رُفَتِگَرانِ کاویان شین هم صدا ۱۱۱۷ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا





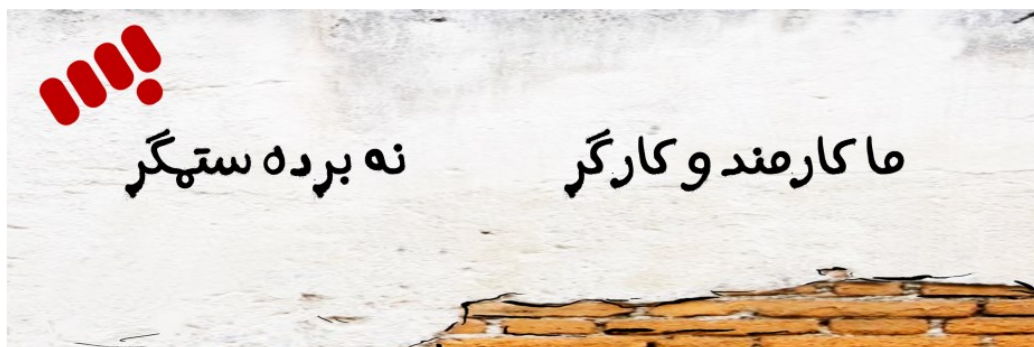
- یک زمان کارگری بود خودش کار شریف ۱۱۱۸ حالا کارگر شده برده آخوند کثیف
- حجم کار کم‌رشدن، هر کاری هم ستم به تن ۱۱۱۹ بدون بیمه کار، کارگرها ز چون میرن
- چون یه برده، نگنند دریافت ۶ ماه مزد کار ۱۱۲۰ دست خالی کارگر خونه میره، و میشه خوار
- مزد عادل، تا آخوند هست، تو ایران نبینی ۱۱۲۱ مزد ماه کارگر: ۲ کیلو سوسیس سیب زمینی
- وقتی هم کارگرها یک اعتراض کنند به پا ۱۱۲۲ تو زندان، اعتراف، شکنجه با کابل زیر پا
- تا که ایران هست تو دست یک سری آخوند خر ۱۱۲۳ بهره بر مفت بخورد، فنا شود هر کارگر
- پس شما کارگران کویان شین هم صدا ۱۱۲۴ تا کنیم رژیم جلف ضحاکیان را فنا





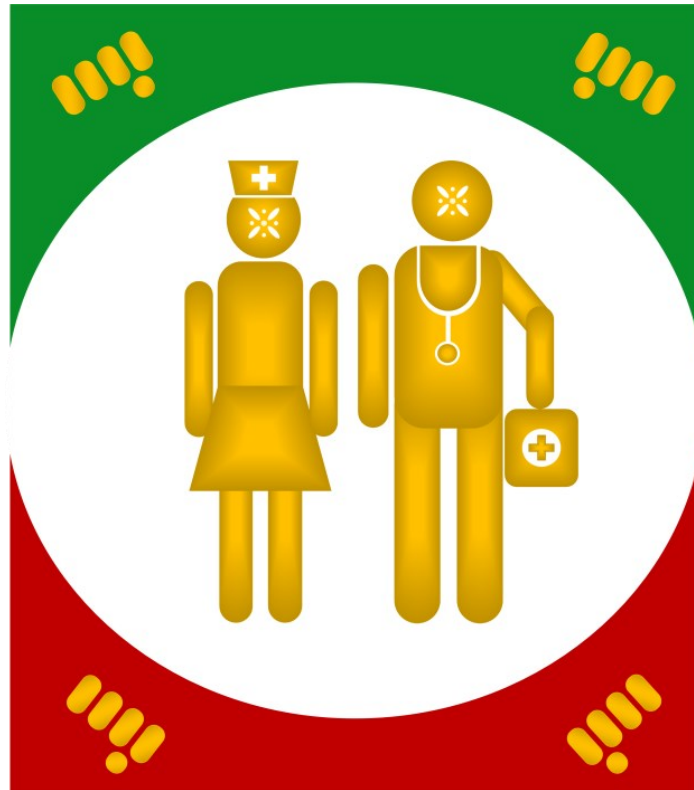


- چرخِ هر اداره ای، به دستِ کارمندانِ ماست ۱۱۲۵ اما با جهلِ آخوند، کاربردِ هر کامندِ فناست
- هر مدیرِ متخصص را آخوند زده کنار ۱۱۲۶ جاش گذاشته یک شیپیش، با عقلِ کم تر از خیار
- وقتی که قانونگذار، جمهوری سرگیجیه ۱۱۲۷ کاربردِ یک اداره، منطقِ گوزپچییه
- کاری که با یک ساعت تلاش، ساده جور میشه ۱۱۲۸ با فسادِ آخوندِ کَلاش، ۳ ماه طول میکشه
- مُزدِ کارمند، مثلِ مُردابِ قدیمی راکده ۱۱۲۹ اما این رُشدِ تَورم، با شتابِ راکتیه
- مُزدِ هر کارمندِ نیک، از مرزِ فقر پایین تره ۱۱۳۰ شیفتِ اول شد تمام، تازه مسافر میبره
- اگر هم به خاطرِ فشارِ یه کارمند شه مریض ۱۱۳۱ همیشه او بی مُزد، اخراج به امرِ آخوند هیز
- پس شما کارمندانِ کاویان شین هم صدا ۱۱۳۲ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا

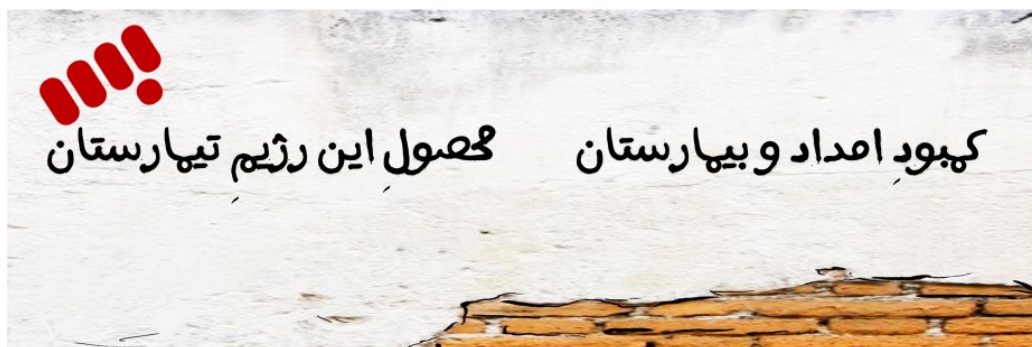




- نیمِ عُمَر ما تو راه و جاده صَفهای دراز ۱۱۳۳ این بدان ایرانی به رانندگان دارد نیاز
- سپستمِ راهِ آخوند بگرد ایرانی را اسیر ۱۱۳۴ خوش به ما، داریم یه راننده تو هر راه و مسیر
- اگه مردم به مسافر کِشی مجبور نمیشد ۱۱۳۵ بیش از نیمِ خودروها از خیابانها دور میشد
- خسته شب، راننده در تاریک جاده پیچ و خم ۱۱۳۶ خواب در ۱۰ ثانیه، تصادف با گشتار و غم
- اگه هر راننده داشت آسایش و خواب و خوراک ۱۱۳۷ با تصادف ۱۰ نفر نمیفرستاد زیر خاک
- ماشینِ صفر کیلومتر قراضه و پُر اشتباه ۱۱۳۸ قیمتِ لوازمِ خودرو، تا بامِ کوهِ شاه
- چاله راه کرده کمر به هر شریف راننده کج ۱۱۳۹ اگه راننده نبود، کلِ ایران میشد فلج
- این بدان اگر تصمیم به دستِ هر راننده بود ۱۱۴۰ با یه فیلتر دود، میگرد تومورِ شش را نابود
- قیمت بنزین بگرد رانندگی بدونِ سود ۱۱۴۱ مغزِ آخوند مثلِ کود، تو چشمِ هر راننده دود
- پس شما رانندگانِ کاویان شین هم صدا ۱۱۴۲ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا

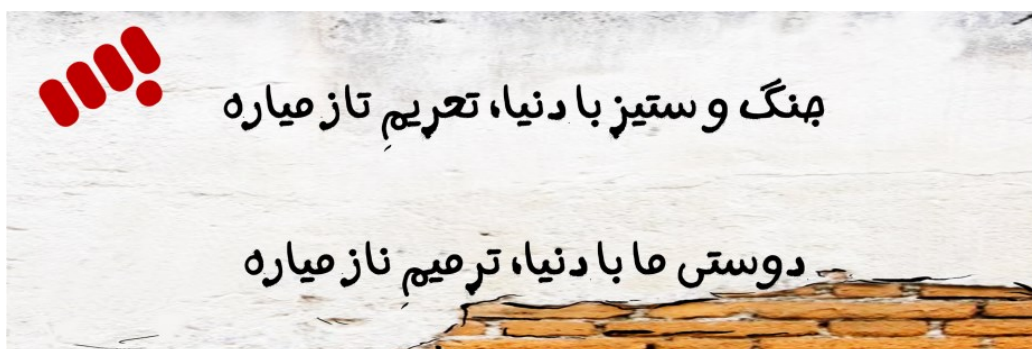


- ۱۱۴۳ فردِ بهداشتی داریم ما از پرستار تا پزشک ولی بر این سیستمِ آخوند باید که گفت: زرشک!
- ۱۱۴۴ کاویان بیمه نباشند، خرجِ درمان هست کبیر چون مریضِ بشی حقیر، پَس از درمانِ بشی فقیر
- ۱۱۴۵ کمبودِ تجهیزات و نظافتِ توی درمانگاه کمبودِ دارو، ولی فروشِ توی بازارِ سیاه
- ۱۱۴۶ سیستمِ بهداشتِ ما، دستِ آخوندِ زیرِ سِتم کاویان در سوگ و غم، حقوقِ بهداشتیِ ها کم
- ۱۱۴۷ مشکلاتِ اعصابِ هر بهداشتیِ بُردِ زیرِ فشار اگه دادِ بزنی "پرستار"، بهت میگه او: زهرِ مار!
- ۱۱۴۸ جَهَلِ هر آخوندِ میگه: دعا شفا بر بدنه با خریّتِ کتابِ پزشکیِ آتیشِ میزنه
- ۱۱۴۹ ساخته آخوندِ سیستمِ خرافات و تبعیض و رشک کرده آخوندِ تُف به روپوشِ پرستار و پزشک
- ۱۱۵۰ پس شما بهداشتیانِ کاویانِ شین هم صدا تا کنیم رژیمِ جِلَفِ ضحاکیان را فَنّا



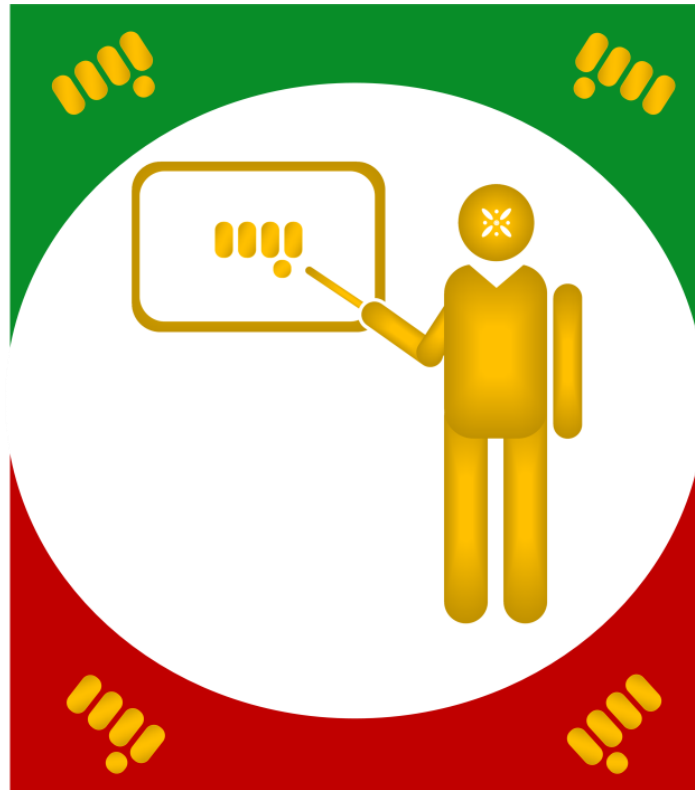


- فردِ بازاری نیاز دارد به دادگر اقتصاد ۱۱۰۱ نه به ارز متزلزل، در رژیمِ پُر فساد
- بدِ حسابی خریدار، مالیاتِ نا به جا ۱۱۰۲ کرده ماهیگیری از آبِ گلِ آلود را به پا
- بازاری به دیر رسیدنِ به کالا اسپره ۱۱۰۳ قیمتِ بالا تو ماستِ هر خریدارش میره
- اما این سود کاذب و بی فایده در دراز زمان ۱۱۰۴ مثلِ شاش تو شلواره، در شب زمستانی مکان
- اگه بازاری بخواد بگیره سودِ خود به کار ۱۱۰۵ فرداروز مخارجِ یک بازاری باشد دو بار
- پس شما بازاریانِ کاویانِ شین هم صدا ۱۱۰۶ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا





- از نویسنده و شاعر تا به موسیقی نواز ۱۱۵۷ عکاس و نقاشِ ماهر یا هنرپیشهٔ ناز
- تا به ورزشکار یا رسانه اجتماعی باز ۱۱۵۸ یا که کارگردان و فیلم نویس، همه فرهنگساز
- آرزوی یک آخوند به مردم است: جهل و کوری ۱۱۵۹ کرده او فرهنگیان مجبور بر خود سانسوری
- او به فرهنگی میگه: باید تو باشی یک سیریش! ۱۱۶۰ زن و مرد فرق نداره، فقط شیپیش، اون هم با ریش!
- اگه فرهنگی بگه: جیک، باید او زندان بره ۱۱۶۱ شیخ دزد اموال فرهنگی کند مصادره
- پس بکن نقد، تو غیر مستقیم از این به بعد ۱۱۶۲ تو بکن نقد به در، تا دیوارِ کر بشنود
- کاوه و ضحاک یه داستانه، و این نیست حرفی توش ۱۱۶۳ جای آخوند بنویس: ضحاکیانِ مار به دوش
- هیچ گاه با چاپلوسی گوه یه آخوند رو نلیس ۱۱۶۴ اما جاش شعر و سرود از ایرانِ مردم نویس
- قدرتِ فرهنگیان از جهلِ آخوند بیشتر است ۱۱۶۵ چون شما فرهنگ بسازید، اما یک آخوند خر است
- پس شما فرهنگیانِ کاویانِ شین هم صدا ۱۱۶۶ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا



در ره آموزش هر آموزگار دارد نیاز ۱۱۶۷ تا تواند تدریسِ عادل کند او در کلاس

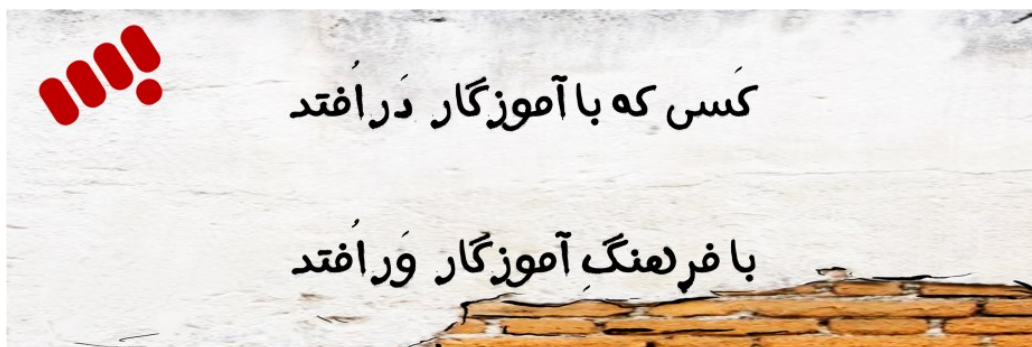
اما در راه عدالت، رژیمِ آخوند بلاست ۱۱۶۸ در کتاب و مدرسه، به عقل زده تیرِ خلاص

کرده با جهل و خراف، آخوند در هر کلاس نفوذ ۱۱۶۹ با ستم کرده دهانِ آموزگار دوخت و دوز

ای تو ای آموزگار، مهم بدان تو کارِ خود ۱۱۷۰ دنیا بی آموزگاران خنگ تر از یک گوه میشد

در ره آموزشِ عدل و حقوق بکن تلاش ۱۱۷۱ بکن آگاه هر جوان، نظامِ جهل از هم پپاش

پس شما آموزگاران، کاویان شین هم صدا ۱۱۷۲ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا



(یگانِ "پَهْرَازِ")

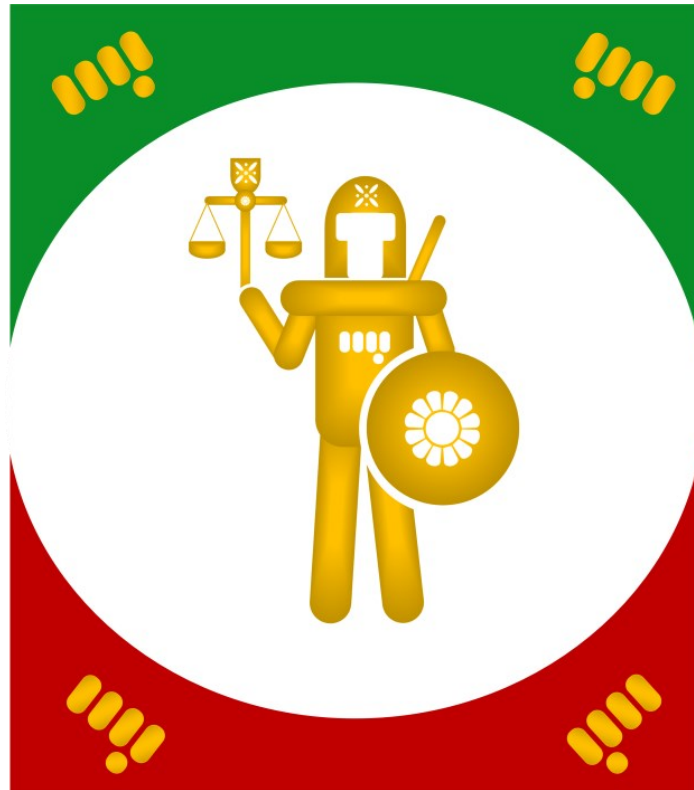
پیشکِسْوَتَانِ

همیشه

رزمندُه

ایران

زمین



- ۸ سال جنگ به جا گذاشت ۲ میلیون جنگ پیر ۱۱۷۳ نسلی از ایران زمین رزمندگانِ بَبرِ شیر
- هر بسیجی، ارتشی، جانباز و مجروح، پاسدار ۱۱۷۴ هر کدام شدند به رزمندُه نابِ کُشته کار
- اونها جنگیدند که یک آخوند بشینه توی کاخ ۱۱۷۵ بعدِ جنگ، آخوند به هر رزمندگان داد یک بیلاخ
- این گروه رزمندگان حالا تو هر جای جهان ۱۱۷۶ از لُرستان تا کُپنهاگ، از پاریس تا تهران
- 
- از سیامک تا مجید، مسعود، منوچهر و رسول ۱۱۷۷ همه شون یه چیز میگن، رزمندگانِ نیکِ اصول:
- "ظلمِ آخوند حقِ ما رزمندگان را زد زمین ۱۱۷۸ قلبِ ما از دستِ این آخوند، سرشار است ز کین
- اگه این آخوند میخواد جنگ در خیابان با تفنگ ۱۱۷۹ بلدیم ما تخلیه کنیم پادگان از فشنگ
- ما به این الاغ میگیریم رو دُمِ بَبران پا نذار! ۱۱۸۰ ما همه رزمنده ایم، از ظلمِ تو کنیم گذار!"
- 
- ما امیدواریم به "پَهْرَازان" نباشد احتیاج ۱۱۸۱ اما این آخوند خره، شاید نشد دگر علاج
- باش تو آماده و بیدار، ای تو پَهْرَازِ به هوش ۱۱۸۲ درسِ تاکتیک به جوان بده برای یک خروش
- چون آخوند فکر میکنه با گله گوسفند طرفه ۱۱۸۳ ولی باید بدونه، تو جنگ با ما، اون تلفه
- پس شما پَهْرَازیانِ کاویانِ شین هم صدا ۱۱۸۴ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا



- یک جوان نیاز دارد به تحصیل و وقتِ رفاه ۱۱۸۵ تا کند انتخابِ آینده خود را به پا
- از جوان آزاده دین، تا به جوانِ با حجاب ۱۱۸۶ کرده آینده هر جوان را این رژیم خراب
- یا شدند جوانانِ ما مُفتِ خورِ بچه سوسول ۱۱۸۷ یا تو راهِ تنفروشی یا مواد برای پول
- یک سری هم توی کار اعتقادات و اصول ۱۱۸۸ فکرِ آینده گرا، بینِ جوان رو به نزول
- کرده این رژیمِ آخوند، هر جوان بیکار و بار ۱۱۸۹ هر جوان را او چو خر دیده، و خود را خرسوار
- آندر افکارِ آخوند، جوان آلتی بیش نیست ۱۱۹۰ ارزشِ جوان برانش بیش از شیبیش در ریش نیست
- نیمِ بیش از مردمِ ایرانیان باشند جوان ۱۱۹۱ سنِ ۱۰ آخوند رو هم رسد به شاهنامه زمان
- گر آخوندِ سُست تو مدرسه کند ظلم بر قرار ۱۱۹۲ تو پیاموز و بکن دفاع از نیک آموزگار
- گر آخوندِ هیز، به تو جوان بزد ضرب و زیان ۱۱۹۳ تاکتیکِ مقاومت آموز تو از پهرازیان
- پس شما ای نوجوانان، کاویان شین هم صدا ۱۱۹۴ تا کنیم رژیمِ جلفِ ضحاکیان را فنا



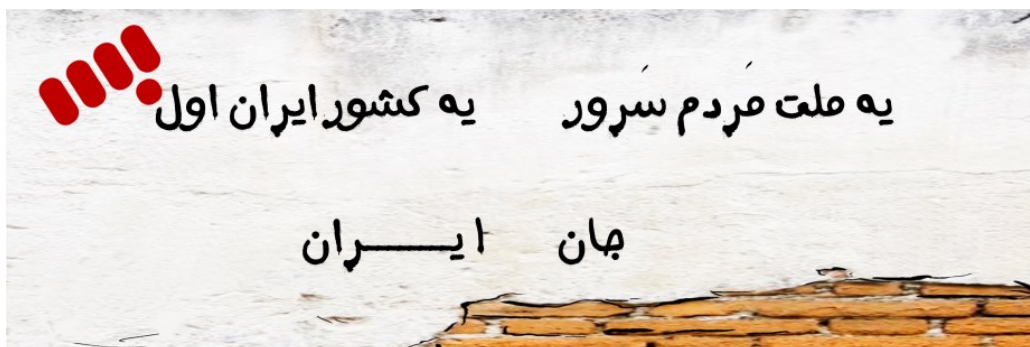


۲	<b>بازیگران</b>	۱۷۹
---	-----------------	-----

- ۱۱۹۰ ایرانِ مردم برای تمامِ ایرانیاست ۳ گروه بیرون بمانند، چون که کارشان ریاست
- ۱۱۹۶ ما خوش آمد میگیریم به هر نوع حزب و جبهه ای بغیر از تجزیه طلب، فدرالیست و فرقه ای
- ۱۱۹۷ برای ایرانِ مردم خاکیمان مقدس است یک وطن، ایران زمین برای ایرانی بس است

۱	<b>برگِ ورود</b>	۱۸۰
---	------------------	-----

۱۱۹۸ هر کسی شعاری تقدیرِ ایرانِ مردم سرود این بدان ایرانی است، از مردم است، بر او درود



شعاری تقدیرِ ایرانِ مردم (شعر ۶ - بیت ۱۸)

- ما یک ایران را می‌خواهیم که هرکی حق داشته باشه ۱۱۹۹ پس باید به حق دیگران هم احترام باشه
- ما می‌گیم هدایت ایران دست مردم باشه ۱۲۰۰ حالا هر کی هر چی فرهنگ دوست داره، داشته باشه
- راه هم‌تا شدن است: بده بستون در دکون ۱۲۰۱ قدری از خود بگذر، به جاش کلی حق بستون
- اگه ما احترام را بنا کنیم در هر ستون ۱۲۰۲ هم به حق خود رسیم و هم به حق دیگران



- اگه تو شاه را می‌خواهی، می‌گی فرهنگ سلطنته؟ ۱۲۰۳ به تو فرهنگشاه میدیم، ولی دور از سیاسته
- اگه تو شیخ را می‌خواهی، می‌گی فرهنگ امامته؟ ۱۲۰۴ به تو فرهنگ شیخ میدیم، ولی بدون قدرته
- اگه تو چپ را می‌خواهی، خسته ای از حکم تزار؟ ۱۲۰۵ از بر مردم بکوش، به فرهنگ احترام بذار
- اگه تو جمهوریت را می‌خواهی در روزگار؟ ۱۲۰۶ از بر اُستان بکوش، به ایران احترام بذار
- اگه سرمایه گذاری دوست داری بیاد به کار؟ ۱۲۰۷ ایرانی به کار بگیر، مالیات بده، پول در بیار
- اگه تو مشروطیت را می‌خواهی به کاویان؟ ۱۲۰۸ قانون اساسی را بالاتر از هر کس بدان
- اگه تو می‌خواهی در ایران پیشرفت بنا کنی؟ ۱۲۰۹ تو باید دین از سیاست کاملا جدا کنی
- اگه تو مجاهدی، عدالت می‌خواهی به فقیر؟ ۱۲۱۰ فرقه و جنگ را بران، حقیقت را به دست بگیر
- اگه تو لائیسیتته، سکولار داری در مسیر؟ ۱۲۱۱ حق هر نیازمند را دفاع کن تو بی نظیر
- اگه تو می‌گی نظام شیخ یک حماقته؟ ۱۲۱۲ این بدان فدرالیسم برای ایران آفته
- اگه تو ایرانی هستی، عاشق ایران زمین؟ ۱۲۱۳ دم میز گرد با تجزیه طلب هیچ گاه نشین
- اگه تو می‌گی شیر و خورشید نماد ملتته؟ ۱۲۱۴ شمشیر را آزش بگیر، تراز نماد عدالتته

- اگه تو خسته ای که به دست ضحاکیم اسیر؟ ۱۲۱۰ همینو میگیریم ما، پس خوش آمدی به گود شیر
- آرمان ایران مردم رأی به رفرا ندُم است ۱۲۱۶ شخص فرهنگی داریم، ولی قدرت ز مردم است
- هو نوع ایرانی باشیم، داریم یک گروه دشمن ۱۲۱۷ شیخ ضحاک و هزاردستان پست گورکن



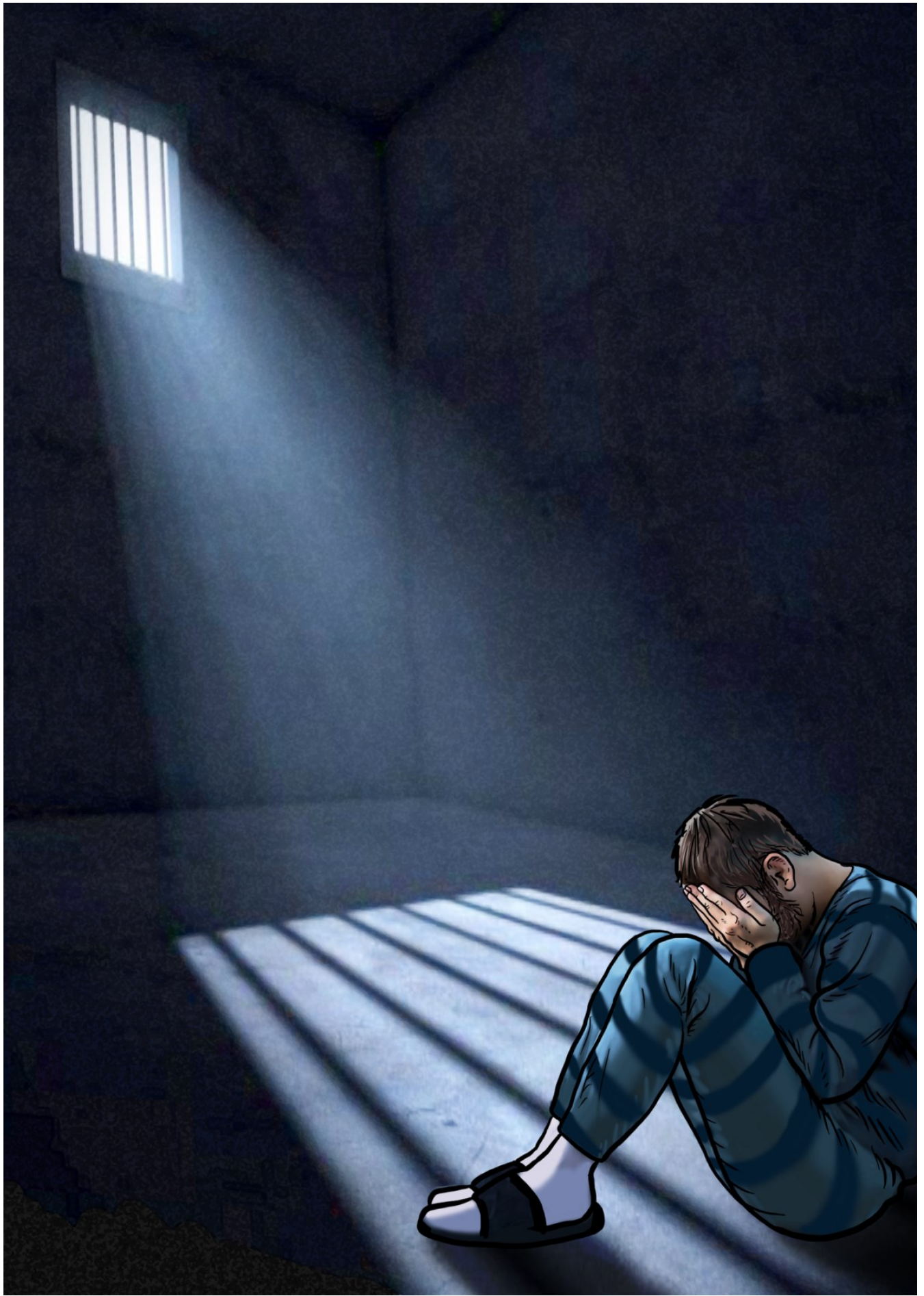
- اگه ما مور باشیم، با همتایی میسیم یه ببر ۱۲۱۸ دفاع از ایران کنیم، و میشکنیم این جهل و صبر
- فرهنگ ایران مردم متن همتا شدن است ۱۲۱۹ طغیان کاویان، بر پا و همراه شدن است
- هر چه زود ایران مردم خواستار سراسر است ۱۲۲۰ آن زمان فرا رسد که این رژیم در به در است

- ما داریم ۲۰ خواستار برای هر سیاستمدار ۱۲۲۱ واسه ۲۰ خواستار باید شروع کنید به کار
- برای مردم الان احزاب امر کاذب ۱۲۲۲ برایشون ایجاد ۲۰ خواستار امر واجبه



۲۰ خواستار ایران مردم برای هر سیاستمدار (تا بیت ۲۰۰)

- هر سیاسی که بگیرد ۲۰ خواستار به مسیر ۱۲۲۳ کاویان شاید بخواهند او را چون فردا وزیر
- پس شما سیاسیان کاویان شین هم صدا ۱۲۲۴ تا کنیم رژیم جلف ضحاکیان را فنا





تنهام نذار ۱۲۲۵ تو ای یارِ آزاد افکار

حالا چنگِ شیخِ مار ۱۲۲۶ تنهام نذار

تنهام نذار ۱۲۲۷ زیرِ ضرب و شتم و فشار

توئی تاریکی انتظار ۱۲۲۸ تنهام نذار

تنهام نذار ۱۲۲۹ بیرون پاییزه یا بهار؟

شب و روزم این دیوار ۱۲۳۰ تنهام نذار

تنهام نذار ۱۲۳۱ با این جَلادِ آدم خوار

واسه تو کردم پیکار ۱۲۳۲ تنهام نذار

تنهام نذار ۱۲۳۳ تو این مایوسی بغض و زار

دادم از دست من روز شمار ۱۲۳۴ تنهام نذار

تنهام نذار ۱۲۳۵ دادم نرسه گوشِ یار

به زودی من به جوخه دار ۱۲۳۶ تنهام نذار

تنهام نذار دوست ۱۲۳۷ تنهام نذار، ای یار

توئی هر زندانِ ایران ۱۲۳۸ از کارگر تا سیاستمدار

تنهام نذار نور ۱۲۳۹ تنهام نذار، گیتار

توئی هر زندانِ ایران ۱۲۴۰ از رفته گر تا آموزگار

زندانیان بی پناه ۱۲۴۱ آخوند ستم و سر درد

زندانی بی گناه ۱۲۴۲ آزاد باید گردد





ای تو، ای نهالِ پژمرده شده نسلِ نوین ۱۳۴۳ روز و حالت را نگاه، بلند شو، اینجوری نشین!

والدینت رأی دادند به ذلتِ مردم به دین ۱۳۴۴ حق تو خورده شد و هم حق ایران زمین

تو خودت خوب میبینی که وضع مردم هلاک ۱۳۴۵ باتومش تو دست تو، پولش تو جیب ضحاکه



حال به دستِ ظالمین، ایران زندان و تو زندانی ۱۲۴۶ ظالمین ۲ نوع زندان بسازند، باید تو بدانی

یکی زندان سلول‌بست که در و دیوار دارد ۱۲۴۷ شاید هم حیاط دارد، میله و سیم خاردار دارد

اما زندان بزرگ، زندان کل جامعه است ۱۲۴۸ میل و سیم خاردار نبینی، اما چنگِ ظالم است



خودِ آخوند در رفاه، ایران را کرده زندانی ۱۲۴۹ که همه توش حبسی آند، حتی تو که زندان بانی

شیخ می‌گه همه را بگش. سرکوب بد فرم می‌خواود ۱۲۵۰ واسه بعد از سقوط، تو را شریکِ جرم می‌خواود



پس نكن هيچ گاه شليك سوي مَرَدَمَت تو تير ۱۲۵۱ چون كه اين رژيم بره، به دست مَرَدَم شى اسير

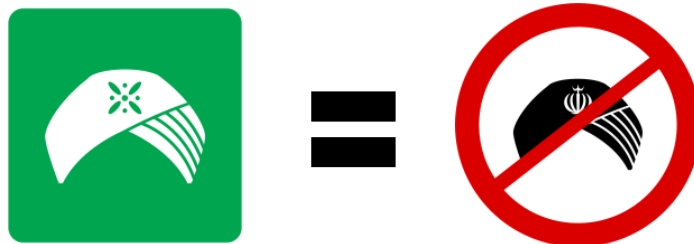
ما كه گفتيم ”بخششِ ملي“ بُوَد از آن تو ۱۲۵۲ پس بيا نجات بده هم ميهن و ايرانتو



- عاقبت به دست بگير، نَباش اسيرِ مار به دوش ۱۲۵۳ نسل تو داره ميسوزه، لااقل واسه بچه ات بکوش
- منتظر نَباش كه ظالم به ريا پُشت بگنه ۱۲۵۴ اونجورى عُمَرَت ميره، زير پات عَلف رُشد ميكنه
- کشورت داغون ميشه، به دست يك گله خَر ۱۲۵۵ بچه هات مَحكوم ميشن به آينده در به در
- باتوم و اسلحه شون كه دستِ توست، اي پهلوان ۱۲۵۶ اگه تو قيام كنى، سوسك ميشند اين ضحاكيان
- احساسِ مسئوليت، مالکيتِ بهت ميده ۱۲۵۷ كِشورتِ آزاد كه شد، احساسِ قوتِ بهت ميده
- سرفراز ميتوني بگي ايران گُلستانِ كَردي ۱۲۵۸ اشتباهاتِ پدر و مادر را جبران كردى
- در ره آزاديگي يك كار بيتا كَردي ۱۲۵۹ براي نسلِ جديد، آينده ايغا كَردي
- پس بر آزادي ايران و ايراني بکوش ۱۲۶۰ كاوه باش، با مَرَدَمَت عليه ماردوش بخروش!
- ميليون مَسَت كه سرکوب بر مَرَدَم كُند ۱۲۶۱ او ميليون مَسَت نيست او هست يك هزاردست
- ميليون مَسَت كه حمايت از مَرَدَم كُند ۱۲۶۲ او ميليون مَسَت نيست او هست يك ميهن پرست
- دروود بر ميهن پرست ۱۲۶۳ لعنت بر هزاردست



- فرقِ آخوندِ پلید با عالمِ روحانی چیست؟ ۱۲۶۴ روحانی از مردم است، آخوند ننگی بیش نیست
- در زمانِ ناامیدی یک جوانِ خلافِ کند ۱۲۶۵ شاید با پندِ روحانی به امیدِ کفای کند
- خبرِ قهرِ با همسایه وقتی محل را گشت ۱۲۶۶ شاید با پندِ روحانی ما بنا کنیم گذشت
- وقتی که جوان با سُستی، ترکِ هر آرمان کرد ۱۲۶۷ شاید با پندِ روحانی تعهد را بنیان کرد
- عالمِ روحانی پاکی در فکر و اصولش ۱۲۶۸ یه لقمه نون و پنیر روی زمین قبولش
- اما آخوندهای پست، فقط به فکرِ پولشون ۱۲۶۹ مردمو خر میبینند، خود را سوارِ کولشون
- روحانی مترو میره، چون پول تو کوله نداره ۱۲۷۰ اما آخوند ماشینِ ضدِ گلوله سواره
- روحانی "عدلِ مساوه" اندر هر ۱۰ پندش ۱۲۷۱ اما یک آخوند فقط "امر به معروف" حالیشه
- ما تو ایران، فردِ عمامه به سر خیلی داریم ۱۲۷۲ خیلی روحانی، ولی از آخوندها سیلی داریم
- فرقه آخوند گرفتِ گروگان این لباسِ دین ۱۲۷۳ احترام ما به روحانیت هم بخورد زمین
- ما کنیم پاک این لباس، چون که آخوندها شیبیشند ۱۲۷۴ وقتی که باران میاد، بدان پس همه خیس میشند
- فردا روز آینده نا امن دارد این لباس ۱۲۷۵ ما بدانیم کی آخوند هست، کی روحانی ماست
- فردا روز محکوم شوند هر چی آخوند بت پرست ۱۲۷۶ پس تو روحانی عادل، باش یک میهن پرست



راه خود از هر چی آخونده، بکن شفاف جدا ۱۲۷۷ باش تو در قیام ملت ضد آخوند، هم صدا

فردا روز آزادی دینی در ایران صد است ۱۲۷۸ و شاید احتیاج به روحانیون یک درصد است

عالم روحانی، گر کارِ دگر را از بری ۱۲۷۹ از همین امروز بیاندیش تو به شغلِ دیگری

فردا روز حتی اگر عالمِ روحانی باشی ۱۲۸۰ این لباس مقدس است، فقط تو مسجدِ پِوشی

فردا روز حتی اگر عالمِ روحانی باشی ۱۲۸۱ باید از منبرِ بیایی پائین، با مردمِ بکوشی

ما به نیک روحانیت شاید که رحمت ببینیم ۱۲۸۲ اما با آخوندیت، اسهال طهارت میگیریم



**! فدرالیست و تجزیه طلب !**

فدرالیسم با فکر تجزیه، یک شکلیه ۱۲۸۳ با فدرال شروع میشه، بعد میشه تجزیه

با ریا کردند عدالت در فدرال را پیشه ۱۲۸۴ اما میدانیم فدرال گُرج تو پوستین میشه

ای تو، ای جاهل گمراه، ای تو، ای تجزیه طلب ۱۲۸۵ دور از ایران نتونی بسازی یک قوطی حلب!

جای ایران شکنی، افکار جهل خود شکن ۱۲۸۶ عاشق ایران زمین باش، نفاق از جانت بکن

خود را از مردم بدان، مسئولیت به دست بگیر ۱۲۸۷ کل ایرانه که هست به دست ظالمان اسیر

فکر تجزیه ز مغز خود بران و پوچ کن ۱۲۸۸ ایران هیچ جا نرود. ناراحتی؟ پس کوچ کن

ما تو را پیام دهیم، چون اصل تو ایرانی است ۱۲۸۹ تجزیه کابوس ننگ است، باش تو یک میهن پرست



عمل، دعوت یا تهدید ۱۲۹۰ به قتل، کتک یا تفکیک

در ایران آینده ۱۲۹۱ جرم است و یک بازنده

ما دست هم میهنان رو میبوسیم ۱۲۹۲ ما دهن تجزیه طلب میدوزیم

ما دست هم میهنان رو میبوسیم ۱۲۹۳ ما تو دهن فدرالیست میگزیم

**نگ کیلان:**

میرزا

کپک

خان

آنگلی





گر به کس از هر دو قُطَبِ بَشُدِ مَنْفَى تَوَجِهَ اِی	۱۲۹۴	ما در ایران بگوییم: یک چوبِ دو سر گوهی
چوبهای دو سر گوهی، همیشه بیرون وِطَنِ	۱۲۹۵	طَرِدِ از آخوند شدند، اما هنوز فِکْرِ عَنَنِ
چون که باشم سَیِّد و وَحَى به ما آید چو عَن	۱۲۹۶	نامِ این چوبِ گوهیا در خوابِ بَشُدِ وَحَى به من:
نادان و فَتْحَى، نِگار، فردین، بهنود، مهاجرانی	۱۲۹۷	زاهدی، نور بَخَش، کامران، تَفْرِشَى، زاهدانی
قُلَى زاده، نروانی، سَهیمی و مُحَمَّدی	۱۲۹۸	قاضی زاده، مجتهد زاده، واعظ، عَضُدی
عزیزی، کَحال زاده، نایاک، ناپارسی، طلایی	۱۲۹۹	مهرگان و گَنجی و سروش، حقیقی، بابایی
صلواتی، غالبی، دادرسی، جُنیدی، اردلانه	۱۳۰۰	کوهنورد، کلباسی، صلح دوست، بهروش و آریانه
حسینی، میلانی، سَجادی، نِگهدار، رحیم پور	۱۳۰۱	همشون چوبِ دو سر گوهی، و گُمراه موشِ کور
مُلا تا دَسْتَه به هَر اِیرانِیْتِ کَرْدَه فُرو	۱۳۰۲	اما این چوبِ گوهیا، دیگه نَداشْتَن اَبِرو
انگاری همه تَمایِلِ به آخوند و ظَلَمِ دارند	۱۳۰۳	انگاری مریضند و سِنْدَرُمِ اسْتُکْهَلَمِ دارند
از بَرِ چاپلوسی از نظام شدند یک فِرْفِرَه	۱۳۰۴	اومدند خارج کُتَنَدِ شاشِ آخوند را غِرْغِرَه
وقتی این رژیمِ بَرَه، این ها میسُند بی خانه مان	۱۳۰۵	چون که کَرْدَنَدِ تَبْلِیغِ و همکاری با ضحاکیان
وقتی که هیتلر و استالین رهبران بودند	۱۳۰۶	هر کی چاپلوسی میکرد، اون ها به قهرمان بودند
اما وقتی که رژیمِ دیکتاتور شد سَرَنگون	۱۳۰۷	چاپلوس افتاد پُشتِ مِیلَه، تا که داشت نَفَسِ به جون
پس تو ای چوبِ دو سر گوهی همیشه این بدان	۱۳۰۸	دیدارِ ما با تو باشد تو دادگاهِ کاویان !
فردا روز کنیم ما آشتی با تمامی جهان	۱۳۰۹	هر جا باشید به ما آسوده دهند تَحْوِیلتان
حالا هی برای اهریمن ویولین بنواز	۱۳۱۰	زنجیر زندان آینده به خود تنگ تر بساز !

این بدان، امثال تو دارند فقط یک راه نجات ۱۳۱۱ و آن است توبه، تا مردم بشنوند دادگر صدات

تو که یک عمر گفתי برای آخوند مُردی؟ ۱۳۱۲ تو باید بیای و آشکارا بگی گوه خوردی!



پس از این به سودِ مردمِ باید سخن بگی ۱۳۱۳ تا کنی شاید دگربار، در ایران زندگی

چوبِ گوه، چوبِ گوه، ننگ به نیرنگِ تو ۱۳۱۴ مردم کرده بینوا، رهبرِ آلتنگِ تو

چوبِ گوه، چوبِ گوه، ننگ بر این سهلِ تو ۱۳۱۵ آخوندِ لمپن به جا، از بر این جهلِ تو

۱۹۰

### شِکافی

۷



نیک گفت واترز که: "ما با همدگر ایستاده ایم ۱۳۱۶ اما گر ما با شکاف، تقسیم شویم افتاده ایم"

آرزوی این رژیم هست بین ایرانی شکاف ۱۳۱۷ او شکافی کار گرفته از بر شکاف و لاف

ظاهرا ضد رژیم، اما شکافی فاضلاب ۱۳۱۸ هدفش باشد دگر ضد رژیم کند خراب

جای تکلِ توب، ز زیر پای حمله حریف ۱۳۱۹ چک به گوش یار خود زند، شکافی کثیف

کس که کوشید تا نفاق بین کاویان کند ۱۳۲۰ پس بدان او خود بود شکافی، تاز بی خرد

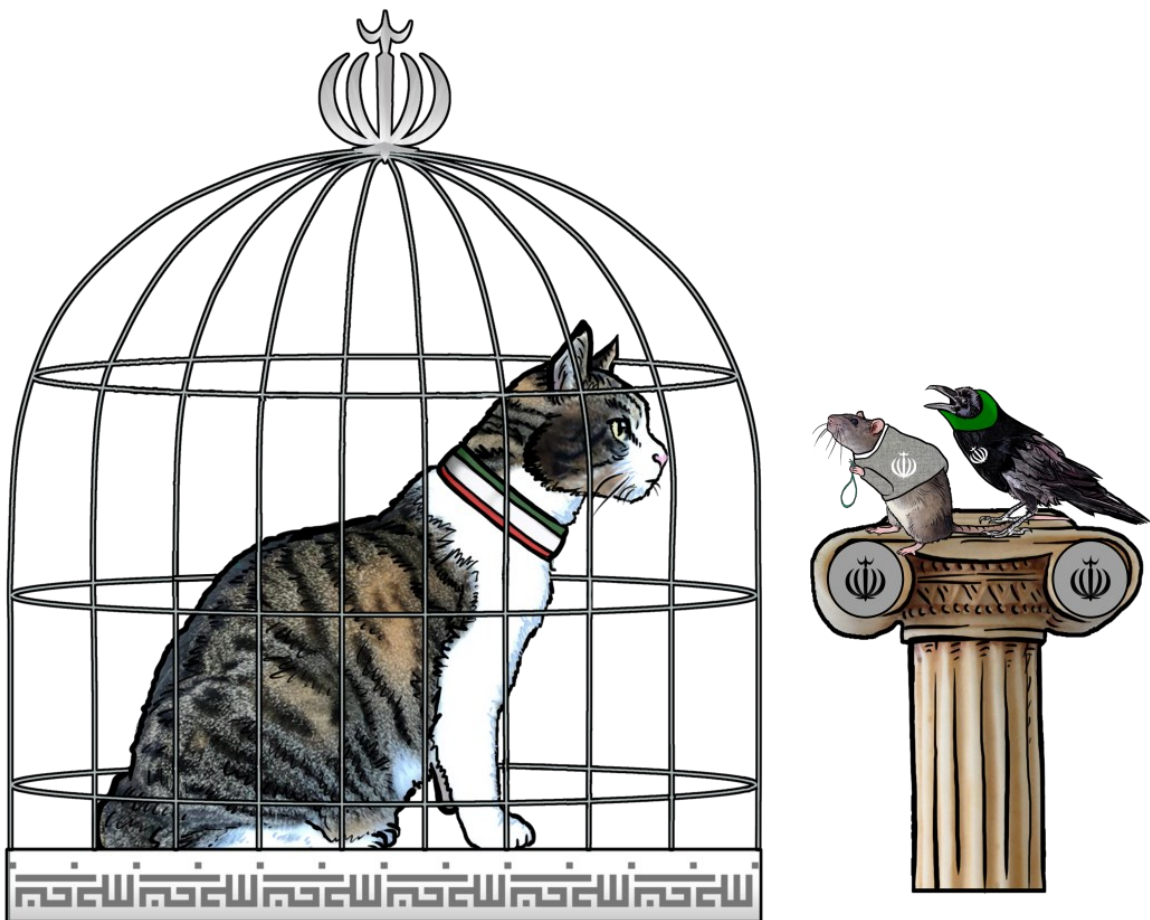
روشن است که یک خردمند، کار او وصل کردن است ۱۳۲۱ اما یک مزدور شکافی، کار او فصل کردن است

پس تو ای شکافی مزدور همیشه این بدان ۱۳۲۲ دیدار ما با تو باشد تو دادگاه کاویان



گُربه یک عشقِ وطنه ۱۳۲۳ ولی موش یک وطن فروش

گُربه ما چه بی صداست ۱۳۲۴ چون که دیوار داره گوشِ موش



هی ما می‌گیم: ما گُربه ایم ۱۳۲۵ می‌گی: به موش بودن بکوش

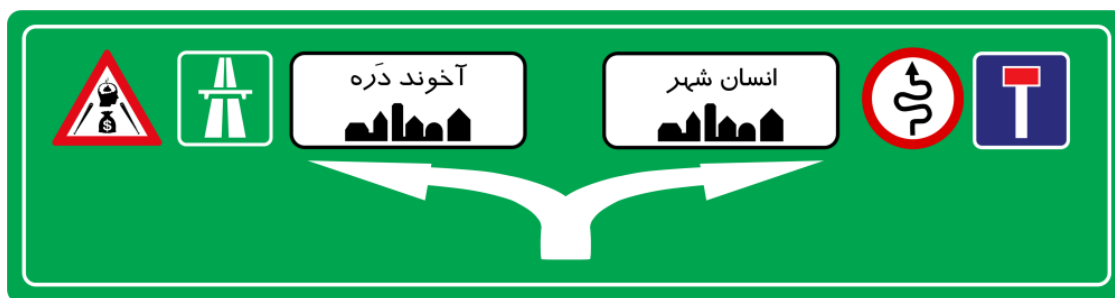
هی می‌گیم: این حیون نره ۱۳۲۶ تو هی می‌گی: شیرشو بدوش

می‌گیم: سپیده رنگِ ماست ۱۳۲۷ می‌گی: فقط سیاه بپوش

می‌گیم که: ما تشنمونه ۱۳۲۸ به ما میدی تو آبِ جوش

میگیم: هزار دست نمیخوایم ۱۳۲۹ مثل سیریش گیر دادی روش

میگیم که: ما شیخ نمیخوایم ۱۳۳۰ میگی: علیهِش نَخْرُوش



فرهنگ ما چه پنهان، جَهْل و ریا به تخت است ۱۳۳۱ آخوند شُدن چه آسان، انسان شُدن چه سخت است

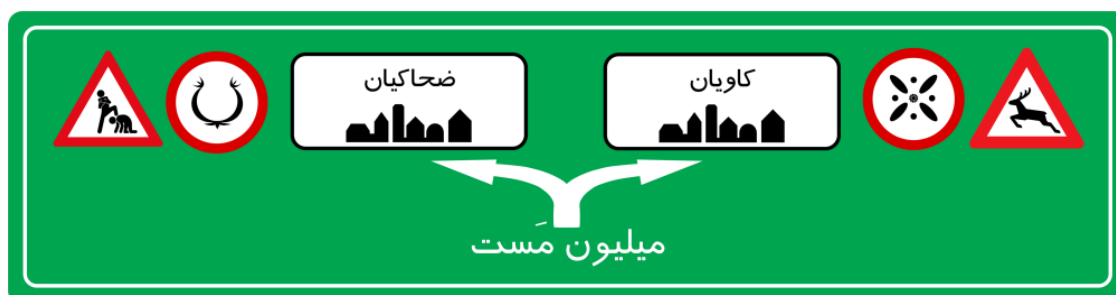
فردانگی و هِمّت، افسانه دیروز است ۱۳۳۲ فَرَد رِنْدی و ذلت، حماسه امروز است

آخوند ۲ چیز تو دست داره: جَهالت و شَرارت ۱۳۳۳ دفاع از آخوند پَس یعنی "اسهال اصول گرایت"

اصلاح طلب، جهالتش بیشتره از شرارت ۱۳۳۴ اصول گرا، شرارتش بیشتره از جهالت

جهالت و شرارت، در فکر و ذکر و بدن ۱۳۳۵ هر ۲ بود سلاح آخوندهای سست و لمپن

اصلاح طلب، اصول گر، تو باشی یک میلیون مست ۱۳۳۶ راهت را انتخاب کن، میهن پرست یا هزار دست؟



شیپیش در گله میش، فاجعه بزرگ است ۱۳۳۷ نژاد سگ و روباه، از خاندان گرگ است

نافردی به هم میهن، کندن چاه به راه است ۱۳۳۸ عاقبت یک چاه کن، همیشه ته چاه است

اصلاحات یا اصولات، توهین به این کشور است ۱۳۳۹ پس هر "اسهال اصول گر"، یا کور، یا کر، یا خر است!

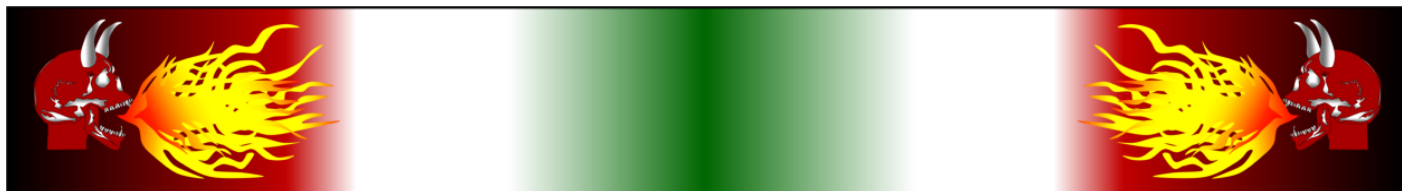
خرافات فروپاشی، دروغ بی حریم است ۱۳۴۰ خواستار کاویان، براندازی این رژیم است!

سقوط ضحاک به دست کاوه، پر شتاب است ۱۳۴۱ ضحاک تو یا کاوه؟ یک ساده انتخاب است!

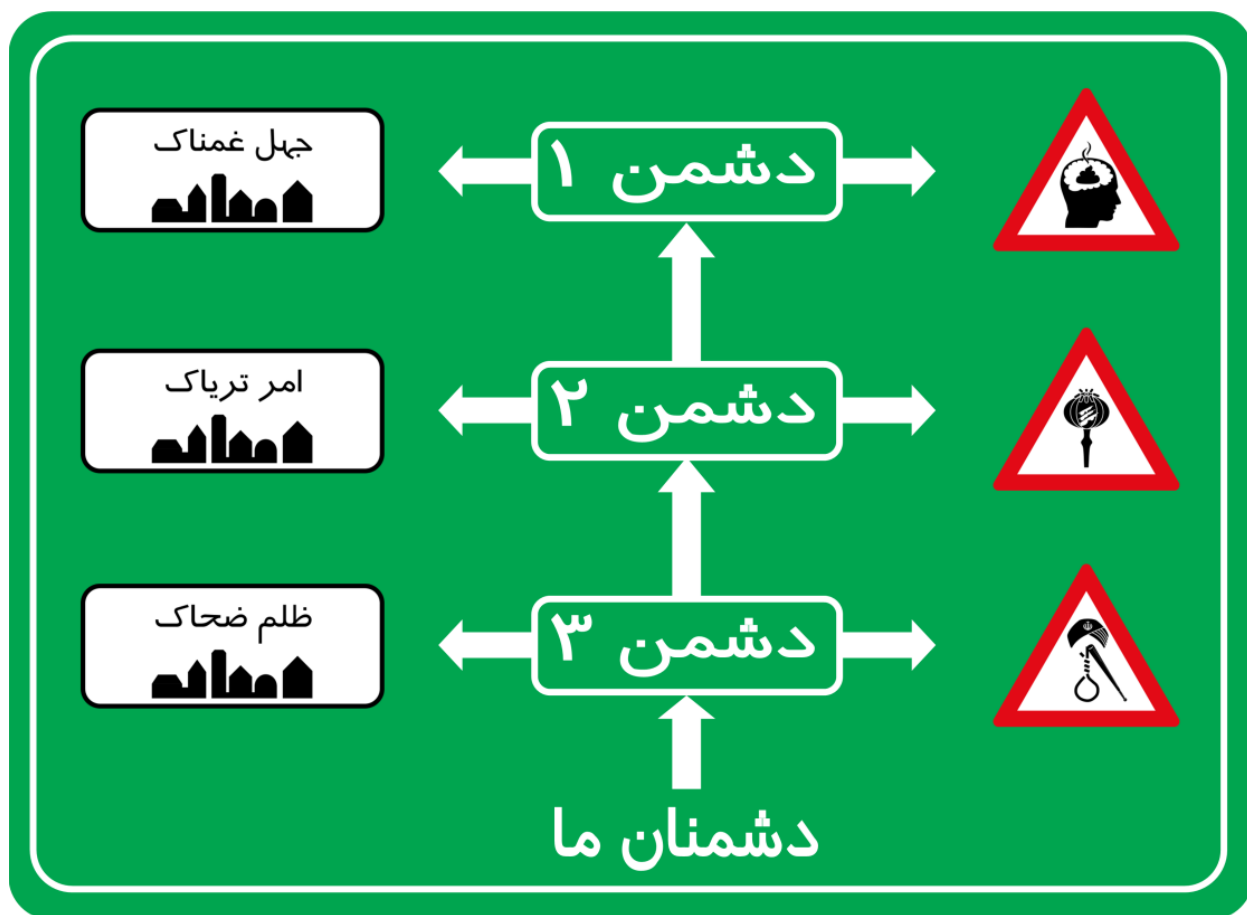
کشورمون تو دست آخوند خر ۱۳۴۲ به خاطر جهل اسهال اصول گر

امر اصول و اصلاح ۱۳۴۳ مردمو کرده گمراه

اصلاح طلب، اصول گرا ۱۳۴۴ جمع کن دیگه کاسه کوزه را



دشمن سوم ما ۱۳۴۵ هست ظلم ضحاک  
 دشمن دوم ما ۱۳۴۶ هست امر تریاک  
 دشمن اول ما ۱۳۴۷ هست جهل غمناک

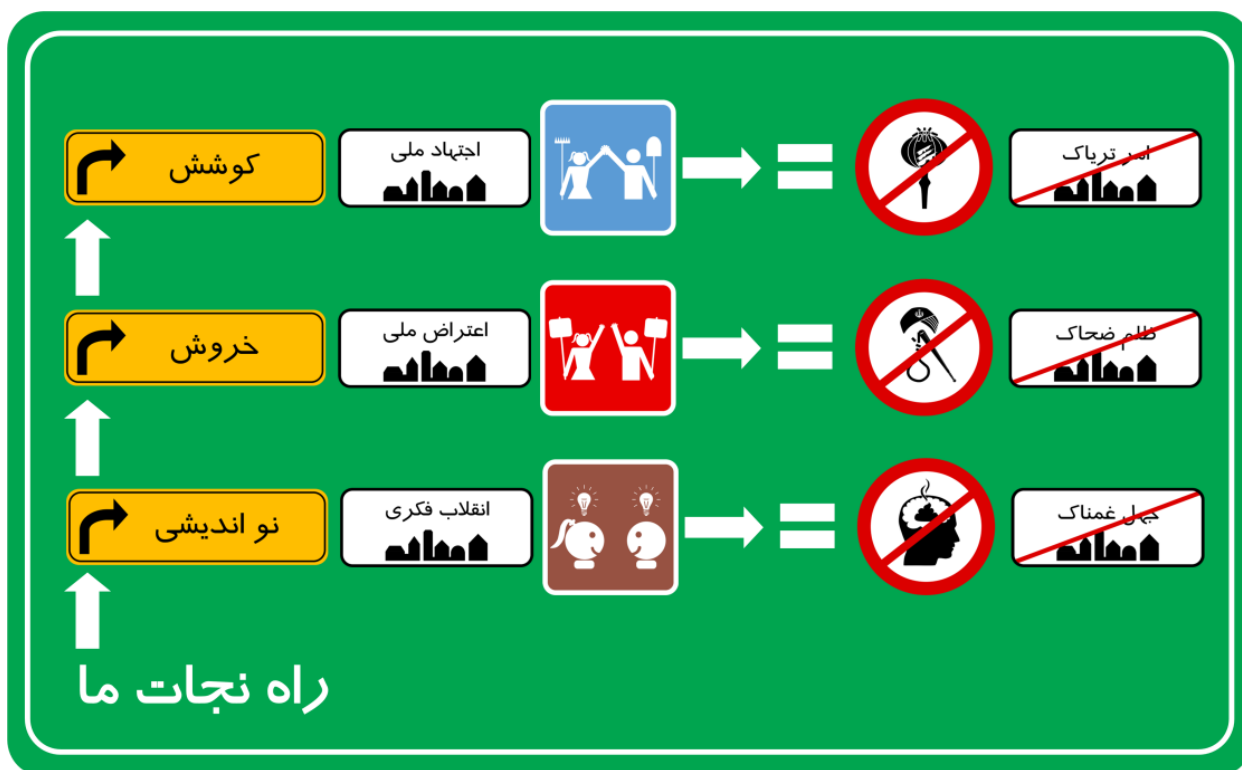




با انقلابِ فکری ۱۳۴۸ میدیم ما این جهل را به باد

با اعتراضِ ملی ۱۳۴۹ میدیم ما آخوند را به باد

با اجتهادِ ملی ۱۳۵۰ میدیم ما تریاک را به باد



نابود باد ۳ ناپاک ۱۳۵۱ آخوند، جهل و تریاک



۲      دشمنِ زبانِ دراز، شیخ و هزاردستان      ۱۹۳

ما که دانیم که تریاک، جهل و آخوند دشمن است ۱۳۵۲ این بدانیم که فقط یکی گروه با سخن است

جهل و تریاک نتوانند دهند پاسخ به سوگ ۱۳۵۳ اما پاسخ گو باید باشند این آخوندهای خوک

دشمنِ گلِ ایران ۱۳۵۴ شیخ و هزاردستان

- وقتی تصمیمگیر کشور شد پیه ملای چاپول ۱۳۵۵    امرِ جهل و ظلم و ذلت همیشه در کشور اصول
- بشنو این داستان، چگونه وقتی رهبر بود شرور ۱۳۵۶    وقتی فکر و ذکر او بر همه بود گشتار و زور
- او چگونه کل یک کشور نشانند در سوگ و غم ۱۳۵۷    ظلم او رخنه به مردم کرد در این چرخِ ستم





- وقتی فکر و سخن رهبر بود ظلم و فساد ۱۳۵۸ ما با این ستم تو رفتار، دهیم آشتی به باد
- اگر این رفتار ما با دنیا تغییر نکند ۱۳۵۹ تاجری نیاد با ایران خود را درگیر بکند
- اگر با کل جهان تجارت کالا نکنیم ۱۳۶۰ ما در ایران نتوانیم تجهیزات ایفا کنیم
- بدون این تجهیزات، تحصیلات هم مشکل همیشه ۱۳۶۱ بدون تحصیل، کار پر بار هم پیشکل همیشه
- اگر پر بار نکنیم کار، نسازیم بودجه و سود ۱۳۶۲ بدون بودجه و سود، بازسازی همیشه چشم کبود
- بدون بازسازی سخته حق شهروندی دادن ۱۳۶۳ حق شهروند که نبود، اراده میره از بدن
- بی اراده، با گشادی، امر کار همیشه کساد ۱۳۶۴ علافی سیستم میسازه، سیستم ظلم و فساد
- وقتی سیستم هست ستم، ستم شود بر ما نماد ۱۳۶۵ با نماد ستم آموزش فقط ظلم و فساد
- در ستم، با رأی میدیم قدرت به این آخوند سرد ۱۳۶۶ ظلم و ذلت از نو، این چرخ ستم میگردد
- 
- حالا دیدی که چگونه ظلم این رهبر غم ۱۳۶۷ ظلم او رخنه به ما کرد در این چرخ ستم؟
- هر بلایی که سر ایران میاد، آغازش اوست ۱۳۶۸ ظلم او طردی بساخت، و کند از هر ایرانی پوست
- کاوه ایرانی، کن رژیم ضحاک را فنا ۱۳۶۹ تا کنیم ما با جهان یک آشتی پاک را بنا





وزیر ایران فروشِ آخوند



- تولد من هم روز با شاه الویسه ۱۳۷۰ من جواد ظریف
- اون شاه "راک اند رول" و من شاه سر کیسه ۱۳۷۱ من جواد ظریف
- اوراچییه نابم، اجناسم هم تمیزه ۱۳۷۲ من جواد ظریف
- من نباشم، گوه آخوند رو کی میلیسه؟ ۱۳۷۲ من جواد ظریف

- ما عمرمون رو با تحریمات گذروندیم ۱۳۷۴ در بیشتر فی مرز و حد رو ترکوندیم
- واسه فلسطین، ایران به تحریم نشوندیم ۱۳۷۵ افتخار میکنیم مثل خر تو گل موندیم
- این کیه دیگه؟ ۱۳۷۶ من جواد ظریف، همه فن حریف

- من ماله کش عظیم "فتح علی" نشان ۱۳۷۷ من جواد ظریف
- ایران رو میفروشیم من به بیگانگان ۱۳۷۸ من جواد ظریف
- هرکی ضد آخوند بگه، باید بمیره ۱۳۷۹ من جواد ظریف
- شاش خامنه ای واسه من ماء الشعیره ۱۳۸۰ من جواد ظریف

- ما هر چی پله، پشت سر خود سوزوندیم ۱۳۸۱ با جنگ و ترور، شعارهای مرگ را خوندیم
- هرکی درست حسابی بود را از خود روندیم ۱۳۸۲ یه ترکمونی زدیم، خودمون توش موندیم
- این خر کیه؟ ۱۳۸۲ من جواد ظریف
- همه فن حریف ۱۳۸۴ ماله من تو کیف
- نفت تو پیت، با قیف ۱۳۸۵ زیر دوش با لیف
- ششپیش نظیف ۱۳۸۶ با خر هم ردیف
- مزدور کتیف ۱۳۸۷ من جواد ظریف



ای تو فتح علی مزدور، ای ایران فروش جواد ۱۳۸۸ از سوی ایران و مردمش به تو ننگ بباد!

حسن روحانی، رئیس جمهور

پیامی به شیخ پرزیدنت، دکتر حجت الاسلام و بعکس، صاحب کلید، حسن الاغ الدوله روغنی



ایران مردم



۲۲۲

ایران مردم





- ایران تُو حَرَج و مَرَجِیَه ۱۳۸۹ رئیس جمهور آبدارچیه
- تَحْرِیم هامون ۱۰۰ پیچیه ۱۳۹۰ رئیس جمهور آبدارچیه
- دنیَا میگه مُشکل چیه ۱۳۹۱ رئیس جمهور آبدارچیه
- اینا میگن: دنیَا کیه؟ ۱۳۹۲ رئیس جمهور یک آبدارچیه
- 
- دو لُپ خوری تَفَنگچیه ۱۳۹۳ رئیس جمهور آبدارچیه
- ما گُشنه ایم، میگن: چیه؟ ۱۳۹۴ رئیس جمهور آبدارچیه
- ثِرَوَتِمون حراجیه ۱۳۹۵ رئیس جمهور آبدارچیه
- مَرَدَم مون لای قیچیه ۱۳۹۶ رئیس جمهور یک آبدارچیه
- 
- نَفوذ ما ملت چی چیه؟ ۱۳۹۷ رئیس جمهور آبدارچیه
- حقوق ما که هیچ چیه ۱۳۹۸ رئیس جمهور آبدارچیه
- نقش یه دولت پس چیه؟ ۱۳۹۹ رئیس جمهور آبدارچیه
- ویروس نا علاجیه ۱۴۰۰ رئیس جمهور یک آبدارچیه
- 
- جمهوری سَر گِیجیه ۱۴۰۱ ولایت گوزپیچیه
- رهبرشون قاچاقچیه ۱۴۰۲ رئیس جمهور یک آبدارچیه



مَش حَسَن ! حساب بکن دیزی رو از هفته پیش ! ۱۴۰۲ دوتا تازه دم بیار، به جای قند با کیشمیش !



- وقتی که رهبر، یه آخوندِ چاپولِ لُمپَنه ۱۴۰۴ نونِ هر چاپلوس، ملیجک یا سیریش تو روغنه
- یه گروه از گوه لیس ها، مَداح های مَخِ خَلَوَتِ اَنَد ۱۴۰۵ که همه مُفَتِ خورهای تیزِ ”طرحِ ولایت“ اَنَد
- کشوری که میلیون ها مُشکلِ نا علاجِ داره ۱۴۰۶ چه جوری به ۶۰ هزار تا مَداحِ احتیاجِ داره؟
- کارشون بُلْبلیِ جَهَلِ هر آخوندِ خَره ۱۴۰۷ مُزِدِ مَداح، از فضاءنوردِ آگاهِ بیشتره
- مُزِدِ ماهانه مَداح، خودش یه داستانه ۱۴۰۸ بیشتر از بودجه سلانه یک دبستانه
- بعضی از مَداحان از هزاردستانِ کثیفِ ترند ۱۴۰۹ در رَهِ گوه لیبسی و چاپلوسی، نوچه پَرورند
- پَس تو ای مَداحِ گوه صدا، همیشه این بدن ۱۴۱۰ دیدارِ ما با تو باشد تو دادگاهِ کاویان !
- حالا هی برای آخوندِ بِرَقصِ آوازِ نَواز ۱۴۱۱ زنجیرِ زندانِ آینده به خود تنگ تر بِساز !
- هرکی بر آخوند بخواند و بَنواخت، مَداح بود ۱۴۱۲ کلاشی بیش نبود، یه خودخواه بود، به فکرِ سود
- سوگ و زار و دُزدی هست درونِ هر مَداحِ بَدَن ۱۴۱۳ دفترِ ”خانه مَداحان“ کُنیم ما حوضِ عَن !





بچه ها، وقتشه که: بریزیم و بپاشیم ۱۴۱۴ برینیم و بشاشیم

ظلم رو کنیم ما باطل ۱۴۱۰ به هشت خان قاتل



تا امروز در ایران



دشمنان ایرج زمین



ضحاک مار دوش تازی



اشور بانپال آشوری



اسکندر مقدونی



سعد ابن ابی وقاص تازی



چنگیز خان تیموجینی



تیمور لنگ گورکانی



صدام حسین بعثی



آخوند ختالی تازی





(اسطوره)  
 سرزمین تازستان  
 تاریخ ۳۰۰۰ پیش از میلاد

## ضحاکِ مار دوشِ تازی

۱ ضحاکِ ماردوشِ تازی دشمن ۱۹۹

این دشمن قاتل، دگر به ایران چشم ندوژد ۱۴۱۶ ضحاکِ ماردوشِ پلید در گورِ خود بسوزد

۲



**آشور بانپال آشوری**

۱	آشور بانپال آشوری دشمن	۲۰۰
---	------------------------	-----

ای دشمن قاتل، ایران دگر غارت نگردهد ۱۴۱۷ آشور خون خوارِ وقیح در گورِ خود بگردهد



سرزمین | مقدونستان  
 تاریخ | ۳۳۰ پیش از میلاد

اسکندر مقدونی

۱	اسکندر مقدونی دشمن	۲۰۱
---	--------------------	-----

ای دشمن قاتل، ایران دگر هیچ وقت نسوزد ۱۴۱۸ بر گور اسکندر ملعونی شتر بگوزد

۴



سَعْدِ ابْنِ أَبِي وَقَاصِ تَازِي

۱	سَعْدِ ابْنِ أَبِي وَقَاصِ تَازِي دَشْمَنِ	۲۰۲
---	--	-----

ای دشمنِ قاتل، ایرانِ دگر جاهل نباشد ۱۴۱۹ بر گورِ سَعْدِ وَقَاصِ حوضِ عَن به پا شد



سرزمین مغولستان  
تاریخ ۱۲۲۰ میلادی

# چنگیز خان تیموجینی

چنگیز خان تیموجینی دشمن ۲۰۳

ای دشمن قاتل، دگر در ایران خون نپاشد ۱۴۲۰ بر گور چنگیز مغول فاضلاب بنا شد

۶



تیمور لنگِ گورکانی

۱	تیمور لنگِ گورکانی دشمن	۲۰۴
---	-------------------------	-----

ای دشمنِ قاتل، ایران دگر جَلاد نَخواهد ۱۴۲۱ بر گورِ تیمورِ لنگِ باید گرفت طَهارت



سرزمین عراقستان  
تاریخ ۱۹۸۰ میلادی

## صدام حسینِ بعثی

۱	صدام حسینِ بعثی دشمن	۲۰۵
---	----------------------	-----

ای دشمنِ قاتل، ایران دگر اشغال نباشد ۱۴۲۲ بر گورِ صدامِ لجنِ اسب و الاغ بشاشد





# آخوند خَلخالی تازی

۱	آخوند خَلخالی دشمن	۲۰۶
---	--------------------	-----

ای مُزدورِ قاتل، ایرانِ دگر کُشتار نَبیند ۱۴۲۳ بَرِ گورِ خَلخالی سَگِ اسهال دارِ بریند



ای میهن، ای ایران ۱۴۲۴ تو ای زمینِ شیران

چه دشمن، چه بیگان ۱۴۲۵ باشند دور از تو ایران

ای میهن، ای ایران ۱۴۲۶ ما مردمِ نگهبان

چه دشمن، چه بیگان ۱۴۲۷ کنیم همشون رو پشیمان

بابا آب داد ۱۴۲۸ مامان نان داد

آخوند خورد و ۱۴۲۹ جوان جان داد

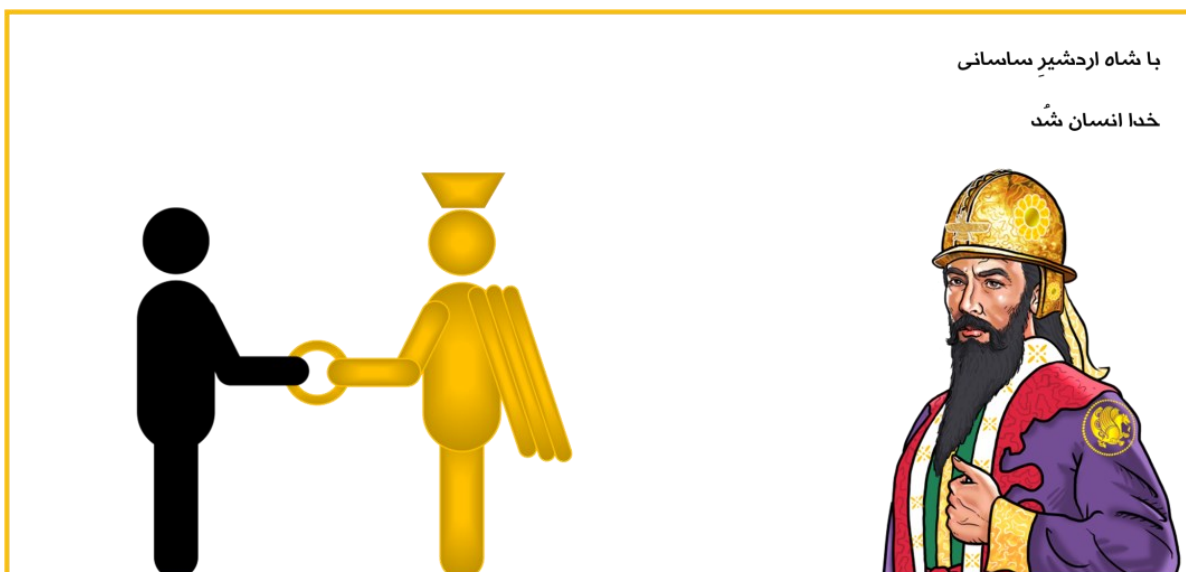
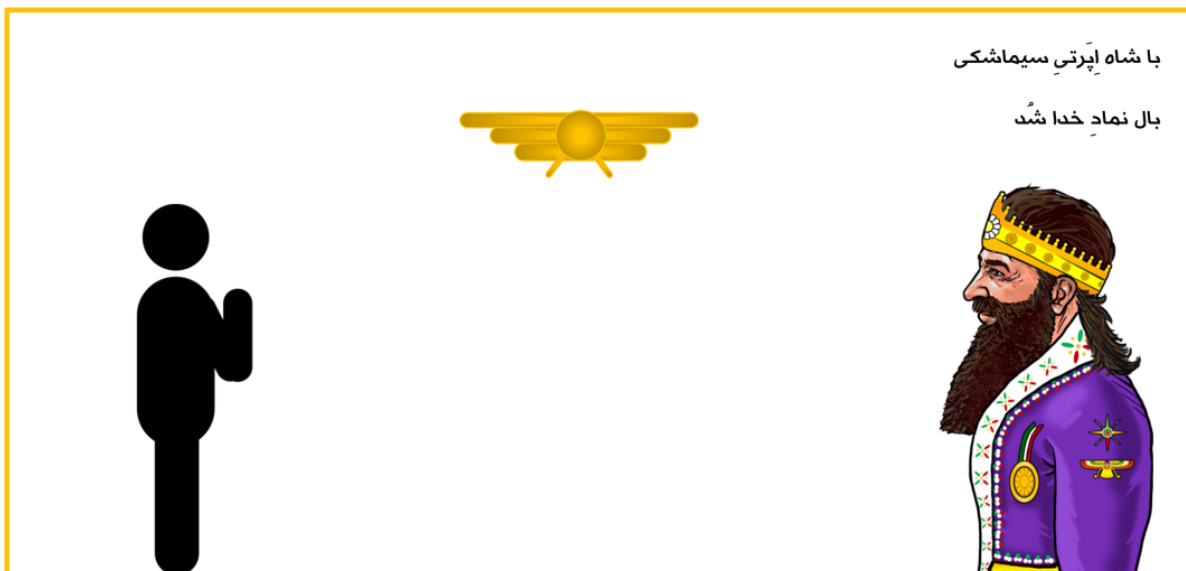
به نام سرافراز ایران زمین و بر مردمش باد خرد و آفرین

بابا آب داد

مامان نان داد

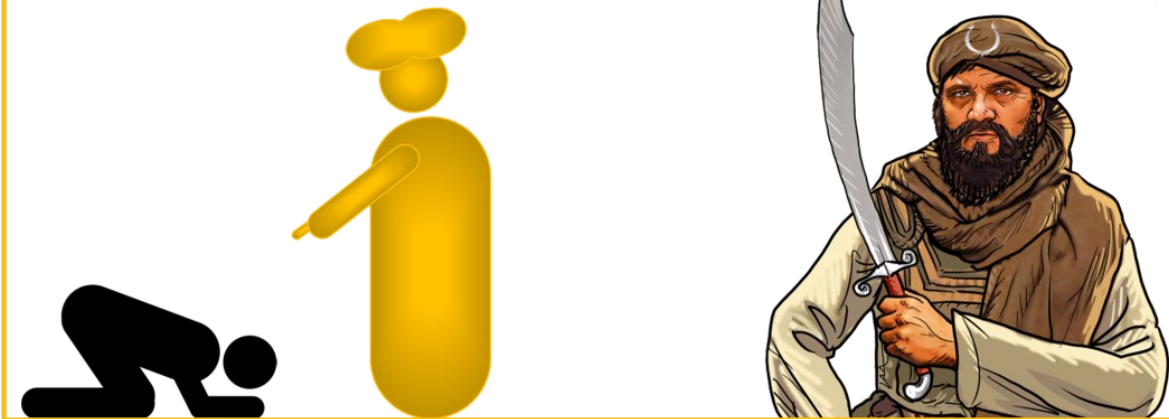
آخوند خورد و

جوان جان داد



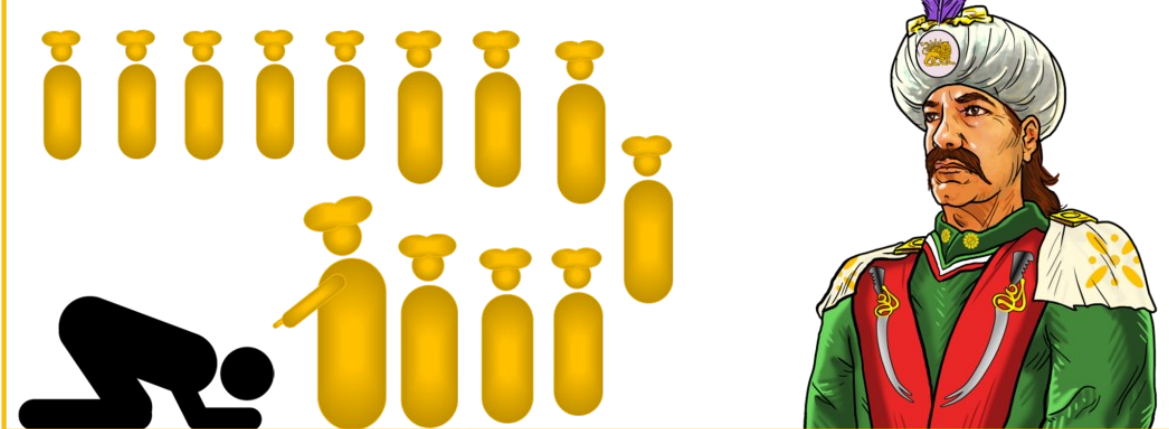
با سعدِ وقاصِ تازی

انسان خدا شد



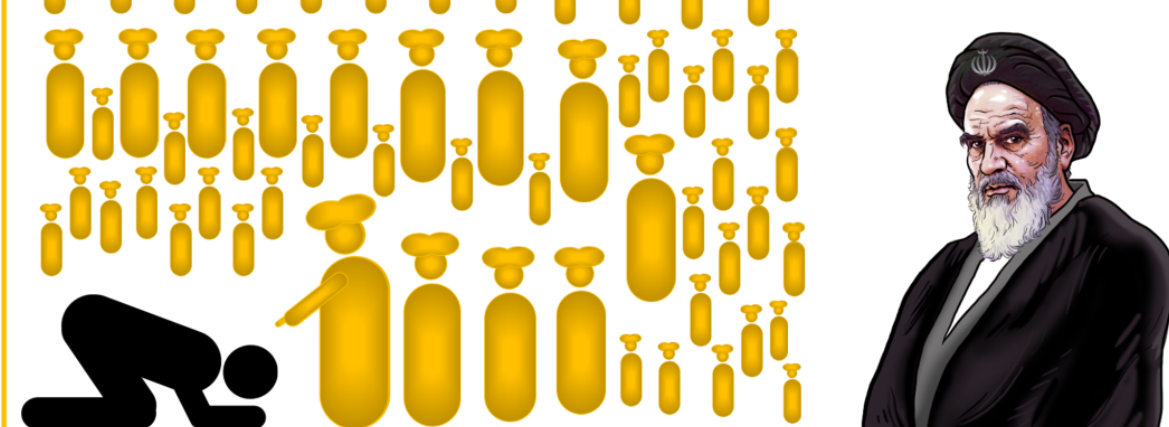
با شاه اسماعیل صفوی

انسان زاده خدا شد



با آخوند خمینی تازی

زاده انسان زاده هم خدا شد



تو کجایی، که باید بت های امروزی شکست

آن خدایی که درون کعبه بت ها می شکست

- ۱۴۳۰ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید ازدها ضحاک، جمشید کُشت و بر قدرت رسید
- ۱۴۳۱ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید شاه داریوش، بردیا بکُشت و بر قدرت رسید
- ۱۴۳۲ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید ارتش اسکندری، چه زود به پایتخت رسید
- ۱۴۳۳ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید رژیم سلوکی، فرهنگ ما زیر پا کوبید
- ۱۴۳۴ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید رژیم اشکانی شد به دست ساسانی فقید
- ۱۴۳۵ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید تازیان به باد دادند، هر چه ساسانی داشت امید
- ۱۴۳۶ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید رژیم خوارزم، مقابل مغول، بد جوری رید
- ۱۴۳۷ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید رژیم صفو، به ما فرو کرد یک دین جدید
- ۱۴۳۸ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید نهضت مشروطیت، شد با ریا، بس نا امید
- ۱۴۳۹ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید با سقوط پهلوی، مردم به جان ظلم را خرید
- ۱۴۴۰ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید روی دیوارِ سفارت، یک سری میمون جهید
- ۱۴۴۱ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید جلوی صدامِ موش ۸ سال به ما جنگ را خرید
- ۱۴۴۲ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید بس شدند رزمندگان ما، یا جانباز یا شهید
- ۱۴۴۳ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید بچه ها رو مین فرستاد، با ریا ”جنت کلید“
- ۱۴۴۴ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید هر چه آزاد فکر بود، یا مُرد یا از ایران پُرید
- ۱۴۴۵ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید بمبِ ناصر خسروی تهران، گرفت از من حمید
- ۱۴۴۶ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید هرکی از ایرانیت کرد او دفاع، شد ناپدید
- ۱۴۴۷ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید حق بانوان ما، پاشیده شد رویش اسید
- ۱۴۴۸ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید برای ”امت“ بجنگید، ”ملتش“ تحریم چشید
- ۱۴۴۹ این عمل با تبّه آخوند روزگارو دید رژیم آخوندی کرد هر دیکتاتور را، رو سفید

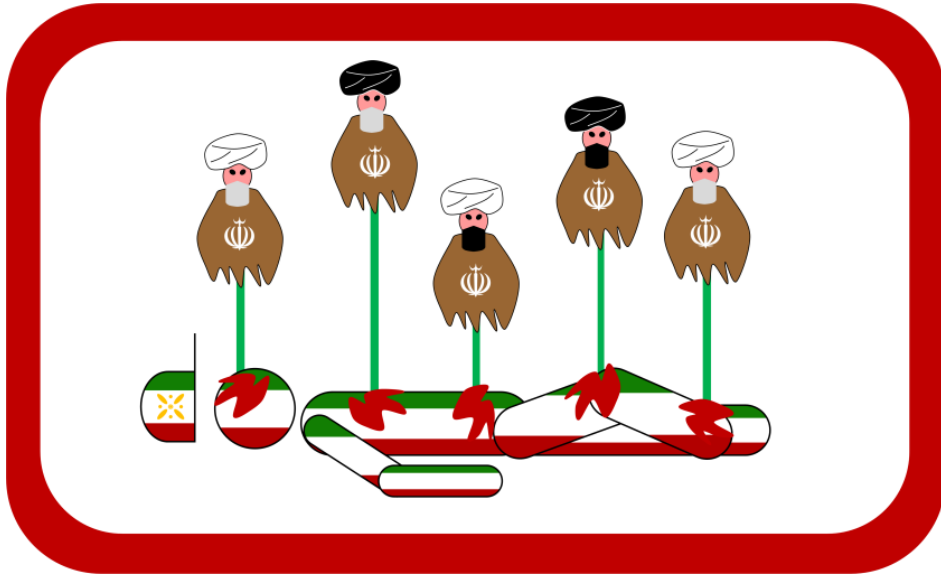




پس بدان آخوندیت همیشه حق ما بُرید ۱۴۰۰ هیچ گاه آخوندیت نبود بهر ایران مفید

هیچ گاه آخوندیت به ما خرد نیافرید ۱۴۰۱ مرگ بر آخوندیت، ننگ بر آخوند پلید





از خونِ جوانانِ وطن مَلا دَمیده ۱۴۰۲ آخوندِ چاپول ۴۰ ساله مُفت خورده، نَریده



آخوندهای مُنحرف: آخوند گیلانی، آخوند خُمینی و آخوند جَنّتی

آخوند فقط دَرَد و بلاست ۱۴۰۲ افکارِ تازِش بَرَمَلاست

آخوند چولِ ما زَد به رَگ ۱۴۰۴ تاز توله کَرده مثلِ سَگ

آخوند همه از قومِ تاز ۱۴۰۰ دین کاذب و باطل نماز

آخوند همه از قومِ تاز ۱۴۰۶ مُنحرف های بچه باز





- ۱۴۵۷ سینما رکس ۴۰۰ و رأی من کو ۱۰۰ تا  
 ۱۴۵۸ کشتار سال ۶۷، سه هزار و ۵۰۰ تا  
 ۱۴۵۹ ترور اویسی، فرخزاد، و شاپور  
 ۱۴۶۰ قتل های زنجیره ای یا دانشمندان  
 ۱۴۶۱ بمب در آرژانتین، اسرائیل و سعودی  
 ۱۴۶۲ با غرقِ رفسنجانی، دهان به او دوخت  
 ۱۴۶۳ ۶۰۰ هزار ایرانی در جنگ شد آشو لاش  
 ۱۴۶۴ هوایم یاسوج، یا که اوکراین  
 ۱۴۶۵ تو مسجدِ میکی زاهدان کشتار  
 ۱۴۶۶ حرمِ امام رضا (ع) بگرد آخوند بمب گذار  
 ۱۴۶۷ سانچی، کنارک، سدِ گتوند نمکدان  
 ۱۴۶۸ یه ماسک و ژل داری؟ کمک ای داروخانه!  
 نه نداریم. به جاش داریم وصیت نامه!

کی بود، کی بود؟ من نبودم ۱۴۶۹ کی بُرد، کی گشت؟ من نبودم

کی سوخت، کی مُرد؟ من نبودم ۱۴۷۰ کی پُخت، کی خورد؟ من نبودم

من نبودم دستم بود ۱۴۷۱ تقصیرِ آستینم بود

آخوند بی سود، زیرِ عمامش کود ۱۴۷۲ آخوند بی سود، به چشم ما دود



مُنْتَظری، بهشتی، دین به قانون نوشتی ۱۴۷۳ بین چه جا گذاشتی. عجب بهشتِ زشتی

جنایت، قتلِ عام، نابودی، نافرَدی ۱۴۷۴ خَلْخالی، ری شهری، شاهرودی، لاجوردی

اژه ای، کرباسچی، قالیباف، لاریجانی ۱۴۷۵ دزدهای مالِ مردم، با اختلاس کلّانی

رئیس، پور محمدی، نیری، اشراقی ۱۴۷۶ سادیست های آدم کُشِ تجاوزگرِ یاغی

زنگنه، چیت چیان، نامجو و بیطرف ۱۴۷۷ دشمنِ طبیعت، و هر ۴ بیشرَف

طائب و فاتح و یا سعیدی، میر کاظمی ۱۴۷۸ جوری مریض کردند تو را، حالا دوا لازمی

عباسی، رائفی پور، مصباح یزدی، رهبر ۱۴۷۹ ۴ تا الاغِ حَراف، با مغزِ مثلِ عَنتر

قائنی، حاجی زاده، سلامی و پاکپور ۱۴۸۰ ۴ تا خالی بَنَد سپاهِ ماست دارانِ کور

روحانی، رضایی، گیلانی و جنّتی ۱۴۸۱ فرزندکُشانِ حَشّری به قدرتِ اُمّتی

رهبر که شد جاهل علی خامنه ای قاطر ۱۴۸۲ تقسیمِ همیشه ثروتِ بینِ چاپول، آخوند و قاتل



اینا همه محصولات یک نفر است ۱۴۸۳ خمینی آخوند مرگ و جنگ پرست

این قاتلان از خاندان سعد و قاص ۱۴۸۴ این تازیان هستند سر و ته یک کرباس



ننگ بر هزار دست ۱۴۸۵ جلا و آخوند پرست

ننگ بر هزار دست ۱۴۸۶ یه نوکر بت پرست

تو رگهاشون خون سرد ۱۴۸۷ هزار دستان نافرد

کلامی از سید کاوه خدمتکار ۱۴۸۸ پیامیست به سید ضحاک تبه کار



سید آموزگار خدمتکار

و

سید خامنه ای تبهکار



- ۱۴۸۹ ناصادق به دین پناه اهل وحشت دین کاذب بشکند، جدم محمد (ص)
- ۱۴۹۰ شیخ ظالم، تو که خود را "سید" نام بردی پس غلط کردی که حق ایرانیان خوردی
- ۱۴۹۱ توی فاسد فقط سرکوب کنی مردمان سوء استفاده کردی از دین و امامان
- ۱۴۹۲ ساختی تو از نام علی (ع) و حسین (ع) گردان برای سرکوب کردن مردم ایران؟
- ۱۴۹۳ امام علی (ع) سرکوب نکرد گشنه بیوه زن اما حسین (ع) سرکوب نکرد ۷۲ تن
- ۱۴۹۴ تو یک شمر زلجوشن ابن ملجمی تو یک شاشوی بزدل، و ضد عجمی
- ۱۴۹۵ اگر جدم علی (ع) حالا به ایران میامد او بر سرت خراب میکرد، این ظلم ولایت
- ۱۴۹۶ سید آن است که خدمتگر مردم باشد نه بشیند سر منبر، یک توهم باشد
- ۱۴۹۷ سید خدمتگر است کاظمینی بروجردی اما تو این سیدو یک عمر زندان کردی
- ۱۴۹۸ ای تو که گویی که ۷ کشور، امامت به تو راست پس چرا رنجی و سختیش همه از بهر ماست؟

- ۱۴۹۹ تو که حتی نتونی یه تخم مرغ نیمرو کنی؟ تو میخوای از کل ایران حفظ آبرو کنی؟
- ۱۵۰۰ کل ایران زیر فرمانت به روی سر به نیست خون بر جامعه منتخبت باید گریست!
- ۱۵۰۱ تو نباشی سیدی، تویی یه مزدور لجن با دین کاذبت استعمار کردی تو وطن
- ۱۵۰۲ دین تو پر از ریا، دروغ، خرافات و نفاق کردی مردم منجر از هرچه دینه، ای الاغ

مطهری ✓	مرصاد ✓	راشجو ✓
طاهانی ✓	خمینی ✓	منتقدین "محمود پلم" ✓
رجایی ✓	منظری ✓	رفیجانی ✓
باهنر ✓	برقعی ✓	ساختمان پلاسکو ✓
بهشتی ✓	احمد نریان ✓	ثقلت و املت ✓
بمدب ناصر خسرو ✓	زنجیره ای ✓	اشرار ✓
انواع و اقسام از قایق، قطار، هواپیما، خوردی / ناخوردی / خورد به خوردی بیخوردی		

- ۱۵۰۳ کشتی تو هر کی که دوست بود، که بود مطنون به تو این بدان هزاردستان همه تشنه اند به خون تو
- ۱۵۰۴ اگه حتی بمیری، به گور بری با تخت و تاج بکنند با قتل عام، ایل و تبارت تاراج
- ۱۵۰۵ یادت هست صدام، چگونه رفت تپید تو یک چاله؟ گردنش به دار شکست، بشد لگد چون تاپاله؟
- ۱۵۰۶ یادت هست فدایی را، تپید تو لوله فاضلاب؟ چه جوری با چاقو تیکه تیکه شد، چون شپش کباب؟
- ۱۵۰۷ پس بدان آینده خاندان تو سر در گم است و بدان تنها ناجی تو، ایران مردم است!
- ۱۵۰۸ کل ایران به تو دارند حس کین، شرم و غضب پند این سید بدان چون یک "رزق لا یحتسب"
- ۱۵۰۹ تو که یک عمر در آن خانه بکردی زندگی اگر هم محکوم بشی، داری تو حصر خانگی
- ۱۵۱۰ پس به تو فرقی نباشد در ره زندگیت ولی تو دهی نجات، هزاردستان در جمعیت
- ۱۵۱۱ گر دهی آزادی رای، کنی نامت خرد نام آزادی دهنده شاید در تاریخ رود
- ۱۵۱۲ این بدان با امر تو، گذار شود بی آزار حق زیست و دادگری شود در ایران برقرار
- ۱۵۱۳ به تو این پیشنهاد دگر نیاد در روزگار تا تنور داغه بچسبون، بشنو از آموزگار
- ۱۵۱۴ خود و خویشان بده پس نجات، با حق انتخاب! ندی حق رای، بیوفتی در دماوند مذاپ!



شمشير بي غلاف آخوند

- وقتی در یک جامعه، هر ارزشی عوض بشد ۱۵۱۵ آن زمان هر عوضی جانور، ارزشمند بشد
- وقتی که راز ترقی شد گوه لیبسی آخوند ۱۵۱۶ تو رسی به قدرت، ابراهیم رئیسی آخوند
- تو که تجربت تو گشتار و شکنجه عالیه ۱۵۱۷ تو که کارنامه ات از هر انسانیت خالیه
- هر جا رفتی، آنجا از تو لکه خون باقیه ۱۵۱۸ جالب است که تو میشی رئیس قوه قضائیه
- چون یه میش گله که شد سپرده به درنده گرگ ۱۵۱۹ انگاری مرغداری بسپارند به روباه بزرگ
- تا زمانی که ایران تو چنگ یک لعنتیه ۱۵۲۰ موی سر، ایمان و عطسه، همه چیز امنیتییه
- کردی تو زندانی و اعدام، هر گونه نفر ۱۵۲۱ سیاسی، دو تابعیتی، محیط زیستی، کارگر
- هر تجاوز توی زندان شد، بود بر یال تو ۱۵۲۲ کردی تو زندان بروجردی، پس وای به حال تو!
- از بر مرصاد کردی زندانی تیکه پاره ۱۵۲۳ واسه تو، آخوند خر، کیک و کف فرقی نداره
- نام تو با اون ۳ جلد، تو گروه مرگ باره ۱۵۲۴ از بر شماست که گور خاوران لاله زاره!
- ما برای نجات هزار دست گفتیم: حوض عن ۱۵۲۵ ولی با کارنامه ات، مردم فرا تر هم میرن
- چون گرفتی از هزاران ایرانی، خون را زرگ ۱۵۲۶ کاویان گوشتت بپاشند جلوی گربه و سگ
- پس بدان، آینده "هیئت مرگ" سر در گم است ۱۵۲۷ و بدان تنها ناجی تو ایران مردم است!
- از بر نجات تو، باشد فقط یک راه کار ۱۵۲۸ بشنو این پند ز سید دیداد آموزگار
- حکم آزادی هر بیگناه، تنها راه توست ۱۵۲۹ جایشان باید کنی پر، زندان از آخوند سست
- هر که را با جرم "امنیت" به زندان کرده ای ۱۵۳۰ اگر آزاد کنی، در آینده بازنده ای
- تو باید تو هر زندان کنی په "نوروز پاکسازی" ۱۵۳۱ جاش بکن زندانی اختلاس گر و کلاش قاضی
- وقتی این رژیم میره، زندانها باید پر باشه ۱۵۳۲ پر از هزار دست و آخوند سپاه مفت خور باشه
- این چنین توبه خود به مردم را کنی ثبات ۱۵۳۳ این چنین تو جان خود و خویشان را دهی نجات
- اگر این کار کنی، حوض عن نیست یک انتخاب ۱۵۳۴ آن زمان بشی تو محکوم، تو دادگاه انقلاب



قرن ۱۴ برای هر چی آخونده نحسه ۱۵۳۵ با انتشار بیماری، دینه که زیر بحثه



قرن ۱۴ کلیم، فساد که در دین کرد رشد ۱۵۳۶ طاعون ژستین به آخوند کلیمی هر امید گشت

قرن ۱۴ مسیح، مرگ سیاه شد آزاد ۱۵۳۷ این بیماری دکان هر مسیح آخوند به باد داد

حالا تو قرن ۱۴ اسلامی این کرونا ۱۵۳۸ ترکمون زد به هر دعا، شفا، آخوند و ملا

نحسی قرن ۱۴ یک شانسی پیش اندیشه ۱۵۳۹ بیا با هم نابود کنیم آخوندیت ز ریشه





- هر دو ویروس ماهِ بهمن واردِ ایران شدند ۱۰۴۰ هر دو در قَم باعثِ شیوعِ این ویران شدند
- هر دو با الکل مخالف و از آن هراس دارند ۱۰۴۱ هر دو به نظام های کُمنیست عشقِ خاص دارند
- هر دو کُشتند مردمان، ویران کردندِ کشوری ۱۰۴۲ آخوند همه را بگُشت؛ کرونا کردِ غربال گری
- ویروسِ کرونا کردِ خدمت به حیوان و سیریش ۱۰۴۳ ویروسِ آخوند بکرد به ایرانیت بد کار زشت
- از برِ رأی به نظام، آخوند کرونا حاشا کرد ۱۰۴۴ در جواب کرونا هم جهلِ آخوند را افشا کرد
- از برِ درکِ کرونا، فرد به آگاهی رسید ۱۰۴۵ از برِ درکِ آخوند، الاغ رفت و حرمو لیسید
- کرونا مقام ندید، هر کی بخواست بُرد زیر تیغ ۱۰۴۶ اما آخوند بی نوا انداخت تو باتلاق عمیق
- در زمانِ ظلمشان فردانگی شد ناپدید ۱۰۴۷ کرونا چندی تازید، آخوند ۴۰ سال به ما رید

### وَبَا، طَاعُونَ، كَرُونَا ۱۰۴۸ عَبَا، آخُونَد و مُلَا



- شیوعِ کرونا بود یک امتحان به هر نظام ۱۰۴۹ فدرال، جمهوری، رید به هر رئیس جمهور کلام
- هر که داشت پادشاه پارلمانی، خُجسته شد ۱۰۵۰ یک کلام، نخواست وزیر، تمام کشور بسته شد
- اگر هم کسی ز این تصمیم، به دل داشت هر درنگ ۱۰۵۱ با کلام شاه فرهنگی، بنشد کشور، په رنگ
- پس بدان با دیکتاتور و با آخوند و جمهوری ۱۰۵۲ تو به تصمیم بد و مرگ و مریضی مجبوری

ای کاوه نَگهبان؛ ای ایرانی این بدان ۱۰۰۳ خونِ یک ایرانی نیست در رَگِ ضحاکیان  
جانِ یک ایرانی نیست مُهم در اَهدافشان ۱۰۰۴ "اُمّت" برایشون مُهمه، نه یک "مِلّت" ایران

تبعیض شده کُردستان؛ فقیر سیستان بلوچستان ۱۰۰۵ غارت کردند خوزستان؛ حراج گذاشتند گلستان

تن فروشی در خراسان؛ بیمار کردند لرستان ۱۰۰۶ فروختند گیلماز و کُنداب پارس را به پوچستان

با انتشار کُرونا هر استان شد گورستان ۱۰۰۷ تو کشورهای اُمّتی میسازند بیمارستان

خدمت کنند ضحاکیان به اُمّت های بیگان ۱۰۰۸ صُور انقلابِ نَحس با پولِ مردمِ ایران

آخوند با این پَرونده؛ در ایران آینده ۱۰۰۹ بزرگترین بَرنده؛ هست اون که آزادمنده

آخوند با این پَرونده؛ در ایران آینده ۱۰۶۰ بزرگترین بازنده؛ هست این دینِ کُشنده

یک دخترِ معلولِ روستاییِ دینِ اقلیت ۱۰۶۱ بزرگترین بَرنده در ایرانِ مردمی بود

یک مردِ شیخِ ظالمِ خودخواهِ دینِ اکثریت ۱۰۶۲ بزرگترین بازنده در ایرانِ مردمی بود

نه شمشیر، نه چکمه، نه جَهَل و سُستی از قَم ۱۰۶۳ مردم برای ایران، ایران برای مردم

دُشمن ما نه شرقیه، نه غربیه، نه اونجاست ۱۰۶۴ دُشمن ما جمهوری اسلامیِ همینجاست

دُشمن ما جمهوریِ ضحاکِ همینجاست ۱۰۶۵ دُشمن ما جمهوریِ توخالیِ همینجاست

دُشمن ما نه شرقیه، نه غربیه، نه اونجاست ۱۰۶۶ دُشمن ما جمهوریِ آخوندیِ همینجاست



آخوند نوگرِ ماست ۱۰۶۷ ایران کشورِ ماست

بخش ۵: خروش

(گامِ اعتراضِ ملی)



در ۱۵۵ شعر و ۲۳۳ بیت

این قانون اساسی جمهوری اسلامی ۱۵۶۸ یک منشور بردگیه برای ایران و ایرانی

اصل چهار قانون، ششم را خنثی میکنه ۱۵۶۹ قانون عصر حَجری، آخوند را رسوا میکنه

با اصل ۴، قدرت تام به دست شیخ مار دوش ۱۵۷۰ یعنی دیگه بقیه قانون ها رو بشاش توش

هم تبعیض حقیقی، هم تبعیض حقوقی ۱۵۷۱ عدالت در این قانون، هست یک امر دروغی

آخوند میگه رای بدید، چون که ثوابه ۱۵۷۲ الاغ این انتخاب که نیست، این انتصابه

رای به انتصاب میده نیرو به این خر ۱۵۷۳ رای یعنی همین خر و همین ستمگر



رای به نظام جذام هست یک خیانت ۱۵۷۴ بایکوت رای به نظام، نشان قدرت

در دام آخوند نیفت، هر چه او کرد سعی ۱۵۷۵ بگو: آخوند خر خودتی. رای بی رای!



ای به نامِ تو ایران کهن زمین ۱۵۷۶ از برِ مَرَدَمَتِ خِرَد و آفرین

حامیِ خاکِ تو مَرَدَمَانِ توست ۱۵۷۷ دشمنِ خاکِ تو، شیخِ جِلَف و سُسْت

ای تو ایرانیِ خواستارِ حق ۱۵۷۸ کُن با ایرانِ مَرَدَم، تو شیخو لَق

سلاحِ من پندار ۱۵۷۹ سلاحِ تو کردار

سلاحِ من گیتار ۱۵۸۰ سلاحِ تو شعار

ای ایران قیام ۱۵۸۱ رژیمو کُن تمام!

ای ایران قیام ۱۵۸۲ برین به این نظام!

ای تو ایرانیِ خورده بر زمین ۱۵۸۳ از جا برخیز و اینجوری سُسْت نَشین!

مُلا دزدیده کوه، خاک و جنگلان ۱۵۸۴ جان و مالِ ماست به دستِ این اَنگَلان

ای تو ایرانیِ خواستارِ حق ۱۵۸۵ کُن با ایرانِ مَرَدَم، ریا دو شَق

سلاحِ من مَداد ۱۵۸۶ سلاحِ تو صِدات

سلاحِ من سَخَن ۱۵۸۷ سلاحِ تو وطن

ای ایران قیام ۱۵۸۸ تو بِشکن این نظام!

ای ایران قیام ۱۵۸۹ برین به این عِمَام!



فقط با بِشکَنیت ۱۰۹۰ رها شَوَد این مِلت

باش تو بِشکنِ ناب ۱۰۹۱ بیدار کُن ایران از خواب

باش کاوَه خود جوش ۱۰۹۲ ضِدِ ضحاکِ مار دوش



در جَمعِ بِشکنِ دوستان ۱۰۹۳ چینِ بخوان این داستان:

بشکن، جَهلو میشکنم ۱۰۹۴ بشکن، ظَلمو میشکنم

بشکن، دستِ دُشمنه ۱۰۹۵ بشکن، آخوند لُمپنه

بشکن، بشکن نازنین ۱۰۹۶ بشکن، بشکن آفرین

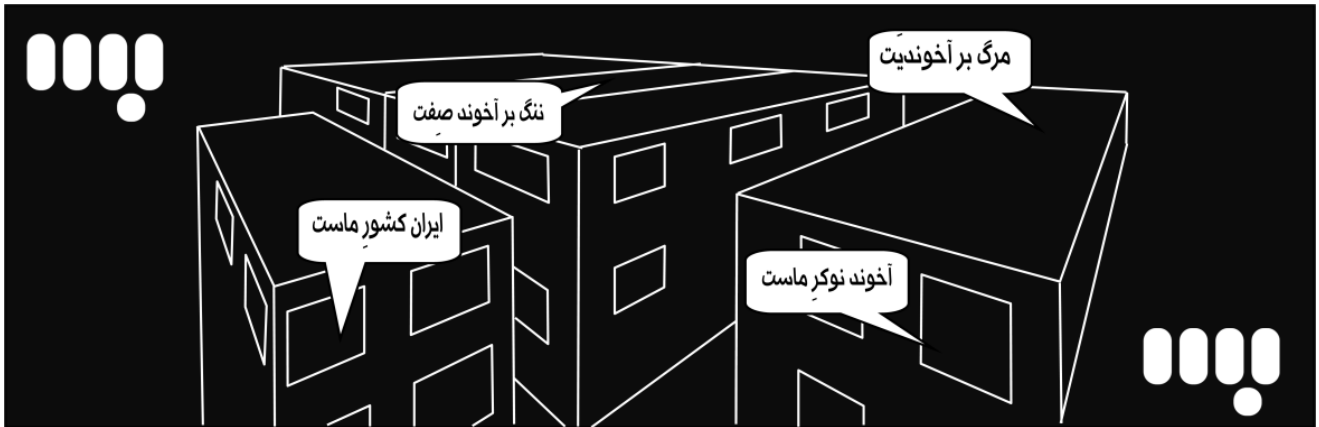
- اولین راه مبارزه با این ضحاکِ مار ۱۵۹۷ باشد از ایرانِ مردم هر شعاعِ دیوارِ نگار
- نیک شعاعِ روی دیوار "آب و نونِ گندم" است ۱۵۹۸ خطِ زیرِ آن چنین "ایران برای مردم" است
- شعر ۱۰ پند، بخششِ ملی و یا ۲۰ خواستار ۱۵۹۹ شعرِ ظلم و جهلِ ضحاکیان کُن دیوارِ نگار
- توی مسجد، استادیوم، مترو و مدرسه ها ۱۶۰۰ بنویس شعاع به دیوار، یا روی تخته سیاه



- هر شعاع از این کتاب، ضدِ آخوندِ نوکر است ۱۶۰۱ روی دیوار بنویس "شیخ آیت الله خر است"
- ۴ بیضی، ۵ گردی هست درفشِ کاویان ۱۶۰۲ ۴ بیضی با یه گردی هست یه مُشتِ بِشکنان
- تو بکش مُشت به دیوار، چون نمادِ بِشکنی ۱۶۰۳ تو بکش درفش به دیوار، ضدِ هر آهریمنی
- چون نمادِ دادگری روی دیوار بکش تراز ۱۶۰۴ بِشکن این ضحاک و این هزارستان از قوم تاز
- بنویس "بشکن" بکن دعوت تو هر بِشکن به کار ۱۶۰۵ کُن تو آشنا کلِ ایران با ایرانِ مردم شعاع



- جلوی آخوندِ تازِ بِشکنِ باشی یعنی بلا ۱۶۰۶ باش تو بِشکن با شُعَارِ شَبِّ بگن آخوند فَنّا
- یکی از امن ترین راهِ گَلیه از نظام ۱۶۰۷ هست سرودِ شَبِّ شُعَار، از پنجره یا روی بام
- با سه چهار دوستِ مَحَل برای شبِ قرارِ بِنار ۱۶۰۸ سَرِ سَاعَتِ بگنید شما شروع به شبِ شُعَار
- بگنید پاسکاری فریاد با این شُعَارِ راست ۱۶۰۹ که "آخوند نوکرِ ماست، ایران کشورِ ماست"



- هر شُعَار از این کتاب، ضِدِ رژیمِ ظالم است ۱۶۱۰ بده دلخواه تو شُعَار، آنچه تو دانی لازم است
- وقتی مردمِ بِشَنوند هر شامگاه، این نیکِ ندا ۱۶۱۱ کُلِ ایران خیلی زود در شبِ شُعَار شَنَد هم صدا
- آن زمان شُعَارمان رَسَد گوشِ ضحاکِ مار ۱۶۱۲ آن زمان آخوندیان باشند فقط فکرِ فرار
- ترس از کاوه کَنَد رژیمِ ظلم را بی قَرار ۱۶۱۳ خوابِ ضحاکیان را کابوسِ کُن با شبِ شُعَار

- کلافه کُن هر چی هزار دسته، بدونِ کَلام ۱۶۱۴ بوقِ بَزَنِ مَقَابِلِ اداره های نظام
- یه بوقِ مُمَتَدِ جلوی نظامِ جَهَلِ درسته ۱۶۱۵ با بوقِ برو رو اعصابِ هر چی آخوندِ سُسْتَه





- در اتوبوس و مترو، تو چه مرد باشی چه زن ۱۶۱۶ دورِ وَر نگاه بکن، شروع بکن بِشکن بزن
- بِشکن شاد تو را دیگر بِشکنان می‌شنوند ۱۶۱۷ آنها هم شروع کرده، مثل تو بِشکن می‌زنند
- این چنین دانی چه چندی چون تو باشند بِشکنان ۱۶۱۸ آن زمان باشی تو بینِ بِشکنان در نیک آمان
- هر چه بِشکن بیش باشه، به سودِ ایران وِطنه ۱۶۱۹ تو با بِشکنان بخوانید شعرِ بِشکن بِشکنه
- گر کلاغی یا الاغی کرد گله به کارتان ۱۶۲۰ از بر آن جاهلان عدلِ مُساوه را بخوان



- "زورنگو، کتک نزن، ما بِشکنیم، تو یک کلاغ" ۱۶۲۱ تو با این گونه شعار ببند دهان به هر الاغ
- تو بکن هر بردهٔ آمر به معروف را حقیر ۱۶۲۲ از بر سزا به هر ایرانی باش بِشکن وزیر



# بشکن !

بشکن بشکنه .....

- بشکن بشکنه ۱۶۲۲ بشکن
- وقتِ بشکنه ۱۶۲۴ بشکن
- ظلمو بشکنم؟ ۱۶۲۵ بشکن
- جهلو بشکنم؟ ۱۶۲۶ بشکن
- این علی تاپاله ۱۶۲۷ بشکن
- آخوند زباله ۱۶۲۸ بشکن
- فکرِ جنگ و خشم ۱۶۲۹ بشکن
- عشق ریش و پشم ۱۶۳۰ بشکن
- دوستاش سیریشَن ۱۶۳۱ بشکن
- همه شون شیپیشَن ۱۶۳۲ بشکن
- ما را کردن ذلیل ۱۶۳۳ بشکن
- آخه دین شد دلیل؟ ۱۶۳۴ بشکن
- همگی دشمنن ۱۶۳۵ بشکن
- فکرِ کشتنن ۱۶۳۶ بشکن
- آخوندِ گامیش ۱۶۳۷ بشکن
- با ۱۰۰۰ شیپیش ۱۶۳۸ بشکن
- رهبر نوکره ۱۶۳۹ بشکن
- ضحاکِ خره ۱۶۴۰ بشکن



- دلالِ خُرافِ ۱۶۴۱ بِشکَن
- ماهِرِ تُوّی لافِ ۱۶۴۲ بِشکَن
- سِرِّ اَمّتِ وِ نَفْتِ ۱۶۴۳ بِشکَن
- دودِ چِشَمِ ما رِفتِ ۱۶۴۴ بِشکَن
- صدا درِ بِياریِ ۱۶۴۵ بِشکَن
- مِیْشِی با تومِ کاریِ ۱۶۴۶ بِشکَن
- همه وِیلا دارَنِ ۱۶۴۷ بِشکَن
- پولو از ما دارَنِ ۱۶۴۸ بِشکَن
- هاپیِرِ مالِ دارَنِ ۱۶۴۹ بِشکَن
- مُفْتِ اَموالِ دارَنِ ۱۶۵۰ بِشکَن
- با یِکو تِشِ بَگَنِ ۱۶۵۱ بِشکَن
- ناکو تِشِ بَگَنِ ۱۶۵۲ بِشکَن
- دیوارِ بِنوِیْسِ ۱۶۵۳ بِشکَن
- شِبِ شُعا رِ تِیزِ ۱۶۵۴ بِشکَن
- جِلو مَلِکِ رِژِیمِ ۱۶۵۵ بِشکَن
- بوقِ بَزِنِ بَرِیمِ ۱۶۵۶ بِشکَن
- تُفِ رو رِهْبَرِیتِ ۱۶۵۷ بِشکَن
- اَخوندِ خَرِیتِ ۱۶۵۸ بِشکَن
- راهِ ما فِقطِ ۱۶۵۹ بِشکَن
- هستِ مِقاومتِ ۱۶۶۰ بِشکَن
- بِشکَن تازِیانِ ۱۶۶۱ بِشکَن
- باشِ تو کاویانِ ۱۶۶۲ بِشکَن

- آب و نون به دست ۱۶۶۲ بِشکن
- روزنامه که هست ۱۶۶۴ بِشکن
- چوب نَخور، نَمیر ۱۶۶۵ بِشکن
- باتوم ارزش بگیر ۱۶۶۶ بِشکن
- اگه چند نَفَرَن ۱۶۶۷ بِشکن
- ما ۱۰ نَفَریم ۱۶۶۸ بِشکن
- اگه ۱۰ نَفَرَن ۱۶۶۹ بِشکن
- ما ۱۰۰ نَفَریم ۱۶۷۰ بِشکن
- اگه ۱۰۰ نَفَرَن ۱۶۷۱ بِشکن
- ما یک کشوریم ۱۶۷۲ بِشکن
- ما ها بِشکنیم ۱۶۷۳ بِشکن
- ما ها نوبَریم ۱۶۷۴ بِشکن
- ما به اونا سَریم ۱۶۷۵ بِشکن
- آخر میَبَریم ۱۶۷۶ بِشکن
- ایران آزاد میشه ۱۶۷۷ بِشکن
- برای همیشه ۱۶۷۸ بِشکن
- هر چه در قُمه ۱۶۷۹ بِشکن
- مالِ مَردمه ۱۶۸۰ بِشکن
- نونِ گَندمه ۱۶۸۱ بِشکن
- ایران مَردمه ۱۶۸۲ بِشکن





- با الاغ سلفی بگیر، پُرس: ”چرا عَموت علی ۱۶۸۳ انقدری بُزْدِلِه تقصیر می‌ده دستِ دیگری؟“
- به الاغ بگو: ”عَموت علی کرده مَردمو گیج ۱۶۸۴ اگه بهش بگی پره، بهت میدم یونجه، هویج
- تو رو اون گوشِ درازت، حرفِ ما را گوش بکن ۱۶۸۵ ایرانو آزاد ز دستِ عموی ماردوش بکن“
- صورتِ الاغ ببوس، بگو که: ”ما دوستت داریم ۱۶۸۶ اما از عَموت الاغ خامنه ای ما بیزاریم!“

هر جا با زمین نگار، پرچمی توهین شد بهش ۱۶۸۷ روی اون، چنگال جمهوری اسلامی بکش



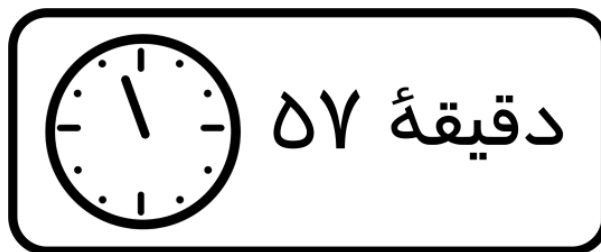
مادر گیتی نژاید در جهان چون دیگو ۱۶۸۸ مارادونا او بگفت با قدرت فوتبال نو

که: ”با فرهنگ سلاح، بکن سلاح ظلم حقیر ۱۶۸۹ تا بشی برنده قلب یک ملت دلیر“

بهترین راه سقوط این نظام با چالش است ۱۶۹۰ اعتراضات با شعار در هر میدان ورزش است  
 تو با دیگر بشکنان رسوا کنی این تازی قوم ۱۶۹۱ با شعارهای ضد رژیم تو هر استادیوم



رهبر فرسودگان، در بسته به روی زنان ۱۶۹۲ کرده نیم ایرانو ممنوع ورود در بیش مکان  
 اما تو ای مرد ورزش دوست، همیشه این بدان ۱۶۹۳ جو ورزشگاه چه خوبه وقتی زن هست همزمان  
 این رژیم ننگ می‌گه: در به زنان ما بسته ایم ۱۶۹۴ با شعار نشان بده: ما به زنان وابسته ایم  
 با شعار نشان بده: ما به زنان دل بسته ایم ۱۶۹۵ با شعار نشان بده: از شیخ جاهل خسته ایم  
 روسری جیبیت بذار، استادیوم با خود ببر ۱۶۹۶ دقیقه ۵۷ روسری را بذار به سر



صورت مرد با روسری، همچون بادمجانه ۱۶۹۷ خود این امر باعث خنده ما بشکنانه  
 سوت ممتد بزنی، یک دقیقه چون اعتراض ۱۶۹۸ که در استادیوم روی زنان باید شه باز  
 اعتراض بشکنان رسد گوش ضحاک مار ۱۶۹۹ بکنید پاسکاری در استادیوم، این نوع شعار:



ورزشِ ما عالیهِ ۱۷۰۰ جای زنا خالیه  
استادیوم بدون زن ۱۷۰۱ نه خواستِ تو، نه خواستِ من

۲۳۶

ایران به سبکِ ایسلندی

۲

تو که تشویق ایسلندی را به خوبی میشناسی ۱۷۰۲ دست زدی "هو هو" نگو، "هو هو" بگی بی کلاسی

جای "هو هو" گفتنِ وایکینگ، بنام میهنِ مان ۱۷۰۳ اولش یک "ای" بگو، دو دست بزَن بعد بگو "ران"

~~هو... هو نه!~~ ای... ران!

۲۳۷

علی کریمی یا علی خامنه ای؟

۲



ایرانِ مردمِ بودِ ایرانِ سالم و قوی ۱۷۰۴ علی شیریه ای نخواستیم؛ ما میخواستیم یه شیر علی

شیر علی؛ شیر علی؛ علی کریمی شیر علی ۱۷۰۵ شیریه ای؛ شیریه ای؛ خامنه ای یه شیریه ای

ایران مردم



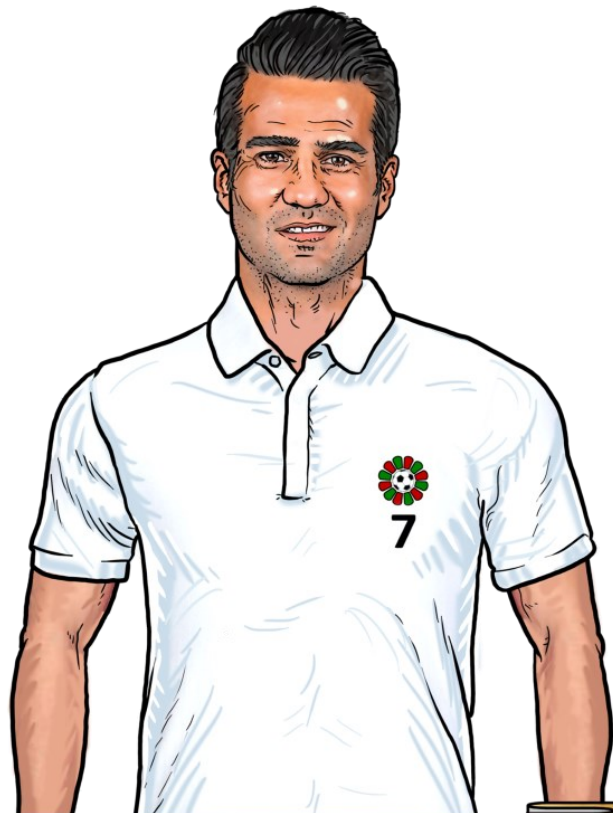
۲۶۵

ایران مردم





وَرِیَا، وَرِیَا، بُتِ شِکَنِ اِیرانِیا ۱۷۰۶ یه ملی مَرَدِ بی رِیا، روزِ آخوند کَرده سیاه  
 وَرِیَا، وَرِیَا، دَمِتِ گَرَمِ که گیر دادِیا ۱۷۰۷ دُشْمَنِ اِینِ ضِحاکیا، حامی کُلِ کاویا  
 وَرِیَا، وَرِیَا، قَلبِ تو همچون کیمیا ۱۷۰۸ مَغزِ آخوند عَلفِ گیاه، آخوند بُرو، سَحَرِ بیا



وَرِیَا غَفُورِی

و

مسعود شجاعی



شجاعی، شجاعی، تو مَرَدِ پا طلائی ۱۷۰۹ تو فرهنگشیرِ مایی، یوزِ دَلیرِ مایی  
 شجاعی، شجاعی، به آخوند زدی لایی ۱۷۱۰ با اَمَرِ دادگرایِی، واسه آخوند بَلایی  
 شجاعی، شجاعی، با مَرَدِ هم صدایی ۱۷۱۱ مَرِسی به فِکَرِ مایی، یک اِیران، یک شجاعی

- قومِ تاز ۴۰ سال و بیش، تحریمِ تو حَلَقِمون بَکَرَد ۱۷۱۲ دزدیِ ضحاکیان، چاقو تو قَلَبِمون بَکَرَد
- هر چی مال و پاساژه، دستِ هزار دستانه ۱۷۱۳ مردمو دوشیدن از گاوِ هزار پستانه
- توئی ملک و ورزش و هر جا که بوی پول میاد ۱۷۱۴ دستِ یک هزاردسته، به خاطرِ ”مَعنویات“
- تو نَخورِ گولِ مغازه نوِ ضحاکیان ۱۷۱۵ واسه پول نَرُو تو تَیمِ دَشَمِنِ ایرانیان
- تنها با تحریمِ شون، کاسبی شون کِساد میشه ۱۷۱۶ تنها با کِسادیشون، ایرانمون آزاد میشه
- گر چه سخت است، باید نابود کنیم این نوع سَهام ۱۷۱۷ ما باید بایکوت کنیم هر چه که هست دستِ نظام
- جیبِ آخوندها رو پُر کردن، واسَتِ صَرفِ نداره ۱۷۱۸ خرید از کوچکی مغازه محل حرف نداره
- پیش از هر گونه خرید، یا هر گونه حمایتی ۱۷۱۹ مَطْمَن شو که پولت نِمیره جیبِ لعنتی



حرفِ ما یک کلام ۱۷۲۰ بایکوتِ این ننگِ نظام

ما که دانیم راهِ آشتی در گُذاز، همتایی است ۱۷۲۱ ما باید تبدیل کنیم میلیون مَست به میهن پرست

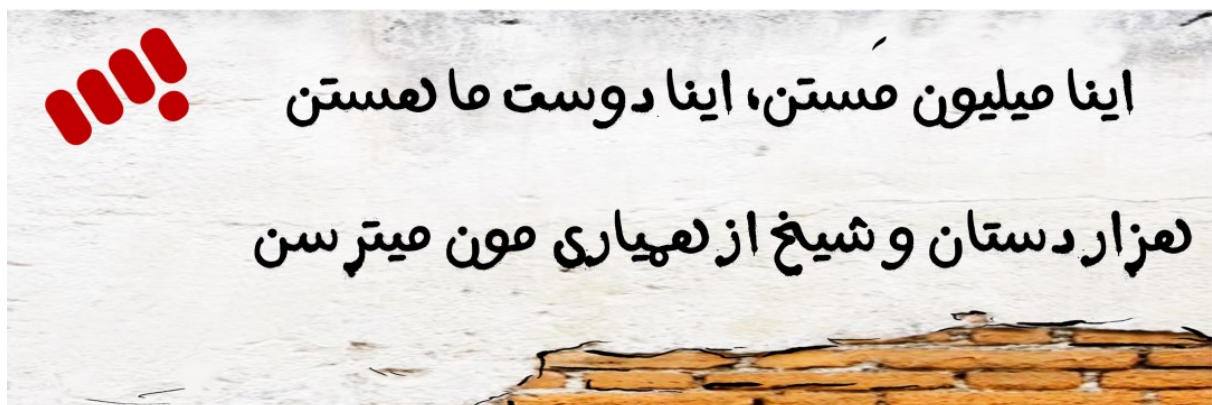
ما با این کار بسازیم دوستی با اعتماد ۱۷۲۲ وقتِ اعتراضِ نو، با هم دهیم نظام به باد



عصر پنجشنبه بکن آشتی نازنین به پا ۱۷۲۳ تو بگیر سلفی با نیرو انتظامی و سپاه  
 تو برایشون گل ببر، نوشابه و نون خامه ای ۱۷۲۴ بگو: ما هموطنیم، نه مثل تاز خامنه ای  
 تو بگو دوستت داریم، نظامی را بکن بغل ۱۷۲۵ بگو: ما هموطنیم، نه مثل آخوند دغل



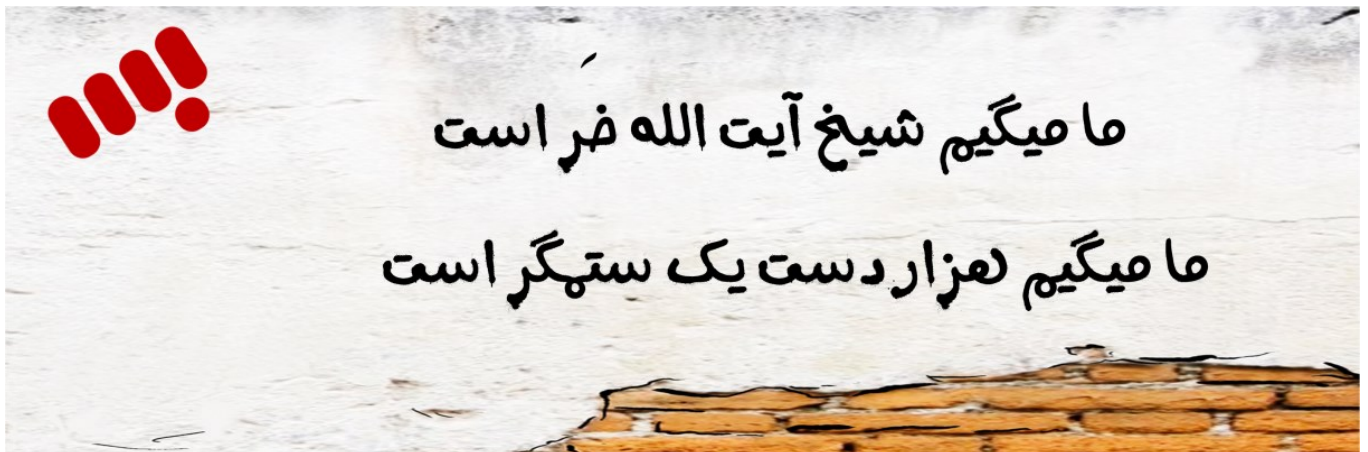
بهشون بگو که بخشش ملی مال شماست ۱۷۲۶ آگه با ما بشوید همراه، رژیم ظلم فناست  
 شاخه گل توی لوله تفنگشون بذار ۱۷۲۷ بگو با آشتیمان کنیم ما از ضحاک گذار  
 عکسی از گل تو تفنگ بگیر، چون آشتی قبوله ۱۷۲۸ با یک هشتک "گل تو لوله، به جای گلوله"



- ما به تو گل میدهم، گلوله را غلاف بکن ۱۷۲۹ ما به تو صلح میدهم، پرهیز از خلاف بکن
- ما تو رو دوست میداریم، چون که تو هم از مایی ۱۷۳۰ خودت هم زجر میکشی، به مشکلات آگاهی
- تو خودت خوب میدونی کشورمون تو ذلته ۱۷۳۱ چماقو بذار کنار، میدونی که حق با ملتته
- نفتمون به غارت و زندگیمون مصیبتته ۱۷۳۲ پس بیا با هم بگیریم، پوشناز حق ملتته
- خودتو از ما بدان، و همیار مردم شو ۱۷۳۳ با ما باش، نشون بده: شیخ آیت الله گمشو!
- گمشو، گمشو برو، شیخ آیت الله گمشو ۱۷۳۴ همه هم صدا میگیریم: شیخ آیت الله گمشو!



- ما میگیریم شیخ آیت الله خراست ۱۷۳۵ ما میگیریم عاقبتش در به در است
- ما میگیریم هزار دست یک ستمگر است ۱۷۳۶ قاتل و قاچاقچی بی هنر است
- میدونیم میلیون مست کارگر است ۱۷۳۷ بازیچه هزار دست بهره بر است
- ما میگیریم میلیون مست برادر است ۱۷۳۸ همیاریش با مردم وحدت آور است



ما می‌گیم امر به معروف، عَرَّ عَرَّ است ۱۷۳۹ ما می‌گیم عدلِ مُساوِه سِپَر است

ما می‌گیم بَخْشِشِ ملی بهتر است ۱۷۴۰ ما می‌گیم آدابِ یانته داور است



ما می‌گیم حقوقِ ما برابر است ۱۷۴۱ اما این رئیس جمهورِ پِه نوکر است

ما می‌گیم رژیمِ عَصِرِ حَجَر است ۱۷۴۲ میدونیم مردم به این رژیم سَر است

ما می‌گیم که این رژیم شرم آور است ۱۷۴۳ ما می‌گیم ایرانِ مردم باور است

پس بگو: شیخ آیت الله خَر است ۱۷۴۴ و بدان حکومتش در به در است

### درخواستِ همدلی و حمایت از سویِ میلیون مَستان

۲۴۴

ارتش، سپاه پاسداران ۱۷۴۵ با کاوه باش، با کاوه باش

در راه این هم میهنان ۱۷۴۶ ضحاکو بشون سَر جاش

سپاهی، بسیجی، شیخ رو بکش به گجی ۱۷۴۷ بکن دفاع از مردم، آب و نونِ گندم

نیروی انتظامی، تو هم ضدِ نظامی ۱۷۴۸ بکن دفاع از مردم، آب و نونِ گندم

نیروی انتظامی، حمایت، حمایت ۱۷۴۹ بیا من و تو بکنیم این کشورو هدایت

نیروی انتظامی، تو کاوه فدا کار ۱۷۵۰ ضحاکیون مار دوش، یک فرقه تبه کار

میهن پرست، میلیون مَست ۱۷۵۱ وقتِ همبستگی است

قیام به ضدِ شیخ و ۱۷۵۲ هزار دستِ خود پرست





- شنبه روزِ تَعَهْد است؛ بیدار شو از خواب چون خروس ۱۷۵۲ دستِ موقعیت های این هفته نو را ببوس
- چون نشانِ تَعَهْد؛ ما پاکسازی را باور کنیم ۱۷۵۴ ۱۰ تا آشغال از زمین را ما جمع آور می‌کنیم
- آگه هر ایرانی، هر شنبه کند این کارِ ناب ۱۷۵۵ در ره سِرشت و ایرانیت او کرده نواب
- وقتی ۱۰ کاغذ، پلاستیک یا فلز را جمع کنیم ۱۷۵۶ در پیه روز ۸۰۰ میلیون آشغال از ایران کم کنیم
- روزِ یکشنبه روزِ راستگوی و صداقت است ۱۷۵۷ تو بران دورغ؛ که این روز ترکِ بد عادت است
- رُک و راست؛ حرفِ دلو روزِ یکشنبه تو بگو ۱۷۵۸ اما با مرام تو باش؛ پُشتِ کسی یاوه نگو
- هر دوشنبه را بکن روزِ کمک به دیگران ۱۷۵۹ تو بکن یک کارِ عادل، و کلک از خود بران
- گر که در کوچه محل، قولِ کمک تو داده ای ۱۷۶۰ هر دوشنبه با کمک نشان ده ایران زاده ای
- هر سه شنبه روزِ احترام؛ نشانِ ارزش است ۱۷۶۱ روزِ خوشخوینی و به هم میهنان نیک بینش است
- تو با احترام بکن بازارِ هر نفاقِ کِسَاد ۱۷۶۲ با درود و آفرین بکن دور و ورت را شاد
- چهارشنبه روزِ انتخابِ آزادِ من است ۱۷۶۳ حقِ انتخابِ آزاد؛ ز کودک تا زن است
- تو برای انتخاب؛ چهارشنبه کن کارِ مفید ۱۷۶۴ زن و مرد فرق نداره؛ چهارشنبه را بکن سفید
- پنجشنبه روزِ آشتی؛ بخشش و خوشنودی است ۱۷۶۵ روزِ کوشش در روابط با دگر بهبودی است
- هر جا هستی؛ پلیس و بسیج نظامی را بجوی ۱۷۶۶ گل بده؛ بغل بکن؛ ”خسته نباشی“ تو بگوی
- روزِ آدینه شوی شاید تو دیر بیدار ز خواب ۱۷۶۷ روزِ آدینه بود روزِ گلِ ده پندِ ناب
- حقِ زیست؛ بخشش؛ نصیحت؛ کمک؛ الهام؛ احترام ۱۷۶۸ با صداقت؛ انتخاب؛ امیدواری؛ تَعَهْد به گام
- آدینه روزِ تکالیف؛ با روانِ راحت ۱۷۶۹ یک دقیقه وقت کُشی پیشِ آخوند؛ پس غلطه
- سیمج نادان رُود راهِ سقوط در پرتگاه ۱۷۷۰ باش تو بشکن؛ با خرد فتح بکن تو کوه شاه
- گر تو بشکن باشی؛ هر نفاق از ایران دور شود ۱۷۷۱ پس بکن هفت روز هفته؛ کارِ نیک؛ کارِ خرد



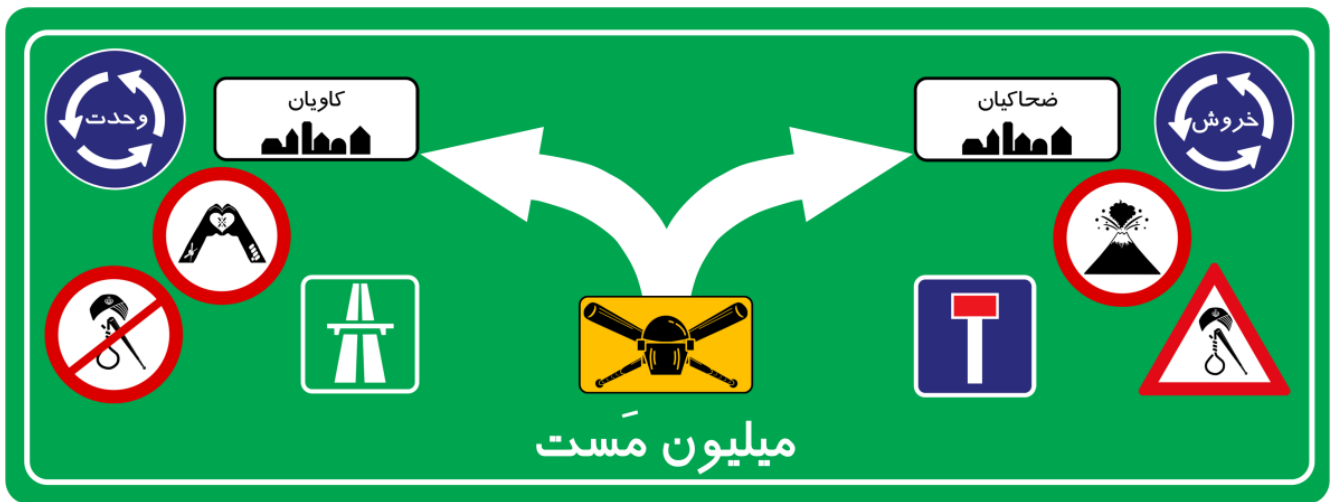


مسیح علی نژاد، شیر زن کاویانی



تو برای انتخاب، چهارشنبه کن کار سفید  
زن و مرد فرق نداره، چهارشنبه را بکن سفید

- گر که ما چندین هفته، مِهَرِ بِشکن را گُنیم ۱۷۷۲ با میلیون مَست دوست شُدِه، و ما شَویم رها ز بیم
- گر که مَستان، با ما هَمتا شُدند چون کاویان ۱۷۷۳ آن زمان هیچ نیازی نیست برای طُغیان
- آن زمان دستگیریِ ضحاک، چون آبِ خوردن است ۱۷۷۴ و به زندان کردنِ هزار دستانِ کودن است
- آن زمان نیازی نیست با اعتراض جلو بَریم ۱۷۷۵ مُستقیم به قسمتِ انتخابِ ملی میریم
- اما گر مَستان بمانند نوچهٔ ضحاکیان ۱۷۷۶ چارهٔ ما آن زمان است طُغیانِ کاویان



چون اگر به مَست جواب نداد راهِ گُفتارِشی ۱۷۷۷ ما گُنیم مجبور مَستان با راهِ فرسایشی



گر که مستان رد به ما کردند آشتی خواهشی ۱۷۷۸ ما کنیم آغاز اعتراضات فرسایشی

ما باید مجبور کنیم میلیون مست به اضافه کار ۱۷۷۹ مُزدشان هست یک بیلاخ، نزد شیخ ضحاک مار

اگه با آشتی ما، ذلت مست لقی همیشه ۱۷۸۰ با فشار اقتصادی به مردم ملحق میشه

بخشش ملی بر میلیون مست نیک اندیشه ۱۷۸۱ و سرود ننگ بر میلیون مستان سپریشه





دَر رَه تضاهرات، صلح و خِرَد، نَخُست گامه ۱۷۸۲ پس نَماد به دست بگير، با آب و نون يا روزنامه

چون نَخُست خواستار ما، آب و نون گندم است ۱۷۸۳ آرمان طُغيان، ايران براي مردم است

آب و نون سَنگک ۱۷۸۴ بَزَن بِشکن و تَنبک

آب و نون سَنگک ۱۷۸۵ مَغزِ آخوندا آهک



نو به دست بگير، يه روزنامه از آخوند انجمن ۱۷۸۶ چون نَماد سانسورِ خبرنگاران وَطَن

هر مَجله، روزنامه ميشه بِشَن دو نوع سِلاح ۱۷۸۷ شامگاه مَشعل بکن، يا بکن از خودت دفاع

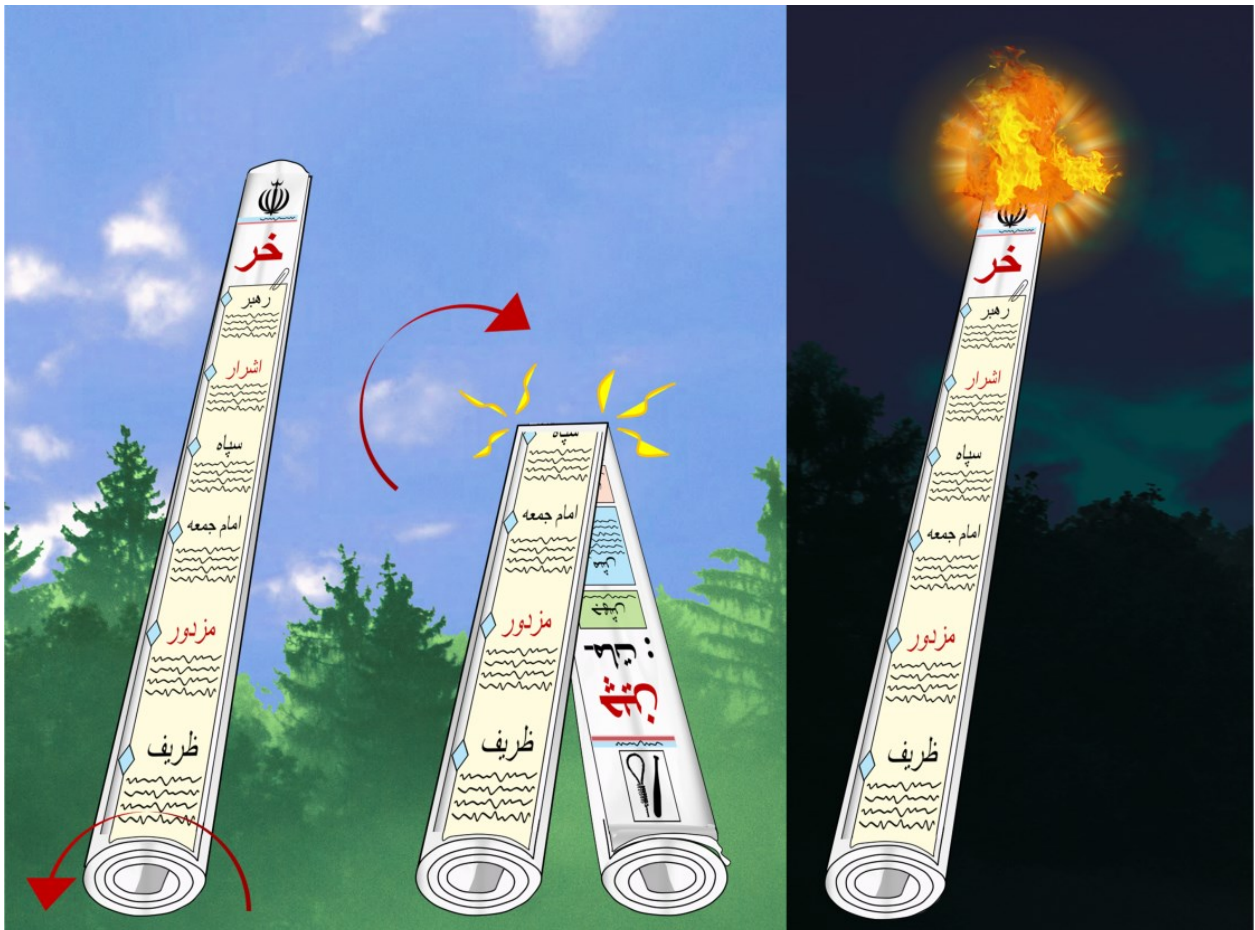
آب و نون بَرَبری ۱۷۸۸ ولايتِ نوکری

آب و نون بَرَبری ۱۷۸۹ آخوند تو خيلي خری



روزنامه را باز بکن، از بُعد طول مُحکم بیچ ۱۷۹۰ شامگاه مَشعل بکن، وقتی که نور رسید به هیچ

لوله روزنامه را از وسط تو مُحکم تا کنی ۱۷۹۱ قسمت تا شده سَنگه، از خودت دفاع کنی



آب و نونِ تافتون ۱۷۹۲ آخوند یعنی یه حیون

آب و نونِ تافتون ۱۷۹۳ بنداز آخوند رو بیرون

وقتی آب و نون و روزنامه داریم در اعتراض ۱۷۹۴ در خیابان میمونیم، چون آب، خوراک و نور به جاست

وقتی آب و نون و روزنامه به دست کنیم بلند ۱۷۹۵ ننگ بر مستان اگر به "نان به دست" حمله کنند

آب و نونِ لَواش ۱۷۹۶ جمهوری آش و لاش

آب و نونِ لَواش ۱۷۹۷ فکر ایرانیا باش

سوی مستان دخترِ کودکِ برفِت با دسته گل ۱۷۹۸ هیچ مستی نكشد کودک، بر آخوندِ خُل

گر به سوی نان به دست، شلیک کند آخوندِ تاز ۱۷۹۹ در تمامِ این جهان باشد رژیمِ باخت باز

آب، نون، مَجله ۱۸۰۰ آخوندیت یه جَهله

آب، نون، مَجله ۱۸۰۱ آخوند آجنه آهله

چون که گفت: پاسخِ آب و نون و گل، تیر سپر است ۱۸۰۲ به جهان اثبات نمود که این رژیم در به در است

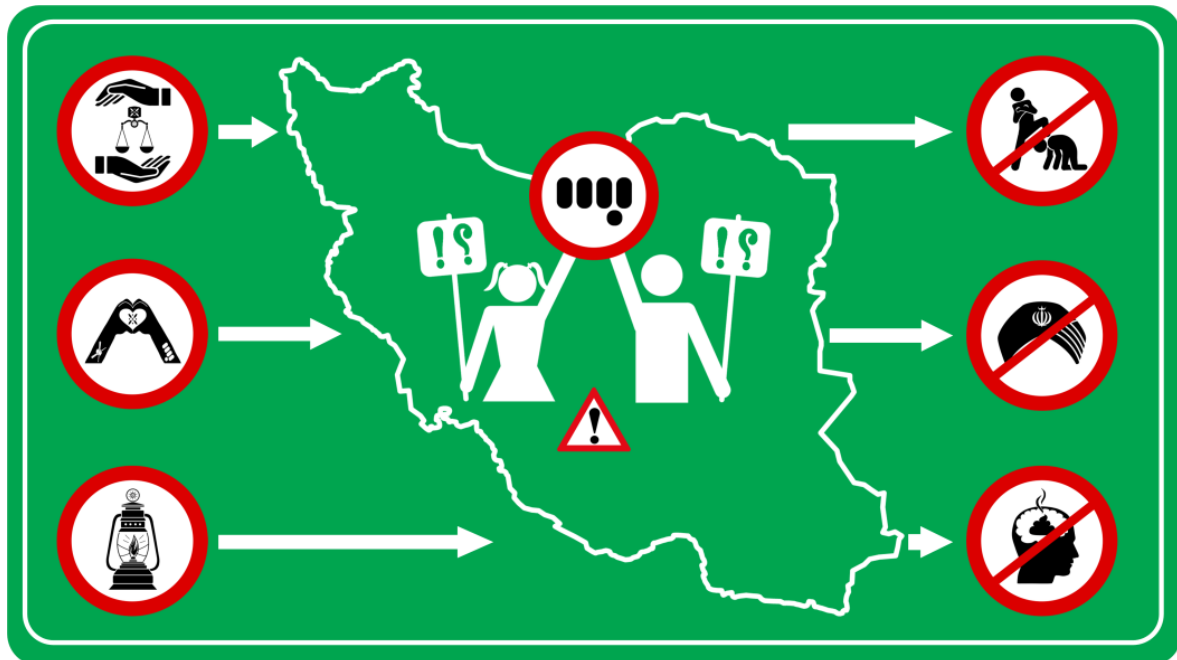
باتون و تُفنگ تو دستِ تو، تو دستِ ما نونه ۱۸۰۳ ضرب و شتمِ تو به ما، مثالِ فیل و فنجونه

آب، نون، روزنامه، ریدن به این عمامه ۱۸۰۴ آب، نون، روزنامه، ننگ بر این عمامه

آب، نون، روزنامه، چاره ما قیامه ۱۸۰۵ آب، نون، روزنامه، کار رژیمِ تمامه



- اعتراضات پیایی، تک ره فرسایش است ۱۸۰۶ گل ایران ما کنیم خسته به جان، میلیون مست
- باید این تظاهرات، شهرهای گوناگون باشند ۱۸۰۷ آب و نون، روزنامه دست، مردم توی خیابون باشند
- بدون پیش بینی که اعتراض بعدی کجاست ۱۸۰۸ برای نیروی سرکوب، غیر ممکن جا به جاست
- ما کنیم فرسوده هر نظامی را با این عمل ۱۸۰۹ اعتراضات هر ساعت، تو هر استان، کوچه محل



- اردبیل، تبریز و ماکو، زنجان، ایلام، آبادان ۱۸۱۰ تا به بوشهر، بندر عباس، چابهار و زاهدان
- یزد، سنندج، شهرکرد، شیراز، کرمان، اصفهان ۱۸۱۱ خرم آباد و اراک، کرمانشاه، قزوین، همدان
- یاسوج و سمنان و مشهد، بیرجند تا شیروان ۱۸۱۲ رشت و گرگان، کرج و بابل و قم تا تهران
- از سر کرانه گیلماز تا گنداب پارس ۱۸۱۳ ما کنیم قیام در ایران، طغیان بی هراس
- آخرش مستان شوند خسته ز جنگ علیه مان ۱۸۱۴ و بفهمند که خود هستند ز قوم کاویان
- آن زمان نابود شود هر نوع نفاق میانمان ۱۸۱۵ نیروی سرکوب رود راه نیک پهرزبان
- تاکتیک از پهراز و از مردم بود نیروی کار ۱۸۱۶ هر هزار دست و آخوند دستگیر شوند با گریه زار

ما کنیم پاک انگلان، جاوید کنیم ایران و وطن ۱۸۱۷ و از بر هزار دست قاتل، بسازیم حوض عن



- ۴ و آندی ساله مُرده خوری شده ثواب ۱۸۱۸ پس بیا با رویش مُرده خوری بدیم جواب
- توی این تظاهرات آب و نون و روزنامه ۱۸۱۹ آگه هر خشونتت بشد، ما داریم برنامه
- ضربه یا کشتار مردم از هر آخوند جهتی ۱۸۲۰ سوم و هفتم و چهلم داره هر جنایتی

تظاهرات

تاریخ

تظاهرات

مراسم سوم

تظاهرات

مراسم هفتم

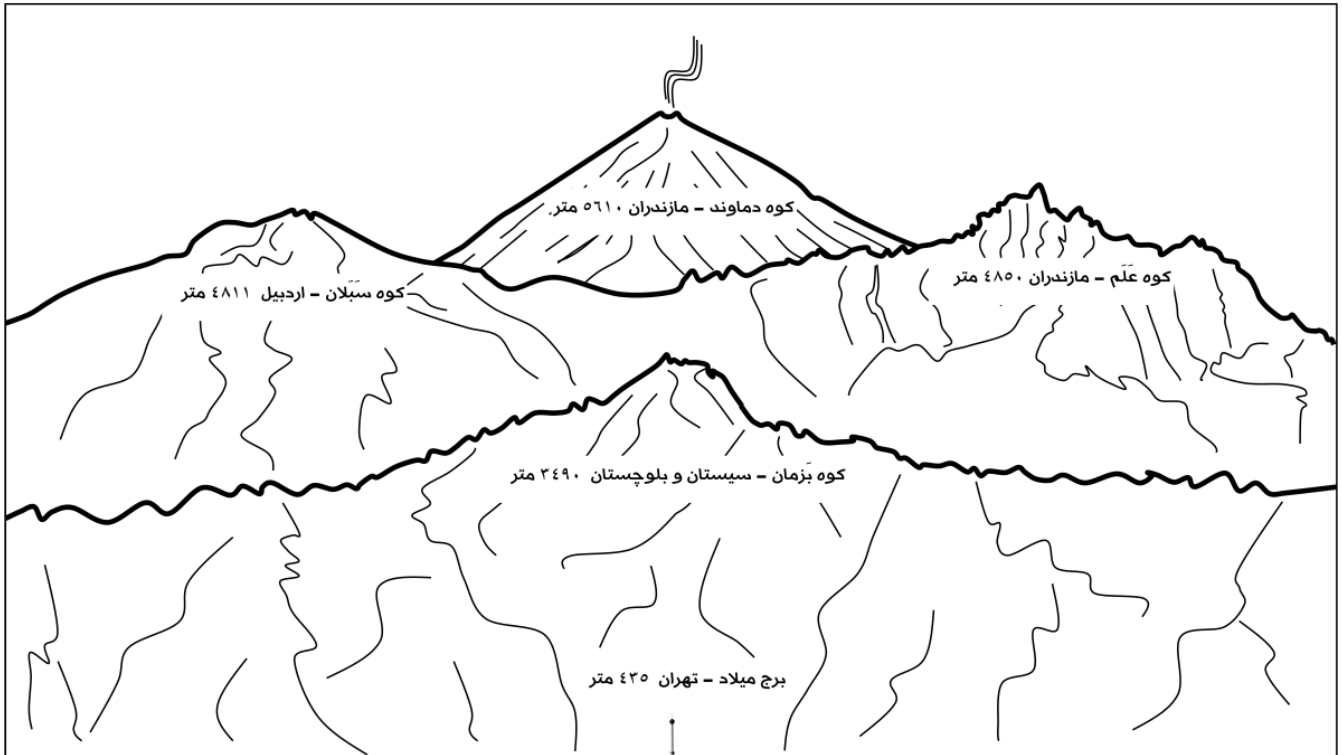
تظاهرات

مراسم چهلم

- برای تظاهرات، ریاضیات بگیر به کار ۱۸۲۱ سوم و هفتم و چهلم بنویس تو گاه شمار
- آگه سرکوب بگند هر اعتراض، ضحاک مار ۱۸۲۲ رقم یک اعتراض، تبدیل کنیم ما به ۴
- با پیایی اعتراض، آخوند را آخور میکنیم ۱۸۲۳ ما باید با اعتراض، ۷ روز هفته پُر کنیم

رمز پیروزی ما پایداریست در این قدم ۱۸۲۴ سخت همچون فتح بزمان، سبلان، کوه علم

آخر این راه رسد به بام ایران آسمان ۱۸۲۵ آن زمان است که میرسیم به نیک آرمانمان



پس اگر احساس خستگی کردی در اعتراض ۱۸۲۶ باشه یادت که ۴۰ سال چه بگرد ضحاک تاز

باشه یادت که چطور حقت را خورد آخوند هار ۱۸۲۷ خستگی ز تن بران، با شیردلی قدم بذار



اگه ما ول بکنیم، آزادی با خواب نمیداد ۱۸۲۸ گفت سعدی: "شب یلدا نره، آفتاب نمیداد"

پس پی سوژه بگرد بهر اعتراض نوین ۱۸۲۹ راه بازگشتی ندارد این قیام ایران زمین

نظامِ ضِدِّ مِلَّتِ، ارتشِ نَكُنْ اطاعت	۱۸۳۰	بَكُنْ دفاع از مردم، آب و نونِ گندم
آخوند فقط خیانت، سپاهِ نَكُنْ اطاعت	۱۸۳۱	بَكُنْ دفاع از مردم، آب و نونِ گندم
بسیجی سلاحِ داغ، نَكُنْ دفاع از الاغ	۱۸۳۲	نَزَن سَرِ ما چماق، نشو خودت خون دماغ
ارتش، سپاهِ پاسداران، با ما بایست، با ما بایست	۱۸۳۳	تَن به کثافت تو نَدَه، گوهِ آخوندا رو نلیس
میلیون مَسْتِ چماقی	۱۸۳۴	تو نوکَرِ الاغی
۴۰ سال خون گریستیم	۱۸۳۵	بَسَه دیگه می ایستیم
هم کاوه ایم، هم بی باک	۱۸۳۶	لعنت به شیخِ ضحاک
رهبر خیانت می‌کند	۱۸۳۷	سپاه اطاعت می‌کند
سپاه خیانت می‌کند	۱۸۳۸	رهبر حمایت می‌کند
خیانت و حمایت	۱۸۳۹	فرو تو ماستِ مِلت
مرگ بر این ولایت	۱۸۴۰	این همه سال جنایت
نظامِ بی کفایت	۱۸۴۱	گُستاخ و بی خِجالت
نَنگِ ما، نَنگِ ما	۱۸۴۲	سپاهِ اَلدَنگِ ما
دیکتاتورِ سپاهی	۱۸۴۳	داعشِ ما شمایی
مایهٔ نَنگِ مِلت	۱۸۴۴	سپاهِ بی کفایت
سپاهِ عشقِ اُمّت	۱۸۴۵	عاملِ قَتَلِ مِلت
نظامی های آفت	۱۸۴۶	باعثِ خَشَمِ مِلت
میلیون مَسْتِ به دست چماغ	۱۸۴۷	دفاع نَكُنْ از این الاغ
پرهیز از این کُتکِ بَكُنْ	۱۸۴۸	به مردمِ کُتکِ بَكُنْ
خونهٔ ما ایران زمین	۱۸۴۹	خونهٔ ظلم، فقط اوین
رژیمِ ظلم باید بره	۱۸۵۰	کَهریزکو بادت نَره

یا کاوہ ای یا ضحاک ۱۸۵۱ یہ انتخابِ بی باک  
یا ضحاکِ یا کاوہ ۱۸۵۲ یہ انتخابِ سادہ

۲۵۳

خُمینی سوزیِ همراه

۵

بگن تو بانوان رها از چنگِ هر نوع زوری ۱۸۵۳ بساز مَترسک از خُمینی چون چهارشنبه سوری  
آسون بساز مَترسک که همراهِ خود میبری ۱۸۵۴ با یک چوب و یک توپِ تَنیس و یک دونه روستری  
آتیش بکش خُمینی رو، تا میلیون مَسْت بدانہ ۱۸۵۵ کہ فرهنگِ خالہ سوسکہ، فرسودہ و تمامہ



بشکن دختِ کاویانی با خُمینی سوخته همراه

حقِ زَنو خُمینی خورد ۱۸۵۶ خوشا به ما خُمینی مُرد  
آتیش بکش کثافتو ۱۸۵۷ خُمینی تازِ آفتو

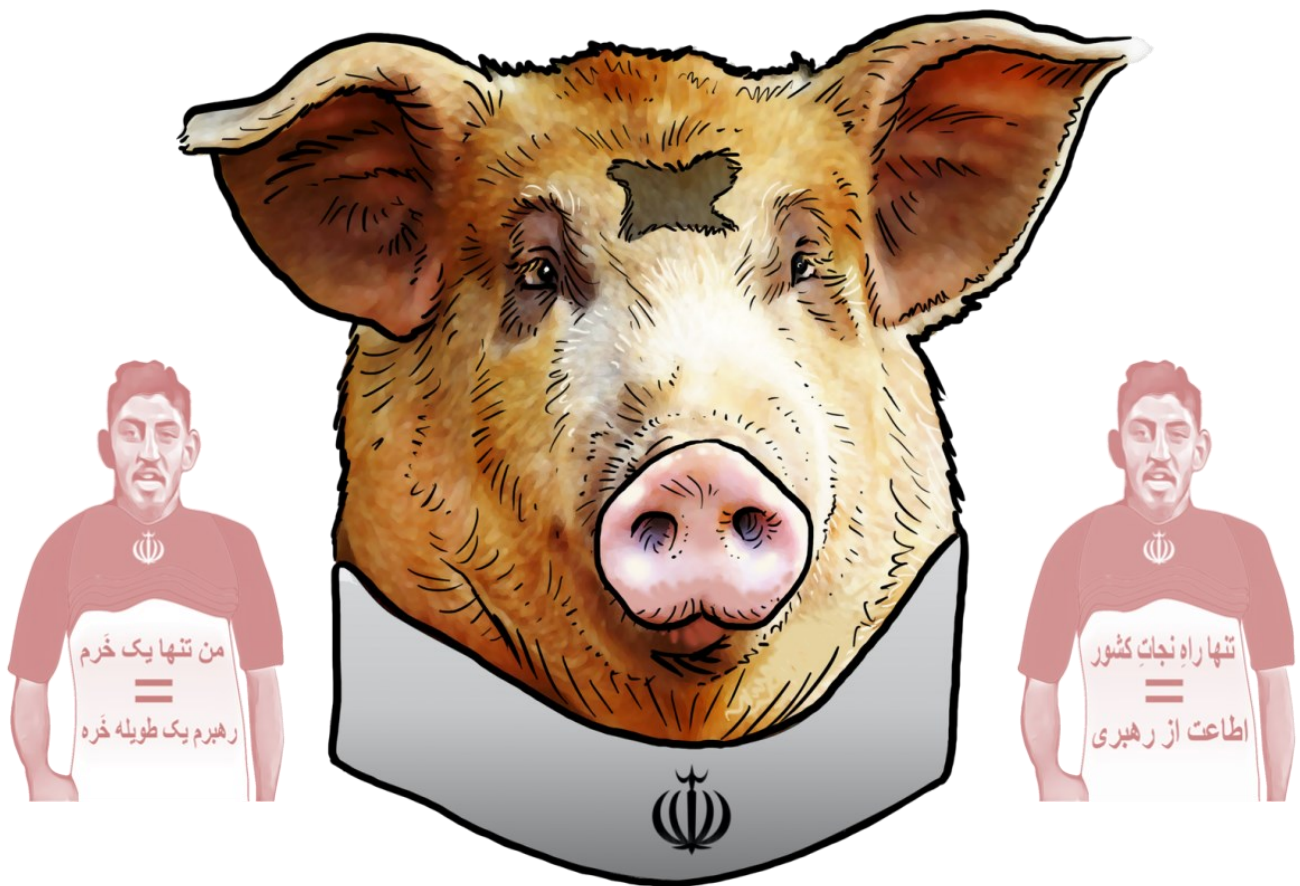
- بکن تو ایرانو رها از چنگِ هر نوع زوری ۱۸۵۸ بساز مَترسک از خُمینی چون چهارشنبه سوری
- ساختِ مَترسک از خُمینی، یک کارِ آسونه ۱۸۵۹ با دوتا چوب، یک توپ، و پارچه آهریمن میزونه
- آتیش بکش خُمینی رو، تا میلیون مَسْت ببینه ۱۸۶۰ نظامِ ضحاک جلوی قُدرتِ ما میرینه



خُمینی کثافت ۱۸۶۱ بسوزی در حِقارت

ما اهلِ آتش هستیم ۱۸۶۲ تازی نِمیپرستیم

- خوک صِفَت و گوهِ خورِ آخوند، در نظامِ زیاده ۱۸۶۳ آخوند از ابلهان کُند بد جوری استفاده
- یکی تو کارِ ازدواج با مادر و خواهرش ۱۸۶۴ شاشِ شُتر مقدس، و نوشابهٔ آخرش
- یکی تو تبلیغِ نظام، از نوعِ خارجیه ۱۸۶۵ خودش سه تیغِ شپیشه، یک آخوند بی ریشه
- یکی تو تبلیغِ تنفر از ایرانِ باستان ۱۸۶۶ چون یک خلیف، با مادر او، داشته شهوتستان
- یکی تو ورزش، گوهِ آخوندها رو بد میلیسه ۱۸۶۷ شادیِ گل، زیر پیرهن از ضحاک مینویسه
- یکی تو خارج، گوهِ آخوندها رو بد میلیسه ۱۸۶۸ صیغهٔ مردِ قاسم، حالا او آشک میریزه
- یکی میگه "دکترای" خمینی نیست حرفی توش ۱۸۶۹ آخوند دیدی نپر روش، شپیش برو زیر دوش



- آخوند تاز از پیکرت ایرانیت برانده ۱۸۷۰ با شُست و شوی مغزیت، فرهنگِ تاز بخوانده
- ایرانیّت، فردانگی، آب و نان را بردند ۱۸۷۱ خوک صِفَتی را واسه تو، به ارمغان آوردند
- فرهنگِ تاز از تن بران، بشو تو بیدار از خواب ۱۸۷۲ خوک صِفَتی تو دادگاه کاویان نمیده جواب

## درخواستِ حمایت از سوی مردم

۷	<b>دردِ ما دردِ شماست</b>	۲۵۶
---	---------------------------	-----

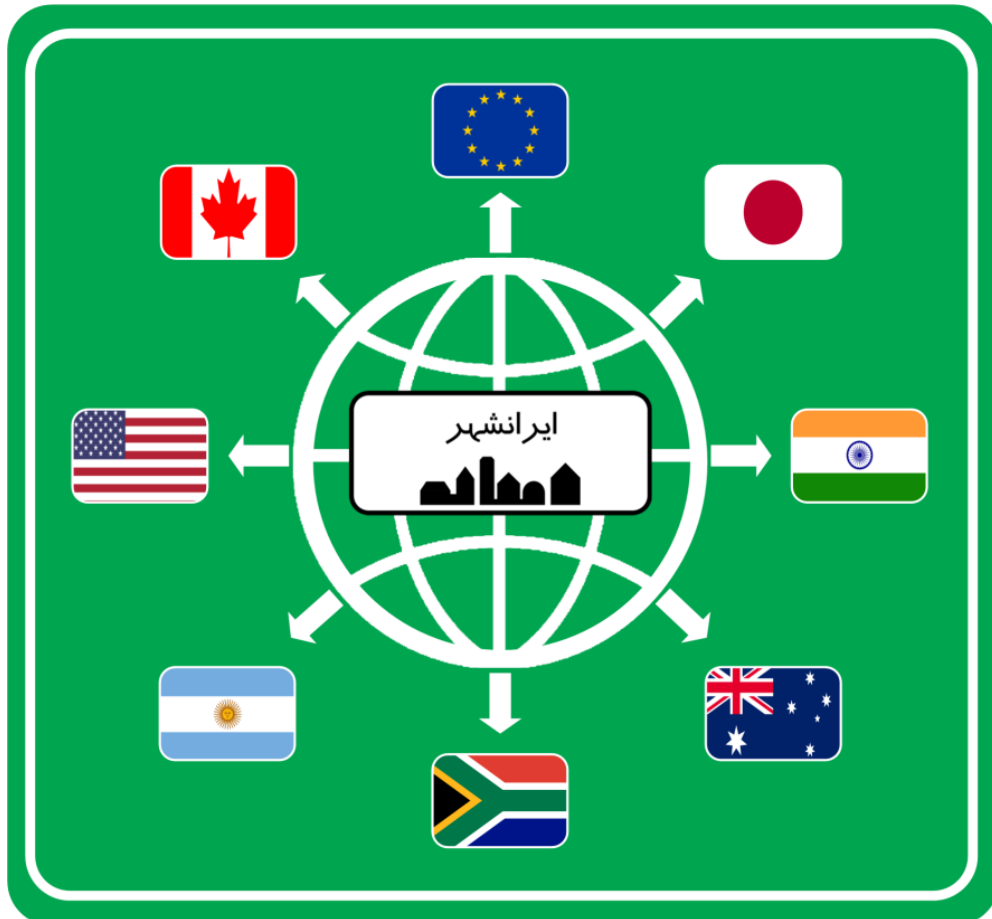
- دردِ ما دردِ شماست ۱۸۷۳ مردم به ما ملحق شوید
- حقِ ما که زیرِ پاست ۱۸۷۴ مردم باید آگاه شوید
- پولمون دستِ اوناست ۱۸۷۵ آخوند باهانش پالون خرید
- خرِ سوارِ کولِ ماست ۱۸۷۶ شیخ کاش یونجه میجوید
- نفتمون بازار سیاهست ۱۸۷۷ و پولش هم قاچاق پَرید
- ایرانِ مردمِ ماست ۱۸۷۸ جهل و ستم را بشکنید
- 
- مردم ما بیدار است ۱۸۷۹ از این رژیم بیزار است

۱۰	<b>خسته ایم از این روزگار</b>	۲۵۷
----	-------------------------------	-----

- خسته ایم از این روزگار ۱۸۸۰ جامعه دار و ندار
- ولایتِ عَرَعَرِ شُعار ۱۸۸۱ هزار دست و ضحاکِ مار
- مردم ما بدونِ کار ۱۸۸۲ مدیرهای بی ابتکار
- حاکم های الاغ سوار ۱۸۸۳ حکومتِ خُرافه کار
- زندگیمون بی اعتبار ۱۸۸۴ اسیرِ این اسلحه دار
- مُلا آخوند رو در، دیوار ۱۸۸۵ آدم درست انگشت شمار
- جنگ و ستیزه افتخار ۱۸۸۶ کُرکُری دُنباله دار
- مُلا آخوندِ رشوه خوار ۱۸۸۷ قاچاقچیِ سابقه دار
- مردم ما چشم انتظار ۱۸۸۸ از این رژیم کنیم گذار
- ضحاک براندازیم ز کار ۱۸۸۹ درفشِ کاوه بر قرار



- هر زمان یادت برفت که نسلِ تو ایرانی است ۱۸۹۰ اندر آینه خود نگر، آثارِ ایران باقی است
- خَرِ تو از پُلِ گذشته، اما تو تعهد داری ۱۸۹۱ که نهالِ دادگری برای ایران بکاری
- ما که در بیرونِ مرز، چند میلیون ایرانی داریم ۱۸۹۲ ما باید نشان دهیم از این رژیم ما بیزاریم



- اعتراضات به سفارت نشکند این گاو شاخ ۱۸۹۳ آخوند میخنده از پنجره بهت میدید بیلاخ
- اعتراض بکن تو کشورت جلوی صدا و سیما ۱۸۹۴ با زبان خود بگو آخوند کشته ایرانیا
- کارشان ساده کنید برای یک "هدلین نیوز" ۱۸۹۵ که باید از ایران برون این آخوندهای گوز
- بگو کشورت باید روابط ها شو قطع کنه ۱۸۹۶ بایکوتِ قاتلِ کنه، آخوندها رو سقط کنه
- یادت هست ایزوله ایکس را در مُعادلات؟ ۱۸۹۷ ما باید نشان کنیم هر که بود آخوند صادرات
- شکافی و چوب دو سر گوهی را تو افشا بکن ۱۸۹۸ و با عکس و نامشان، ایرانیان آگاه بکن
- گر توانی تو بکن علیه شان شکایتی ۱۸۹۹ پاک ساز کشورت از هر گونه ملا آفتی





دولتت مجبور بکن روی ترور زوم بکنه ۱۹۰۱ دولتت مجبور بکن آخوند را محکوم بکنه  
 بگو گر با دولت آخوندی، سود کار دارید ۱۹۰۲ با سقوط این نظام، ایران همیشه نام مفید  
 جای بازار سیاه و باج به آخوند پلید ۱۹۰۳ میکنید تجارت با ایران تو بازار سفید  
 با آخوند معامله، گرمای شاش تو شلواره ۱۹۰۴ اما آخوند که بره، گرمای دائم به کاره



Iran is for Iranians

Not for Akhoonds and ignorance

Terror is the Akhoond's tool  
 Akhoond belongs to Shit pool

Dealing with Akhoond's regime,  
 extends the dictator's time

Dealing with Akhoond's regime,  
 makes us a partner in crime

Mr. foreign minister,  
 Shame on you, shame on you !

You deal with the sinister,  
 A co-killer's name on you !



Iran er for iranere  
 Ikke for dumme tyrannere

Vi siger: Ræffærdighed til folk  
 Akhoond, han har brug for folk

این بدان هموطنان در ایران آند چشم انتظار ۱۹۰۵ پس بر ایرانی دولتت ببر زیر فشار

گر کنی کمک به ایرانی، تویی میهن پرست ۱۹۰۶ گر بگی نه، نیستی ایرانی، تو باشی فرد مست

پس بکن برای کِشورت تو یک کار کبیر ۱۹۰۷ باش تو یک کاوه بیرون مرز، ایرانی سفیر



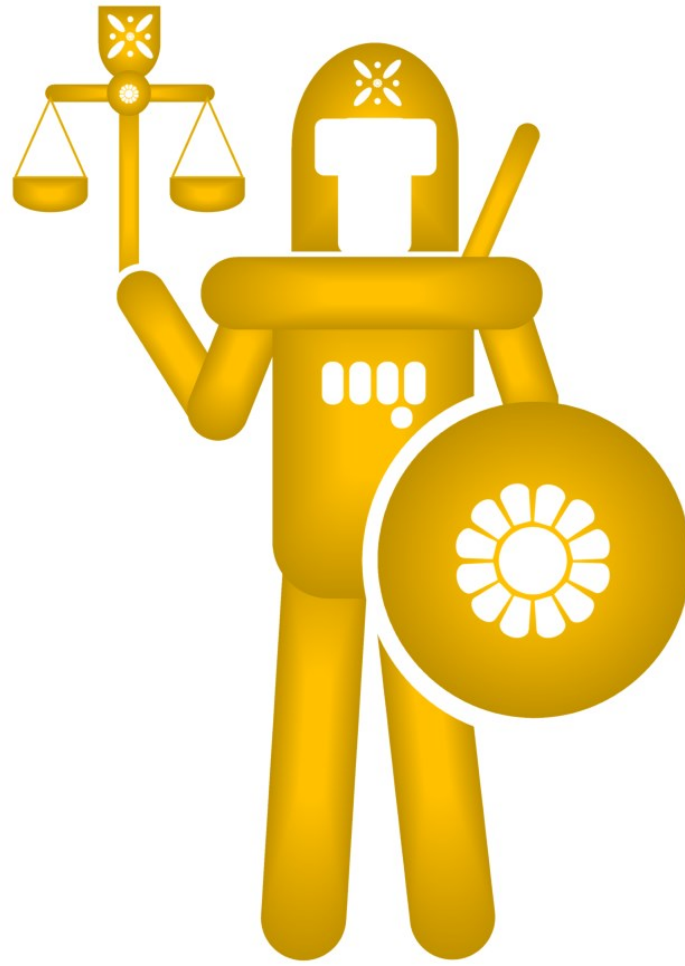




- ای صنفِ بازنشسته، رژیمِ وعده شکسته ۱۹۰۸ یک اعتراضِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ فرهنگی، رژیمِ شیشه، تو سنگی ۱۹۰۹ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ بهداشتی، نَکن با ذلت آشتی ۱۹۱۰ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ کارمندی، به ظلم و فقر بندی ۱۹۱۱ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ کارگر، خسته ایم از ستمگر ۱۹۱۲ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ برزگر، محصولاتمون هَدَر ۱۹۱۳ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ راننده، رژیمِ کَرَدتِ بازنده ۱۹۱۴ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ صنعتی، باج نده به این لعنتی ۱۹۱۵ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ دانشجو، بیا بیرون از کَندو ۱۹۱۶ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک
- تو ای صنفِ نفت و گاز، قُدرتتون اعتراض ۱۹۱۷ یک اعتصابِ بی باک، زمین زَند این ضحاک

اعتراضِ سراسری ۱۹۱۸ آزادی و برابری

اعتصابِ سراسری ۱۹۱۹ رژیمِ مردمِ سروری



- ای تو پهباز دلیر، زمانش است کنی کمک ۱۹۲۰ سوی آخوند و هزار دست، آیشان کنی نمک
- موج بشکن به تخصص تو احتیاج دارند ۱۹۲۱ بر سر آخوند، خراب کردن تخت و تاج دارند
- یادت هست آخوند مجبورت بکرد ۸ سال به جنگ؟ ۱۹۲۲ سوی توپ و تانک فرستادت با یک ساده تفنگ؟
- تو بودی شجاع و خلاق که امروز ایستاده ای ۱۹۲۳ جنگ به تو آموخت که تو پهباز ایران زاده ای
- در ره پیروزی پس تخصص امر بر تر است ۱۹۲۴ نه مثل آخوند که گفت: تخصص مال یک خر است!
- او که مجبورت بکرد در جنگ بری تو سینه خیز ۱۹۲۵ او که گفت: برای عمامه ام خون خود بریز!
- حالا وقت تصفیه حساب با آخوند خره ۱۹۲۶ حالا وقت تسخیر قدرت ز دست عنتره
- خیلی از میلیون مستان از دست آخوند خسته اند ۱۹۲۷ و به همکاری با پهبازیان دل بسته اند



- اگه خواستند رژیم ظلم و جنگ بشند جدا ۱۹۲۸ جذبشون کنید به وحدت و با مردم هم صدا
- صدا و سیما را از دست هزار دست بگیرید ۱۹۲۹ پادگان، مراکز نظامی را پس بگیرید
- تسخیر سلاح خوبه، شلیک کار فاتله ۱۹۳۰ هر چه دست رژیمه باید بشه مصادره
- وقتی قدرت نظام افتاد به دست نیکتان ۱۹۳۱ ما کنیم ایران را از ضحاکیان، خانه تکان
- تاکتیک از پهبازیان، همراه با میلیون مست ۱۹۳۲ قدرت از مردم، نظام تاز را خواهد شکست
- مهلتی دادیم ما به هزار دست و آخوند تاز ۱۹۳۳ تا "بکن ایران مردم امضاء یا جان را بباز!"
- کس بگرد امضاء رود دادگاه عادل انتخاب ۱۹۳۴ کس نکرد امضاء شود محکوم تو دادگاه انقلاب
- قوم ضحاک که گفت تو جنت هم نفوذ دارند ۱۹۳۵ اما خود بزدل و جانشان را خیلی دوست دارند
- آن زمان دستگیر کنیم ۱۰۰۱ ضحاکیان ۱۹۳۶ قاتلان در حوض عن، باقی به دادگاه کاویان

پس تو ای پهباز نیک، رژیم ظلم از هم بپاش ۱۹۳۷ در زمان این گذار، نگهبان ایران تو باش!

<p>حقوق اولیه زیست</p>  <p>۱</p>	<p>پایان اعدام، شکنجه و کتک</p>  <p>۲</p>	<p>حقوق اولیه جنسی و فردی</p>  <p>۳</p>	<p>حقوق اولیه شهروندی</p>  <p>۴</p>	<p>آزادی دین، نظر و پوشش</p>  <p>۵</p>
<p>تحصیل رایگان</p>  <p>۶</p>	<p>خدمت اجتماعی</p>  <p>۷</p>	<p>حقوق نیازمندان</p>  <p>۸</p>	<p>الکل و دخانیات بزرگسالان</p>  <p>۹</p>	<p>مبارزه فعال با اعتیاد</p>  <p>۱۰</p>
<p>قانون اساسی برتر</p>  <p>۱۱</p>	<p>هدایت مردمی ایران</p>  <p>۱۲</p>	<p>مرز قوی با شفافیت داخلی</p>  <p>۱۳</p>	<p>پایان مهریه و جهیزیه</p>  <p>۱۴</p>	<p>پیشرفت در هر استان</p>  <p>۱۵</p>
<p>سیرشت محترم</p>  <p>۱۶</p>	<p>فرهنگیان بدور از سیاست</p>  <p>۱۷</p>	<p>اشتی و دوستی با جهان</p>  <p>۱۸</p>	<p>انرژی پاک بهجا</p>  <p>۱۹</p>	<p>اقتصاد غیر نفتی و پوشناز</p>  <p>۲۰</p>



نمره من:



اگه تو هزاردستی خوب اینجا گوش بکن تو تیز ۱۹۳۸ از بر نجات تو جز توبه راه دیگه نیست

یک هزار دست، یا ظالمه و یا که قاتله ۱۹۳۹ بدون ایران مردم، حق زیستش باطله

بدون ایران مردم، دست هزار همیشه کباب ۱۹۴۰ بدون ایران مردم، یعنی دادگاه انقلاب

تحویل ۲۰ خواست ایران مردم برای امضاء - از بشکن کاویان، استاد افشین نریمان به سردار ضحاکیان، محمد رضا نقدی



تو باید ایران مردم آشکارا امضاء کنی ۱۹۴۱ با پشیمانی باید توبه خود آدا کنی

اگه تو یه قاتلی، یه هفته میری حوض عن ۱۹۴۲ بعد از اون، حموم و بعد دادگاه کاویان سخن

اگه تو یه ظالمی، دستگیر میشی بی زیان ۱۹۴۳ و باید باشی جوابگو، تو دادگاه کاویان

زندان آینده در مسیرش حق بشره ۱۹۴۴ یعنی حقت از ۴۰ سال زیر آخوند بهتره

رهبرت قانع بکن از خر جهل پایین بیاد ۱۹۴۵ چون که با امضاء او، هزارستان دهد نجات

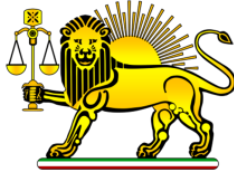
رهبرت با امضاء حصر خونگی را میکشه ۱۹۴۶ اگر امضاء نکنه، تو حوض عن، او غرق میشه

چون اگر امضاء نکرد، جان تو نیست در فکر او ۱۹۴۷ چرا خود فدا کنی برای ظالم ذکر او؟

تو در این بد طغیان، مدد نبینی از خدا ۱۹۴۸ باش تو پس ناجی خود، راحت از ضحاک کن جدا

این بدان پشیمانی، آینده حامی توست ۱۹۴۹ و بدان جنگ و ستیز، اعدام و بد نامی توست

قبل مهلت بکن امضاء، جان خود بده نجات ۱۹۵۰ بعد مهلت دیگه دیره، ما گیریم عزا برات



به نام سرافراز ایران زمین و بر مردمش باد خرد و آفرینش

## پشیمان نامه

نامه ویژه سمت داران رژیم جمهوری اسلامی



تاریخ:

\_\_\_\_\_

نام:

\_\_\_\_\_

پیشه:

\_\_\_\_\_

زادگاه:

\_\_\_\_\_

زادروز:

\_\_\_\_\_

من \_\_\_\_\_ از همکاری با رژیم جمهوری اسلامی پشیمانم.

من از سمت خود در جمهوری اسلامی کناره گیری میکنم و به اعتراضات مردم ایران برای براندازی این رژیم ننگ آور میپیوندم.

من از ایران و مردم ایران پوزش می خواهم و با کوشش در نابودی این رژیم، خواهان جبران اشتباهات خود هستم.

من همکاری کامل برای افشای قتل، ظلم و فساد جمهوری اسلامی و بازگشت ثروت دزدیده شد به ایران را میکنم. اگر این کار را نکنم، سزای من دادگاه وحشیانه، ناعادل و اعدام کننده انقلاب اسلامی است.

این نامه، تضمین جانی من است. با امضاء این نامه، من از دادگاه وحشیانه انقلاب اسلامی و اعدام در بد نامی نجات یافته و با همکاری کامل با نظام مردمی ایران، در دادگاه دادگر کاویان پاسخگو خواهم بود. در دادگاه کاویان:

- اگر من هزار دست قاتل شناخته شوم، سزای من حوض عن و سپس زندان است.

- اگر من هزار دست ظالم یا فاسد شناخته شوم، سزای من زندان است.

- اگر من میلیون مست شناخته شوم، سزای من بخشش ملی، به شرط افشای جنایات سران خود میباشد.

پیروز باد ایران و هر ایرانی

نابود باد جمهوری اسلامی

# خواستار مردم ایران، خواستار من است!



امضاء :

\_\_\_\_\_





این کتاب حرفی ندارد که نباشد یک شعار ۱۹۵۱ باش تو بشکن، بسرا پس هر شعار، با افتخار

از بر دادگری، آزادی و شهروندی حقوق ۱۹۵۲ تا به همیاری و باز سازی، رضایت در بلوغ

طبل و بشکن، تار در گفت شعار بگیر به کار ۱۹۵۳ ایران مردم، "سدا"، سید دیداد آموزگار



آب و نون گندم ایران برای مردم

ناظم نباشد گاو و خر لازم نباشد چوب تر

آیین و دین آزاد نفاق را میده بر باد

رژیم سر سپرده حق ضعیفو خورده

جنگ و ستیز با دنیا علامت وقار نیست

بالا رفتن از دیوار سفارت افتخار نیست

هر جا خرد پیش رفته آخوندیت پس رفته

با تفکر فسیل، حتی با ابزار جدید

هیچ گاه ایران و ایرانیت آسایش ندید



رهبرِ فرسودگان، الاغِ الدوله، آخوند خامنه ای





خامنه ای الاغ ۱۹۰۴ شیره ای، عن دماغ

خامنه ای الاغ ۱۹۰۰ ملیجکات کلاغ

ای منافق، ای مرد بی شرف ۱۹۰۶ ای خوراک تو باد، یونجه و علف

چون که رفتار حیوان، شعار توست ۱۹۰۷ مرگ ایرانیان، افتخار توست

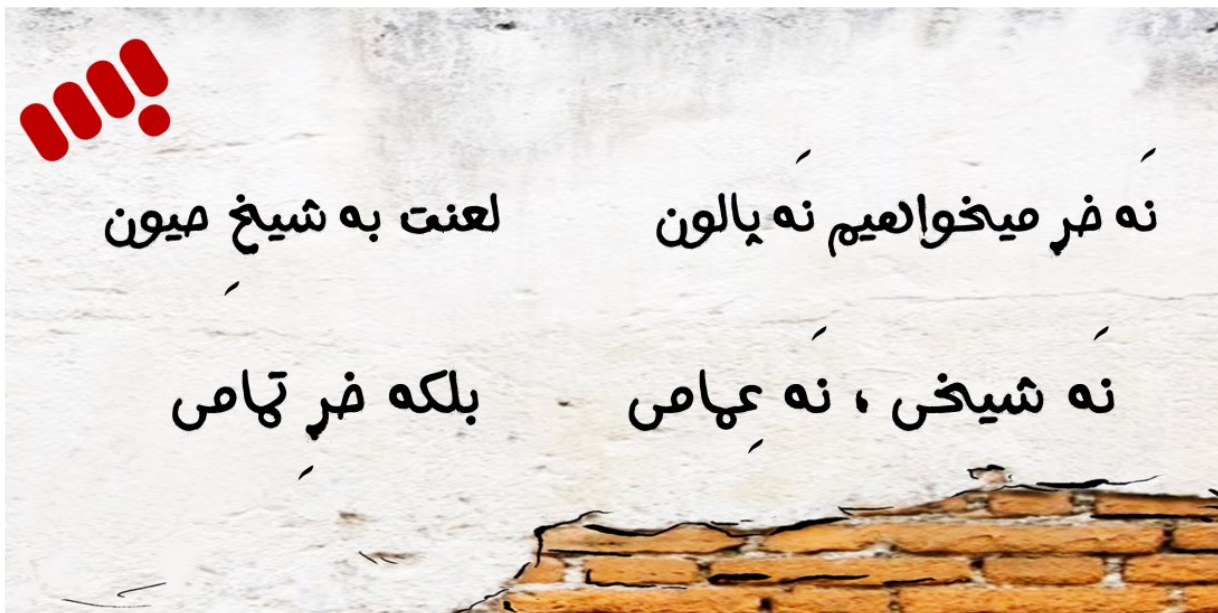
ای تو آخوند تاز، لمپن کپک ۱۹۰۸ توله کردی هزار دست، تو مثل سگ

نباشدت سراغ ۱۹۰۹ تپیدی توی باغ

کباب، ریحون، سماق ۱۹۶۰ ایرانی نقره داغ

خامنه ای الاغ ۱۹۶۱ تو باعث نفاق

خامنه ای الاغ ۱۹۶۲ وافور بکن تو چاق





ترسِ رهبرِ فرسودگان از زنانِ کاویان

- خامنه ای گُفت ۱۹۶۳ چی گُفت؟
- تو شهرمون گُفت ۱۹۶۴ چی گُفت؟
- سرِ کوچه مون گُفت ۱۹۶۵ چی گُفت؟
- درِ خونه مون گُفت ۱۹۶۶ چی گُفت؟
- از میدونِ حر ۱۹۶۷ چی گُفت؟
- تا خودِ پاستور ۱۹۶۸ چی گُفت؟
- در سدِ لَتیان ۱۹۶۹ چی گُفت؟
- تَسکینِ زِ طُغیان ۱۹۷۰ چی گُفت؟
- وافور و قلیان ۱۹۷۱ چی گُفت؟
- شاشید به تَنبان ۱۹۷۲ چی گُفت؟
- عرقِ روِ فرقیش ۱۹۷۳ چی گُفت؟
- پَریده بَرقیش ۱۹۷۴ چی گُفت؟
- با بَغضِ تو عرضِ گُفت ۱۹۷۵ چی گُفت؟
- با ترسِ و لَرزِ گُفت ۱۹۷۶ چی گُفت؟

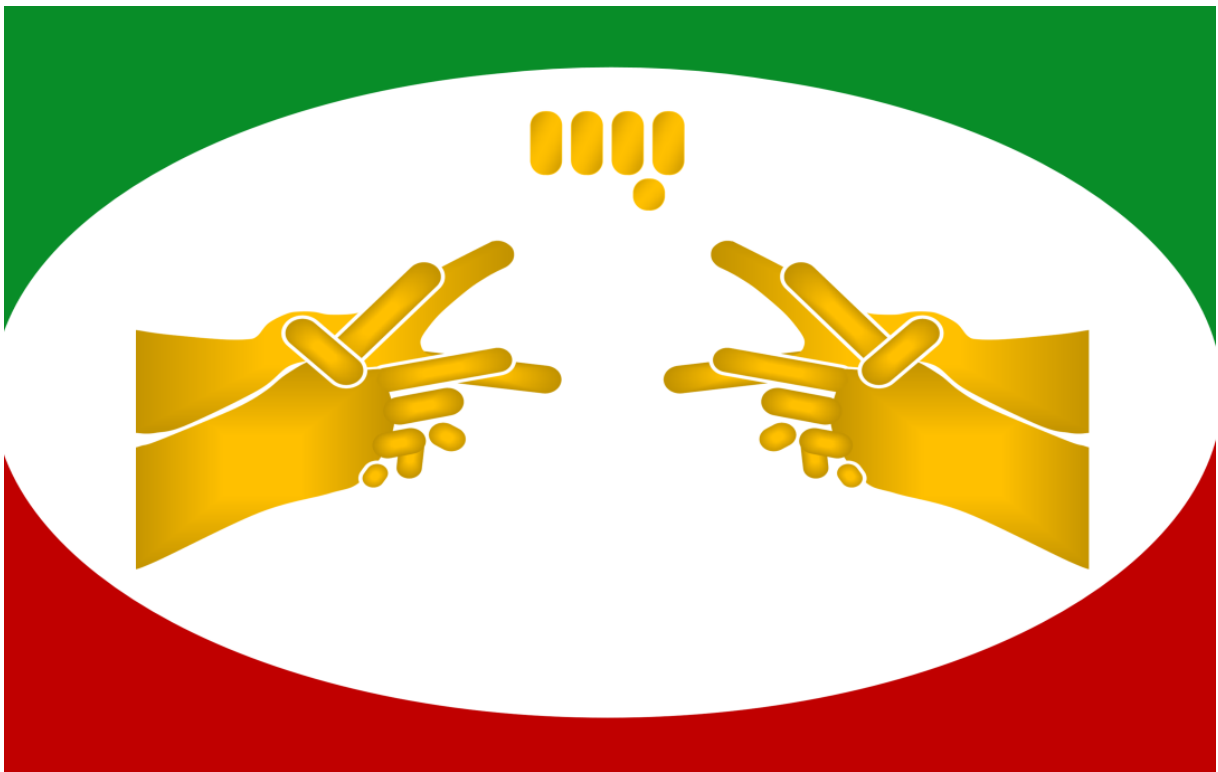
سَرِشُو تُو لاکِ کَرْد ۱۹۷۷ چی گُفت؟

اشکِ ها شو پاکِ کَرْد ۱۹۷۸ چی گُفت؟

فَرِتَقُو بَلَعِيد ۱۹۷۹ چی گُفت؟

صداش میلرزید ۱۹۸۰ چی گُفت؟

## من از زنا میترسم ۱۹۸۱ بشکن نزن، میلرزم!



۲۶۵

آشزار

۶

کشور صاحبِ نداره ۱۹۸۲ ملت زیرِ فشاره

تُو خیابونا دوباره ۱۹۸۳ نظامو کَرده پاره

ولی شیبیش نُخاله ۱۹۸۴ میگه کارِ آشزاره

شیبیش که عارِ نداره ۱۹۸۵ شیبیش وقارِ نداره

خَر کولمون سواره ۱۹۸۶ بیا پایین تاپاله

آخوند فکرِ فراره ۱۹۸۷ آشزار آخوندِ هاره



خامنه ای، شیره ای      تو سر تا پا حيله ای

# رادیان تلویزان نامیزان آویزان

اول که گفت رادیان ۱۹۸۸ حالا میگه تلویزان

تو ای شیخ نا میزان ۱۹۸۹ به ما نشو آویزان

آخوند خورده، نریده ۱۹۹۰ گدایی آفریده

از حق ما بریده ۱۹۹۱ یه عمر تریاک کشیده

خروش ما رو دیده ۱۹۹۲ به تمونش شاشیده

تو مستراح تپیده ۱۹۹۳ اینترنت ها پریده



آخوند دیگه زده به سیم آخر ۱۹۹۴ اینترنت ها قطع تو ی کل کشور

یه دیکتاتور برای حق کشورش میجنگه ۱۹۹۵ دیکتاتور ما بزدل و بازنده و مشنگه

مقابل بیگانگان دیکتاتور ما ریده ۱۹۹۶ از همه گوه شنیده، زورش به ما رسیده



زوجِ ضحاکِ چاپول، آخوندِ عروس، مُجی گُجی و شوهرش قالیباف

معاونِ خامنه ای ۱۹۹۷ خجالتی و غمگینه

مُجی گُجی پَس کجایی؟ ۱۹۹۸ عروسِ رفته گلِ پچینه

آرزوی مُجی گُجی رو واسه رهبری ۱۹۹۹ یا توئی حوضِ عَن با خود، یا که به گور میبری

سگِ تولتو بنار کنار ۲۰۰۰ ما رو گذاشتی سرِ کار؟

سگِ تولتو بنار کنار ۲۰۰۱ مُجی گُجی مثلِ خیار

مُجی گُجی کره خَره ۲۰۰۲ عاقبتش در به دره

واسه باباش، یه نوبره ۲۰۰۳ واسه ما، گوزِ عَنتره

مُجی، لطیفِ مثلِ پَره ۲۰۰۴ روغنِ بَنفشِ یادت نَره

مُجی گُجی، ایرانی برده کرده ۲۰۰۵ یک ثانیه تو عُمرش کار نکرده





عروسِ پُشتِ پَرده شون ۲۰۰۷ مُجی گُجی ازگله

تو مُستراح، دل پَریشون ۲۰۰۸ به قالیباف گفته: بله!

خامنه ای باید بری بزَن به چاک ۲۰۰۹ مُجی گُجی، تو هم بکن آشک هاتو پاک

مُجیه گُجی ۲۰۱۰ توله حاجی

مُجیه گُجی ۲۰۱۱ نازک نارنجی

۴	چییه	۲۷۰
---	------	-----

خارج وزیر اوراچییه ۲۰۱۲ رئیس سپاه چماچییه

رئیس جمهور آبدارچییه ۲۰۱۳ خامنه ای قاچاچییه

کُنلتِ ساندویچییه ۲۰۱۴ مغزِ آخوند نُخودچییه

جمهوری گوه گیچییه ۲۰۱۵ ولایتِ گوزیچییه

۶	شیخ آیت الله، بی سواد	۲۷۱
---	-----------------------	-----

فرهنگِ ما رفته به باد ۲۰۱۶ شیخ آیت الله، بی سواد

جامعه مون پُر از مواد ۲۰۱۷ شیخ آیت الله، بی سواد

هزار دستها رو کردی شاد ۲۰۱۸ شیخ آیت الله، بی سواد

با یک ورشکست اقتصاد ۲۰۱۹ شیخ آیت الله، بی سواد

جمهوری کاسبِ کساد ۲۰۲۰ شیخ آیت الله، بی سواد

تو باعث جهل و فساد ۲۰۲۱ شیخ آیت الله، بی سواد

- تو یک وطن فروشی ۲۰۲۲ ضحاکِ مار به دوشی  
 خونِ ما رو مینوشی ۲۰۲۳ منتظرِ خروشی  
 ماییم ملتِ کاوه ۲۰۲۴ میخوایم عدلِ مساوه  
 میگیم ظلمِ اشتباهه ۲۰۲۵ میگیم این شیخِ گاو

## شیخِ گُستاخ، آویزان، ورشکسته



- صدا صداست امروز، روزِ صداست امروز ۲۰۲۶ خامنه ای لَمین، صاحبِ عَزاست امروز  
 صدا صداست امروز، روزِ صداست امروز ۲۰۲۷ هزار دست تو حوضِ عَن، تصمیمِ ماست امروز

- آخوندِ مُفتِ خور ۲۰۲۸ پول تو جیبش پُر  
 دزدِ آدمِ خور ۲۰۲۹ رهبرِ رهبر

۳۲ ساله غاصبِه ۲۰۳۰ بدونِ یکِ مصاحبه

۲۰ خواستِ ما عملِ کن ۲۰۳۱ یا گورِ خود به در کن



بیعتِ با ولایت ۲۰۳۲ یعنی سهیمِ غارت

خامنه ای قاتله ۲۰۳۳ ولایتش باطله

کُشته ندادیم که سازش کنیم ۲۰۳۴ رهبرِ قاتل را ستایش کنیم

رژیم که شد ضحاکِ مار ۲۰۳۵ شام هم همیشه آبِ دوغِ خیار

به ما نگو فتنه گر ۲۰۳۶ فتنه تویی ستمگر





وطن فروش، خامنه ای ننگینه ۲۰۲۷ سگ توی قلاده واسه روس و چین

حمایت از گروههای نیابتی ۲۰۲۸ عجب به ایرانی بگرد خیانتی

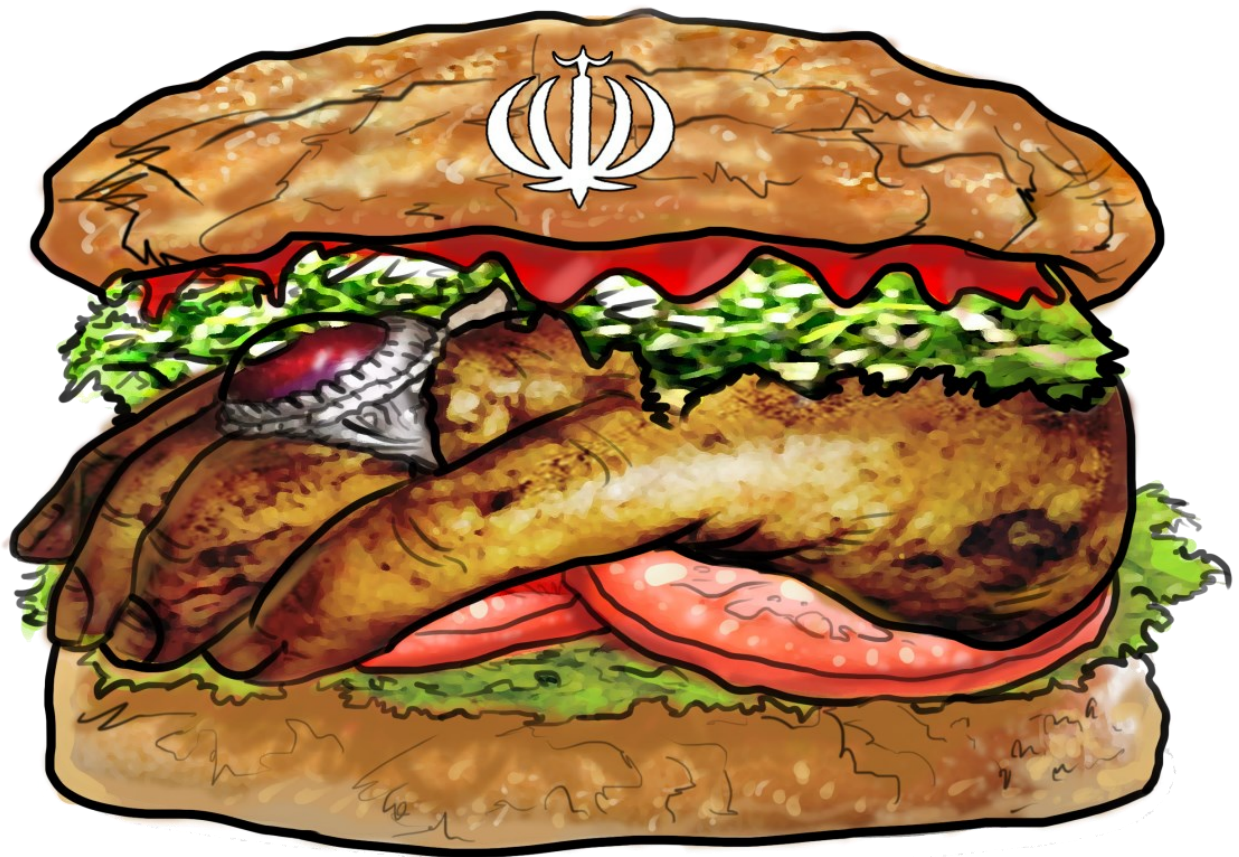
خامنه ای؛ خره علیک، کلب منفور ۲۰۲۹ آنت حمار، راسک بلا عقل و شعور

ساندویچِ عِمَام، با نون بَربری ۲۰۴۰ کتلتِ قاسم با پیاز جعفری

فلسطینی په میلیون، تو فکر و ذکر ضحاک ۲۰۴۱ ۸ میلیون ایرانی براند او یا بکرد زیر خاک

بحرین رو شاه رها کرد ۲۰۴۲ دو تنب از آن ما کرد

سوریه رو رها کن ۲۰۴۳ فکری به حال ما کن



تمام سال شاید غذا خوش اعلته ۱۳ در یہ فکری روز کتلتہ

۱	یمن	۲۸۸
---	-----	-----

الاع بیا بخور چمن ۲۰۴۴ بکش تو بیرون از یمن

۱	عراق	۲۸۹
---	------	-----

آخوند سست و یاغی ۲۰۴۵ بیچاره کرد عراقی

۱	لبنان	۲۹۰
---	-------	-----

بیروت میگه گمک از ایران نمیخواهیم ۲۰۴۶ یه مشت کپک آخوند، تو لبنان نمیخواهیم

۱	افغانستان	۲۹۱
---	-----------	-----

باید به پایان برسه این داستان ۲۰۴۷ شرارت آخوند به افغانستان

۱	برای ایرانیان	۲۹۲
---	---------------	-----

برای ضحاکیان، یه بت، یه سنگی ۲۰۴۸ برای ایرانیان، یه لکه ننگی

۲	جیب چون بانک	۲۹۳
---	--------------	-----

رهبر دزدشون میگه: ثروت من هیچ چیه ۲۰۴۹ جیب عبا رو خالی کن، ما ببینیم توش چیه  
مال ما رو دادی فنا، خریدی موشک و تانک ۲۰۵۰ دلیل داره تو چین بهت میگن علی جیب چون بانک  
دزدیدی مال وطنو، کشیدی تو تل زیاد ۲۰۵۱ فندک و وافور نمیخواهیم، پولها رو رد کن بیاد

۱	حیله	۲۹۴
---	------	-----

خامنه ای، شیره ای ۲۰۵۲ تو سر تا پا حیله ای

۲	طلا، گاز و نفت	۲۹۵
---	----------------	-----

پول طلا، گاز و نفت ۲۰۵۳ از اولش فنا رفت  
موشک هاشون هوا رفت ۲۰۵۴ دودش به چشم ما رفت

اجازه نَفَسِ ميخواهيم ۲۰۰۵ خروج از اين قفس ميخواهيم

اجازه انتخاب ميخواهيم ۲۰۰۶ وگرنه انقلاب ميخواهيم

اجازه انتخاب بده ۲۰۰۷ جونِ خودتِ نجات بده

اجازه انتخاب ندي ۲۰۰۸ حوضِ عن است جای بدي



معترضانِ بي خانه ۲۰۰۹ در هر جای ايرانشهر

نرْمشِ قهرمانانه ۲۰۶۰ يا كه بنوش جامِ زهر

جَهش، نرْمش، پوزش  
خواهش، مالش، ريزش

وای به حالت اگر، ايران قِيام ببيند ۲۰۶۱ بدان كه ايران دگر، هرگز آرام نگیرد

ای رهبرِ فرسودگان، آماده باش، آماده باش ۲۰۶۲ ما بی باک و ما کاوِيان، آماده باش، آماده باش

استعفا، استعفا ۲۰۶۳ خامنه ای استعفا

مردمو کردی گدا ۲۰۶۴ تو ننگِ ايرانيا



آخوندِ الاغِ الدوله



مثالِ ایست و نیست

ایران مالِ ایرانِ نیست  
جایِ آخوندِ ایرانِ نیست

مثالِ خَر و خِر

آخوندِ خَر باید بره  
تُو حوضِ عَن تا خِرِ خره

معما:

چیهِ که دَه مِتره و دورِ یه عَن پیچیده؟

۲	<b>عزا عزاست امروز</b>	۳۰۰
---	------------------------	-----

عزا عزاست امروز، روزِ عزاست امروز ۲۰۶۵ رژیمِ سُسْت و لَمِین، صاحبِ عزاست امروز

عزا عزاست امروز، روزِ عزاست امروز ۲۰۶۶ لَنگهایِ آخوندِ هیز، رو به هواست امروز

عزا عزاست امروز، روزِ عزاست امروز ۲۰۶۷ واسهٔ آخوندِ حوضِ عَن، اینجا به پاست امروز

۲	<b>آخوند و شیپیش</b>	۳۰۱
---	----------------------	-----



هرکی به فکرِ خویشه ۲۰۶۸ آخوندِ فکرِ شیپیشه

مِلتِ شیپیش را رونده ۲۰۶۹ شیپیشِ فکرِ آخونده

۲	<b>کرونای مُفت</b>	۳۰۲
---	--------------------	-----



کرونا رو مُفت ۲۰۷۰ از چین آوردن

آخوندِ دروغِ گُفت ۲۰۷۱ هزارها مُردن

۱	<b>آخوندِ جایِ نخبه</b>	۳۰۳
---	-------------------------	-----

نُخبه هامون رو کُشتند ۲۰۷۲ به جاشِ آخوندِ گذاشتند

۲	رَمال	۳۰۴
---	-------	-----

لوله تو دیوار ترکیب ۲۰۷۳ گلاب اموال رو برده

به لوله کش نیاز داریم ۲۰۷۴ آخوند رمال آورده

۱	خَر یا اسب	۳۰۵
---	------------	-----

آخوند روی خر میتازه ۲۰۷۵ اسب ها رو باربر میسازه



۱	چُسِ فیل یا شاشِ شتر	۳۰۶
---	----------------------	-----

آبجو تگرگو چُسِ فیل، باعثِ ملا وحشه ۲۰۷۶ به جاش داریم شاشِ شتر و روغنِ بنفشه

۲	آخوندِ خُل، دشمنِ زن	۳۰۷
---	----------------------	-----

۵۰ سال زندان برای تقدیمِ گل؟ ۲۰۷۷ زنهای ما رو کردن برده آخوندِ خُل

یه دزدِ میهن، یه دشمنِ زن ۲۰۷۸ سزای دشمن، فقط حوضِ عن

۱	پوستینِ وارونه	۳۰۸
---	----------------	-----

شاه رو بر انداختند و ملا کردند ۲۰۷۹ پوستین رو وارونه تنِ ما کردند

۱	قُلابی	۳۰۹
---	--------	-----

”روحانیون“ شاید درست حسابی اند ۲۰۸۰ ”ملا“، ”آخوند“، ”عمام“، همه قُلابی اند

جیبِ آخوند تَه نداره ۲۰۸۱ عالم و آبله نداره

جَهْلِ آخوند حَد نداره ۲۰۸۲ آخوند مُرَوْت نداره



ملت گدایی می‌کند ۲۰۸۳ آخوند خدایی می‌کند

آخوندکِ پَرت و پلا ۲۰۸۴ بخوره سَرت درد و بلا

چیه که ۱۰ متره و دورِ یه عَن پیچیده؟ ۲۰۸۵ اون یه عمامه آخونده، که عَن بَلعیده

بَسَه دیگه فَشَفِشَه ۲۰۸۶ آخوند باید گُم بَشَه

ایران مالِ ایرانیست ۲۰۸۷ جای آخوند، ایران نیست

فَاتِحَه ای برای خود بخوانید ۲۰۸۸ تُو حوضِ عَن تا به گلو بمانید

آخوندِ خَر باید پَره ۲۰۸۹ تُو حوضِ عَن تا خِرِخِرَه

آخوندیت، کثافت بسوزی در حقارت



ما اهل آتش هستیم تازی نمپیرستیم



هزار دستِ الاغِ الدوله



### سردار سلامی و کرونایاب سپاه

- سپاه کرونا یاب بساخت به اُمت ۲۰۹۰ آنتن رو منته، با سنج هیأت
- تفنگ آب پاش، با درِ قابلمه ۲۰۹۱ شعورِ سردار کمتر از شلغمه
- یه ویروسِ دو قطبی؟ ۲۰۹۲ ویروسِ مغناطیسی؟
- مُفت خوریِ دو لپی ۲۰۹۳ ولایتِ سانديسی

سلامی، سلامی، تو دلکِ نظامی ۲۰۹۴ یه ماستِ دارِ تمامی، وِبا، تیغوس، جُدّامی

باردار سلامی:

فشتم ما ، فشتم گرگ - وایبی یشتم و کرک

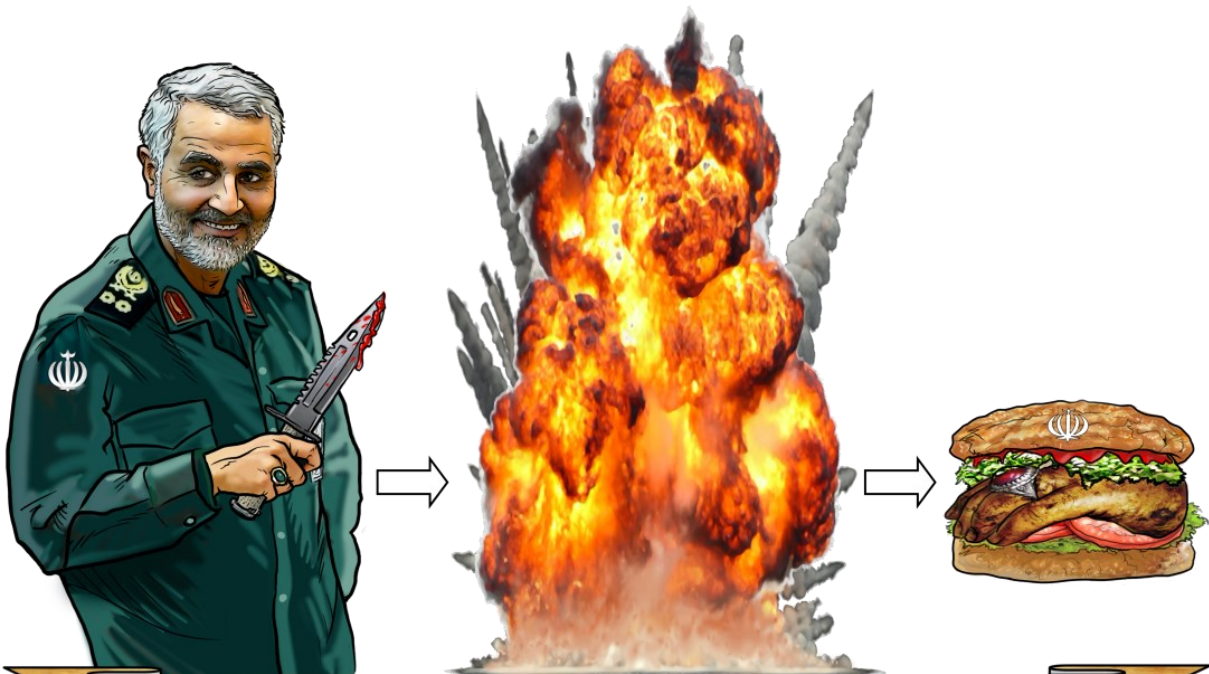
آرزوی رهبرِ فرسودگان در مراسم ذولفقارِ سردار سلیمانی:

خدای متعال عاقبت  
ایشان را با شهادت  
قرار بدهد

عصا  
۱۹ اسفند ماه ۹۷



رهبر که شد آخوندِ خر، به باخت و ذلت اسیری ۲۰۹۰ کدوم الاغ به فرماندش میگه: "الهی بمیری!؟"



آرزوی به واقعیت پیوسته آخوندِ خر خامنه ای برای جلاِ جانی سلیمانی



سردارِ قومِ جانیان راکت شد ۲۰۹۶ زیادی وِر زَد، ناگهان کُتلت شد





یه خون خوارِ عالی بود، یه طبل تو خالی بود

سر لشکرِ جنگ و دود، قاسم سلیمانی بود

۱۵۰۰ نفر ۲۰۹۷ کشته‌آبان ماست

رژیم آخوند خَر ۲۰۹۸ دشمن ایران ماست

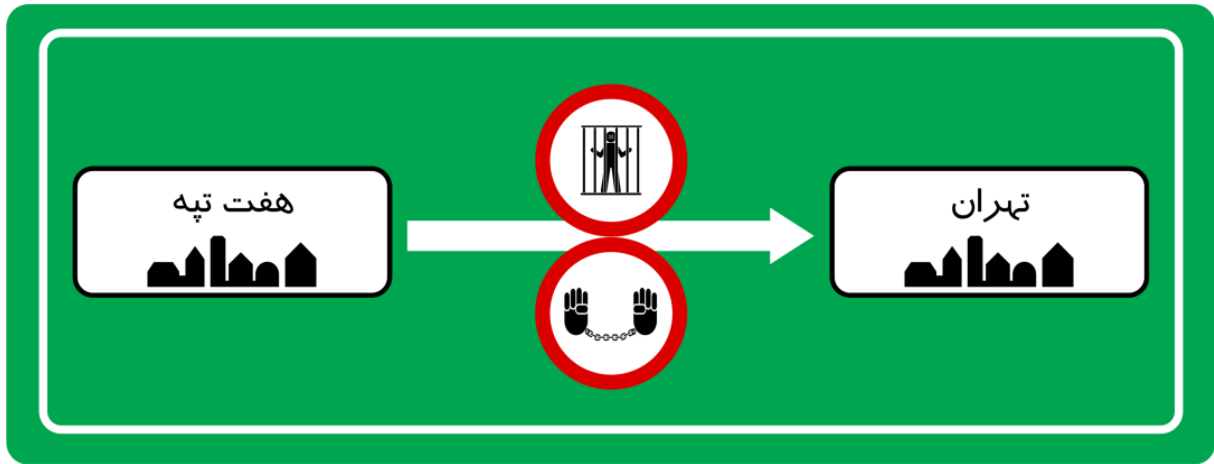
سپاه ماست دلّک ۲۰۹۹ با انگشت روی موشک

اژدر شده بادبادک ۲۱۰۰ جوانمرگ در کُنارک



بَس خونِ مسافر از هوا میچکه پایین ۲۱۰۱ پروازِ خودی، مهرآباد و یاسوج، اوکراین

کشته‌های پرواز اوکراین، یکایک عقَلِشون ۲۱۰۲ بالا تر از تمام این ۴۰ سال سَرانِ حیفِ نون



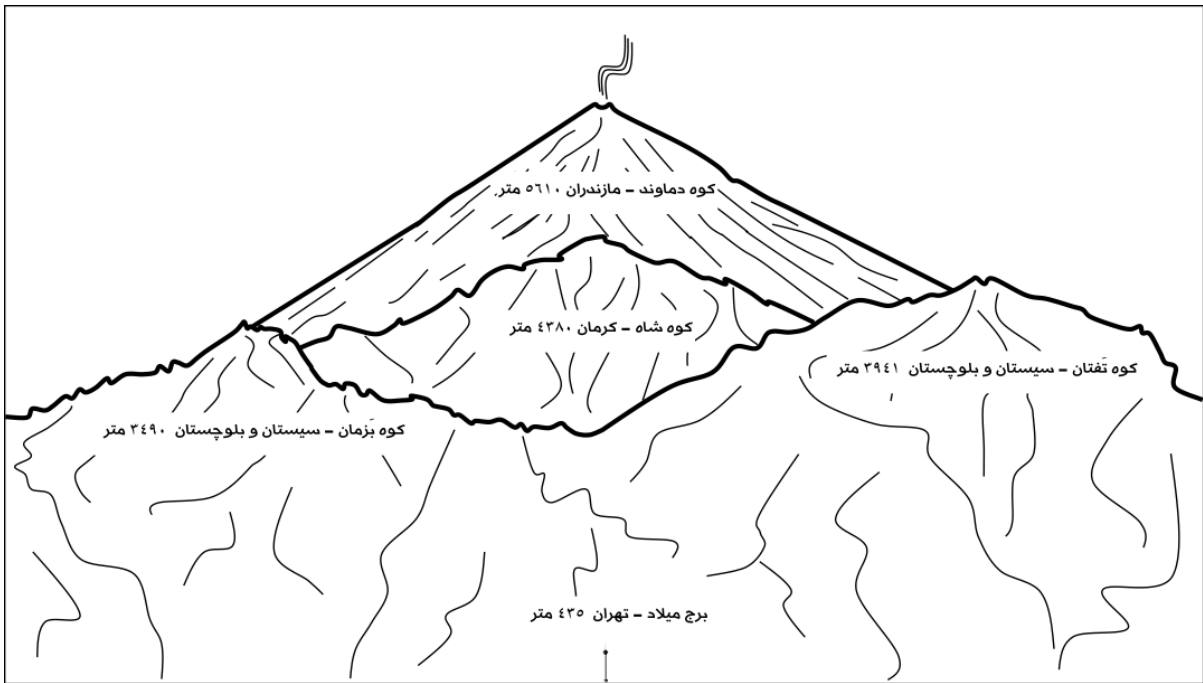
از هفت تپه تا تهران ۲۱۰۳ زحمتکشانشان در زندان

مردم نقره داغ شده! ۲۱۰۴ ثروتمون قاچاق شده!

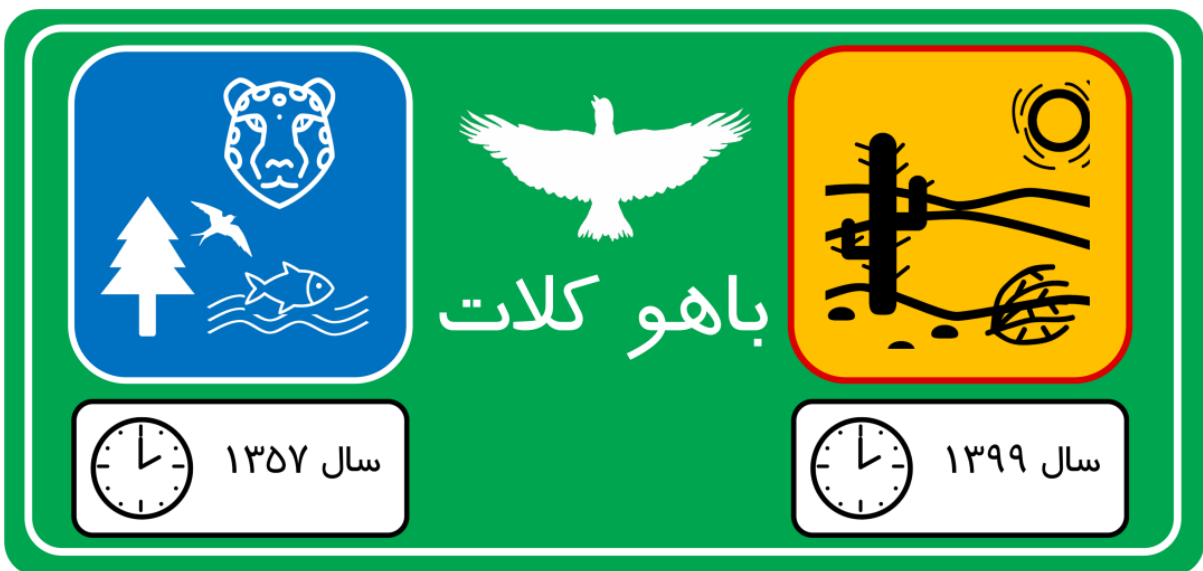
آخوند خُل دزدیده از هر دیاری ۲۱۰۵ نساخته یک پل واسه بختیاری



آخوند بیا ثواب کن ۲۱۰۶ جازموریان پر آب کن



بَزْمَان تا تَفْتان ۲۱۰۷ جنگل و حیوان



فنا کردند بَاهو کَلات ۲۱۰۸ هزار دست و آخوند لات

۱	چابهار	۳۳۰
---	--------	-----

سرقت مال ایران، در آینده محاله ۲۱۰۹ شروع آبادی ما، از شهر چابهاره

۱	ماست بلوچ	۳۳۱
---	-----------	-----

دزدی نفت، زندگی پوچ ۲۱۱۰ فرو تو ماست هر بلوچ

۱	خاک طلا	۳۳۲
---	---------	-----

آخوند به ایران و سریشت بلا شد ۲۱۱۱ تو گردستان دزدی خاک طلا شد

۱	خاک به سر	۳۳۳
---	-----------	-----

باید رها شیم از آخوند و عیشون ۲۱۱۲ خاک را میدزدند که بریزند سریشون

۱	کولبر	۳۳۴
---	-------	-----

سپاه، نوچه رهبره ۲۱۱۳ دشمن جون کولبره

۲	رفتار داعش	۳۳۵
---	------------	-----

پولبرهای بی حیا رو ۲۱۱۴ رهبر نوازش میکنه

کولبرهای بی نوا رو ۲۱۱۵ رفتار داعش میکنه



۱	دزدی نفت	۳۳۶
---	----------	-----

عدالتو شروع کن ۲۱۱۶ دزدی نفتو رو کن

۱	زر	۳۳۷
---	----	-----



یک هزار دست از هوا که زر نبارید بر سرش ۲۱۱۷ این بدان یا خود او دزد است، یا که رهبرش



مجلسِ شون پُر از دزد و خَلافه ۲۱۱۸ سر لشگرِ این دزدها قالیبافه

حدادِ عادل ۲۱۱۹ شِیادِ قاتل



عَلَمِ الْهُدَا آخِرِ خَالِي بَنَدِيه ۲۱۲۰ مُعْجَزَاتِش لِنِگَهْ فِیْلِمِ هِنْدِيه

آخُونِدِ سُسْت، حَسِينِ اِنْصَارِيَانَه ۲۱۲۱ تَرِيَاكِي وَ نَشْئَهْ تُلْ عَن بِيَانَه

رئِيسِ جَمْهُورِ بِي عَار، قَبُولِ نَكُنْ تُو اَيْنِ كَار ۲۱۲۲ رُئِيمِ تُو فِكْرِ فَرَار، مِيْشِي تُو چَنْبَرِ خِيَار

# تازیانیک



رژیم تو غرقِ تاریک و ۲۱۲۳ تو باتلاقِ ماتمیه

رژیم شده تایپانیک و ۲۱۲۴ دیکاپریو شون خاتمیه

## گورباچوف

اگر به قدرت برسه این مهدی خزعلی ۲۱۲۵ میرینه به این رژیم، میشه گورباچوف سید علی

## نشان

رئیس جمهور بهانست ۲۱۲۶ کل نظام نشان است

## خرید

هزار دست، تو رییدی ۲۱۲۷ حوض عنو خریدی



چاپلوسان رژیم آخوندی



۱	تیمِ حَرَم	۳۴۷
---	------------	-----

مدافعینِ حَرَم، مهاجمینِ حَرَم ۲۱۲۸ گِلر و هافبک هم بیار، با هم بشین تیمِ حَرَم

۱	مدیر عاملِ نَنگین	۳۴۸
---	-------------------	-----

مدیر عاملِ نَنگت باد، نَنگت باد ۲۱۲۹ نَنگ بر اون رهبرِ آلدَنگت باد

۱	بی بی سیریش	۳۴۹
---	-------------	-----



بُنگاهِ بی بی سیریش برای آخوند پاچه ماله ۲۱۳۰ مهموناش دو تا شیپیش، مَجْرِیش هم آخوند پَتیاره

۲	مَنجَلاب	۳۵۰
---	----------	-----

تُرابی، تُرابی، عجب چاپلوسِ نابی ۲۱۳۱ تو پاچه خوارِ ضحاک، تو غَرَقِ مَنجَلابی

تُرابی، تُرابی، عجب چاپلوسِ نابی ۲۱۳۲ زِ جان رفت دُختِ آبی، همه بیدار، تو خوابی

۲	دوش و دَرِپیت	۳۵۱
---	---------------	-----

یابو الاغ، سیریش سُرُوش، شیپیش برو تو زیرِ دوش ۲۱۳۳ مَلا دیدی، پریدی روش؟ تاریکیتو مُفت نَفروش

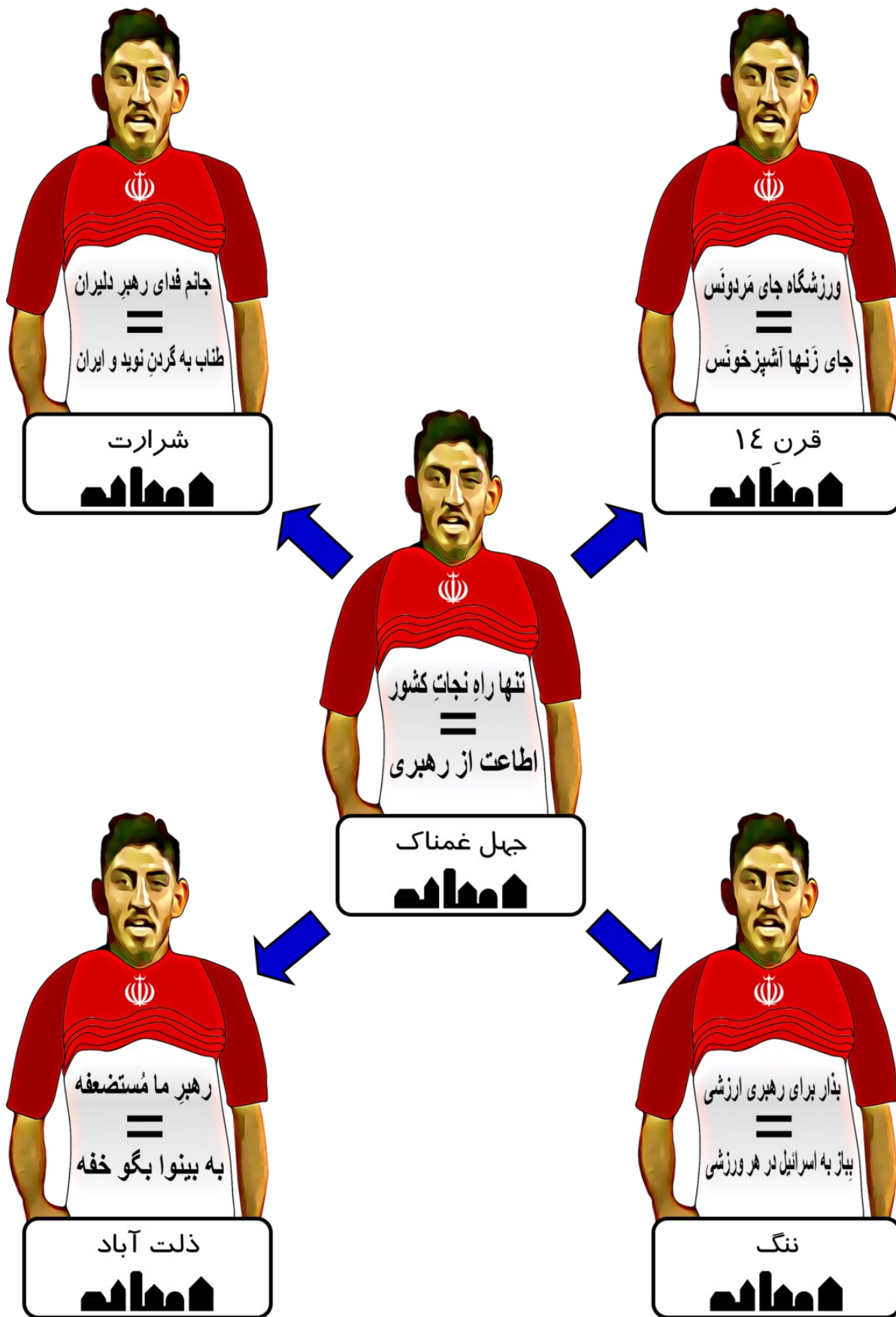
گَلزارشون خیلی خیطه، مَداح و دزدِ دَرِپیته ۲۱۳۴ اَنتی زَنه، عَن تیلپتِه، فکر میکنه بَرَدِ پیتِه

۲	مَسئولِ ناکارا	۳۵۲
---	----------------	-----

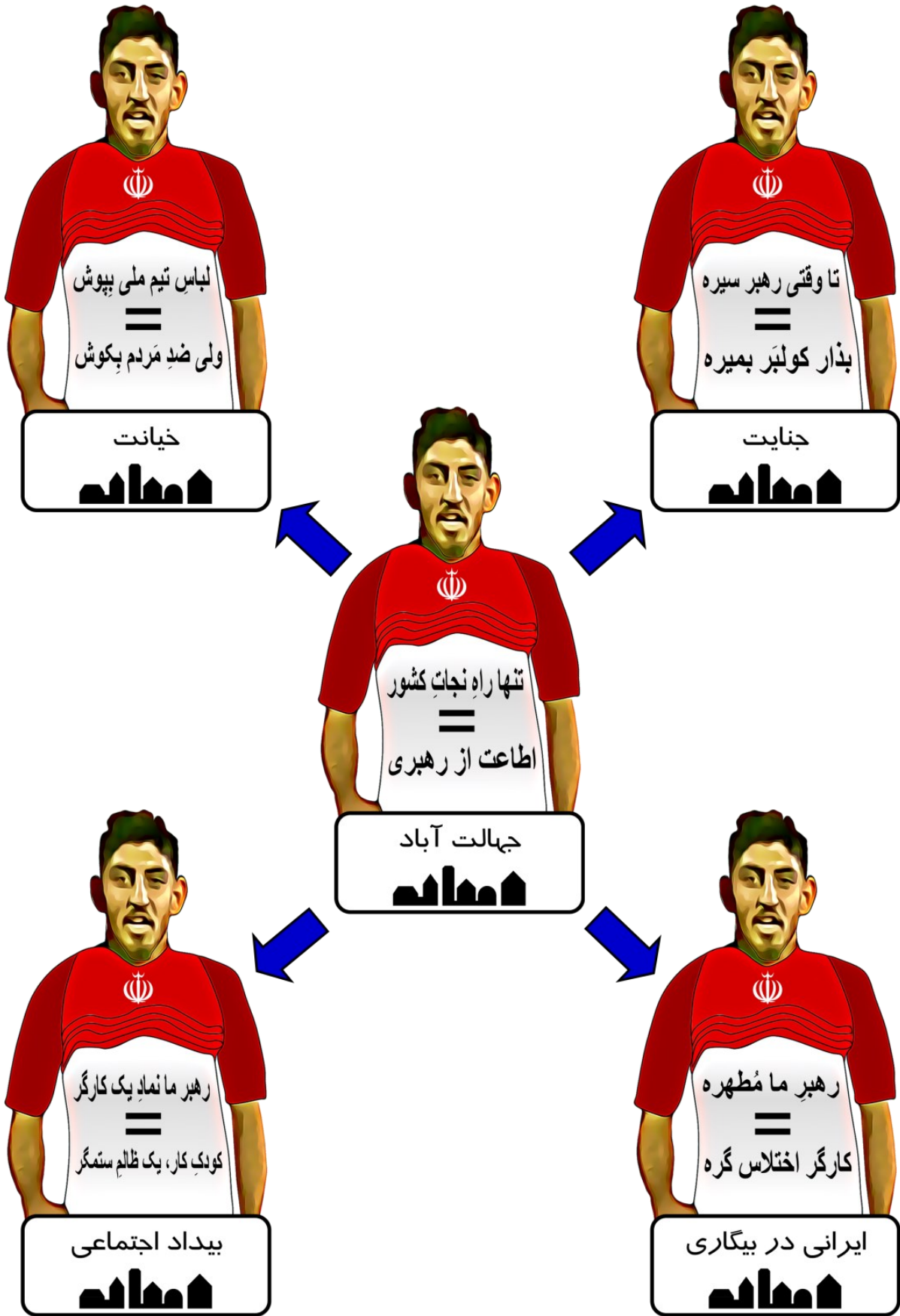
رژیمِ جَهل و گُمراه ۲۱۳۵ برانده از ایران پول

مَسئولِ ما ناکارا ۲۱۳۶ کارای ما نا مسئول

“تنها راه نجات کشور” یعنی کشور در استانه غرق شدن در منجلاب مشکلات است



“اطاعت از رهبری” یعنی قبول کردنِ کُلِ پندار، گفتار و کردارِ او



افسوس	جنایت
سرزنش	مرگ
لرزش	هراس
آشفته‌گی	وحشت
مصیبت	ریا
بی‌بوسه	یأس

- آبان، دی و خرداد ۲۱۳۷ جمهوری، مرگ و بیداد
- امنیت پوشالی ۲۱۳۸ جمهوری تو خالی
- نظام جنگ و گرگری ۲۱۳۹ جمهوری مرده خوری
- آخوند ظلم مغول کرد ۲۱۴۰ جمهوری ما رو خل کرد
- جمهوری کثافت ۲۱۴۱ کشور رو کرده غارت
- جمهوری عمامت ۲۱۴۲ ذلت زیر اُمت
- جمهوری حقارت، بسه دیگه حماقت ۲۱۴۳ ریدم به این ولایت، بیدار شین ای ملت

مردم سر دوراهی: نظام پادشاهی؟ ۲۱۴۴ یا جمهور الهی و فکاهی و جنایی؟

جمهور نمی پذیریم ۲۱۴۵ ایرانو پس میگیریم

- ایران، شاه نوری ۲۱۴۶ جمهوری یعنی کوری
- ایران، شاه وحدت ۲۱۴۷ جمهوری یعنی ذلت
- ایران بی نخست وزیر ۲۱۴۸ ایران حقیر، مردم صغیر
- ایران با جمهوریت ۲۱۴۹ کرده ما رو بی هویت
- خسته شدیم ما از نظام ضحاک ۲۱۵۰ جمهوری آخوند، منقل و تریاک
- خواستار ما یک فرهنگشاه فریدون ۲۱۵۱ نخواستیم ما جمهوری، شیخ حیون
- نخست وزیر باید بیاد تو میدون ۲۱۵۲ تا بندازیم جمهوریت رو بیرون

حفاظت از ملیت ۲۱۵۳ پایان جمهوریت

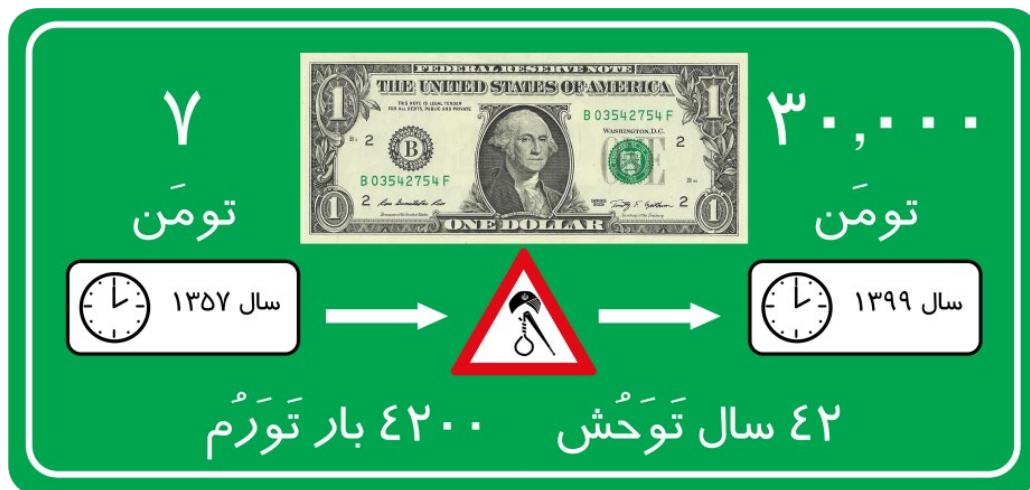


(نخستین شعار این کتاب از اردیبهشت سال ۱۳۶۳ در سن ۱۰ سالگی دیداد)



جنگ کمرِ ما کرد ۲ نیم ۲۱۰۴ خسته ایم از این نظام

کوپن داری عوض کنیم؟ ۲۱۰۰ ریدم به روحِ عمام



آخوندِ خَر با اقتصادِ خَرمدار ۲۱۰۶ دلارو ۷ تومن گرفت، کرد ۳۰ هزار

اگر به نقدِ این نظام بگی: مردم بیدار شین ۲۱۰۷ به گوه خوری میندازنت، با اعتراف تو ماشین

هرکی اومد گفت: میگم سرت بذار روسری ۲۱۰۸ به آمر معروفش بخند، بگو: تو خیلی خری

۲	دستمالِ کثافت	۳۵۸
---	---------------	-----

سه تیغ بکن قیافت ۲۱۵۹ وقتی شیپیش تو ریشه

با دستمالِ کثافت ۲۱۶۰ پنجره پاک همیشه

۱	طناب و گردن	۳۵۹
---	-------------	-----

نوید را گشتند بی گناه، گفتش طناب به گردن: ۲۱۶۱ ”دنبالِ گردن برای طنابشون میگردن“



۱	دوست و دشمن	۳۶۰
---	-------------	-----

۱۵ د

دوست دانا دوست داره، دستبند دستت دراره ۲۱۶۲ دشمن دزد دروغین، دژخیم دشمنه داره

۱	شامگاه	۳۶۱
---	--------	-----

۱۶ ش

شامگاه، شیشه شرابو شب شعارِ شادمَنش ۲۱۶۳ شب شعارها شیخ شِیادو شاشونده شلوارش

۲	دویدیم	۳۶۲
---	--------	-----

۴۰ ساله دویدیم ۲۱۶۴ فقط دروغ شنیدیم

روزگاری ندیدیم ۲۱۶۵ به مرزِ مرگ رسیدم

تظاهراتو دیدیم ۲۱۶۶ به روزِ ملا رسیدیم





عکسِ عَنچین از سَرانِ جمهوری اسلامی

جواد ظریف بازنده گزافه ۲۱۶۷ لاریجانی تو فکر انحرافه

روحانی که عشقِ دورغ و لافه ۲۱۶۸ محمود "بگم" عشقِ لات و خلافه

رئیس که شمشیر بی غلافه ۲۱۶۹ موسوی یک عمره زیر لحافه

خمینی گفت: عاشقِ بچه نافه ۲۱۷۰ جنتی هم تو فکر نو زفافه

خاتمی میگردن داره، پی شیافه ۲۱۷۱ پول من و تو جیبِ قالیبافه

خامنه ای که دلالِ خرافه ۲۱۷۲ تاختنِ دزدها روی جاده صافه

علاج ما یک فرهنگِ مصافه ۲۱۷۳ شکست این رژیم با ائتلافه

تک نفری پاکی این خانه محاله ۲۱۷۴ این آزادی بها داره، بهانه نداره



نخست دشمن یونانی ۲۱۷۵ سپس دشمن تازیانی

اکنون آخوندهای جانی ۲۱۷۶ میگیریم: تا ۳ نزه، بهار پره

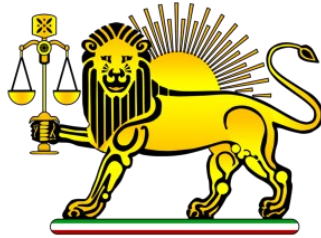


نخست مهرداد اشکانی ۲۱۷۷ سپس رادمان سیستانی

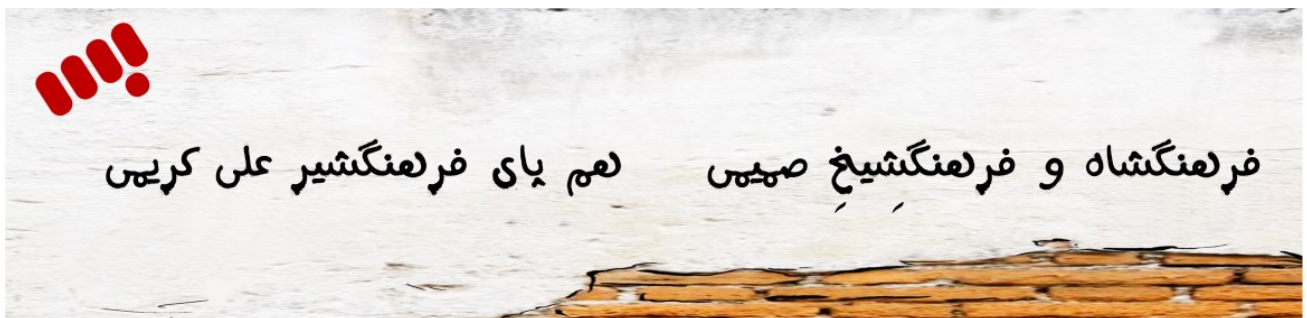
اکنون قیام ایرانی ۲۱۷۸ میگیریم: تا ۳ نشه، بازی نشه

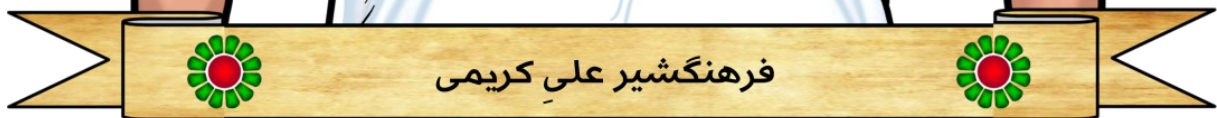
آخوند دشمن ماست ۲۱۷۹ ایران کشور ماست

فرهنگ ما پیروز شود در آخر ۲۱۸۰ کریمی و بروجردی و دادگر

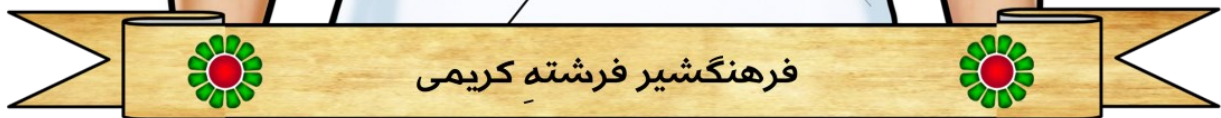
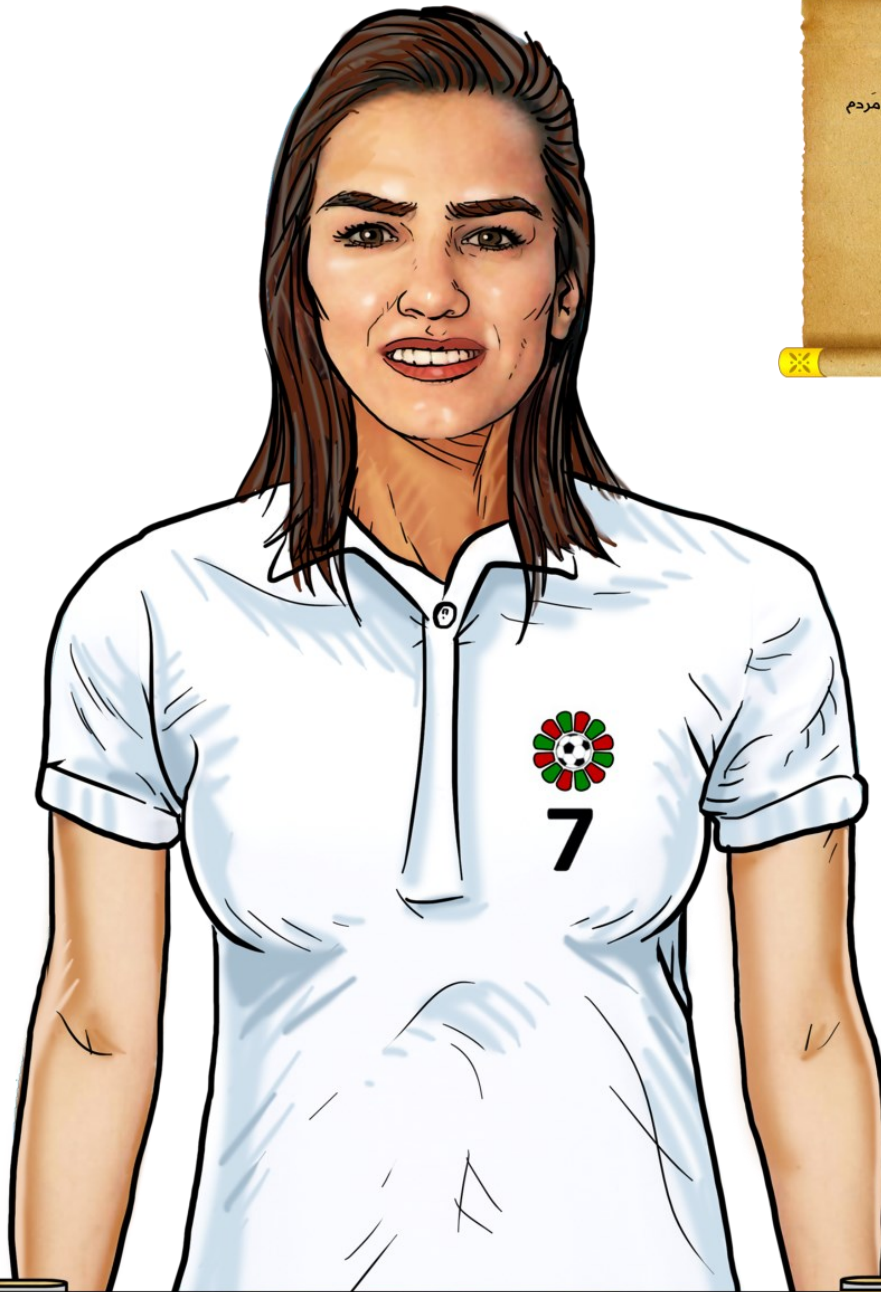


علی، حسین، رضای ما برابر ۲۱۸۱ کریمی و بروجردی و دادگر





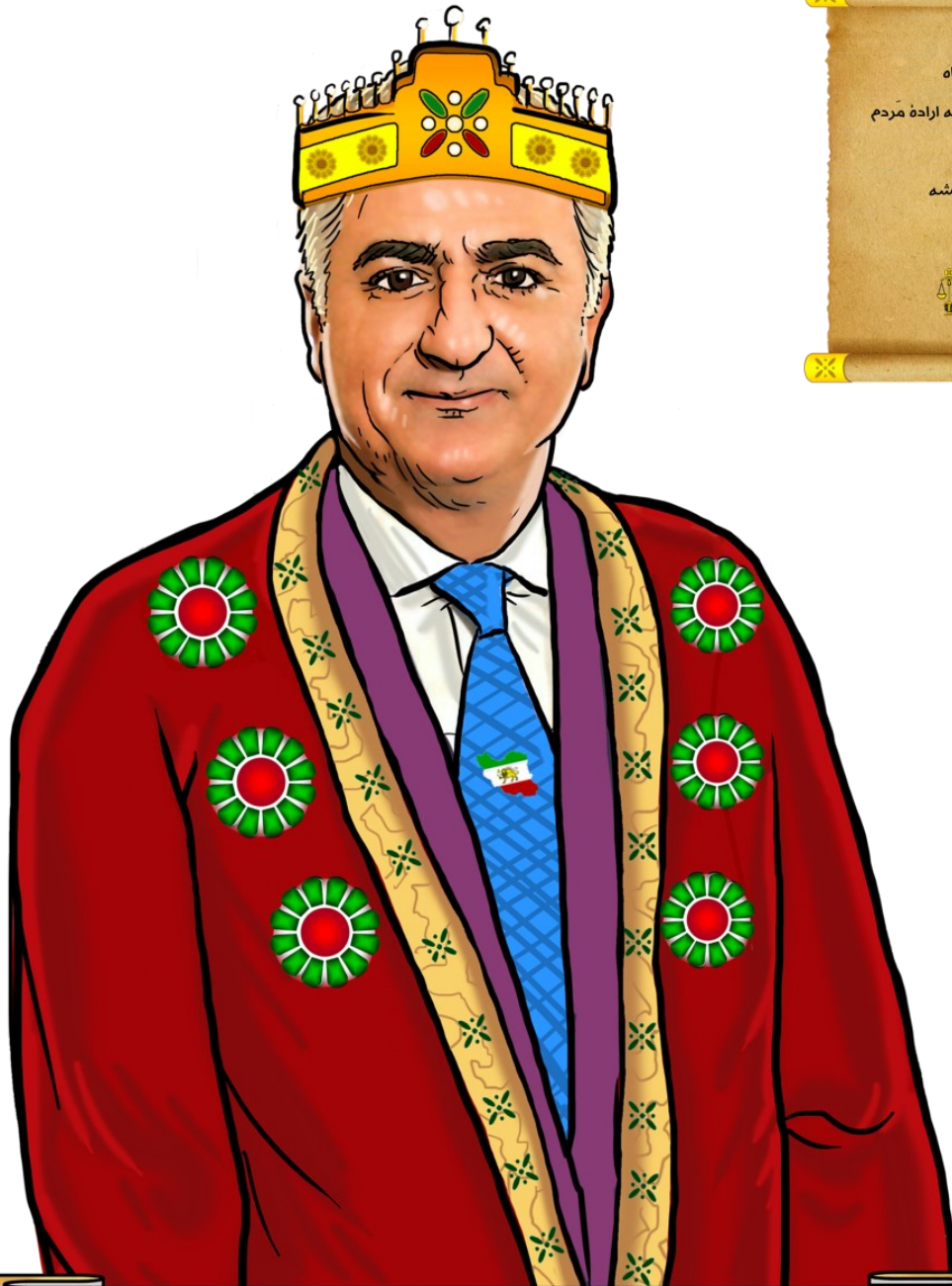
فرهنگشیرِ دلاور ۲۱۸۲ کریمیِ جادوگر



فرشته کریمی ۲۱۸۲ شیر ایران زمینی

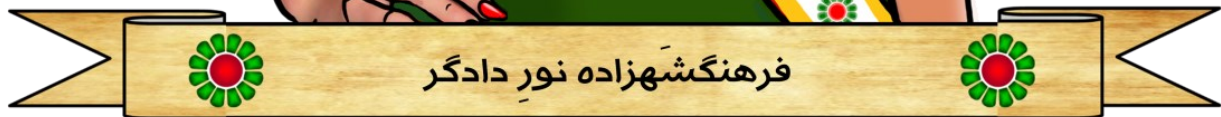


فرهنگ‌شایخ ما کیه؟ ۲۱۸۴ کاظم بروجردیه



فرهنگشاه رضا دادگر

رضا، رضای دادگر ۲۱۸۵ ریده به روز رهبر  
 رضا، رضای دادگر ۲۱۸۶ آخوند یه گله عنتر  
 رضا، رضای دادگر ۲۱۸۷ آخوند در عن شناور



ارادت ما به شهزاده نور ۲۱۸۸ خاری تو چشمان هر آخوند کور

ایران زمین با من و تو ۲۱۸۹ من و تو بر ایران نو





حکومتِ وحشتناک ۲۱۹۰ محصولِ شیخِ ضحاک

شکستِ این حکومت ۲۱۹۱ فقط به دستِ ملت

ما شبِ یلدا کنیم آغاز این نیک انجمن ۲۱۹۲ هر که هست بشکن، به پا خیزد بر ایران وطن

چون شبِ یلدا بود تاریک و بس گسترده طول ۲۱۹۳ گر کنیم درنگ، ببازیم ما سرشت و جان و پول

ما ز یلدا در ره ایران کنیم کار خرد ۲۱۹۴ گر که اهریمن نرد، یلدا به پایان نرسد

هیچ گاه در این قیام، شلیک نکن تو با سلاح ۲۱۹۵ چون سلاح ما بود نقد، نه نقد ما سلاح

شورشِ نا خردانه، هدر انرژی است ۲۱۹۶ چون نخست گام کتاب، یک انقلاب فکری است

گر ز یلدا شب کنیم آغاز ما ۶ گام مان ۲۱۹۷ تا به یلدای نوین نابود شوند ضحاکیان

۲۰ خواستار از حکومت، خود رویم ۶ گام ناب ۲۱۹۸ تا که نیک "خورشید تابان" بشکند سنگینه خواب

تو با این کتاب کن آگاه، کل ایران پس از این ۲۱۹۹ تا کنیم ما شبِ یلدا را با آفتاب جایگزین

پس بر ایران مردم، شبِ یلدا را بنام ۲۲۰۰ پس از این شب، راه بازگشتی ندارد این قیام



بخش ۶: گزینش  
(گامِ انتخابِ ملی)

۶



گزینش



در ۳۹ شعر و ۳۰۰ بیت



- ۲۲۰۱ شاید آمرِ لو دادن، بشه در هر شرکت اصول  
 حال که ما دستگیر نمودیم، یک هزار و یک چاپول
- ۲۲۰۲ شد که شد! کل نهاد، نباید بریزه به هم  
 گر که فردی به هزاردستی بشد او متهم
- ۲۲۰۳ وقتی نیست، معاونش جای او باشد جانشین  
 او شود پاسخگو در دادگاهِ کاوه، پس از این
- ۲۲۰۴ باز گردد او به کار خویش، در آن نیک کارگاه  
 گر که بود میلیون مست و شناخته شد او بی گناه
- ۲۲۰۵ آن زمان، فردِ جدید، گزیند آن نیک انجمن  
 اما گر او بود هزار دست و زندان خرید به تن
- ۲۲۰۶ گر به کار گیریم خرد، یابیم یه بی آزار گذار  
 تو نباش دلواپسِ تغییر در اندک روز شمار



با خرد، نان خردمند آندر روغن کباب است  
 اما گر خرد به کار نگیری، جانّت در عذاب است

- ۲۲۰۷ ما بر ایرانیت باید کنیم یک انتخاب  
 حال که ما دستگیر نمودیم، یک هزار و یک خراب
- ۲۲۰۸ با خرد، خود در ره ایران کنی ناب انتخاب  
 گر که رفتی تا کنون، تو یک یک گام از این کتاب
- ۲۲۰۹ نه دگر نیایش و مالش، چون آن خیریت است  
 انتخاب: انسانیت، هویت و ملیت است
- ۲۲۱۰ یا که بشنو پند ما، گمراهی را بریز به جوب  
 تو بکن خود از بر ایران، انتخاب خوب

حق رأی به یک نظام ۲۲۱۱ حق بزرگ مردم است

ما فقط پند دهیم ۲۲۱۲ چه نیک و چه سر در گم است

زور = انتصاب      پند = انتخاب

ما داریم ۲۰ خواستار برای هر سیاست نفر ۲۲۱۳ خواستار ما بود کامل تر از حق بشر

گر تو لیست ۳۰ حقوق بشری را بنگری ۲۲۱۴ این حقوق هستند جهانگیر، ساده و سراسری

ما به فرم ایران این ۲۰ خواستار را ساخته ایم ۲۲۱۵ ۳۰ حقوق بشرو، در ۲۰ خواست جا داده ایم

غیر از آن داریم به ایران بیشتر از ۱۰ خواستار ۲۲۱۶ هیچ یک از این ویژه خواست، حق بشر نکرد نگار:

حق زیست، خدمت اجتماع، پزشکی رایگان ۲۲۱۷ نه به کودکان دُخان، رسیدگی به ناتوان

جنگ با اعتیاد و پیشرفت تو هر استان گل ۲۲۱۸ ارتش حرفه ای و نابودی فساد، به کل

نیروی بهخا، با احترام کامل به سرشت ۲۲۱۹ حق پوشناز و تجارت در نوین ایران بهشت

حق نوشیدن الکل، به کبیر در می کده ۲۲۲۰ شاه فرهنگ، و شیخ، که خدمتگر ملته



لیست ۳۰ حق بشر باشد به نوع مخلوط ردیف ۲۲۲۱ نتواند ردیف ۲۰ خواستار شود حریف

چون ردیف ۲۰ خواستار ما هست بهر نیاز ۲۲۲۲ آب، هوا، غذا یکه، شماره ۲۰ هست پوشناز

ما میگیریم سپاس و تقدیر به حقوق بشرین ۲۲۲۳ اما بر ایران ما ۲۰ خواستار هست بهترین

۳۸۱

### ایران مردم هماهنگ با اهداف سازمان ملل

۲



این بدان بین الملل سازمانش هست ۱۷ هدف ۲۲۲۴ هر کدام در ۲۰ خواستار شدند ردیف و صف

هر چه داشت ربطی به ایران، بود آن آرمان ما ۲۲۲۵ ما بگردیم ۲۰ خواستار، با ملل خواست، هم صدا

۳۸۲

### شباهت "جمهوری" و "سیگار"

۲



تریاکو راه هروئین شروع میشن از سیگار ۲۲۲۶ جمهوری میشه فدرال، بعد میشه تجزیه کار

جمهوری و نخ سیگار فرقی با هم پس ندارند ۲۲۲۷ راهی که جفتی میزند، خطر به سوی پرتگاهند

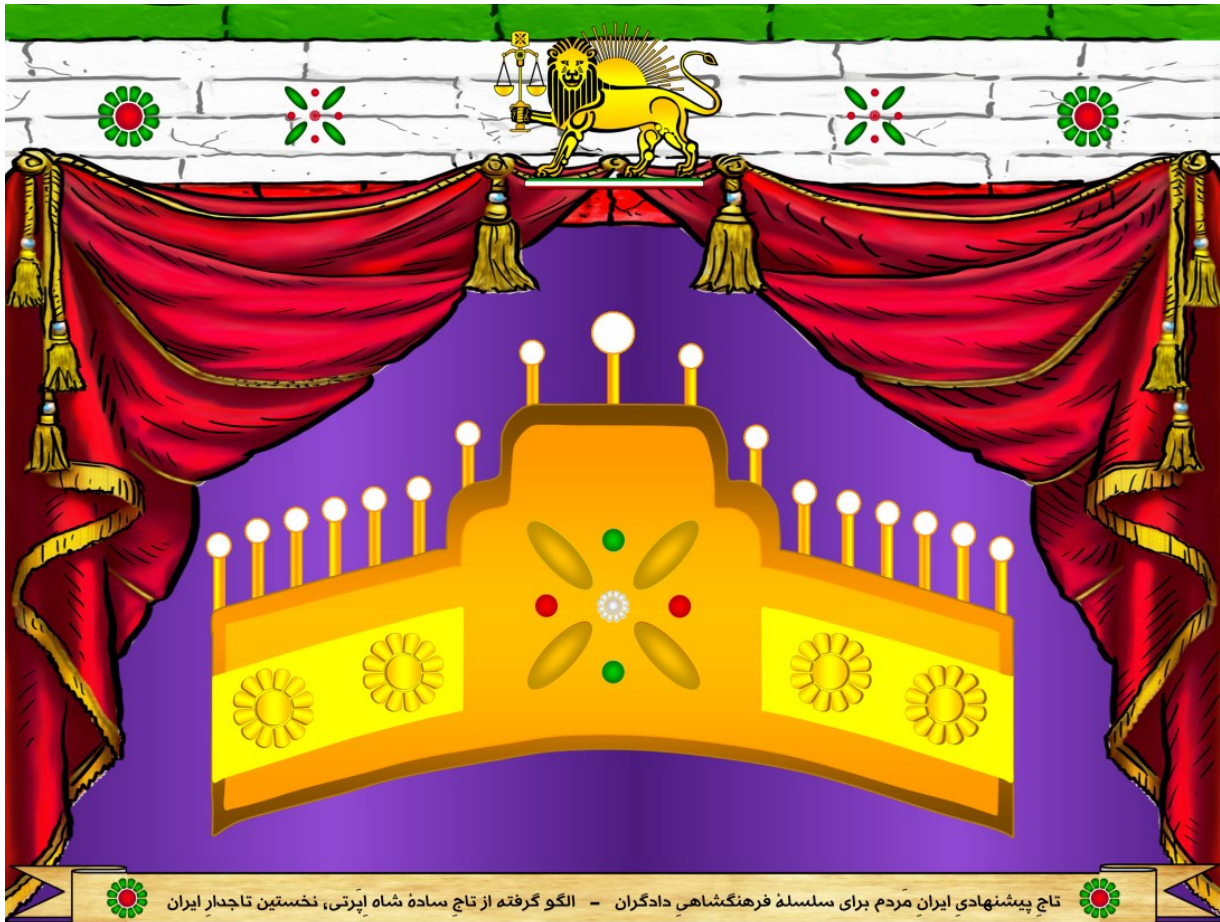
ما شدیم خسته از این خطر، سقوط، نفاقمان ۲۲۲۸ خواست ماست، امنیت و خرد به خاک ایرانمان



- سیستمِ جمهوری اسلامی نبودِ جمهوریت ۲۲۲۹ اما بود دیکتاتوری، و ضدِ هر انسانیت
- دیکتاتور درونِ مرزِ خود کند بد تاراج ۲۲۳۰ اما او به مرزِ کشورش دارد یک احتیاج
- پس بدان جمهوری اسلامی هر چند بود گولوش ۲۲۳۱ اما در نخست نبود آن یک نظامِ مرز فروش
- اما گر جمهوری واقعی به ایران بیاد ۲۲۳۲ آن زمان هر گدخدا گوزیده، بوی جنگ میاد
- استانِ غنی کند "جدا اقتصاد" انتخاب ۲۲۳۳ استان فقیر شود در آن زمان یک سیخ کباب
- خواستِ ما بهر ایرانی، رادمان و شادی است ۲۲۳۴ آرمان به هر وجب خاکِ ایران، آبادی است
- گر چه پول تو تهران و اصفهان و خوزستانه ۲۲۳۵ راه آبادی ایران از بلوچ و کرمانه
- ما فقط با وحدتِ ایران شویم رها ز بد ۲۲۳۶ ما با یک ایران کنیم ایرانیت نیک عاقبت
- پس اگر تا عاقبت میخواهی "یک ایران" بمانی ۲۲۳۷ تنها راه ما بود پادشاهی پارلمانی
- تو گولِ اسلامی "جمهوری" که داشتیم را نخور ۲۲۳۸ اگر ایران هست همیشه، جمهوری هست یک همیشه بُر

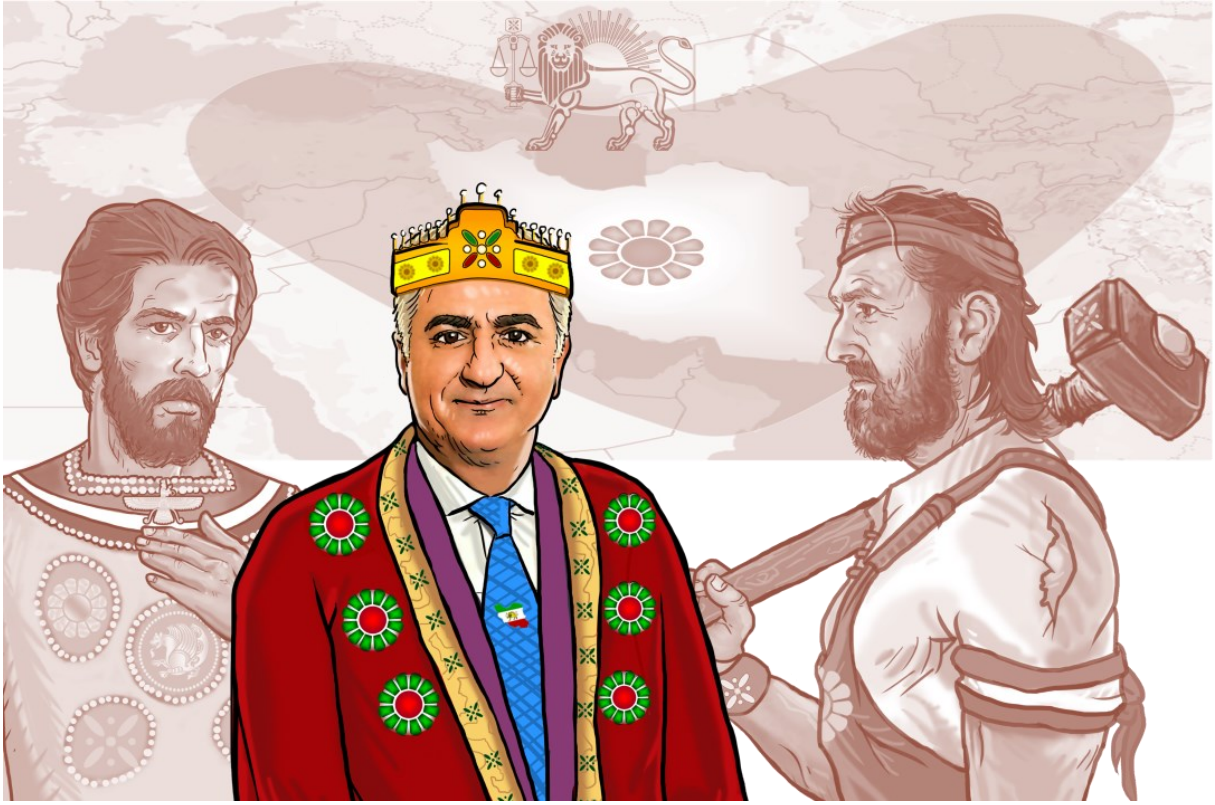






- هر نظام داشته باشیم، خاک ایران مقدس است ۲۲۳۹ پس سخن در مورد تجزیه، کار کَرکَس است
- ما بر ایران باید بسازیم یک تضمینیه ۲۲۴۰ که یه وقت حمله نشیم از فِدِرال و تجزیه
- وقتی در ایران باشه پادشاهی پارلمانی ۲۲۴۱ آن زمان گوئیم: وطن ایران! تو در نیک امانی!
- باشد این فرهنگشاه از ایران باستان یادگار ۲۲۴۲ فرد او بود به ایران، یک آبر "مرز پاسدار"
- باز در ایران او کند ملی هویت بر قرار ۲۲۴۳ آن زمان فِدِرایست، تجزیه طلب کنند فرار
- گر چه فرهنگشاه به هیچ سیاستی کار نداره ۲۲۴۴ بهترین گارانتی را به مرز ایران میاره
- شاید این ارزان ترین تضمین مرز ایران باشه ۲۲۴۵ ایران پادشاه دار، محاله از هم پپاشه
- نتوانند دگر، پندار به تجزیه کنند ۲۲۴۶ نتوانند دگر، قلب ما پر جریحه کنند
- و بدان بین رئیس جمهور و یا نخست وزیر ۲۲۴۷ فرق کارشان بود اندک، و شاید چشم نگیر
- اما با نخست وزیر، تضمین خاک از آن ماست ۲۲۴۸ با ما فرهنگشاه، نگهبان سه رنگ ایران ماست

جشن ملی ۹ آبان - زادروز فرهنگشاه رضا دادگر، امروز با سالروز سوگند نهائندی از سال ۶۴۴ میلادی، چون نشان دادخواهی کاویان است.



رضاءِ رضای دادگر ۲۲۴۹ با کاوه آهنگر

رضاءِ رضای دادگر ۲۲۵۰ سوگندِ ما فرا تر

رضاءِ رضای دادگر ۲۲۵۱ از باختر تا خاور

رضاءِ رضای دادگر ۲۲۵۲ برای ایران سپر

رضاءِ رضای دادگر ۲۲۵۳ حامی هر کارگر

رضاءِ رضای دادگر ۲۲۵۴ صدایِ صدای برتر

رضاءِ رضای دادگر ۲۲۵۵ ایران، ایران بهتر

ای فرهنگشاه رضا بیا ۲۲۵۶ بکن تو دادگران بنا

فرهنگشاه ۲۲۵۷ رضا شاه

پیامی به فرهنگشاه رضا دادگر



۲۲۵۸ تمدن گنج دره خود را کرد جدا از غار نشینان



۲۲۵۹ شاه هومبابا را گیل گمش داد به فنا در ایلامیان

۲۲۶۰ شاه نهم ساخت اِپرتیان گر چه خود بود سیماشکیان

۲۲۶۱ شاه دیاکو بشد نخست بزرگ شاه در ایرانمان

۲۲۶۲ کوروش انشان بکرد ایران را رها از بابلیمان

۲۲۶۳ داریوش سردار پارسیان ساختش هخامنشیان

۲۲۶۴ مهرداد بزرگ که بود شاه پارتیا او ساخت اشکانیان

۲۲۶۵ یعقوب لیث در ایران کرد کودتا بر عباسیان

۲۲۶۶ شاه رضا برگرد به ایران باش نخست شاه دادگران



چندی از شاهان "پروانه میراث شکن" ایران زمین

شمشیر و بشکن، تراز دست شیر ما ۲۲۶۷ با عدل کاویان

کلاش نخواستیم بین سیاستمدارها ۲۲۶۸ تنها خوبان

پس همه باید عوض شن ۲۲۶۹ پیش تعیین میراث را بشکن

کرمِ خاکی نه، کرمِ ابریشم ۲۲۷۰ کی من میشم، کی من میشم؟

کی یک پروانه میراث شکن میشم؟ ۲۲۷۱ کی من میشم، کی من میشم؟

### ایران که شاه نداره

۳۸۷

ایران که شاه نداره ۲۲۷۲ هر استان یک مزاره

ایران که شاه نداره ۲۲۷۳ هر گوز، یه ذکره داره

ایران که شاه نداره ۲۲۷۴ تجزیه طلب بیداره

ایران که شاه نداره ۲۲۷۵ مردم به نیش ماره

ایران که شاه نداره ۲۲۷۶ بز آب و کاه نداره

ایران که شاه نداره ۲۲۷۷ خر کولمون سواره

ایران که شاه نداره ۲۲۷۸ ایرانیت چه خواره

ایران که شاه نداره ۲۲۷۹ فرهنگ تاز به کاره



- از این کتاب تو پند بگیر ۲۲۸۰ جمهوری کرد ما را اسیر
- آخوند خدای مردم حقیر ۲۲۸۱ ایران دستِ نخستِ وزیر
- رهبرشون زالوی پیر ۲۲۸۲ هزاردستانِ باج بگیر
- رئیس جمهور، بچه صغیر ۲۲۸۳ ایران دستِ نخستِ وزیر
- زندگی مون روی حصیر ۲۲۸۴ هوای مون روغن و قیر
- آبخوری مون نمکِ کویر ۲۲۸۵ ایران دستِ نخستِ وزیر
- تغذیه مون بخور نمیر ۲۲۸۶ خوشا به یک نون و پنیر
- آستان ها مون همه فقیر ۲۲۸۷ ایران دستِ نخستِ وزیر
- خشونتِ با جنگ و تیر ۲۲۸۸ سپاهِ ماست دارِ موسیر
- موسیقی مون قرمز آژیر ۲۲۸۹ ایران دستِ نخستِ وزیر
- جامعه مون بزن بگیر ۲۲۹۰ آخوند کرده ما ها رو زیر
- بچه ها دود و دم بگیر ۲۲۹۱ ایران دستِ نخستِ وزیر
- جلاد ها رو کردند امیر ۲۲۹۲ زندانهای از پیش بمیر
- شکنجه آپدیت و اخیر ۲۲۹۳ ایران دستِ نخستِ وزیر
- مواد کرده جوان اسیر ۲۲۹۴ دخترها اموالِ اجیر
- آخوندیت برو بمیر! ۲۲۹۵ ایران دستِ نخستِ وزیر

# نخست وزیر ایران



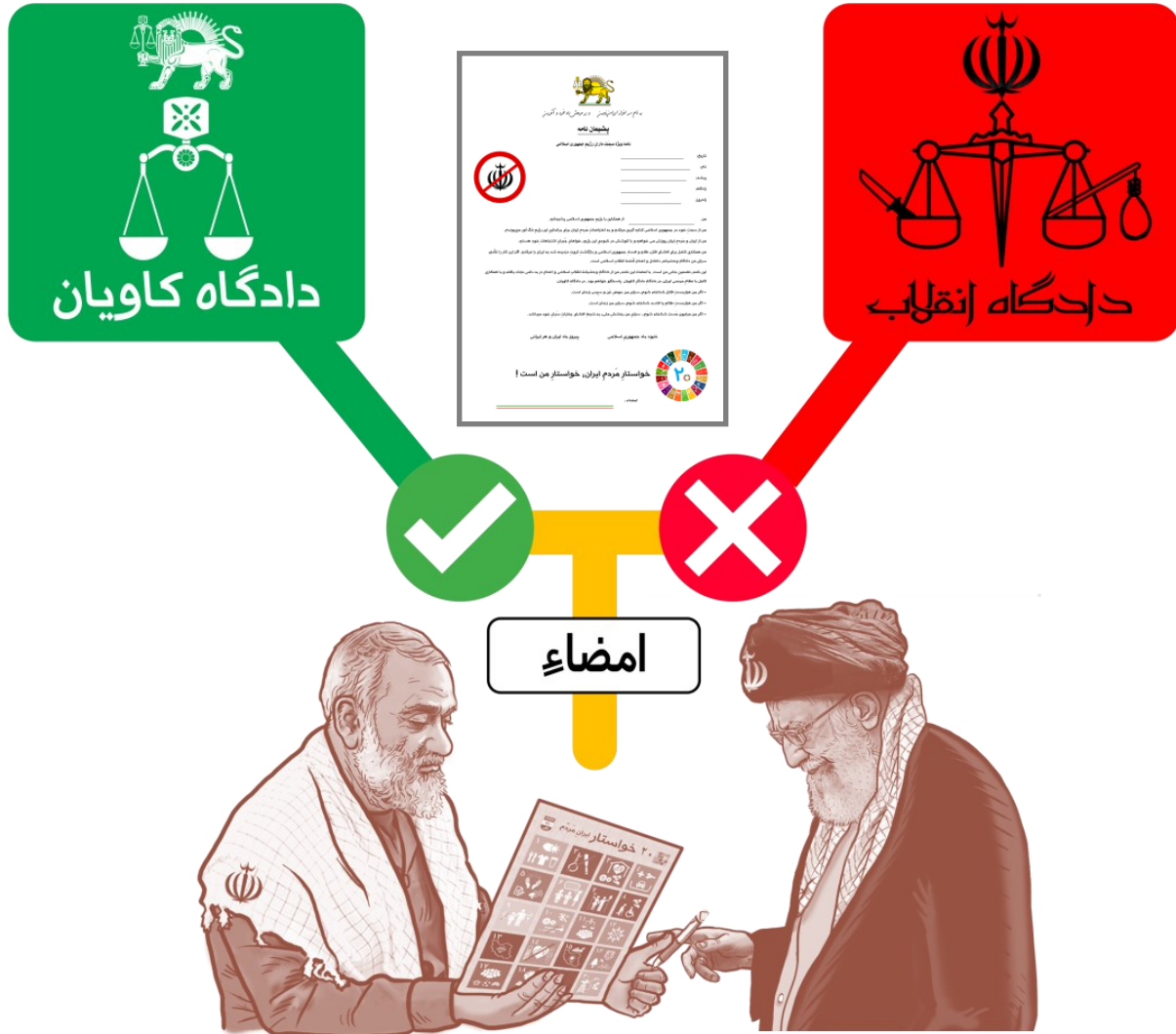
- |                         |      |                        |
|-------------------------|------|------------------------|
| پایان نادانی پذیر       | ۲۲۹۶ | جنبش بشکن پیش بگیر     |
| عدل مساوه دست بگیر      | ۲۲۹۷ | ایران دست نخست وزیر    |
| بخشش ملی دلپذیر         | ۲۲۹۸ | آداب یانته سر به زیر   |
| مردم دهند رأی به وزیر   | ۲۲۹۹ | ایران دست نخست وزیر    |
| هر جا تخصصی مدیر        | ۲۳۰۰ | نویسنده های خرده گیر   |
| هر جا دکتر پول نگیر     | ۲۳۰۱ | ایران دست نخست وزیر    |
| آب زلال و سردسیر        | ۲۳۰۲ | نون با تمیز آرد و خمیر |
| خودرو با آگروز دود بگیر | ۲۳۰۳ | ایران دست نخست وزیر    |
| مدرسه های بی نظیر       | ۲۳۰۴ | دختر آگاه و دلیر       |
| خدمت اجتماع قدیر        | ۲۳۰۵ | ایران دست نخست وزیر    |
| پوشناز به دارا و فقیر   | ۲۳۰۶ | الکل ناب تو ماء الشعیر |
| ملت ما بزرگ و شیر       | ۲۳۰۷ | ایران دست نخست وزیر    |
| جازموریان پر آب و دیر   | ۲۳۰۸ | جنگل های سایه به زیر   |
| جانوران سیر آب و سیر    | ۲۳۰۹ | ایران دست نخست وزیر    |
| فرهنگشیر عادل مسیر      | ۲۳۱۰ | فرهنگشاه ما هست دبیر   |
| یک فرهنگ جهانگیر        | ۲۳۱۱ | ایران دست نخست وزیر    |
| هر چه ایرانی هست سفیر   | ۲۳۱۲ | یک ایران مردم پذیر     |
| سه رنگ ایران، ما به زیر | ۲۳۱۳ | ایران دست نخست وزیر    |





چهل و آندی ساله، چشم انتظارند خیلی ها ۲۲۱۴ که کنند تصفیه حساب، با رژیم جَهَل و ریا  
 ما که دادیم مهلت امضاء بر نجاتشان ۲۲۱۵ حال ببینیم که چه بود، ضحاکیان پاسخشان

- گر چه سخت هست باورش، ضحاکیانند در آمان ۲۳۱۶ گر بکردند امضاءِ خواستارِ ما، پیش از زمان
- هر کُدام باشند جوابگو، تُوّی دادگاهِ کاویان ۲۳۱۷ ما کُنیم تفکیکِ ظالمان ز اندک قاتلان
- قاتلان به حوضِ عَن، سِپس همراهِ ظالمان ۲۳۱۸ همه را ما بندازیم به زندانِ عادلِ نشان
- هر که کرد همکاری با رژیمِ دادگرِ نُوین ۲۳۱۹ او بکرد کوتاه حبسِ خود و او کرد بهترین



- اما گر امضاء نکردند ۲۰ خواستار، یک عدد ۲۳۲۰ تُوّی دادگاه انقلاب، نیابند آنها هیچ مند
- بعدِ دادگاه همشون یه هفته تُوّی حوضِ عَن ۲۳۲۱ و سرانجام، گوه مالیده، همشون اعدام میشند
- ولی ما گمان داریم، هیچ کُدام اعدام نشوند ۲۳۲۲ چون تمامی عاشقِ جان، بُزدلای گوه پَسند
- زیرِ خواستِ ما هزار دست ۱۰ تا امضاء میزنه ۲۳۲۳ پَس شاید تو دادگاه انقلاب، مگس پَر نزنه



- خواند، خواستارِ خمینی، خوکِ خونِ خوارِ خلّالی ۲۳۲۴ که با دادگاه انقلاب، بنیان بگن خون پایمالی
- حالا از اهلی گرفته، تا به دین و یا سواد ۲۳۲۵ گیر دادند و مثلِ گوسفند گله، دادند ما به باد
- نامِ اشتباه نوشتند، گرد و ترکمن به دار ۲۳۲۶ فهمیدند، گفتند: خیال نیست. حالا اصلی ها رو بیار



بامِ مدرسهٔ رفاه بدان همیشه خونینه ۲۳۲۷ تعریفِ خلّالی از دادگاه انقلاب اینه:

"مُشت و لَگد زیرِ فشار ۲۳۲۸ دادگاهی با فُحش و شعار  
 یه گلوله تو هر زانو ۲۳۲۹ زمین زَند هر زالو  
 مرگ که شُد نزدیک وار ۲۳۳۰ تیر بارون یا طنابِ دار  
 جنازه سوزی شون ثواب ۲۳۳۱ خاکسترش تو فاضلاب"

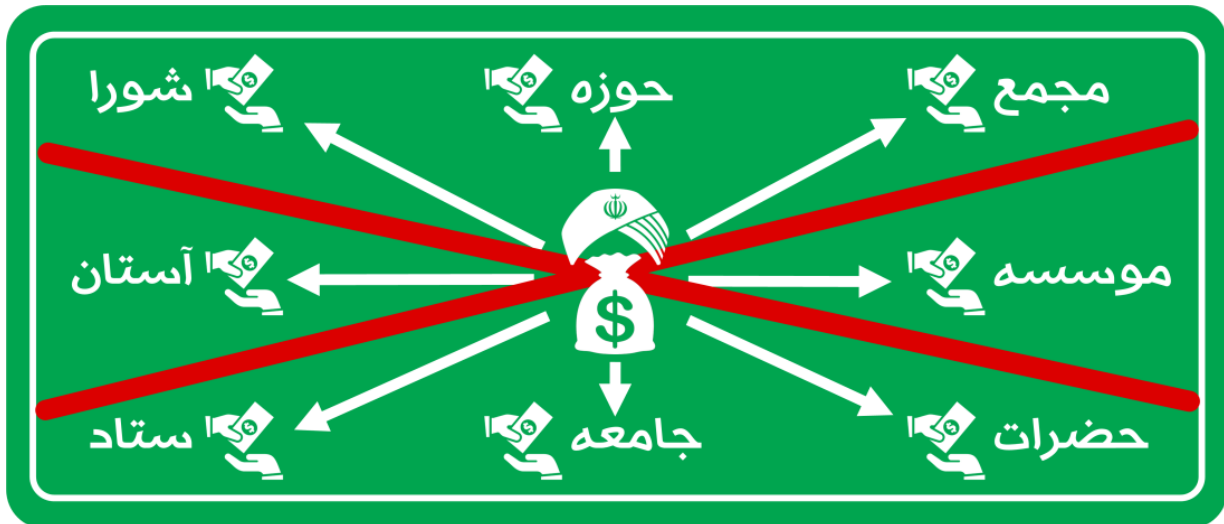
- پس خودِ ضحاکیان دانند که چیست "جوجه کباب" ۲۳۳۲ خود بنا کردند، این واژه "دادگاه انقلاب"
- ما نخواهیم دگر، اعدامی در ایران زمین ۲۳۳۳ با سقوطِ قومِ ضحاک، باشد این بار، واپسین
- ایرانِ مردم بود بر ضدِ اعدام، مرگ و جنگ ۲۳۳۴ ما امیدواریم هزار دست کرده امضاء، بی درنگ
- چون که گر نکرده امضاء، دادگاه انقلاب به پاست ۲۳۳۵ او بفهمد مثل "از ماست که بر ماست" بود راست

نظم تو دادگاه برقرار ۲۳۳۶ وکیل مدافع در کنار

حقِ دفاعِ عادل ۲۳۳۷ چه بیگناه چه قاتل

هر مجرمِ گنه کار ۲۳۳۸ دارد حقوقِ بسیار

زندان های اصول دار ۲۳۳۹ آدابِ یانته بر کار



مُلا بر تعداد ریشش ساخته بود کلک نهاد ۲۳۴۰ از بر پول شویی و دزدی و هر گونه فساد

مجمع و موسسه، جامعه، شورا، حضرات ۲۳۴۱ حوزه و سازمان و دفتر و مرکز، یا ستاد

اگه ما جمع بزنیم پولی که اینها دزدیدند ۲۳۴۲ میبینیم به هر دزد دریایی، این ها خندیدند

کلِ آخوند سازمان ها، بی درنگ منحل میشوند ۲۳۴۳ و همه ساختمان ها به خدمت محل میشوند

پس از این هر چی که دزدیده میشد، خدمت ماس ۲۳۴۴ و به ما ربط نداره، که روز گوه لیس ها سیاسی

جَزَايِ قَتْلِ، نَكْشْتَنَه ۲۳۴۵ حَقَارَتَش كَيْفِ بَه تَنَه

هَر كِه بَه اِیْرَان دُشْمَنَه ۲۳۴۶ عَاقَبَتَش حَوْضِ عَنَه

نَه اَعْدَامِ، نَه كُشْتَنِ ۲۳۴۷ یِه هَفْتَه تُو حَوْضِ عَنِ

تُو حَوْضِ عَنِ تَا گَرْدَنِ ۲۳۴۸ تُو هَر مِیْدَوْنِ مِیْهِنِ

مَرْدَمِ بَا یِدِ بَیْنِنْدِ ۲۳۴۹ كِه رِیْدِنْدِ بَه اِهْرِیْمَنِ

نَه خَشَوْنَتِ، نَه كُتْكِ، حَتّٰی تَلَنگَرِ بَه یِه تَنِ ۲۳۵۰ بَا عَبَا وَ عَمَامَه، رُو دَایُو، شِیْرَجِه تُو حَوْضِ عَنِ



چِنْد جَا دَارِیْمِ كِه فَرْدَا رُوزِ، اسْتَخْرَهَايِ حَوْضِ عَنِیْه ۲۳۵۱ یِكِیْشِ حَوْزَهٗ عِلْمِیْه، یِكِیْشِ قَبْرِ خُمَیْنِیْه

حَكُومَتِ تَا زِیَانِ ۲۳۵۲ عَوَامِ فَرِیْبِ وَ لُمِیْنِ

سَزَايِ اِیْنِ جَانِیَانِ ۲۳۵۳ تَمَامِی تُو حَوْضِ عَنِ

حَوْضِ عَنِ، حَوْضِ عَنِ ۲۳۵۴ عَنِ مَنِ وَ هَمُوطَنِ



- آی مُلا برو بالا ۲۳۵۵ آی مُلا
- تُو عَن میوفتی دولّا ۲۳۵۶ آی مُلا
- عبایتِ عَنی میشه ۲۳۵۷ آی مُلا
- عَن روغنی میشه ۲۳۵۸ آی مُلا
- الان عَنش چه گرمه ۲۳۵۹ آی مُلا
- چه تازه و چه نرمه ۲۳۶۰ آی مُلا
- میشه باتلاق و کاه گل ۲۳۶۱ آی مُلا
- نفس توش میشه مُشکل ۲۳۶۲ آی مُلا
- تُو هر میدانِ ایران ۲۳۶۳ آی مُلا
- چه زود عَن میشه سیمان ۲۳۶۴ آی مُلا

- کَسَ اینجور عَن ندیده ۲۳۶۵ آی مُلا
- چرا بَرَقَت پَریده؟ ۲۳۶۶ آی مُلا
- چقدر دزدیدی خوردی؟ ۲۳۶۷ آی مُلا
- تو حوضِ عَنو بُردی ۲۳۶۸ آی مُلا
- چقدر خوردی نَریدی؟ ۲۳۶۹ آی مُلا
- به جَانِت عَن خریدی ۲۳۷۰ آی مُلا
- چقدر سُسْتی ماشاالله ۲۳۷۱ آی مُلا
- بِپَر پَیین و بالا ۲۳۷۲ آی مُلا
- تو خود رها زِ بیم کُن ۲۳۷۳ آی مُلا
- سَر و زیرِ حلیم کُن ۲۳۷۴ آی مُلا
- عمیق نَفَس بگیری ۲۳۷۵ آی مُلا
- تو حوضِ عَن نَمیری ۲۳۷۶ آی مُلا
- همین جا، و همون جا ۲۳۷۷ آی مُلا
- کُمک کُن ای ”ندا جا“ ۲۳۷۸ آی مُلا
- چاپیدی وطنِ ما ۲۳۷۹ آی مُلا
- بخور حالا عَن ما ۲۳۸۰ آی مُلا
- تو یک گوه خور، عَینِه ۲۳۸۱ آی مُلا
- سزای قَتل همینه ۲۳۸۲ آی مُلا
- تو که دشمنِ جونی ۲۳۸۳ آی مُلا
- تو حوضِ عَن بمونی ۲۳۸۴ آی مُلا

بِپَر تا اُردتِ ندادیم ۲۳۸۵ گوه رو به خوردت ندادیم

شعارِ ما یک سَخَن ۲۳۸۶ جانپان در حوضِ عَن

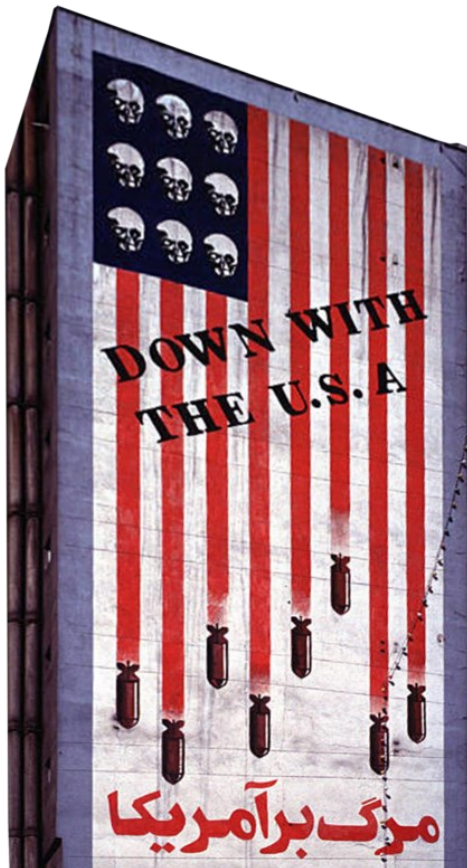


چهل و آندی ساله، جامعه و فرهنگِ ما ۲۲۸۷ شُده اِشغال، با فرهنگِ تازِ جهل و ریا

تا با این فرهنگ، ما نکرده ایم تصفیه حساب ۲۲۸۸ سایه تاز بر سرِ ما، نَکند به ایرانِ ثواب

پس بدان، تنها راهِ آزادیِ ایرانیا ۲۲۸۹ هست پاکسازیِ ایرانمان از جهل و ریا

- هر چه در یک جامعه، رسد به گوش یا چشمِ مان ۲۳۹۰ گر چه ما حس نکنیم، تأثیر دارد روی روان
- از خونه بیرون میای، قوی، سوپر مَن با شنل ۲۳۹۱ دورِ وَر نگاه کنی، دو دقیقه ای میشی کسل
- گر تو هر شهر بنگریم ۱۰۰ متری شعاعِ خویش ۲۳۹۲ ما ببینیم روی دیوار، تاز شعار، یا پشم و ریش
- از شعار "مرگ بر" گرفته، تا به اسکلت ۲۳۹۳ روزی چند بار ناگهان اذان، شوک میده بهت
- از خودت میپرسی که: آیا این ایرانِ منه؟ ۲۳۹۴ یا دهاتِ تازِ قرنِ وسطای اهریمنه؟
- چون به ضحاک، هیچ گاه مهم نبود نشاطِ ما ۲۳۹۵ آرمانش بود فرو کردنِ سوگ در ذاتِ ما
- چنگالِ آخوندِ ضحاک، هر جا روی پرچمه ۲۳۹۶ باعثِ جنگ و ستیز و جامعه در همه
- پاک ساز هر تازِ نگار، در جامعه با نقشِ شاد ۲۳۹۷ یا بکش فرهنگِ ایرانی با معنویات
- و اگر نقشِ به دیوار، ندانی تو مفید ۲۳۹۸ هر دیوار رنگین بکن، یا ساده خاکی، یا سپید
- پس با پاکسازیِ نقشِ جنگ و بمب و تلفات ۲۳۹۹ پاک ساز روانِ ایرانی، ز غم با نیک نشاط



واکنش آموزگار، میرزا حسن رشديه، پس از شکستن دستش، شلیک به پایش و تخریب مکرر مدارسش به دست جاهلان، کهنه پرستان و مذهبپون :



” این جاهلان نمی‌دانند که با این اعمال

نمی‌توانند جلو سیل بنیاد کن علم را بگیرند.

یقین دارم که از هر آجر این مدرسه، فود مدرسه

دیگری بنا خواهد شد.“

آموزگار، میرزا حسن رشديه - سال ۱۲۷۷ خورشیدی (۱۸۹۸ میلادی)



نتواند موج این دانش نو مَصدود کند

گرچه جاهل کرد خراب، مدرسه نو و خرد

هر کدام مدرسه نوین به خود کند بنا

از یکایک آجر این مدرسه، که شد رها

دو بی‌تی چون نشان احترام سید دیداد آموزگار به شادید آموزگار میرزا حسن رشديه





- مُلا مَتَن هر کتابِ مدرسه را که بگی ۲۴۰۰ کرده تبدیل به فَرَدِ رندی، هر فَرَدانگی  
مَغزِ بچه های ما را، شَسْتِ شو داده او بَد ۲۴۰۱ رانده از بَسِ نوجوان، اندیشه نیک و خَرَد  
نهی تاریخ و اساطیر، هر کتاب مُلا کَلام ۲۴۰۲ از اِپرتی تا به یزدگرد، کرده شاهارو غَلام



- با خُراف و تاز کَلام، مَن کتابها بی وثوق ۲۴۰۳ ساخته اسطوره ز فرهنگِ آخوندی با دروغ



- ما کَنیم پاکسازی جَهَل و ربا را انتخاب ۲۴۰۴ و کَنیم پایدار، خَرَد ایرانی فرهنگ، در کتاب  
ایران آباد به دستِ این جوان نَسَل میَشود ۲۴۰۵ ما باید تولید کَنیم، ایران جوان با خَرَد



## شاه یزدگرد ۳ ساسانی

که چطور دلنگونش، لالنگون آشیانه کند  
 چه رسد که جان دهد، بهر دفاع ز ایرانمان؟  
 که از بر ایران و ایرانیّت او زجان گذاشت  
 پیش از این هجوم تازی، واپسین شاه او بود

۲۷ ساله مَشی او فکر مَشیانه بود  
 چه رسد که او شود رهبر گل کاویان؟  
 اما شاه یزدگرد ما تنها ۲۷ سال داشت  
 یاد او زنده بماند، نام او نیک و خرد

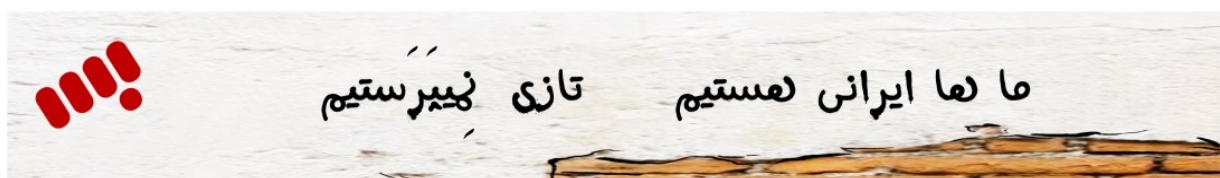




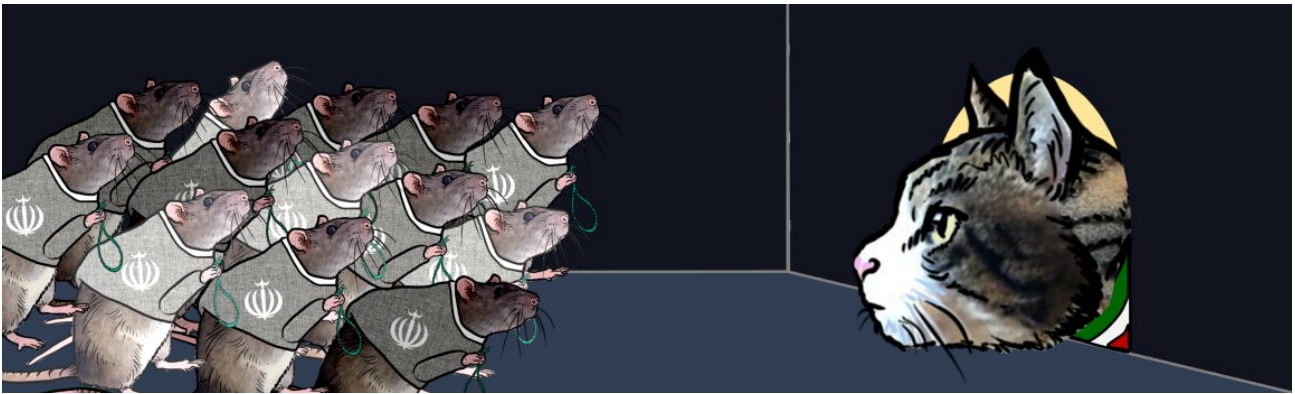
- صدا و سیما ی هر کشوری نَزْدِ مِلَّتِه ۲۴۰۶ کارش آگاهی و خدمتِه، نه یک خیانتِه
- صدا و سیما ی آخوند، بَرَفکی یا پشمکی ۲۴۰۷ بُت پَرستی، روز و شب، مَلا خُرافِ کِپکی
- کارمندان، یا سیریش، یا مأمورِ اطلاعات ۲۴۰۸ ما باید مَرَدَم ز این نهادِ ننگِ بدیم نجات



- ما کنیم پاک این نهاد، خَرْد دهیم مَرَدَم به خورد ۲۴۰۹ مَرغی که تَخِم طلا واسه آخوند میذاشته مُرد!
- شاد و آگاه برنامه، دارد به هر ایرانی سود ۲۴۱۰ تا بفهمد صِفَتِ واقعی آخوند چه بود



- ایران مردم نَگفت بیا و بر دین بخروش ۲۴۱۱ بشنو این مثالِ حمله به ده از گله موش
- روزی کرد گله موش، حمله به روستا مزرعه ۲۴۱۲ همچون آفت گندم رو خوردند، شدند یک مسئله
- وقتی که موشها دیدند، دهقان با گربه آمده ۲۴۱۳ همه شون رفتند تپیدند تو نیایشگاه ده
- کل ده، نیایشگاه محاصره کرد خشمگین ۲۴۱۴ یکی رد میشد، بگفت: چه مشکلی دارید با دین؟
- در جواب، دهقان بگفت: ”ما دنبال یه گله موش ۲۴۱۵ اگه نانوايي ميرفتند، اونجا ميكرديم خروش !
- گله موش سوی نیایشگاه، خود روان شدند ۲۴۱۶ ما با دین کار نداریم، موشها اونجا پنهان شدند“



- ما به خود اجازه دخالت در دین را ندیم ۲۴۱۷ گر دخالت بکنیم، ما هم مثل شیخ بدیم
- ما کنیم انگشت نشان، هر کسی هست آخوند موش ۲۴۱۸ نه به مومن کار داریم، نه اون که هست روحانی پوش
- این بدان، آخوندها جانی، گله موش فالتاقند ۲۴۱۹ ملت هم، تو حوض عن کردن شون رو مشتاقند

- از زمان صفوی، شیعه شده امر نخست ۲۴۲۰ بس بکرده، تبعیض دگر آدیان، آخوند سست
- اولا این را بدان، نیایش امر فردیه ۲۴۲۱ هر نوع تبعیض به دگر دین نیایش، نافردیه
- دین که شد یک امر فرد، دگر نیست در اکثریت ۲۴۲۲ احترامش هست یکی، نسبت به دین اقلیت



حال که ما داریم هزاران مسجد و امامزاده ۲۴۲۳ یا باید منحل بشوند، یا تقسیم در استفاده

این بدان تمام ایران نیست دین شیعیان ۲۴۲۴ ما داریم ۶ آدیان رسمی در هر ایران مکان

ما داریم زرتشتی و کلیمی و مسیحیت ۲۴۲۵ و داریم شیعه و سنی و دین بهائیت

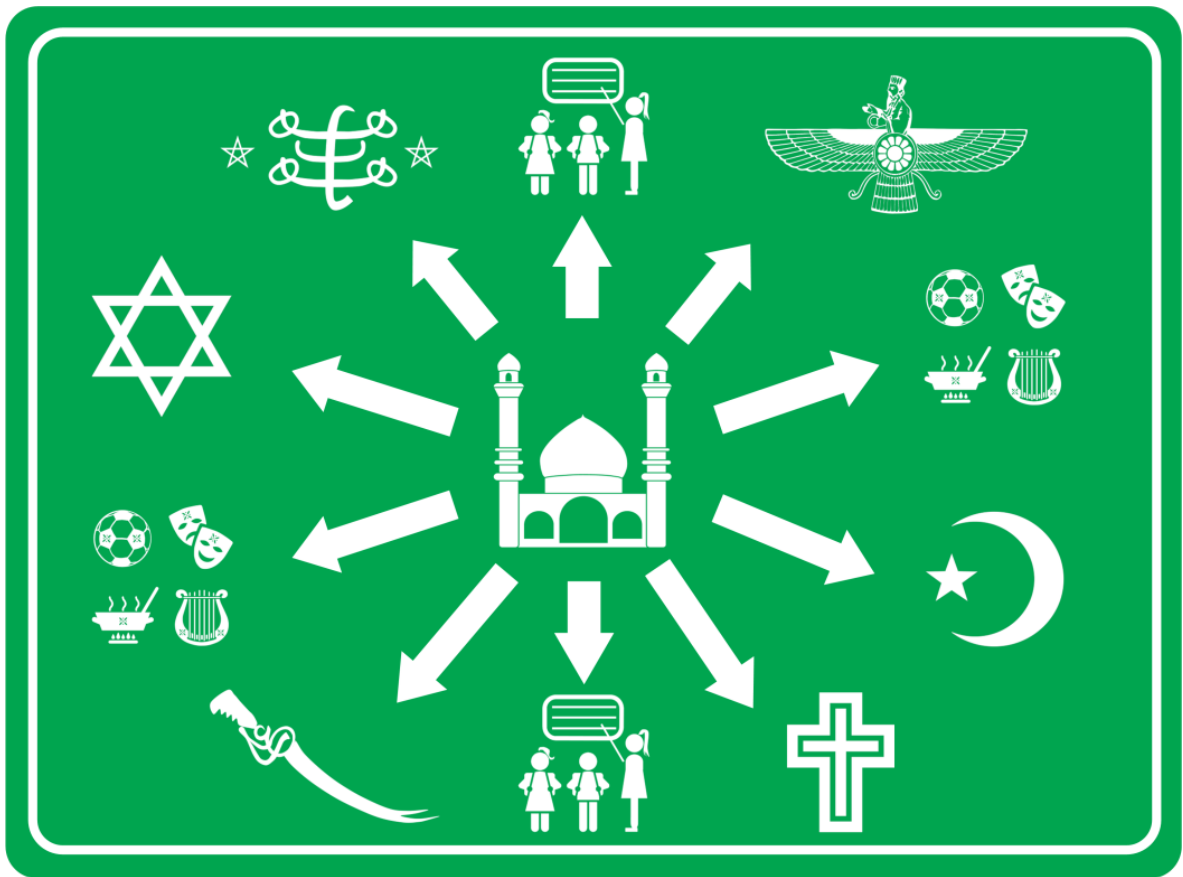


پس تو شیعه، آگه ۱۰ مسجد توی شهرت میخواهی ۲۴۲۶ پس یعنی ۶۰ تا میخواهی؟ ۱۰ تا ز هر دین تو میخواهی؟

چون نیایش توی خانه، امر نیک و عالی است ۲۴۲۷ پس به هر دین، یک نیایشگاه بیش از کافی است

ما که با مسجد سازی، ایران بگردیم بس فقیر ۲۴۲۸ پخش مسجد بین ۶ آدیان کنیم عادل مسیر

گر توپی یک آدم عادل، بکن عادل عمل ۲۴۲۹ بهر هر ۱۰ مسجد ایران، داریم ما این مثل:



۶ تاشون تقسیم میشوند، بین ۶ آدیان ایران ۲۴۳۰ ۴ تاشون یا مدرسه، یا به دست فرهنگیان

- ای تو شیعه، گر میخوای اذان تو هر روز بشنوی ۲۴۳۱ پس باید اذانِ آدیانِ دگر هم بشنوی
- آن زمان از صبح تا شب همیشه همش بانگِ اذان ۲۴۳۲ آن زمان گوش و روانِ ایرانی نیست در آمان
- ما میگیم: نَخیر، سپاس، میگیم: از این به بعد اذان ۲۴۳۳ از برِ هر دین، ولی تنها تو رسمی روز زمان
- اگر هم عادت شده شنیدنِ نیایشی ۲۴۳۴ ما برِ ایرانی باید بخواهیم آسایشی
- ما باید تقدیر کنیم، ایرانمان را با وقار ۲۴۳۵ بشنو چون ایران اذان، شعرِ غذا، وقتِ ناهار



## شعرِ غذا



و ما به این خاکِ مقدس بدهکاریم	این آب و نانِ گندم از ایران ماست
و ما به این مهرِ میهن سپاسگزاریم	ایران به ما عدالت و این نعمت خواست
که ما از این کارهای ننگین شرمساریم	اما ما به ایران جنگ، غارت و رنج دادیم
که ما به این کارهای خوشخوین قصد داریم	ما با خرد و همیاری، ایران سازیم
ما خواستارِ رضایت و آبادی هستیم	ما کاویانِ نوینِ میهن پرستیم
ایران زمین، کن این غذا به ما نوش جان	پس از بهر این برکت، سپاس به ایران

آب و نانِ ایران

پوشاکِ روحانیان به هر دینی مقدس است ۲۴۳۶ این لباس تنها درون هر نیایشگاه بس است

این لباس برای روحانیان هست لباسِ کار ۲۴۳۷ تو نیایشگاه بپوش، خواستی بری بیرون در آر

آیا تا به حال دیدی در خیابون یک کشتی گیر ۲۴۳۸ با دوپندی رد بشه، تو دستش هم ماست و پنیر؟

چون شناگر لخت نمیگرده تو بازار با مايو ۲۴۳۹ ما نبینیم لباسِ روحانی در ایران نو

	عبا و عمامه	برقع و نقاب
منزل		
نیایشگاه		
جامعه		

خواستار شماره ۵ از ۲۰ خواستار: حق پوشش آزاد (به غیر از روحانیان)، ولی با صورت باز.



خرافات ضد آیات الهیست  
ولی مذهب خرافات را پناهیست

خرافات نیست در دین الهی  
ز مذهب باشد این کُفر و تباهی

دو بیت از کتاب

“خرافات وفور در زیارات قبور”

اثر فرهنگ‌شیر شادیاد

سید ابوالفضل برقی



گویی: “ای خدا، خودت کُمر بکن این بینوا”

که: “بران این سُستی‌آم، تا خود کُمر کنم گدا”

ای تو که بهر پیه بی خانه کنی خدا صدا

جاش بخوان از بهر این گشادیت، تو یک دعا



کدام یک هستی؟ سلاحت چیست؟



با دین و ایمان،  
مقابل جهل و خرافات  
آسیب پذیری

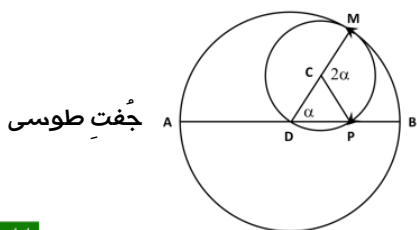


با خرد و منطق، جهل و خرافات را



در طول تاریخ، جهل و خرافات ادیان، بین ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ سال از پیشرفت انسان را دزدید.

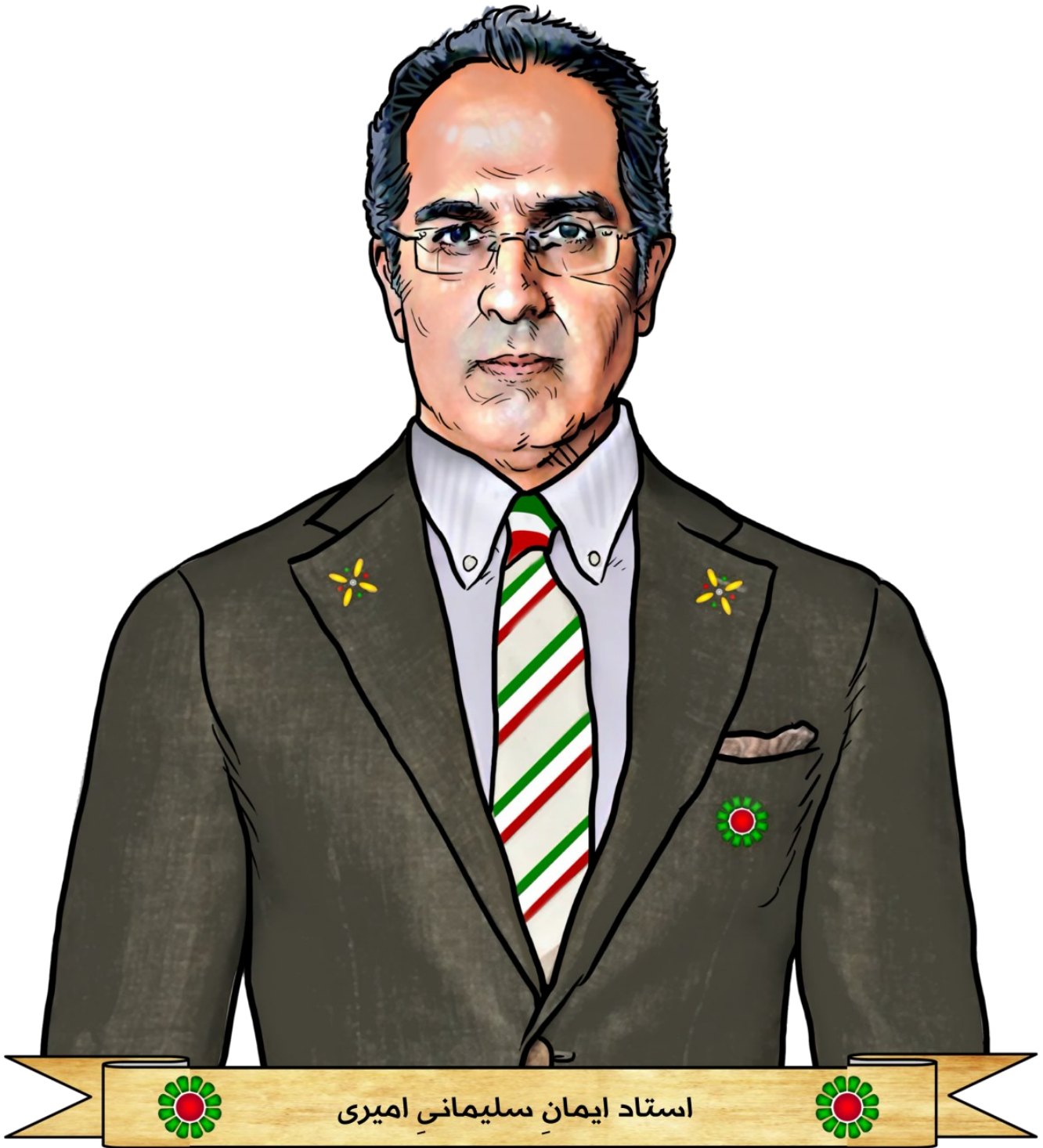
اگر خرافات ادیان، منع خرد نمیکرد زمان خواجه طوسی، تبلت و نت داشت هر فرد



خواجه نصیر الدین طوسی، دانشمند ایرانی  
سال ۶۲۸ خورشیدی / ۱۲۵۰ میلادی



تمبر طوسی



هر جا خرد پیش رفته آخوندیت پس رفته

حال بریم سوی دروغِ هر آخوند و طَلابی ۲۴۴۰ حال بریم سوی امامان زاده های قَلابی

دزدی از مردم را این ضحاکیان خوب بَدَن ۲۴۴۱ ۶۰ هزار امامزاده میگن به ایران آمدن

قاطرِ مُلا میمیره، بی پوله برای قَبض ۲۴۴۲ قاطر رو خاک میکنه، رنگ میکنه سَنگش رو سَبز

یک "امامزاده" میسازه، خود میشه پول در بیار ۲۴۴۳ میگن: این کیست؟ میگه: عمامزاده ابنِ حمار



ما داریم لیستِ امامزاده، زِ پهلوی زمان ۲۴۴۴ بقیه تبدیل به مدرسه برای کودکان

هر مناره، واسه هر مدرسه، خوب میده جواب ۲۴۴۵ امتحانِ فیزیکی، نَقشِ اُفق، دیدِ شهاب



آلمان - سال ۱۵۱۷ میلادی - مبارزه علیه فروش عفو گناه :  
 کشیش مارتین لوتر ۹۵ فواستار فود را به در کلیسای ویتن برگ کوپید  
 و انقلاب پروتستانی علیه زر آندوزی آفوندان فاسد را آغاز کرد.

۶ بیت از دیداد چون نشان سپاس به لوتر  
برای بستن دکان آخوندهای زر آندوز و فاسد

هر زمان فسادِ دین به اوجِ بیدادی رسید  
چون نشانِ اوجِ کُفر، آخوند به جیبش زر بدوخت  
تا کشیش لوترِ بدید "عَفْوِ گناه" فروشی است  
او که با این کارِ نیک، مردم ز چنگِ دین رهید  
کُفرِ آخوند فاسدین، نظامِ خویشتن بدید  
پول گرفت از مردم و "عَفْوِ گناه" به "خر" فروخت  
او ز جا برخاست و دَرِبِ کَسَبِ آخوندها را بست  
هم زمان صَفَو به ما فرو بکرد دینِ جدید  
پس بدان "عَفْوِ گناه" بود که بکرد آخوند فنا  
حال که در ایران فروشنند فاسدین "عَفْوِ گناه"  
آیا نیست هنگامش، ایرانی که برخیزی زجا؟

ایران کشورِ ماست

آخوند دشمنِ ماست



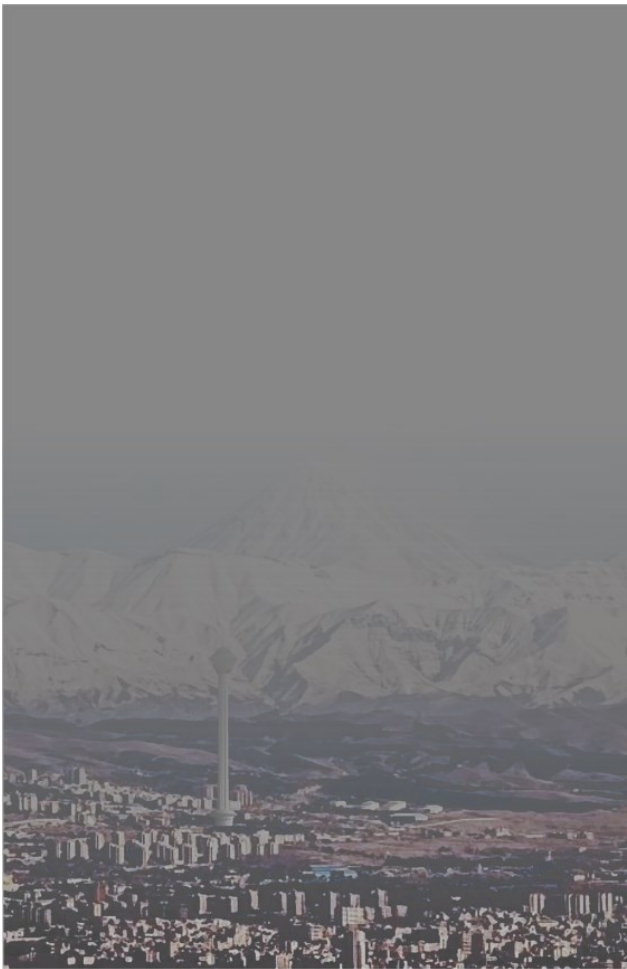
  
 خرید ✓  
 عفو گناه  
 ۷۵۰/۰۰۰ تومان

  
 فروش ✗  
 عفو گناه  
 ممنوع باد !

ایران ۲۰۲۰

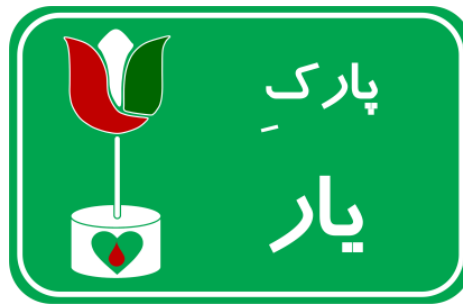
آلمان ۱۵۱۷

- ۲۴۴۶ رژیْم دودسازِ مَلا، واسه مردمِ خَطَره یک خرید با دمپایی، پاهات میبندِه کَبَره
- ۲۴۴۷ تُو خیابون، زُل به افتاب، هوا انگار آبریه ابر نیست. یک پَتوی دودِ غلیظ و قویه
- ۲۴۴۸ سَرَطان، افسردگی ۱۰۰۱ درد و بلا از برِ آلودگی و دودِ خودرو در هوا
- ۲۴۴۹ از همین روزِ نَخست، فیلترِ دود اجباریه آروم آروم مردم رو کُشتن تُو ایران کافیه
- ۲۴۵۰ فیلترِ آگزوز خریدش قیمتِ دولتیّه پاکِی هوا به هر ایرانیّت نعمتیّه
- ۲۴۵۱ چون نِشانِ این که شَهرت به هوای پاک رسید اُفق رو نگاه بکن، باید تمیز تا دور رو دید
- ۲۴۵۲ چون مثال در پایتخت، هوای پاک دارد نِشان باید از تهران هویدا باشد آن آتشفشان

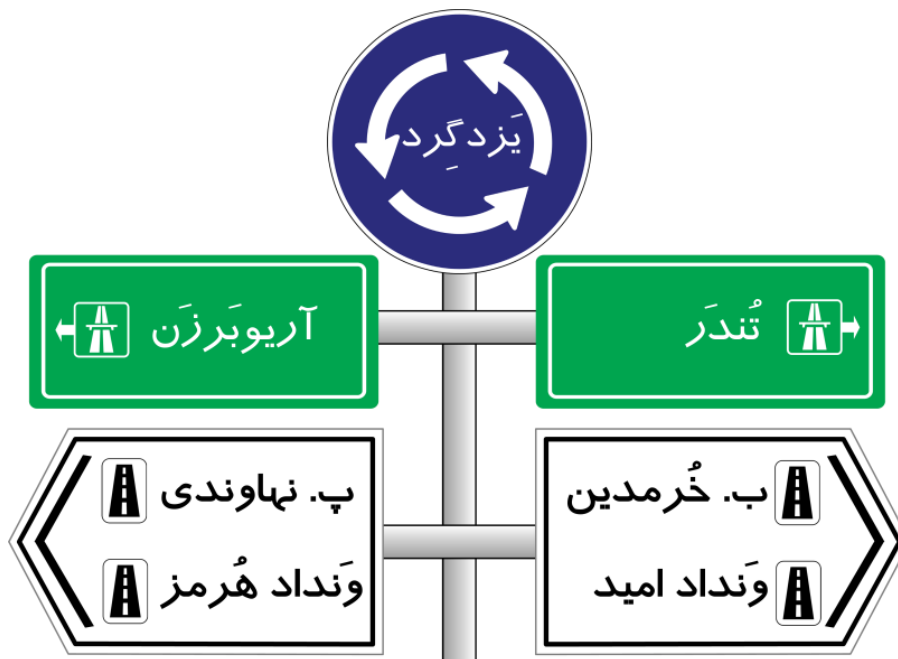


پَس بنار فیلترِ دود، یا خودروت هست مُصادره ۲۴۵۳ بَهَر جانِ ایرانی، هیچ نَکنیم مُعامله

- ظلم ضحاک ۸ سال جنگ به جانمان خرید ۲۴۵۴ هر مکان، از کاویان ایرانیان، ساخت او شهید
- ما کنیم تقدیر از شهیدانمان یک به یک ۲۴۵۵ توی هر شهری بسازیم یادگاه مشترک
- حک کنیم نام شهیدان محل را سنگ نبشت ۲۴۵۶ یک مکان، برای گل شهدای پاک سرپرست
- پارک خرمی کنیم به دور سنگ نبشت بنا ۲۴۵۷ شمع و گل ز هر کسی، باشد به گل شهدا
- یاد ایرانیان رزمنده، باشد افتخار ۲۴۵۸ از ۳ نام، خلاصه ساز نام مکان را پارک "یار"



- حال که تقدیر از شهید کردیم، با ساخت پارک یار ۲۴۵۹ حال دهیم تغییر نام هر مکان را شاد نگار
- نام تاریخی و یا فرهنگی، یا نام سرپرست ۲۴۶۰ نام نیک در هر مکان، روان کند پاک چون بهشت



مثالی از نام راه ها با موضوع قهرمانان تاریخی ایران

خَزَرَوِ وِلِ كُنْ، بَدانِ نَامِ گُلَسْتانِ با حَالِه ۲۴۶۱ نَامِ گیلانِ وَ مازندرانِ بَس با وَقارِه

# گیلماز

گُلَسْتانِ ، گیلانِ ، مازندرانِ

از سیسَنگانِ آبِ اینِ دریاچه دید، آهو و گُرگ ۲۴۶۲ پَسِ بِنامَشِ نَامِ ایرانِ گیلمازِ بزرگ







هر شریف عَرَبِ بِنَامَدِ آبِ ما "خلیجِ فارس" ۲۴۶۳ اما مار ماهیِ تاز، دارد به این نام اعتراض

## ایران، ایران ۲۴۶۴ ایران، ایران



تازهای کُنْدَابِ پارس، زبون نَفَهَمَند ۲۴۶۵ ما گُفَتیم "خلیجِ فارس" اون ها بَفَهَمَند

ولی چون که تَنِ یِه تازی داره خَارِش ۲۴۶۶ پَس تو بَدان هر گُنِش زاید به خود واگُنِش

جای "خلیج" به پارسی، بگو تو کُنْدَاب ۲۴۶۷ به جای این "فارس" بگو پارس به این آب





ایران ما زمینِ خرس، یوز و پلنگه ۲۴۶۸ تاز تشنه شاشِ یه پیر شتر که لنگه

کُندابِ پارس، کُندابِ پارس ۲۴۶۹ مالِ ایرانِ ماست  
 مهمون های کُندابِ پارس ۲۴۷۰ بگید: ایران سپاس!

عربی	ایرانی
تبریز	تورث
اصفهان	سپاهان
بُرازجان	گرازگان
زنجان	زنگان
بروجرد	ویروگرد
خُمین	همایون
رفسنجان	رفسنگ کان
قزوین	کاسپین
خلیج	کُنداب
فارس	پارس
فیروز	پیروز

کُنداب	خلیج
آب کُند رو	از مصدر
کُند + آب	خَلَجَ
	يَخْلَجُ
	خَلُوجًا
	خَلَجَانًا
	المخلوج
	خلیج
	المُخَلَجِ
	خالج
	المُسْتَخَلَجِ
	الْخَلَجُونِ





هخامنشی شاهان، اون ورو داشتند ۲۴۷۱ تازها تو غار و صحرا، بچه میکاشتند

وقتی که اشکانیان اون ورو داشتند ۲۴۷۲ تازها واسه مارمولک، گوش هم میداشتند

وقتی که ساسانیان اون ورو داشتند ۲۴۷۳ تازها ز ترس شاپور، پوشک میداشتند

اکنون که تاز مهمون، اون ور آبه ۲۴۷۴ باید که نام گُندابِ پارس رو بیابه

گُندابِ پارس، گُندابِ پارس ۲۴۷۵ آبِ ایرانِ ماست  
پژمُرده چون یک گوه بگن ۲۴۷۶ مار ماهی های تاز

گُندابِ پارس



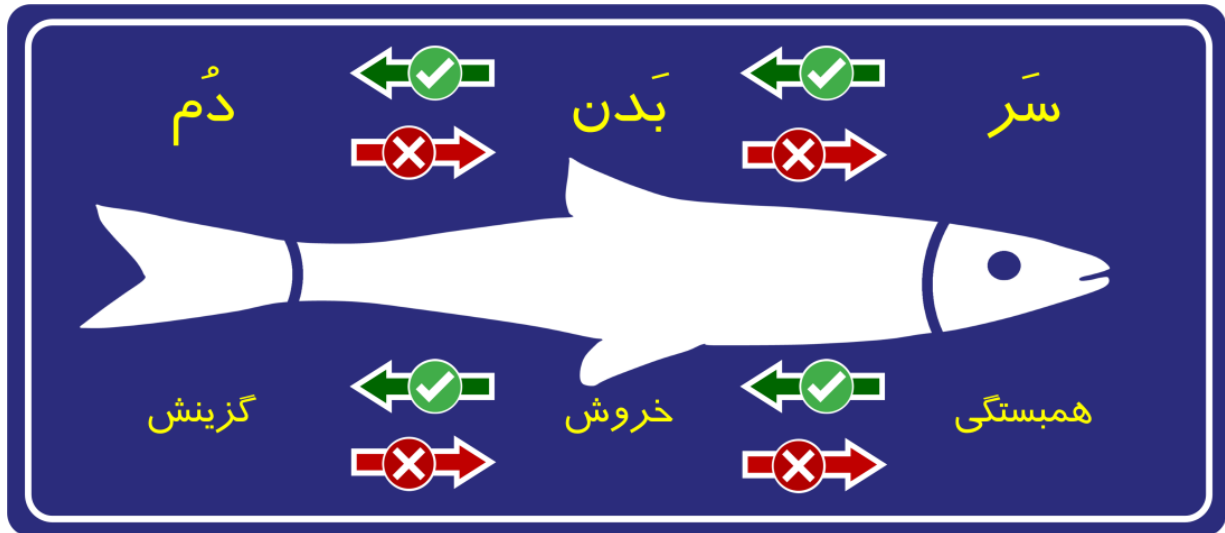
## شاه شاپور ۲ ساسانی

شاه شاپور دوم ساسانی، دهمین شاه ساسانی بود. او تمام عمرش پادشاه بود.

با ۷۰ سال پادشاهی، شاپور دارای رکورد طولانی ترین مدت پادشاهی در سراسر تاریخ ایران میباشد.

وقتی که ساسانیان اون ورو داشتند تازه ز ترس شاپور، پوشک میذاشتند

- هر کاری مثل ماهی، یک سر داره، بدن و دم ۲۴۷۷ از سیاست بگیری، تا حوض عن سازی تو قم
- سر ماهی، یعنی ضد دیکتاتور شیم هم صدا ۲۴۷۸ بدنش، یعنی که ایران از آخوند کنیم رها
- دم ماهی، اینه که حقیقت ها را رو کنیم ۲۴۷۹ بد سیاستمدار نوین، بی آبرو کنیم
- کارد پوست کندن ماهی رو درست فرو بکن ۲۴۸۰ سر ماهی رو بچسب، هرگز ز دم شروع نکن



**گَوز**

حزب گردهمایی و از گشایی زیر بنا

مَن

رئیس سنای کنگره:

عَن

دبیر کل کابین اجرائی:

- سیاستمدار می‌خواهیم، شفاف باشه مثل شیشه ۲۴۸۱ ”من و عن، حزب ما گوز“ دیگه در ایران همیشه
- اگه تو حزبی می‌خواهی، برای ایران دم کنی ۲۴۸۲ تو باید ۲۰۰ هزار امضاء ز مردم جمع کنی

”آردِ تمیز در کیسه داشتن“ مثالیست دانمارکی، چون نشانِ شفافیت، راستگویی و صداقت



و ”آردِ تمیز در کیسه نداشتن“ یعنی دروغ، پنهان کاری، دزدی و ریا

۱۰

اگر آردِ تمیزی تو کیسه مون ما داشتیم (پیامی به سیاستمداران فردا)

۴۱۳



اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۸۳ بیت ۱۸ از کتاب، وردِ زبون ما داشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۸۴ هر گونه شفافیت را ما هراس نداشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۸۵ سابقه سیاسی مون، به روی میز میذاشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۸۶ برای نیکِ عدالت، یک بندِ ناب میکاشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۸۷ برای روستا نشین، بودجه کنار میذاشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۸۸ با دیگر دین باوران، مشکلی ما نداشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۸۹ ورودی به ناتوان، تو هر مکانی داشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۹۰ از برِ پیر و برنا، ما احترامی داشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۹۱ روی ”سیرشت خراب کن“ نام ”دشمن“ میذاشتیم

اگر آردِ تمیزی، تو کیسه مون ما داشتیم ۲۴۹۲ برای خاکِ ایران، ز جان مایه میذاشتیم

بشنو از کیخسرو دادگر، او گفت این چنین: ۲۴۹۳ ”گر بخواهیم ما قوی لشکر بر ایران زمین

چرا از یک پادگان اسب، که باشد واپسین؟ ۲۴۹۴ ما خواهیم از کل ایران، اسب های بهترین“



شاه کوروش (کیخسرو) هنگام گزینش اسب برای ارتش ایران

در ره هدایت ایران، خاندان نیست لزوم ۲۴۹۵ رهبر است ایران پرست، صادق و دارای علوم

پس بدان که دین، محل، دارای نیست امر نخست ۲۴۹۶ خواست ماست وزیر ماهر، و مرام دار درست

هر وزیر از هر مکان از دل بر ایران گذاشت ۲۴۹۷ در دل ایرانیان بدر نخست وزیر بکاشت

پس تو بر ۲۰ خواستار ما شروع بکن به کار ۲۴۹۸ تا توانیم ما کنیم ایران مردم برقرار

ملت فقط همین شعار ۲۴۹۹ ایران مردم بر قرار

بشنو تو از آموزگار ۲۵۰۰ ایران مردم بر قرار

بخش ۷: کوشش

(گامِ اجتهادِ ملی)

۷

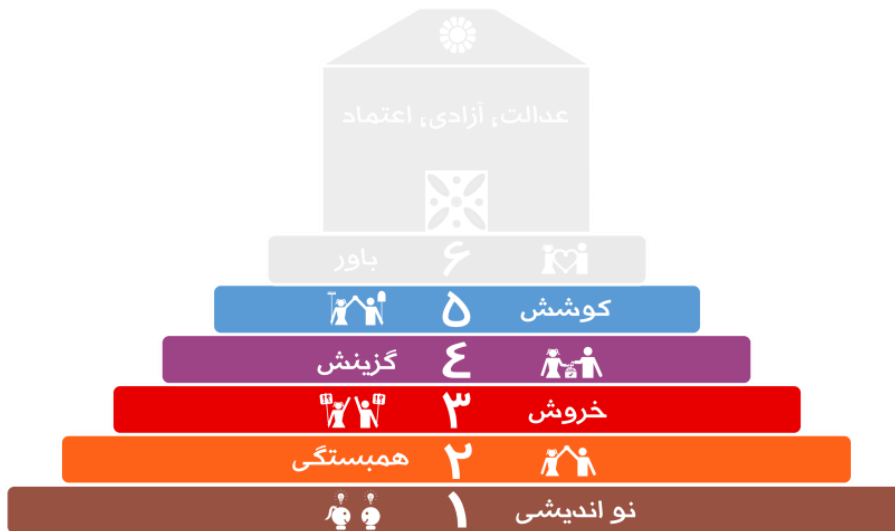


کوشش



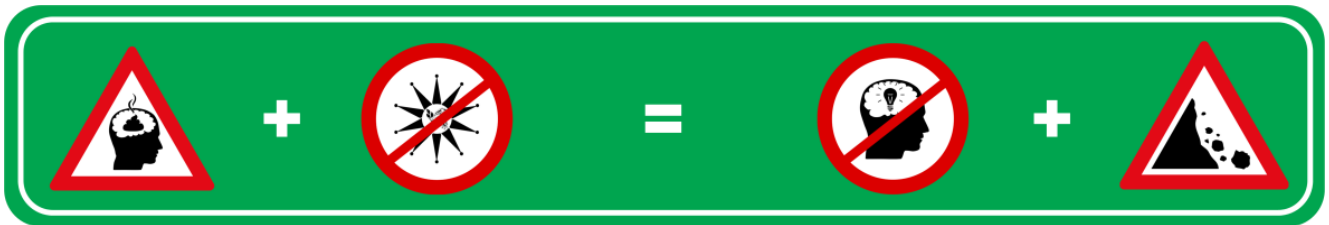
در ۲۳ شعر و ۱۵۱ بیت





حال که ما به گامِ اجتهاد رسیدیم، گامِ پنجم ۲۰۰۱ اجتهاد است گامِ چندین دهه کوشش و رنج

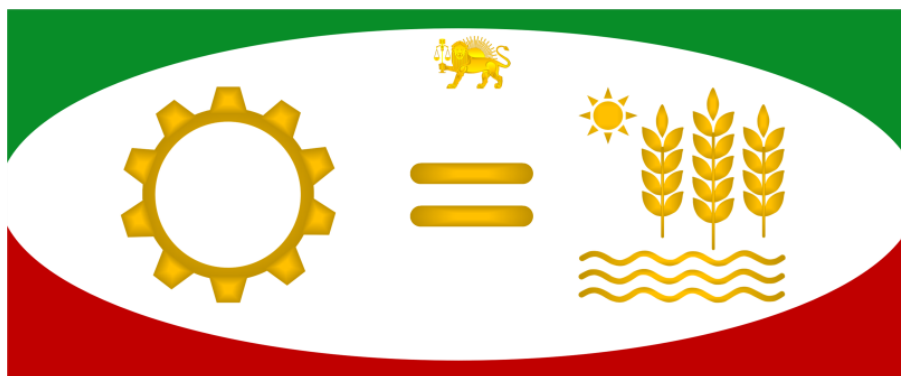
با سلاحِ جهل و ۱۰ پندِ شکنی، خردِ نیاد ۲۰۰۲ آن زمان بیهوده ۴ گامِ نخست دهم به باد



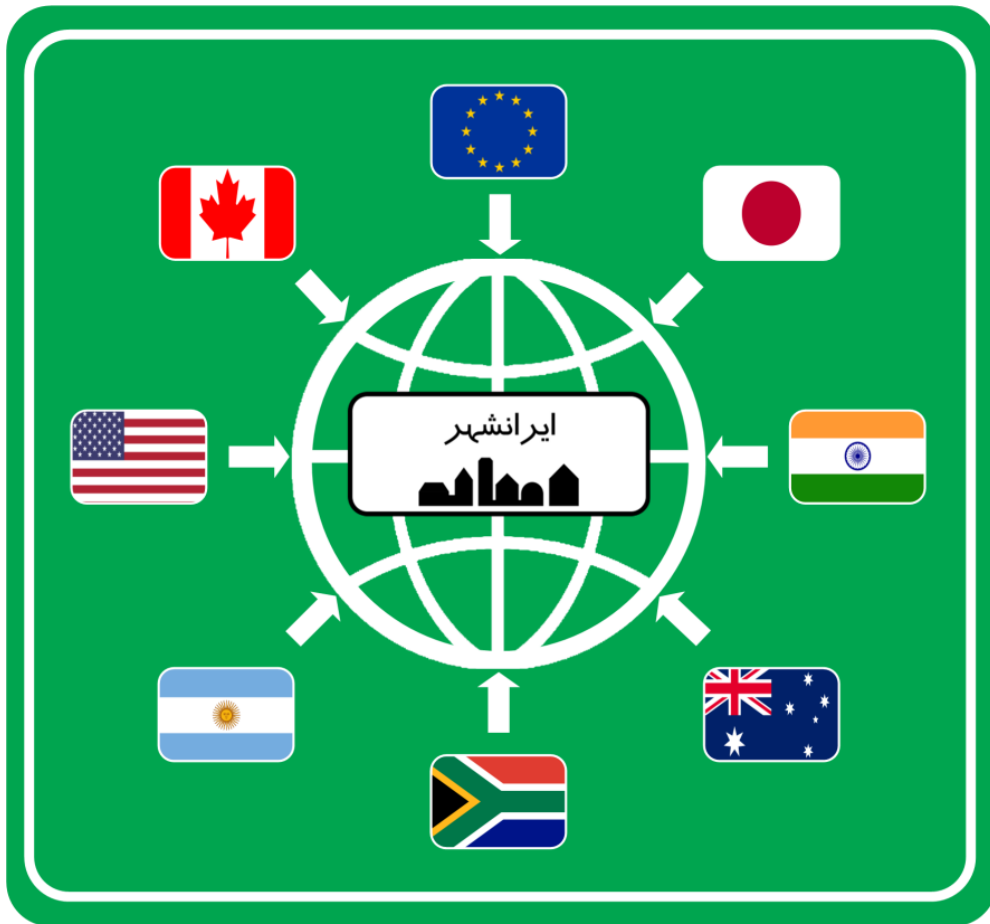
با سلاحِ خرد و عدلِ مساوی هر مکان ۲۰۰۳ ما به ایرانیت آوریم آبادیِ آرمغان



از نخست، آرمانِ ما، آب و نونِ گندم است ۲۰۰۴ رمزِ آبادیِ ایران، کوششِ یک مردم است



ایرانی در خارج، نگو فقط لنگش کن ۲۰۰۵ برگرد تو گود خونت، ایران رو خوشگلیش کن



ایرانی در خارج، تخصصی و کارا ۲۰۰۶ اگر برگردی ایران، میشیم قوی و دارا  
ایرانی در خارج، خردمند و با هنر ۲۰۰۷ به تو نیاز دارد، ایران مرز پر گهر

خواستار شماره ۷ از ۲۰ خواستار:

یک سال خدمت اجتماعی واجب برای دختران و پسران ۱۹ ساله، به عنوان تمرین تعهد و مسئولیت، تمرین مستقل شدن، انتخاب شغل، خدمت به هم میهنان و بازسازی کشور.



چون بزرگ سرمایه‌بازسازی ایرانیمان ۲۰۰۸ هست یک سال خدمت بر جامعه، زهر جوان

ما ز آغاز داریم ۲۰ نیک خواستار در مسیر ۲۰۰۹ وای به حال آن خردمند که بشد نخست وزیر

یک یک خواستار ما، هر جا باید اصول بشد ۲۰۱۰ چندی از خواستار ما زود رس، چندی طول کشد



بهر، وسط پونز بزن، قشنگ بچرخون

این چرخ را چاپ بکن ، به دیوار کن آویزون



- زود رس، هوای پاک، منع شکنجه و قصاص ۲۵۱۱ پایان اعدام، حقوق زن و مرد با یک اساس
- فکر و دین و پوشش آزاد، گفتار خرد ۲۵۱۲ حق کار و حق منزل، دکتر رایگان مدد
- اجتماعی خدمت و مدرسه هر چه بچه هست ۲۵۱۳ نه به دود به کودکان، به بالغان می گده هست
- زیر قانون اساسی، هر نفر با هر مقام ۲۵۱۴ مردمی نخست وزیر، که ماکس دارد ۸ سال دوام
- احترام ما به ایرانیت و ایران سریش ۲۵۱۵ احترام به فرهنگشاه و شیخ دادگر سرنوشت
- آشتی و دوستی با جهان آزاد فرهنگ ۲۵۱۶ دعوت توریست ها، بی درنگ به ایران قشنگ





دیر رس، خوراک و پوشاک، گاز و برق و آب نوش ۲۵۱۷ خودرو آمن، جادها پاکیزه و آمن و نور به دوش

جنگ با اعتیاد و رسیدگی به ناتوان ۲۵۱۸ پایان مهربه و جهیزیه به هر جوان

ارتش حرفه ای و پاکسازی گل فساد ۲۵۱۹ حق هر استان به بهبود سیرشت و اقتصاد

نیروی بهخا، به جای ساخت بمب اتمی ۲۵۲۰ نفت سازان بر ایران، پوشناز مردمی

خرچ پول از بر آبادی ایران هست علاج ۲۵۲۱ کاشت جنگل با شیرین آب ۳ دریاچه "تاج"





از بر هر یک از این ۲۰ خواستارِ پُر آثر ۲۰۲۲ ما داریم مدافعین و کارشناس، میلیون نَفَر

اما چون خیلی به خاکِ ایران آند، بی اعتنا ۲۰۲۳ پَس نیاز است که ما کُنیم دفاع، ایران صِدا



تیر ماه روزی که فتح کردم دماوندِ عظیم ۲۰۲۴ دورِ بام، دودخانِ گوگرد به من داد لرز و بیم

با غریش، با فورانِ دودِ گوگردِ کلفت ۲۰۲۰ سوی خود کشید مرا، انگاری او سخنِ بگفت

چون برفتم سوی این حنجره کوهِ وقار ۲۰۲۶ دودخانِ گفت: بیا سید دیداد آموزگار!

من شدم نزدیک و افتادم به زانو خود به خود ۲۰۲۷ من دماوند را آبر دیدم، و خود رو چون نخود



دودخانِ گوگرد - نزدیک به بامِ دماوند

دودخانِ گفت: پیام دارم ز قلبِ این زمین ۲۰۲۸ تو بده پیامِ ایران را به مردمِ این چنین:

ایران درود رساند و گفت: ساکنان عزیز ۲۰۲۹ از اِپرتی، داریوش و مهرداد و هومن تمیز

هیچ نیاموختید نظافت؟ جانش فقط جهل و ستیز؟ ۲۰۲۰ شما با زباله کردید کل خاک من مریض!



حامیان سرپرست ایران: شاه اِپرتی سیماشکی، ببر ایرانی هومن جوکار، شاه مهرداد اشکانی و شاه داریوش هخامنشی

من که پیش آزادگان کردم ز ضحاک کهن ۲۰۲۱ حال ضحاک زمین خوار آوردید بر خاک من؟



پاسخ نیکی ز من، برکت ز من آیا اینه؟ ۲۰۲۲ آرمغانتان به من، نابودی این زمینه؟



به شما هشدار دهم، صبرم نباشد تا ابد ۲۰۲۲ خاک من تقدیر کنید، آشغال بریزید در سبد

چون اگر دهید ادامه، این کثافت کارتان ۲۰۲۴ بچشید خشم سرشتم، یعنی وای به حالتان



۲۰۲۵ آفکنم توفان خاک، یا آفکنم کولاک یخ ۲۰۲۵ کل محصولاتان ببخشم به سیل ملخ

۲۰۲۶ با طلوع و خشم آپوش، خشکی در چند سلسله حرکت پوستی من، هر جا ببینید زلزله

۲۰۲۷ روتونو کم میکنم با بهمن و سیل و گلاب بگنم بیدار سهند، بزمان، دماوند ز خواب

۲۰۲۸ آفکنم آتش به مال جاهلان بی خرد آتشی که تنها تیشتر تواند خاموش کند

۲۰۲۹ یا کُنید پاکی خاک من، به خود، نخست شعار یا که خواهید دید چطور دود کردم ضحاک مار

۲۰۴۰ پس تو ایرانی از این به بعد خرد بگیر به کار گر گنی تاراج مرا، از تو در آورم دمار

۲۰۴۱ آن زمان دودخان گفت: این بود پایان پیام ناگهان محو بشد، ایران صدا، با این کلام

۲۰۴۲ چون من این هشدار صدا از دل ایران شنیدم وقتی از جا پا شدم، من یکی، خیلی ترسیدم

۲۰۴۳ بچه ها، گمان کنم پیام ایران جدی بود پس بیاید تمیز کنیم، تا نشدیم گوگرد و دود

۲۰۴۴ شنبه های تعهد، ما آشغال از ایران میرونی و بیاید وقت خوراک، شعر غذا رو بخونیم

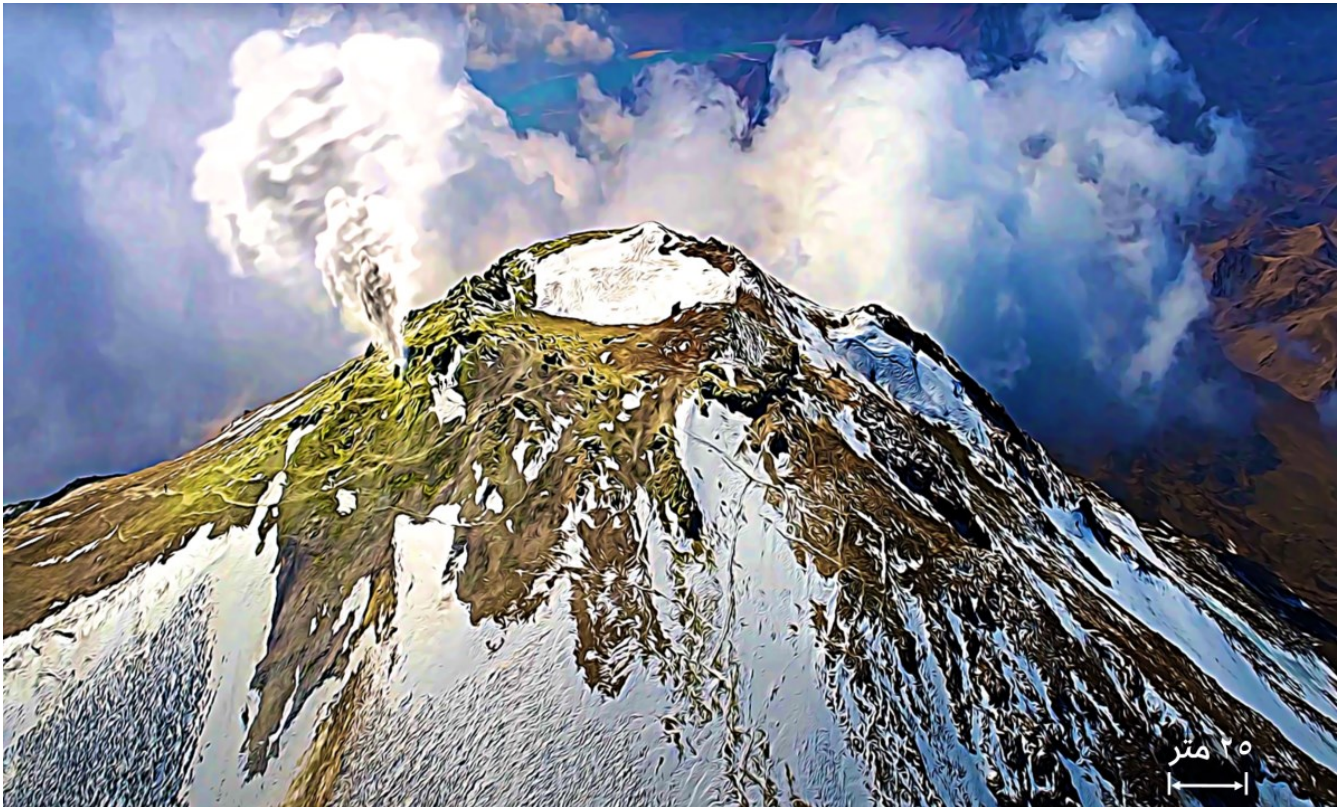
نماد شعر غذا



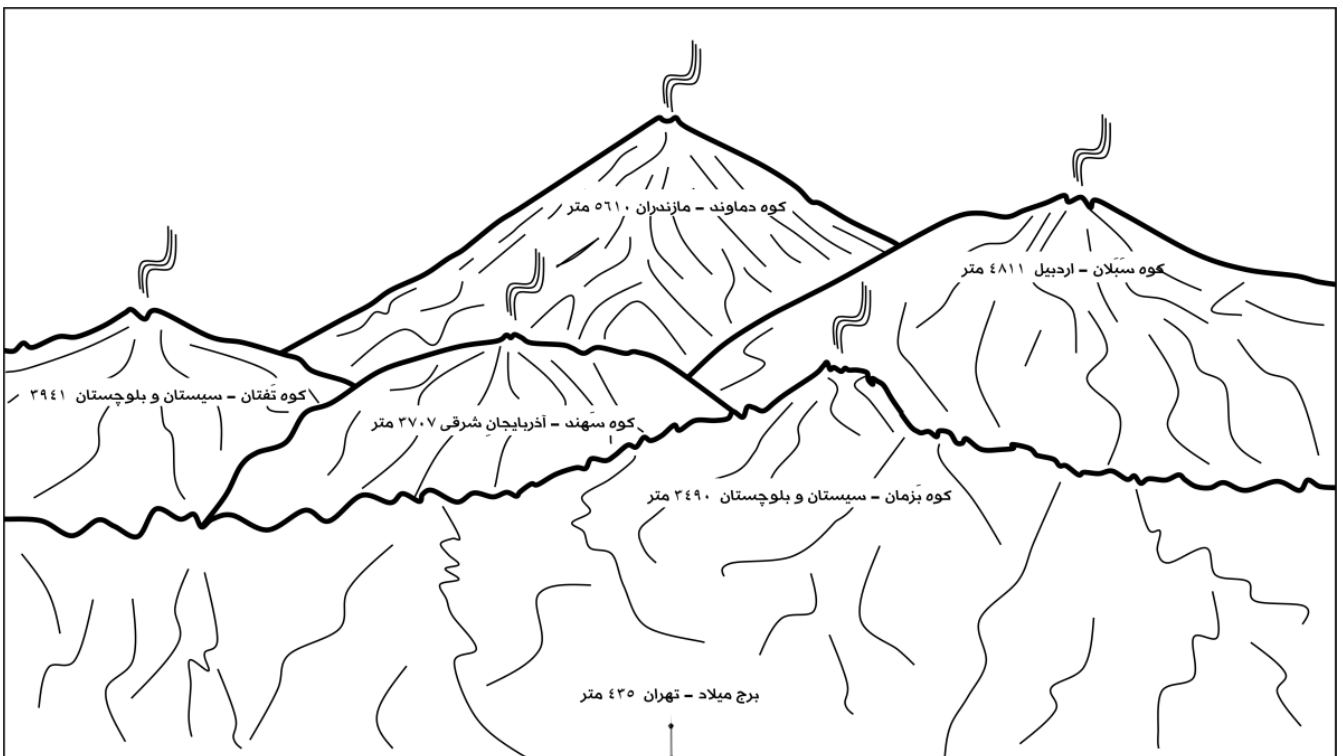
نماد هفته بشکنی



دودخانِ گوگرد در ارتفاع ۵۵۸۵ متری - نزدیک به بامِ دماوند



پنج خانِ گوگرد - ۵ آتشفشانِ ایران - وای بر حالِ ما گر، این ۵ کوه بیدار شوند





قاتل و بس دشمن ایران بود

کسی که وحش- حیوان بیجان کند

منظره ای آشنا در سراسر ایران . نمایی از راه میان جنگل هیرکانی و دریاچه گیلماز - مازندران



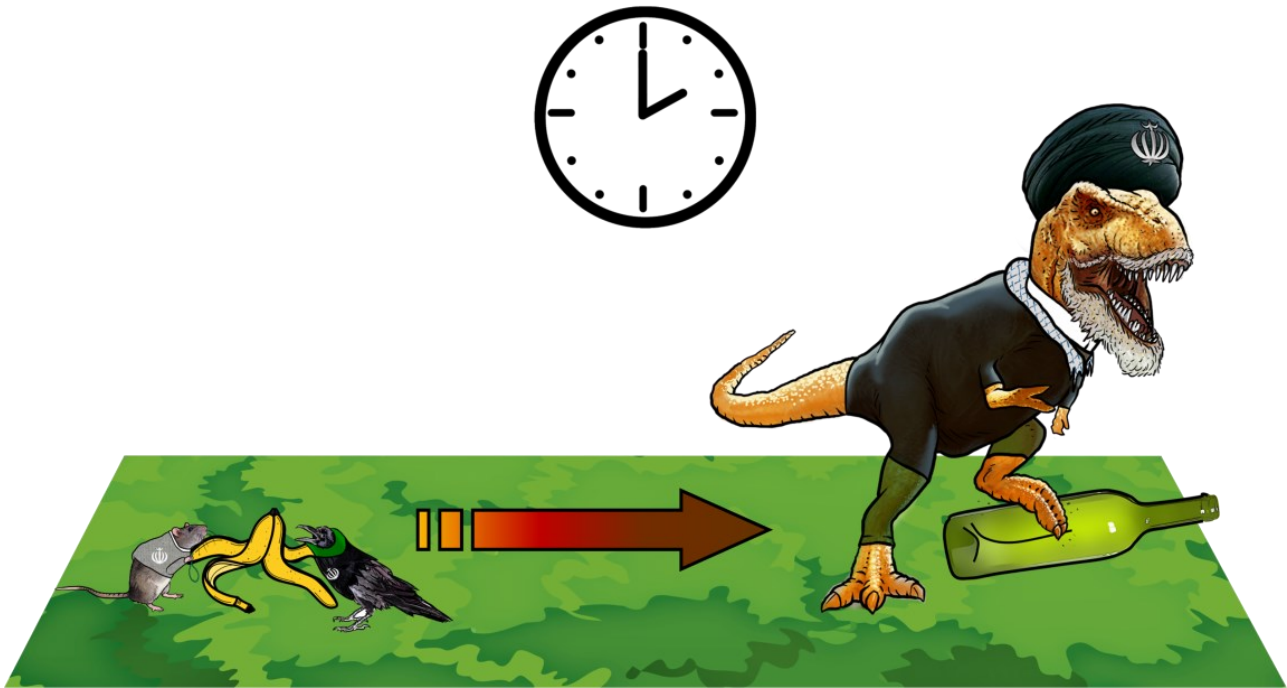
ما ها می‌گیم : ” ما تمیزیم، اما آخوند شلخته “ ؟

می‌گیم : ” سرشت ما به خاطر آخوند بدبخته “ ؟

خود چس پرست ! از خود پرس : ” یه تابلو خوندن سخته “ ؟

یا بهتره پس ما بگیم : ” کرم از خود درخته “ ؟

گر تو کردی کار زشت، به ایرانیّت و سرشت سرنوشتت ز سرشت، باشد جهنم، نه بهشت



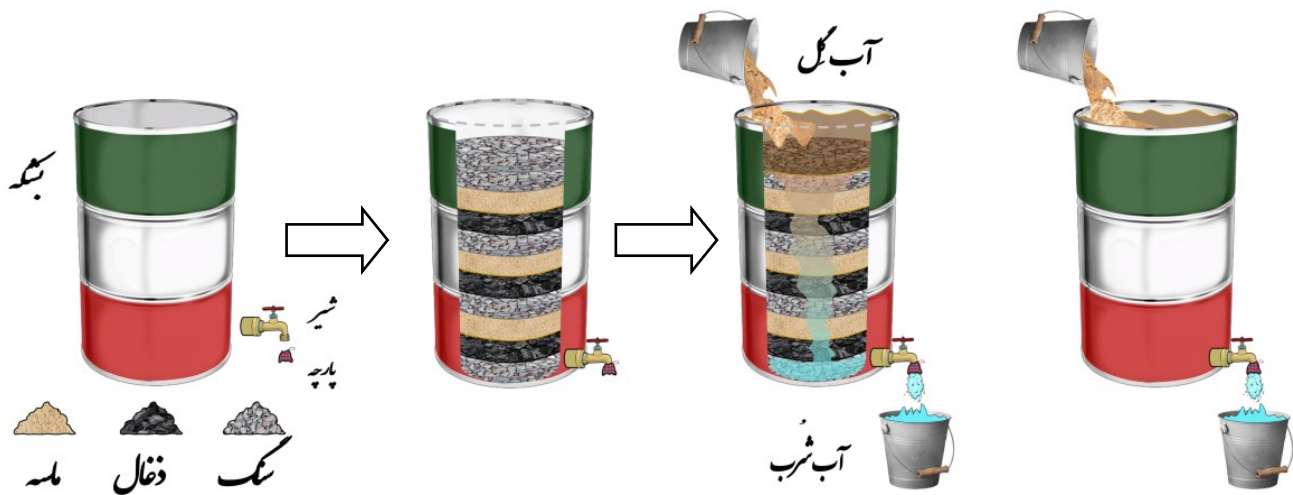
- ۲۵۴۵ هَضْمِ هر زِبَالِه ای، خَاک را به آلود می‌کِشِه بعضی این قَدَر طولانی، مغزِ آدم سوت می‌کِشِه
- ۲۵۴۶ آشغال میوه و سبزی، هَضْمِش هست ۲ هفته ای کاغذ و کارتون مقوا، هَضْمِش هست ۸ هفته ای
- ۲۵۴۷ هر لباس جنس پنبه، هَضْمِش هست نیمه سال اگه جنسش "جین" باشه، آن زمان هَضْمِش هست ۱ سال
- ۲۵۴۸ ۵ سال طول می‌کِشِه قوطی شیر، یا ته سیگار مبلمان چوبی رو ۱۰ سال رو اون ۵ سال بذار
- ۲۵۴۹ ۴۰ سال نایلون و جنس چرم کند خاک عصبی تا ۲۰۰ سال طول کشد باتری و قوطی حلبی
- ۲۵۵۰ ۴۰۰ سال طول کشد بطری پلاستیک در زمین ۸۰۰ سال طول کشد هر بچه پوشک عین
- ۲۵۵۱ کیسه پلاستیک که مفت پیش هر چی بقاله مدتِ هَضْمِ همون کیسه، خودش ۱۰۰۰ ساله
- ۲۵۵۲ فلز خودرو، دوچرخه، بر سررشت آزارشه واسه هَضْمِ فلز ۵۰۰۰ سال رو شاخشه
- ۲۵۵۳ ظروف سفال بمانند ۱۰ هزار سال در زمین گَر بدانی وقت شیشه، نگی باور چنین
- ۲۵۵۴ هَضْمِ شیشه برسد به ۱۰۰ میلیون سال بیش از این آن زمان که دایناسور بود حاکم ایران زمین
- ۲۵۵۵ بار بعد، پیش از این که آشغال روی خاک بندازی فکر هَضْمِ آن بیفت، وجدان به خود بکن قاضی

ما دشمنِ زِبَالِه ۲۵۵۶ پاکی چه حالی داره

- ۲۵۵۷ یعنی استفاده کامل از هر چیز با خرد  
 امر پیش یافت، یعنی که پیشگیری از اصراف بد
- ۲۵۵۸ خرج تولید کم همیشه، سرشت سبز علم همیشه  
 آگه ما پیش یافت کنیم، نیاز به باز یافت کم همیشه
- ۲۵۵۹ هر کشیدن، صرفه جویی به لیتر آب رون  
 یک دونه اجر بذار، تو منبع آب سیفون
- ۲۵۶۰ پارچه ای خورجین ببر واسه خریدات همیشه  
 کیسه مفت از بقالی، خودش زباله ساز همیشه
- ۲۵۶۱ سوی رودخانه نکن تو آب آلوده مسیر  
 ظرفهات رو تو تشت بشور، آخر کار یک آب بگیر
- ۲۵۶۲ پیش یافت کمک کند، باشد به ایرانی مفید  
 سود کامل ببر از هر چیز، پیش از نو خرید



- ۲۵۶۳ سوخت اشغال را بکن تولید آب گرم و برق  
 از بر بازیافت بکن بیرون ز جعبه، فکر فرق
- ۲۵۶۴ تو بساز از اشغال کامپیوتر، جواهرات  
 از نمک باتری بساز، یا که نمک به صادرات
- ۲۵۶۵ کود بکن تبدیل به سوخت خودرو، بی روغن و دود  
 تو بکن لباس و روغن غذا تبدیل به کود
- ۲۵۶۶ بازیافت بکن تا ایران از زباله شه رها  
 تو بساز با لاستیک خودرو، آسفالت برای راه



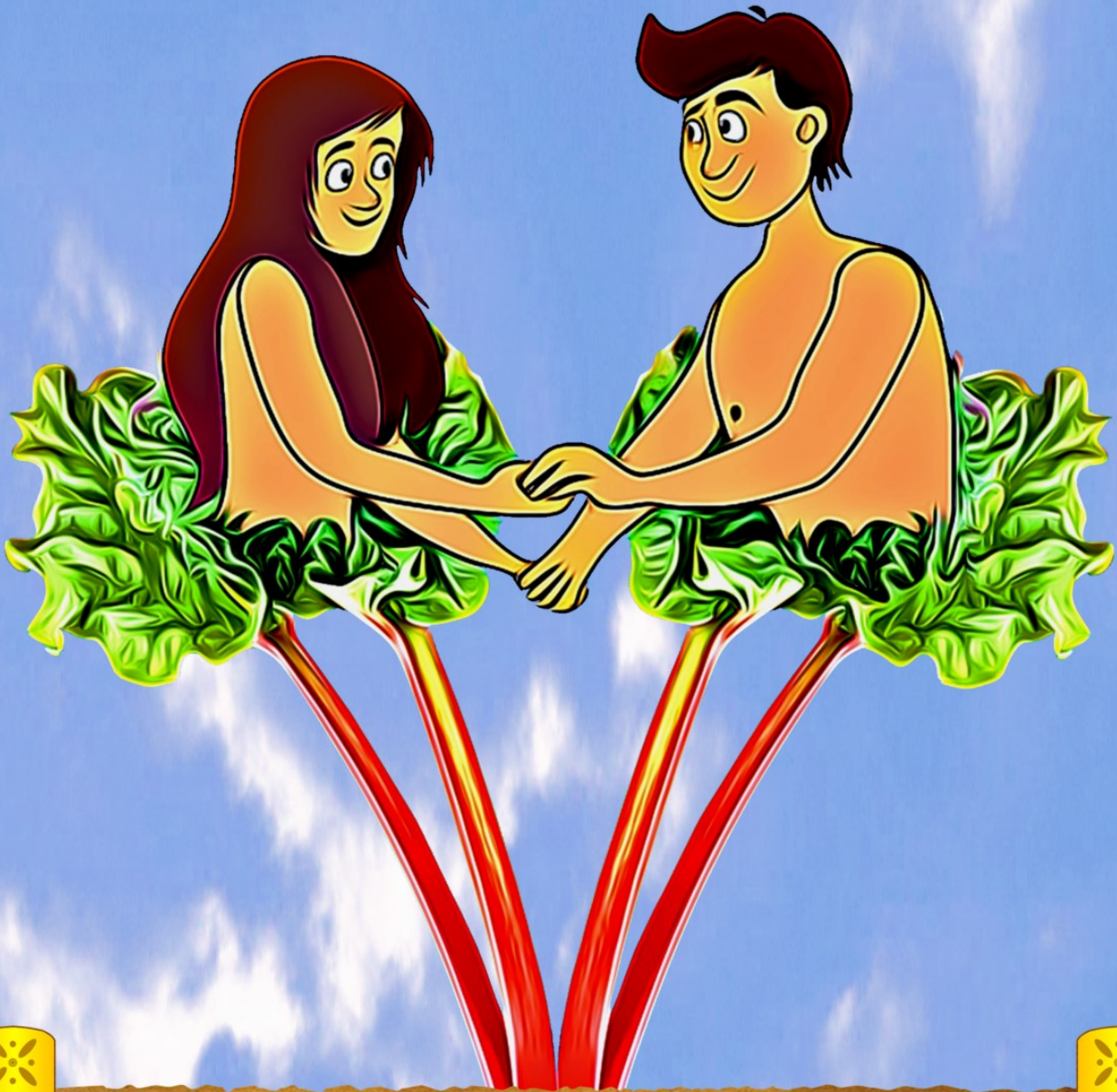
ماسه، ذغال و سنگ ریز، تو یک بشکه ۱۰ لایه ریز ۲۵۶۷ گلاب را از بالا بریز، پائین بیاب آب تمیز



وسيله ای ساده برای تصفیه رودابِ روستا نشینان. (فقط برای تصفیه گلاب شیرین و نه آب نمک یا آلوده)

نوع کوچکش را شهرنشینان میتوانند در سطل درست کرده و آب گلاب شیر را پیش از آشامیدن، نخست تصفیه کنند.

(نوع کوچک سطلی را دیداد بارها با دانشآموزانش ساخته، امتحان کرده و این وسیله ساده تصفیه، به خوبی جواب داده است.)



مَشی، مَشیانه و ریواس

در اساطیر ایرانی، پس از کشته شدن کیومرث به دست اهریمن،  
از ناف پیکر کیومرث، نخستین گیاه که ریواس بود روید.  
از آن گیاه ریواس، نخستین جفت آدم، مَشی (مرد) و مَشیانه (زن)  
به دنیا آمدند.





- ۲۰۶۸ رهبرِ مَخْ فَنَدَقْ نِظَامِ تَرِيَاك و وافور کرده او سِرِشْتِ ما نابود، الاغِ بِي شعور
- ۲۰۶۹ خاکِ ما تاراج و بی محصول و ما در سوزِشِيم بعد الاغ ميگه بزاييد، تا که ۱۰۰ ميليون بشيم
- ۲۰۷۰ چون آسانسور که نويشته حدِ اکثَر ۶ نَفَر گر کُنِي پُر با ۱۲ تا گولوش، رو کول و سَر
- ۲۰۷۱ با آسانسور نه که هيچ کُدام به بالا نَميرَن با سقوطِ اين آسانسور، همه حالا ميميرَن
- ۲۰۷۲ ۴۰ و آندی ساله، ايران تو خُشک و خاكيه واسه ايران حتی ۵۰ ميليون هم زياديه
- ۲۰۷۳ اين روزها، داشتنِ تَک فرزند بُوَد خَرَد و هوش اگه بيشتَر بزايي، صفر كيلومترِي و گولوش
- ۲۰۷۴ هنگامي که ما بخواهم بشيم ۱۰۰ ميليون ايراني اول ايران را بايد آباد کُنيم از ويرانی
- ۲۰۷۵ آن زمان با پاکی و جُدانِ بشيم چندين نَفَر ايران آباد نياز دارد به دختر و پسر

تا که ما ايران نکرديم آباد و سير از غذا ۲۰۷۶ حال بَکُن، اما جيگر، کاندوم بِنار، کَمْتَر بَزَا



نفت هست سازان یا سوزان، نفت هست گران یا مُفت ۲۵۷۷ بشنو تو ایران صِدا از برِ نَفْت و گاز چه گُفت:

”هر چه از قَلَبِ بَکَنَدی، خَرخ کُن تنها تو آن ۲۵۷۸ از برِ اَبادیم، تا راضی باشند ساکنان“

دو تا دوست سَلْمونی داشتند، یکی شیک، یکی گولوش ۲۵۷۹ شیکه با پیش قرار و کارِ گران، مُشتری توش



محمد مُصدِق، نادر شاه و شاه کوروش در حال شیکفروشی نَفْتِ پاسارگادی برای مردمِ ایران

اما بود ارزون گولوش، تمام روز عُمده فروش ۲۵۸۰ پول پنج شیک مُشتری، مانند ۴۰ پیش گولوش



جواد ظریف، مَجی گَجی و قالیباف در حال عُمده فروشی، حراج و تاراجِ نَفْتِ مردمِ ایران

نفت و گازمان تو بازارهای تاریک نَفروش ۲۵۸۱ باش پاسارگادی، گران مایه تو نفتِ شیک فروش

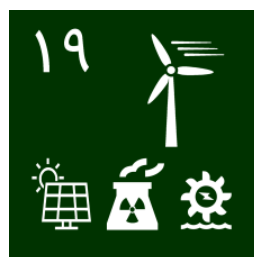
- هر که درِبِ نفتِ دُکانِ غارتِ ضحاکِ بَست ۲۵۸۲ نیکِ کَرَد به ایرانیت، دزدیِ ناپاک را شِکَست
- گر چه ناراضی شُدند چندی ز نفروختنِ نفت ۲۵۸۳ نَفْتِ ما، ثروت به جا، خوشا به ما، هیچ جا نَرَفْت
- ایرانِ مَرَدَم به ایرانی کُندِ خاطرِ نشان ۲۵۸۴ باید هر قطرهٔ نفت کُندِ آبادِ ایرانمان

۴	<b>سرمایه‌گذاری نفتی در پوشناز</b>	۴۳۰
---	------------------------------------	-----



- راهِ آبادیِ ایران، بَسِ گران و بَسِ دراز ۲۵۸۵ با خِرَدِ باید که سرمایه‌گذاریم نفت و گاز
- بخشی از هر قطرهٔ نفت، این را بدان که حقِ ماس ۲۵۸۶ پَسِ با پوشناز ما به ایرانی باید بگیم سپاس
- چون بکوشیدی در ایران، تا تو بازنشسته ای ۲۵۸۷ چِکِ پوشناز کُنی دریافت، از بَرِ تَنِ خَسْتِگی
- پوشنازِ یابی تو تنها یک دفعه و یک عدد ۲۵۸۸ هر عدد باشد، کُند به بازنشستگان مَدَد

۳	<b>نیروی بهخا</b>	۴۳۱
---	-------------------	-----



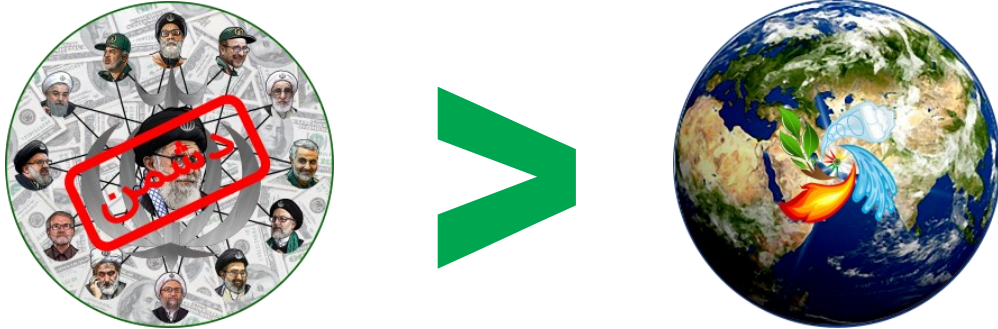
- چون که نفت و گاز ماست محدود، و نیست همیشگی ۲۵۸۹ با دِگَرِ نیرو باید کُنیم چارهٔ زندگی
- چون که خورشید، آب و باد، خوشا به ماست نیروی مُفْت ۲۵۹۰ چون بَرِ هسته ای نیرو، خرج بگردیم ما هِنگُفت
- حال بگیریم باد و هسته، خورشید و آب چون سلاح ۲۵۹۱ تا کُنیم نیروی پاک، نیروی بهخا را به پا

۱	<b>آباد راه ایران</b>	۴۳۲
---	-----------------------	-----

این ره که تو میروی به پوچستان است ۲۵۹۲ آباد راه ایران از بلوچستان است

۴۰ و آندی سالی، دزدی ضحاکهای قُم ۲۰۹۳ آگه ما خرچ سِرِشْت میگردیم، اون پول یک دَهَم

میرسیدیم به ۳ دریاچه در تَخِیلات ۲۰۹۴ حتی از فضا میشد آبادی ایران ثبات



ما رسیم به مزرعه، به ماهی و جنگل کاج ۲۰۹۰ گر که سرمایه بناریم به ۳ دریاچه تاج

بشنو این اندیشه خردمند از آموزگار ۲۰۹۶ آیا این اندیشه بَر است، و یا دیوانه کار؟

بشو ما چگونه از کرانه هُرمزگان ۲۰۹۷ برسیم به ماهیگیری با قایق در سِمنان

بشنو ما چگونه از دشت هَدَر در اصفهان ۲۰۹۸ بسازیم گران ترین خطِ کرانه ایران

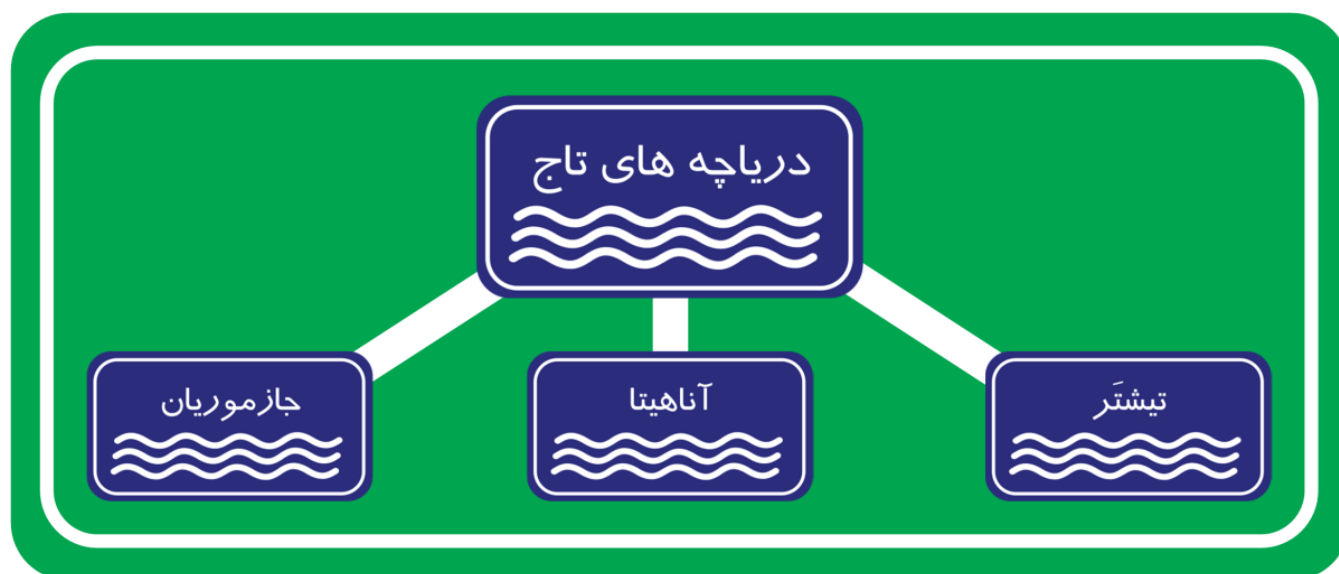
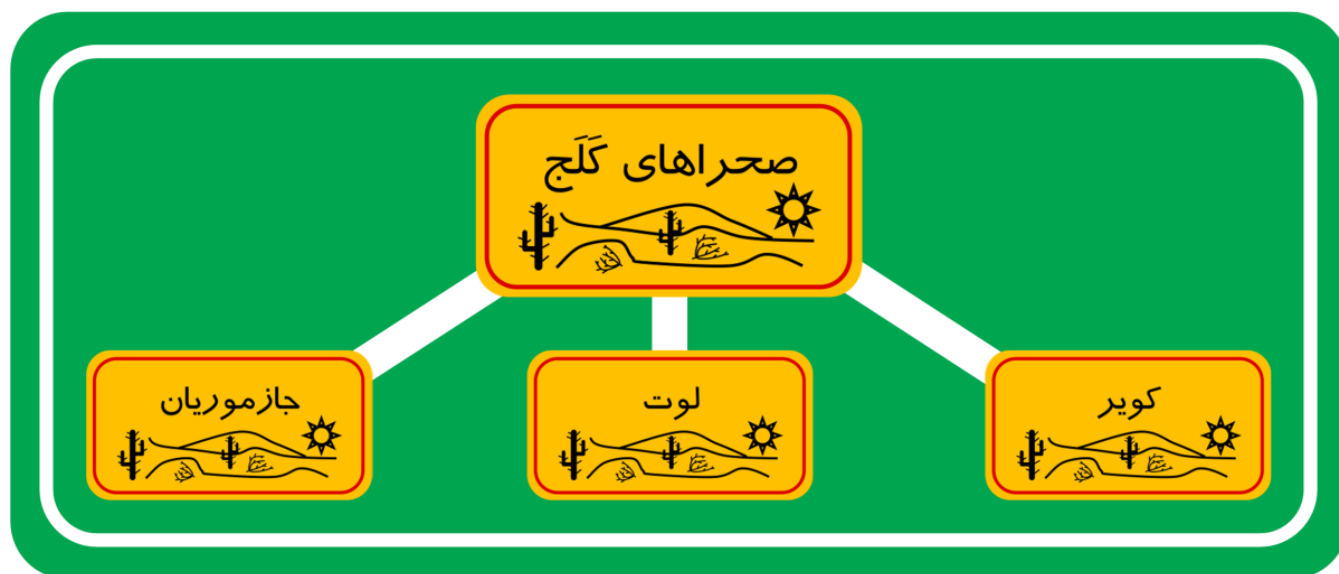
بشنو ما چگونه از خشک پایه کوه بی ثمر ۲۰۹۹ برسیم به مزرعه، به جنگل و به جانور

نه گرمی، اشتباه نشنیدی این حرف را تو خواب ۲۶۰۰ رمز این اندیشه است، یک واژه کوتاه: آب



گَر بگیریم نَمک از آب، بیابیم آب شَرَب ۲۶۰۱ با ۳ دریاچه به ایران آوریم ما اَرَج و قُرَب

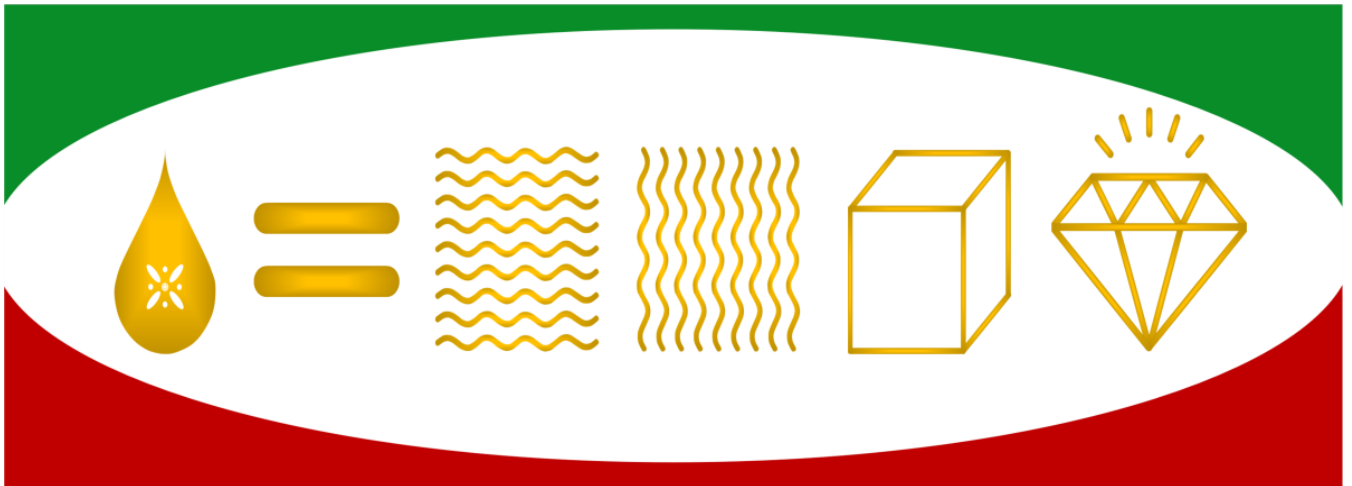
این نَباشد فِکَرِ زود رَس، مَثَلِ یَک سِیخِ کَباب ۲۶۰۲ ۴۰ سال طول میکشه، اما ۳ دریاچه به آب



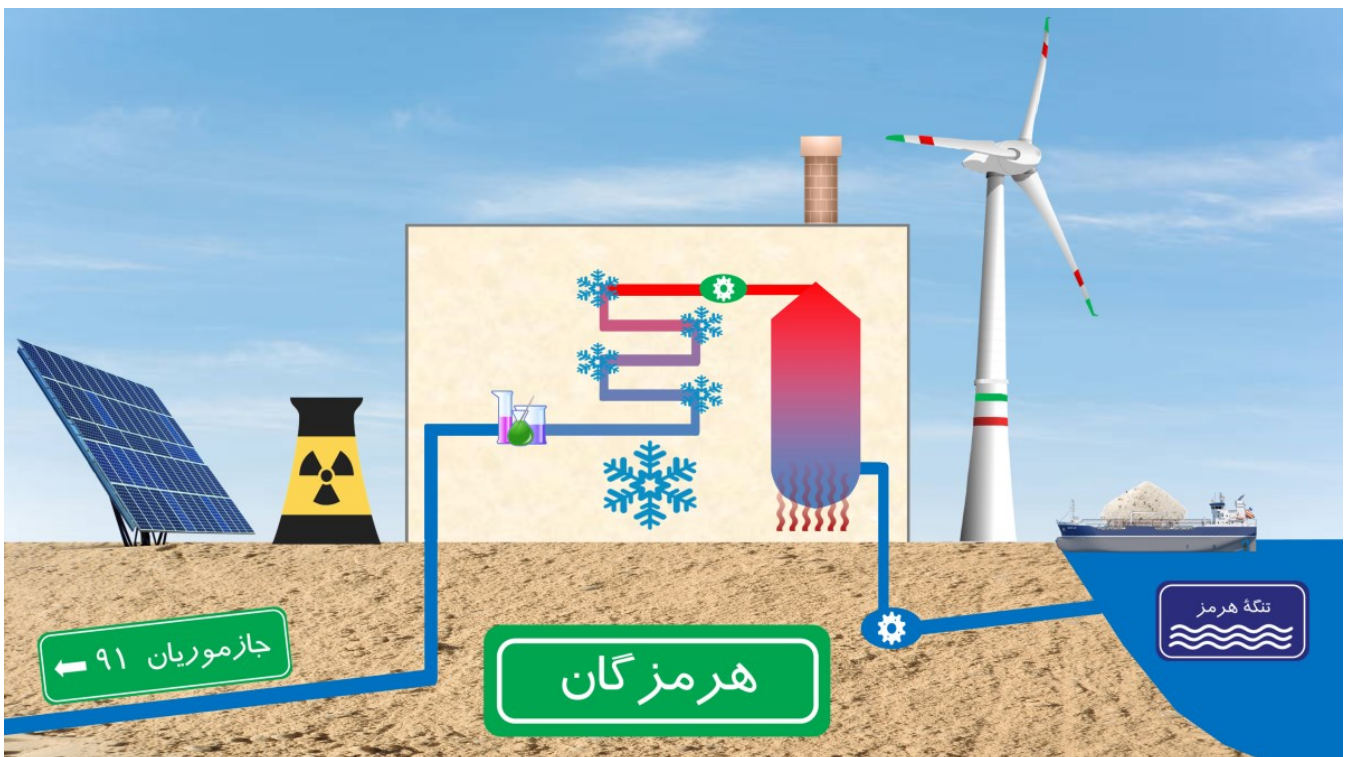
نَسَلِ آیندِه کُنند چِه کِیف و حالی بچِه ها ۲۶۰۳ تیشتر، آناهیتا، جازموریان دریاچه ها

نامِ این گروهِ آب، به هر ۳ دارد احتیاج ۲۶۰۴ باستان فَرَاخ کَرَت، و اکنون ۳ دریاچه تاج

آبی که به تاج رسد، داشته به رویایی سفر ۲۶۰۵ هر ۳ شکل جامد و مایه و گاز، حالا گوهر



توی هرمزگان کنیم پمپاژ آب را ما به دیگ ۲۶۰۶ ما کنیم تبخیر آب، زداییم ما نمک و ریگ

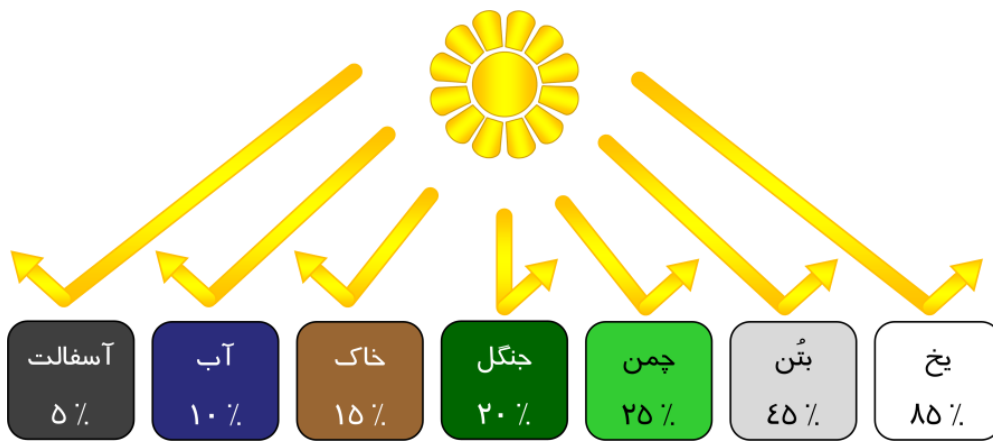


آب دم را سرد کنیم، روان سوی جازموریان ۲۶۰۷ ۹۱ کیلومتر تونل آب هست در میان

گر بخواهیم انتقال آیمان بی خرج و حد ۲۶۰۸ شیب اندک در تونل، جاذبه کار خود کند

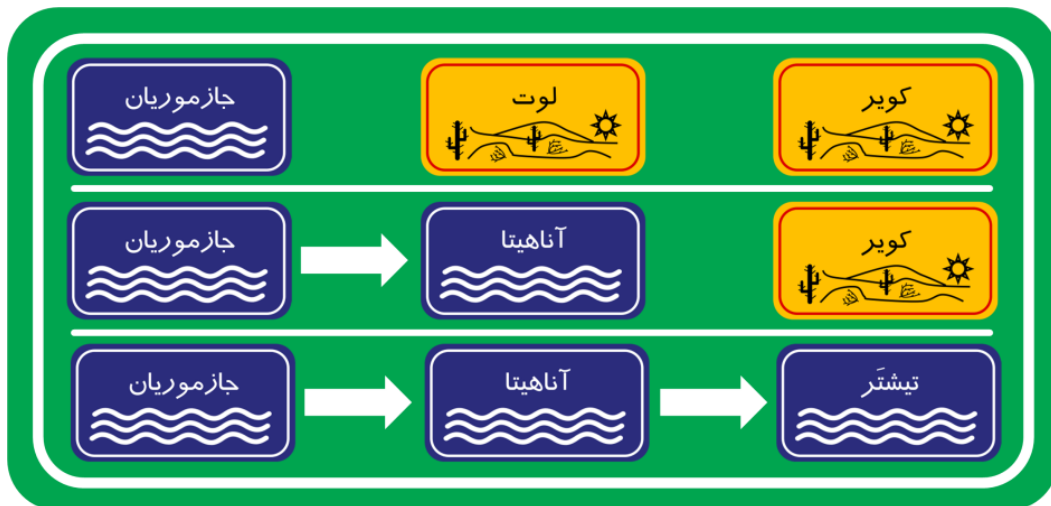
سود کار و صرفه جو، با خرد آید این به جفت ۲۶۰۹ ۹۱ کیلومتر با انتقال آب، مفت

- آخر تونل رسد به پایه قلعه گنج ۲۶۱۰ آب کنیم بلوک یخ، به متر ۱۰ به ۵ به ۵
- ۵۰۰ متر چاه آب، از یخدونی تا بام کوه ۲۶۱۱ بلوک یخ از پایین، تو چاه خودش میاد به رو
- بام کوه، بلوک یخ، سر به سوی جازموریان ۲۶۱۲ یخ شود آب، بکند جازموریان را آب نشان
- راه دیگر، بوکسور کوه یخ از قطب جنوب ۲۶۱۳ برش بلوک یخ، که آبش هست شیرین و خوب
- صرفه جویی در نمک زداییش، هست بس عظیم ۲۶۱۴ به جای آب به تونل، روان کنیم یخ مستقیم
- ۴ تا این سیستم آب، از هرمز تا باهو کلات ۲۶۱۵ روزی یک کیلومتر مربع یخ به ایران فلات
- نور خورشید یخ دهد بارها بیش از آب انعکاس ۲۶۱۶ دیر تر یخ آب شود، چون آب ما قطره طلاس



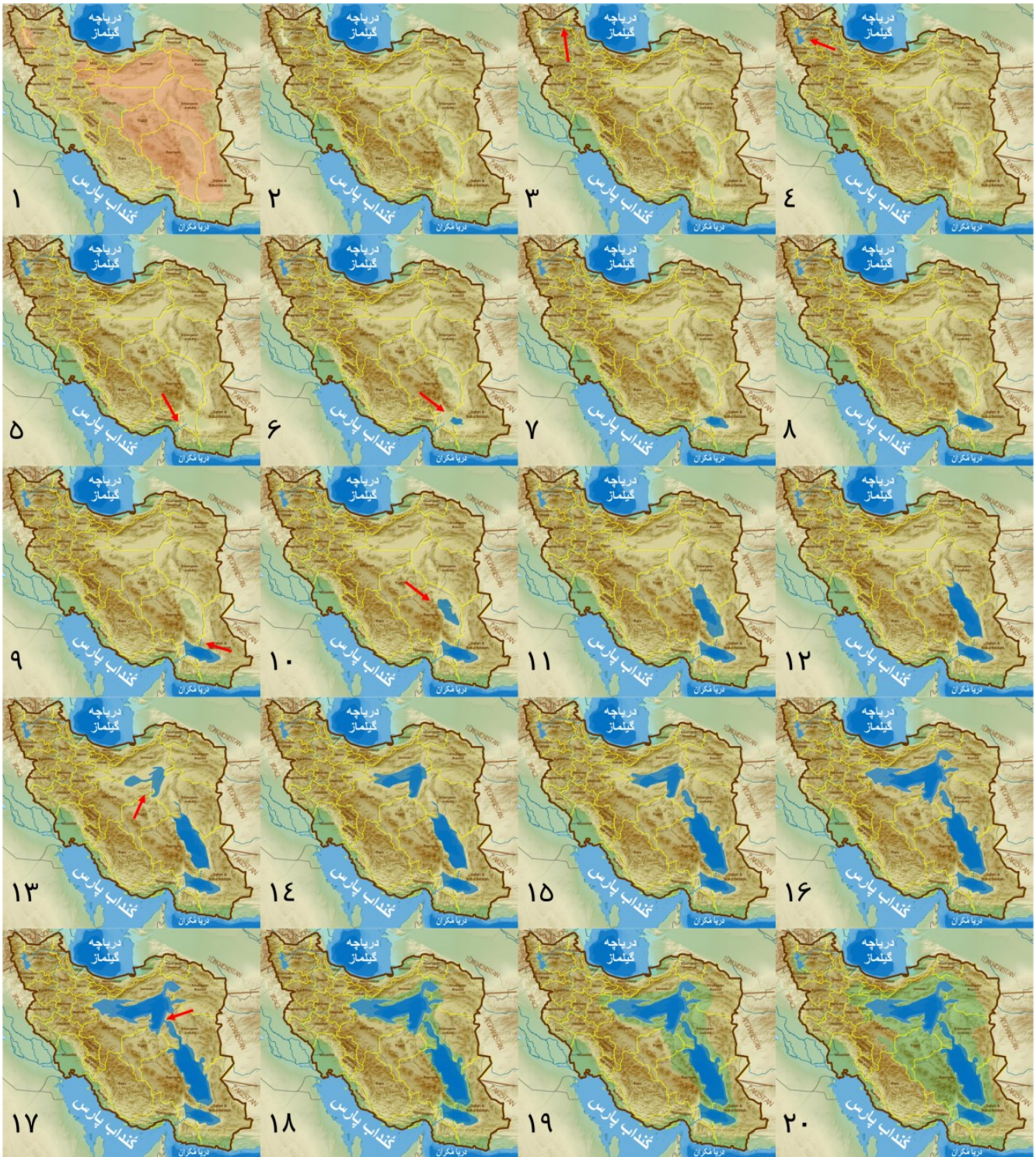
مقیاس سپیدایی آبلدو - درصد انعکاس نور خورشید از سطح یک جسم

- کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان گرم ۲۶۱۷ پایان توفان خاک، آب و هوا هر جا ولرم
- وقتی که جازموریان به سیر آبی و سود رسد ۲۶۱۸ گام بعد، این آب به خشک دشت کویر و لوت رسد
- لوت کنیم آناهیتا، دشت کویر را تیشتر ۲۶۱۹ آب شرب به بیش از ایران، سبزی خاک بیشتر

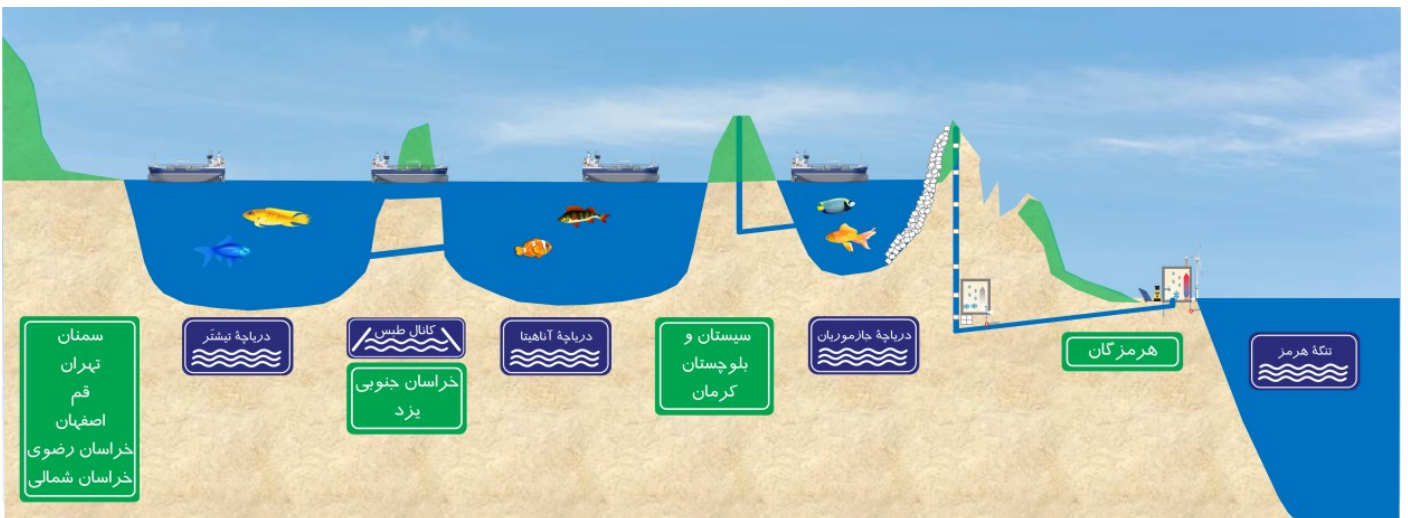




مراحل آب رسانی به دریاچه ارومیه و سه دریاچه تاج



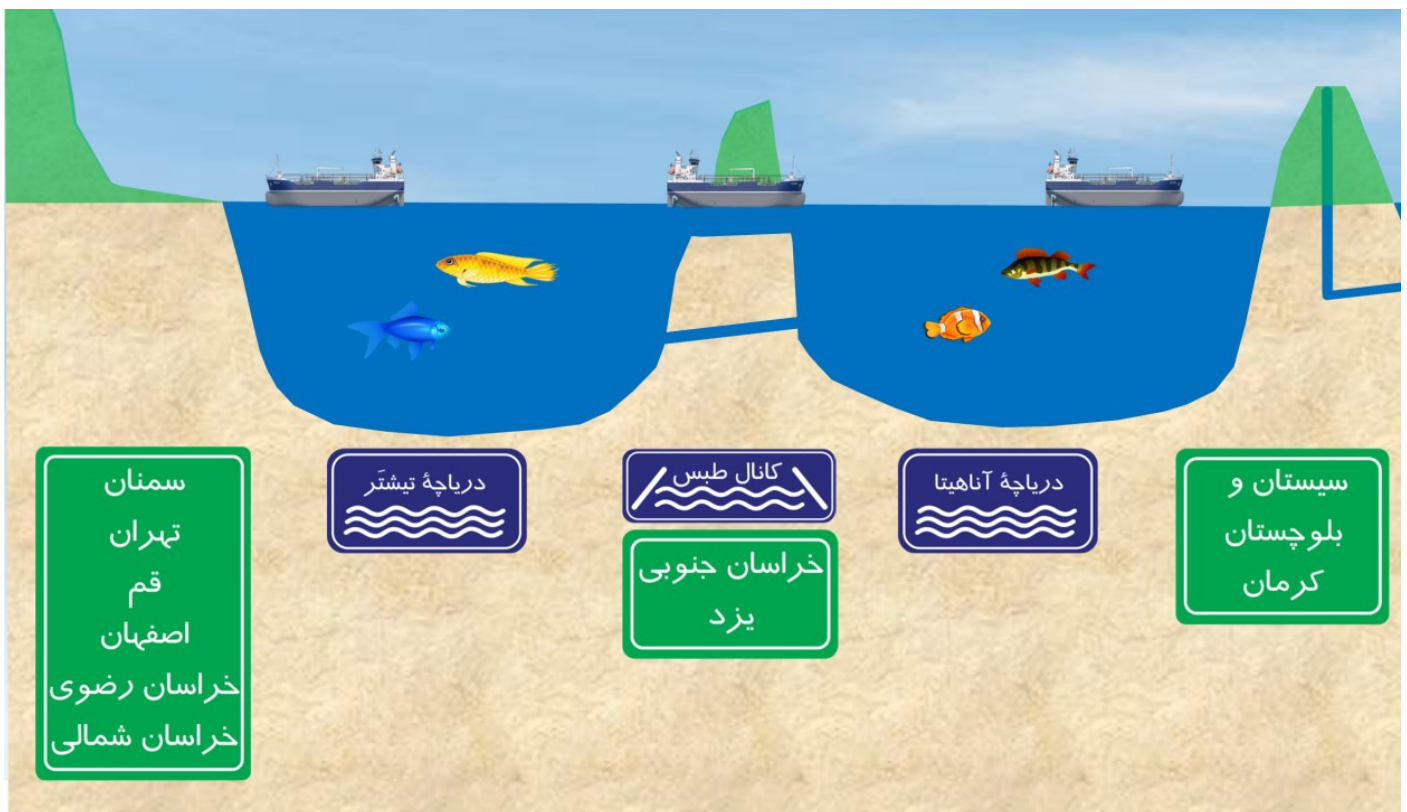
- ۱- سرشت خشک ضحاکسانی
- ۲- پایان دود و گرم سازی بی رویه
- ۳- راه آب از گیلماز تا ارومیه
- ۴- ارومیه پر آب
- ۵- راه آب شیرین از هرمزگان به جازموریان
- ۸- جازموریان پر آب
- ۹- راه آب از جازموریان به لوت
- ۱۰- لوت تبدیل به آنابیتا
- ۱۲- راه آب به کویر
- ۱۴- کویر تبدیل به تیشتر
- ۱۶- آنابیتا و تیشتر پر آب
- ۱۷- کانال طبس آنابیتا را به تیشتر وصل میکند
- ۱۹- تکمیل سه دریاچه تاج
- ۲۰- سرشت سبز کاوایی







کِشتی از تهران تا کرمان، کانال طبس میان ۲۶۲۰ شیلاتِ سمنان، خراسان، ساحلِ یزد، اصفهان



این ۳ دریاچه دهد به خاکِ ایران تازه جان ۲۶۲۱ با رطوبتِ بشود ایران زمین، سبزه نشان

نه فقط ایران از این ۳ دریاچه بهره برد ۲۶۲۲ خاکِ پاک، افغان و تاجیک، ترکمن سبزه شود

آبِ ما ثروت و کار ایفا کند به ایرانیت ۲۶۲۳ تاج ما بهبود دهد سرشت به هر انسانیت



نیروی آتم نیاز دارد چنین پروژه ای ۲۶۲۴ خرج پول آب و گندم دارد این پروژه ای



پولی که ضحاکیان ۴۰ سال چاپیدند، هر مکان ۲۶۲۵ خرج تاج شاید فقط ۴ سال از آن پول کلان



ما باید آباد کنیم ایران، تا داریم گاز و نفت ۲۶۲۶ تا به حال نکرده ایم، ثروتمان فنا برفت

گر به بار ثروت بذاریم، از بر این آب زیست ۲۶۲۷ ما داریم ایران، پر آب، آینده تا سال ۲۰۰

ما با این دریاچه ها یابیم یک ایران بهشت ۲۶۲۸ ایرانی با ثروت و سپید سزا، ایران سرشت

شاید این اندیشه ژول ورن و مردم غرق خواب ۲۶۲۹ امتحان شد پیش شاهبداغی و بداد جواب

ما از این ایران خردمند، یافتیم این فکر ناب ۲۶۳۰ و بگردیم ما اضافه، راه شیرین یخ آب

گرچه با این آب کنیم آباد ما ایران زمین ۲۶۲۱ اما شاید واکنش زاید، بزرگ کار این چنین

این همه نمک؟ یا صنعت یا به اقیانوس باز ۲۶۲۲ یخ قُطب که آب میشه، حد نمک کند تراز

وزن آب، بیداری آتشفشان و زلزله ۲۶۲۳ کوچ ۲۰ هزار ایرانی، سیل چندین مرحله

ما با این آب عظیم، باید بیابیم راه زیست ۲۶۲۴ بهر آبادی ایران، سست بهانه چاره نیست

شاه داریوش بزرگ، نقشه کانال داریوش در مصر، نام او به نوشته های گوناگون و کپی سنگ نبشته کانال او در مصر



شاه داریوش وقتی در مصر گشود نخست کانال ۲۶۲۵ او نگفت: ول کن بابا، ما گشاد و این کار محال!

او گشود آن کانال و نوشت که: "من داریوش پارس ۲۶۲۶ باز کردم نیل کانال، بر کشتی تا کُنداب پارس"

با ۳ دریاچه تاج، دیو آپوش کنیم هلاک ۲۶۲۷ پس تو باش یک کرم ابریشم، نباش یک کرم خاک





اگر میپرسی که "چرا تالاب ها خشک و خاکیه؟" یادت نره که دشمن ایران و ایرانی کیه !



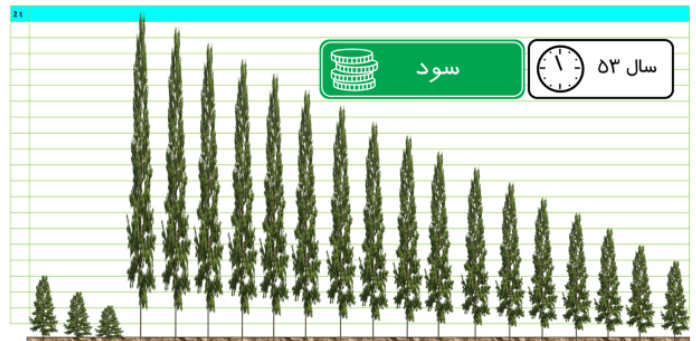
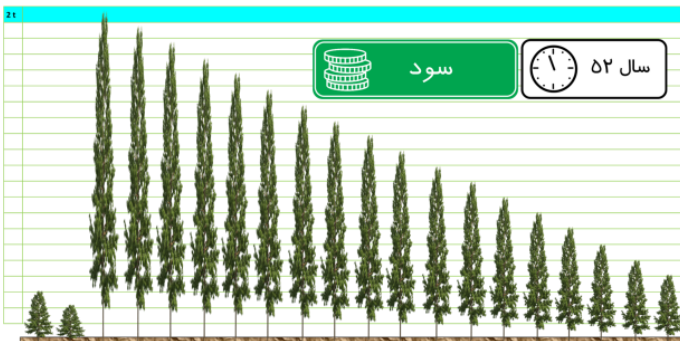
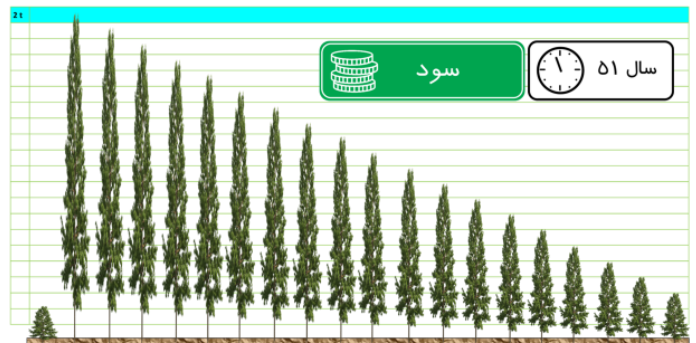
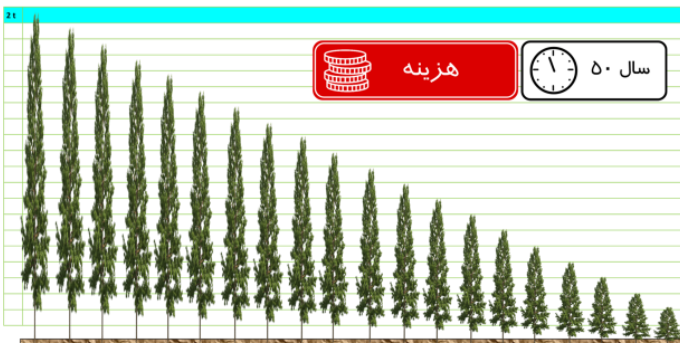
در ره سریشْتِ ایران، فکرِ تاج هست یک نظر ۲۶۳۸ چندی از این نظرات کُند گلِ ایران گوهر

حال که ما به آب رسیدیم با ۳ دریاچه تاج ۲۶۳۹ بکنیم طبیعتی و صنعتی جنگلِ رواج

جنگلِ طبیعتی یعنی بر جانوران ۲۶۴۰ اینجا ما توضیح دهیم، جنگلِ صنعتی نشان

گر تو ۵۰ سال بکاریم، سالی یک نهال ردیف ۲۶۴۱ ۵۰ قطع کنیم ردیف یک و پول به کیف

سال ۵۱ بکاریم دوباره ردیف یک ۲۶۴۲ قطع کنیم ردیف دو، تجارتِ آوار و چک



آن زمان هر ۲۰ کیلو نهالی را که میکاریم ۲۶۴۳ یک کهن درخت میبریم، حالا یک تن چوب داریم

پس با کاشتِ جنگلِ صنعتی و طبیعتی ۲۶۴۴ هم به پول رسیم، و هم کنیم به ایران خدمتی



- هر شکار، آتش سازی و یا جانور آزاری ۲۶۴۵ هر سرِشتِ آلودگی، دزدیِ خاک، آب، آواری
- یا بنا ساخت در طبیعت، همه هست کارِ پلید ۲۶۴۶ هر کس این پستی بکرد، یابد مجازاتِ شدید
- خشمِ مردم، بد جرمه، نام او رسوا نوشت ۲۶۴۷ شرم و خفت، حکم زندان بهر دشمنِ سرِشت
- گر تو کردی کار زشت، به ایرانیّت و سرِشت ۲۶۴۸ سرنوشتت ز سرِشت، باشد جهنم، نه بهشت



- کوششِ ماست گامِ طولانی و گامِ پرِ خطر ۲۶۴۹ طی این گام کنیم عدلِ مساوه ما سپر
- این بدان عدلِ مساوه، زیست آسوده گند ۲۶۵۰ در ره این ۲۰ خواستار، سرعت افزوده گند
- پس بکن عدلِ مساوه را سلاحِ عاقبت ۲۶۵۱ تا که بر نسلِ نوین، ملی اعتماد آورد



بخش ۸: باور  
(گام اعتماد ملی)



در ۲۳ شعر و ۴۹ بیت



حال که ما چندین دهه، برداشتیم گامِ اجتهاد ۲۶۵۲ ایران آباد، ایرانی راضیست رمزِ اعتماد

باورِ در جامعه، یعنی رسیدیم به هدف ۲۶۵۳ ایرانی صادق و شفاف، خاکمان آب و علف

ما با اعتمادِ ملی، دور شویم از کارِ زشت ۲۶۵۴ ایرانی بهشت بان و ایران زمین باشد بهشت

سرانجام ۲۰ خواستارِ با اعتماد





فکر یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۵۵ بی لباسی نکشه فقیر نفر تو برف و باد

آب شیر گلاب نباشه، شن و دود هوا بمون ۲۶۵۶ سفره کسی دیگه نباشه بی غذا و نون



فکرِ یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۵۷ که با احترام به زیستن، اعدام رو داده به باد

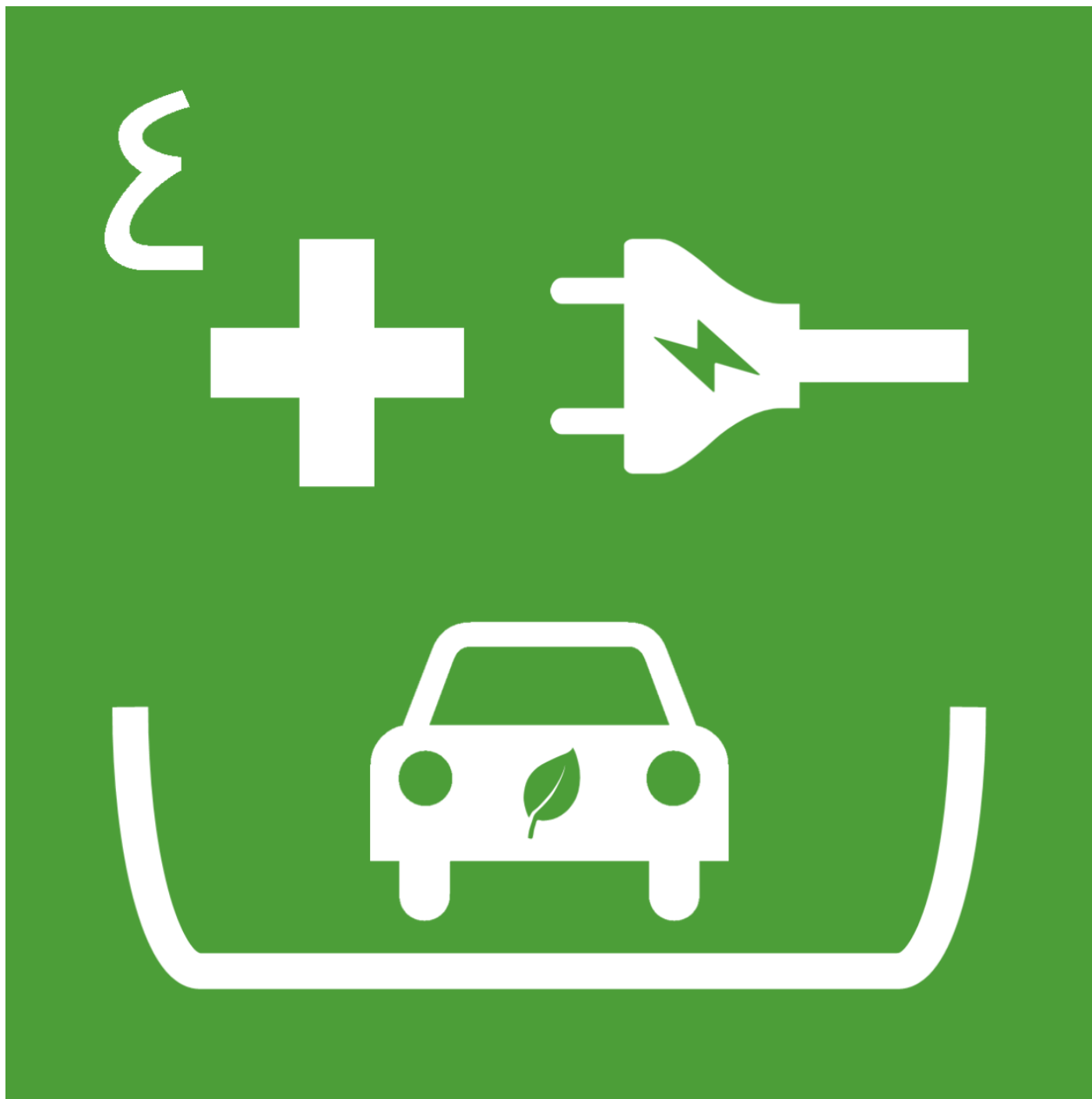
نه شکنجه کس بشه، نه معلول با امرِ قصاص ۲۶۵۸ نه کسی دیگه بهت بگه کتک سلاح ماست



سرانجام خواست ۳ در ایران با اعتماد

فکر یک ایران بگن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۵۹ نیست کس بی خانه مان، بی کار و بی حق، بی ثبات

عشق بین دو جوان، امر اسید سوزی نشه ۲۶۶۰ دختری قربانی نفرین ناموسی نشه



فکر یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۶۱ کس نمیره در ره نا امن، با تصادفات

خرچ دکتر و دوا، به زندگی نیاره زور ۲۶۶۲ خونه ای دیگه نباشه بی گاز و نور، سوت و کور



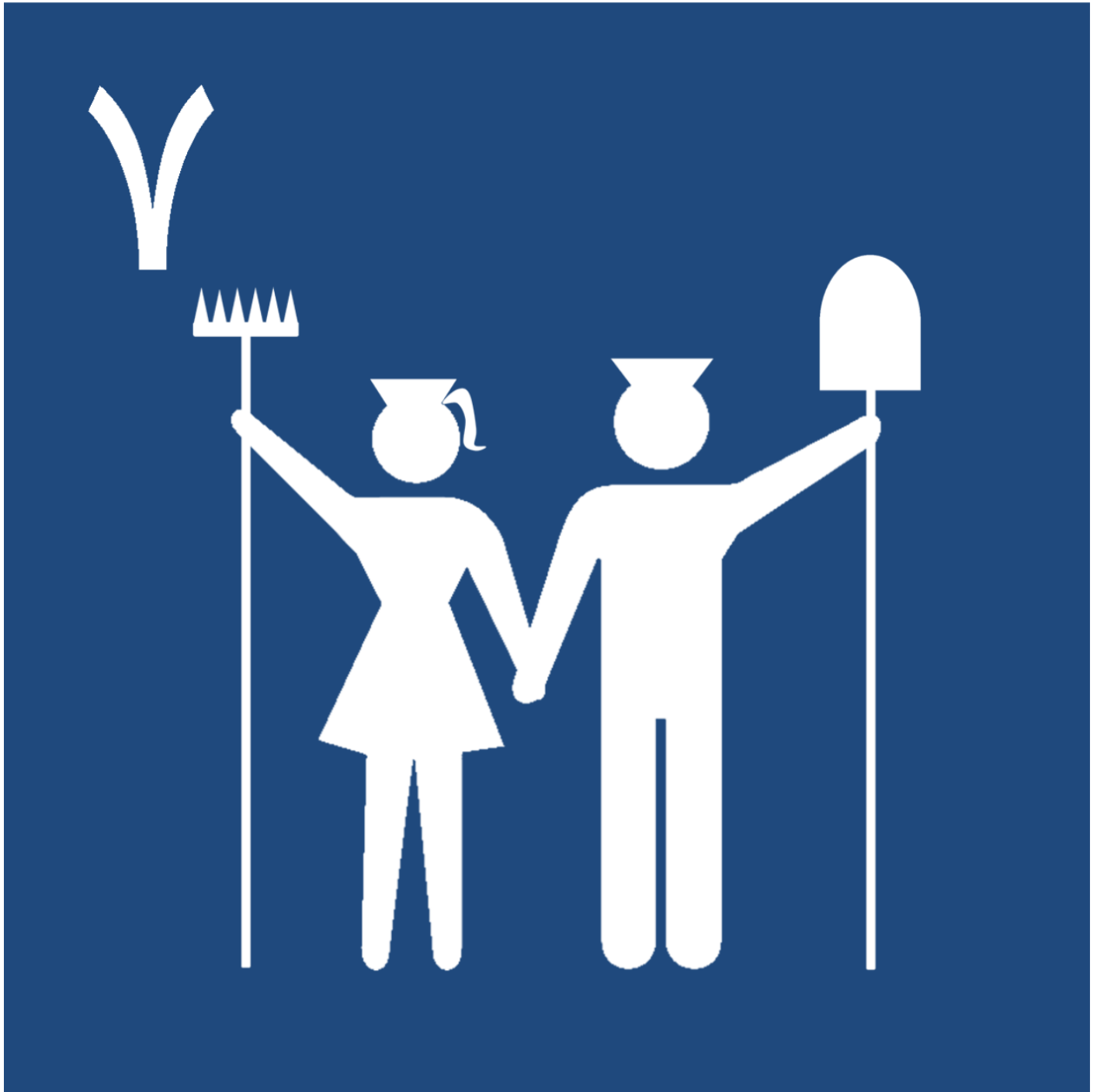
فکرِ یک ایران بگن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۶۲ دینِ اقلیتِ نشه قربانیِ دینِ تبعیضات

گفتِ عادل نظری، سزاش نباشه سربِ داغ ۲۶۶۴ برِ پوششِ نشنوی امرِ به معروفِ الاغ





فکر یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۶۵ نبینی کودکی کار، به جای یافتن سواد  
تفکیک و تبعیض مدرسه، دیگه نده جواب ۲۶۶۶ خرج تحصیل نکنه خونه شاگرد رو خراب



فکر یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۶۷ از بر علافت، جوان نره سوي فساد

یا جوانی ندهد وقت گرنامهیه هدر ۲۶۶۸ خدمت جامعه هست گوهر به دختر و پسر



فکرِ یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۶۹ آن که باشد در نیاز، نباشد گریان و به داد

هیچ بازنشسته ای دیگر نباشد در فشار ۲۶۷۰ بر بی پولی کسی خود را نیاویزه به دار



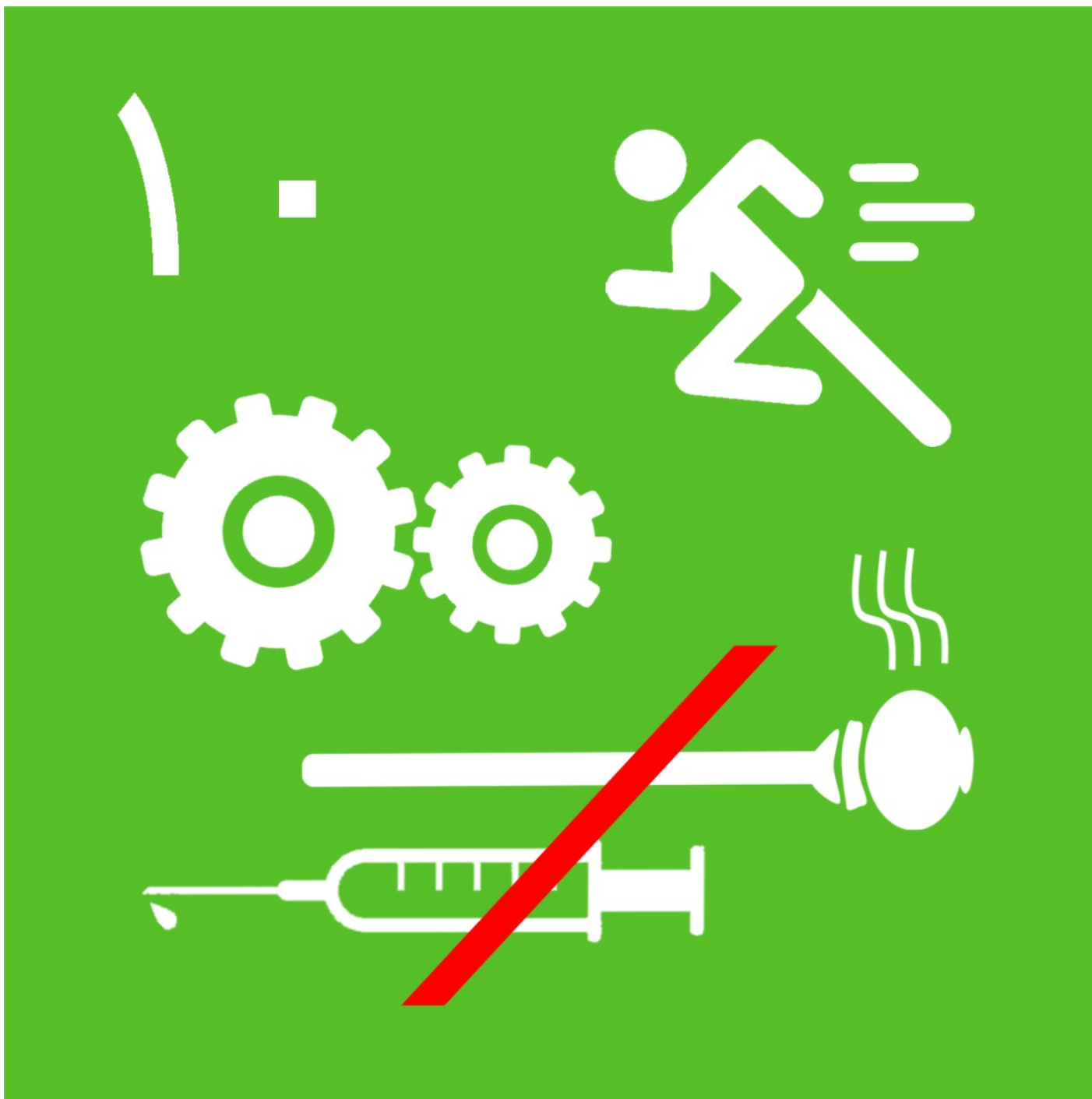
۴۴۸

سرانجام خواست ۹ در ایران با اعتماد

۲

فکر یک ایران بگن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۷۱ نبینی دیگه به کودک، دود گنه دخانیات

نشوی دیگه کسی اعدام بشد، چون خورد شراب ۲۶۷۲ نشی مسموم، نریزی ز ترس عرق تو فاضلاب



۲	سرانجامِ خواستِ ۱۰ در ایران با اعتماد	۴۴۹
---	---------------------------------------	-----

فکرِ یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۷۲ از برِ مایوسیتِ کسی نره سوی مواد

کس که داره اعتماد، نره زیرِ شرم و کتک ۲۶۷۴ نشنوه: گمشو بابا، مرگ به توست تنها کُمک!



۲	سرانجام خواست ۱۱ در ایران با اعتماد	۴۵۰
---	-------------------------------------	-----

فکر یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۷۵ که دیگه زور نشنوی از آخوند هندونیزاد

قانون ایران نباشه قانون زیر لحاف ۲۶۷۶ بهر مردم استوار، اما گردن کلفت معاف

۱۲



فکر یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۷۷ مجلس ایران نباشه پُر از چاپول و لات

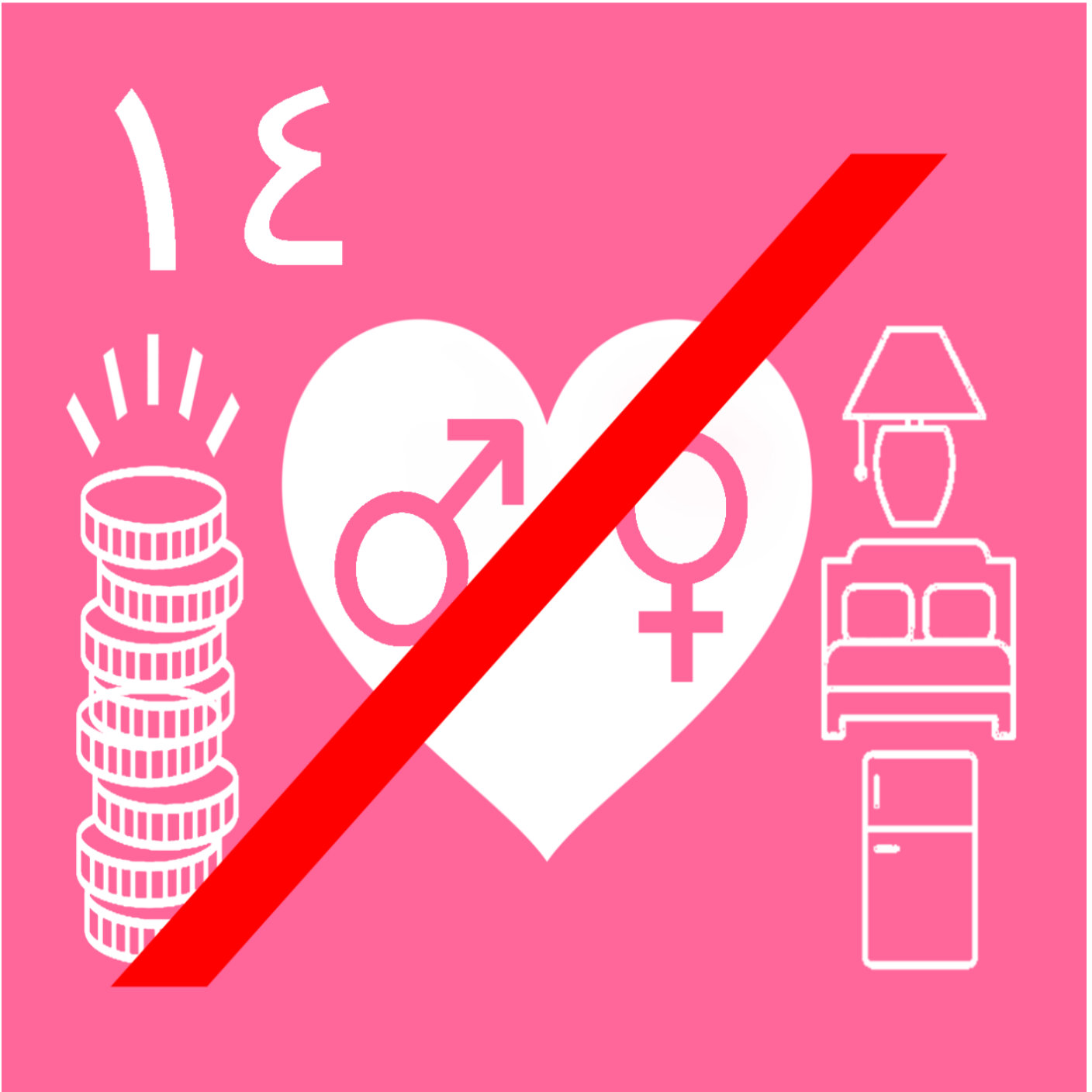
حاکمی به جا نشینه، تا که او کشید نفس ۲۶۷۸ حق ما را نخوره، ایرانمان نشه قفس



فکرِ یک ایران بگن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۷۹ که درونِ شرکتی دیگه نبینی تو فساد

موشکِ سپاه شلیک نشه سویِ ایرانیان ۲۶۸۰ رازِ ایران را سپاه نفروشه به بیگانگان





۲	سرانجامِ خواستِ ۱۴ در ایران با اعتماد	۴۵۲
---	---------------------------------------	-----

فکرِ یک ایران بگن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۸۱ که بر یک ازدواج زندگی‌تو ندی به باد

که دیگه تو نشنوی دختر با جهیزیه ۲۶۸۲ که دیگه تو نشنوی سکه برای مهریه



فکرِ یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۸۲ حقِ یک استان نباشه پوچ، دگر نُقل و نبات

نشی تبعیض چون که نیستی از یک استانِ غنی ۲۶۸۴ نشنوی پولِ تو شد خرج به خارج دشمنی



فکر یک ایران بکن، که ایران نیست در اعتماد ۲۶۸۵ که دیگه حیوان نشه قربانیِ مریض مُراد

خاک و آب غارت نشه، جنگلی آتش نگیره ۲۶۸۶ که دیگه آلبُرز بر نجات زاگرس نمیره



فکر یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۸۷ که دیگه پر نشه مغز تو از آخوند جاهلات

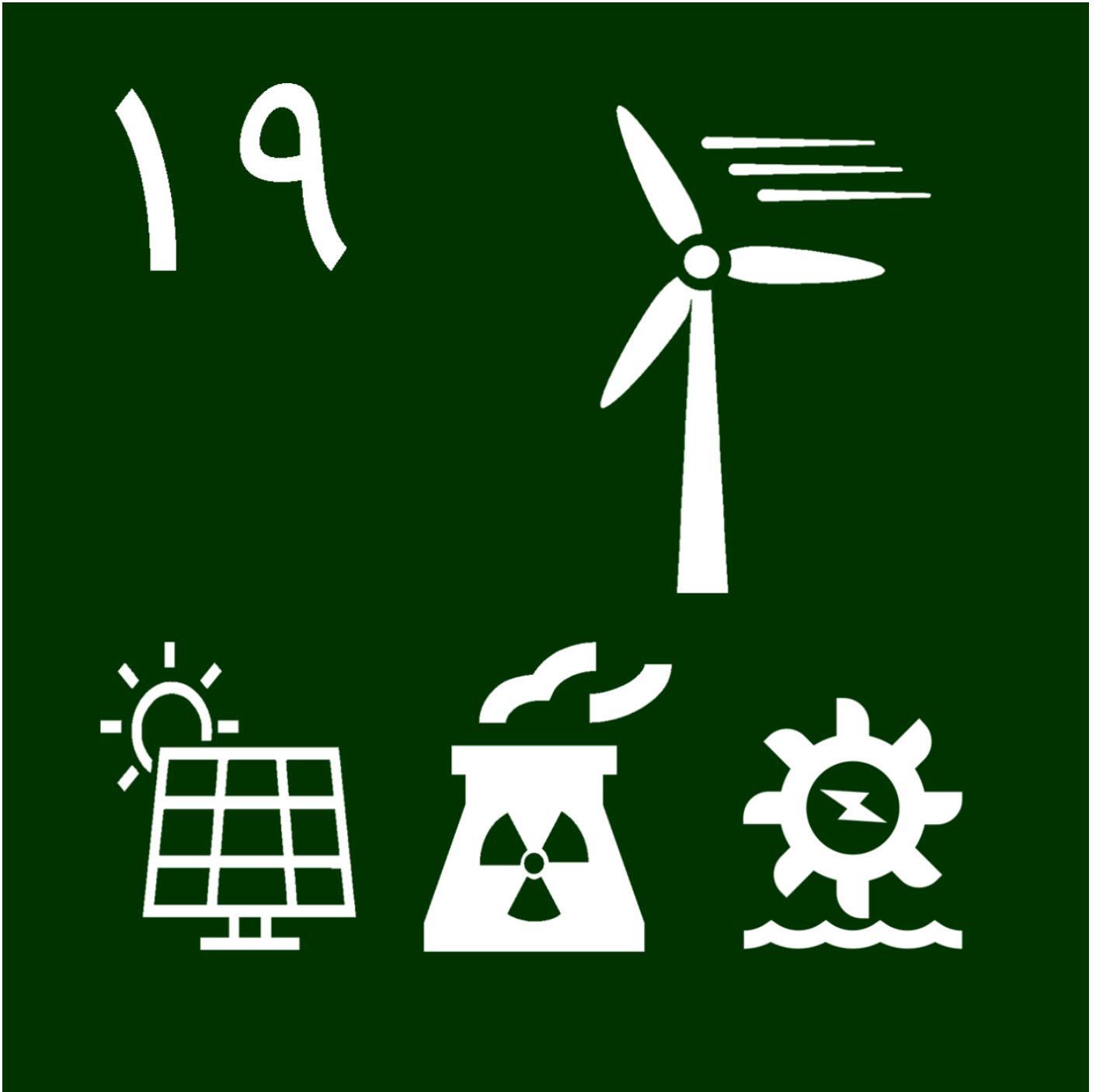
که دیگه شاهت نگه: تو زیر شمشیرم بمیر! ۲۶۸۸ که دیگه شیخت نگه: باید به دینم شی اسیر!



۲	سرانجام خواست ۱۸ در ایران با اعتماد	۴۵۷
---	-------------------------------------	-----

فکر یک ایران بکن، که ایران نیست در اعتماد ۲۶۸۹ که دیگه حق توخس ندهیم بر نجات

نشوی ز خارجی: ایران نرو، ملا پره ۲۶۹۰ ثروت ما را دیگه کشور بیگان نخوره



فکر یک ایران بکن، که ایرانیت در اعتماد ۲۶۹۱ که دیگه نیاز نباشه به اتم بمب پیشنهاد

نفت و گاز ما نسوزه و فقط چشم ما دود ۲۶۹۲ کور نباشیم که یه وقت ایران سرشت، نیابه سود

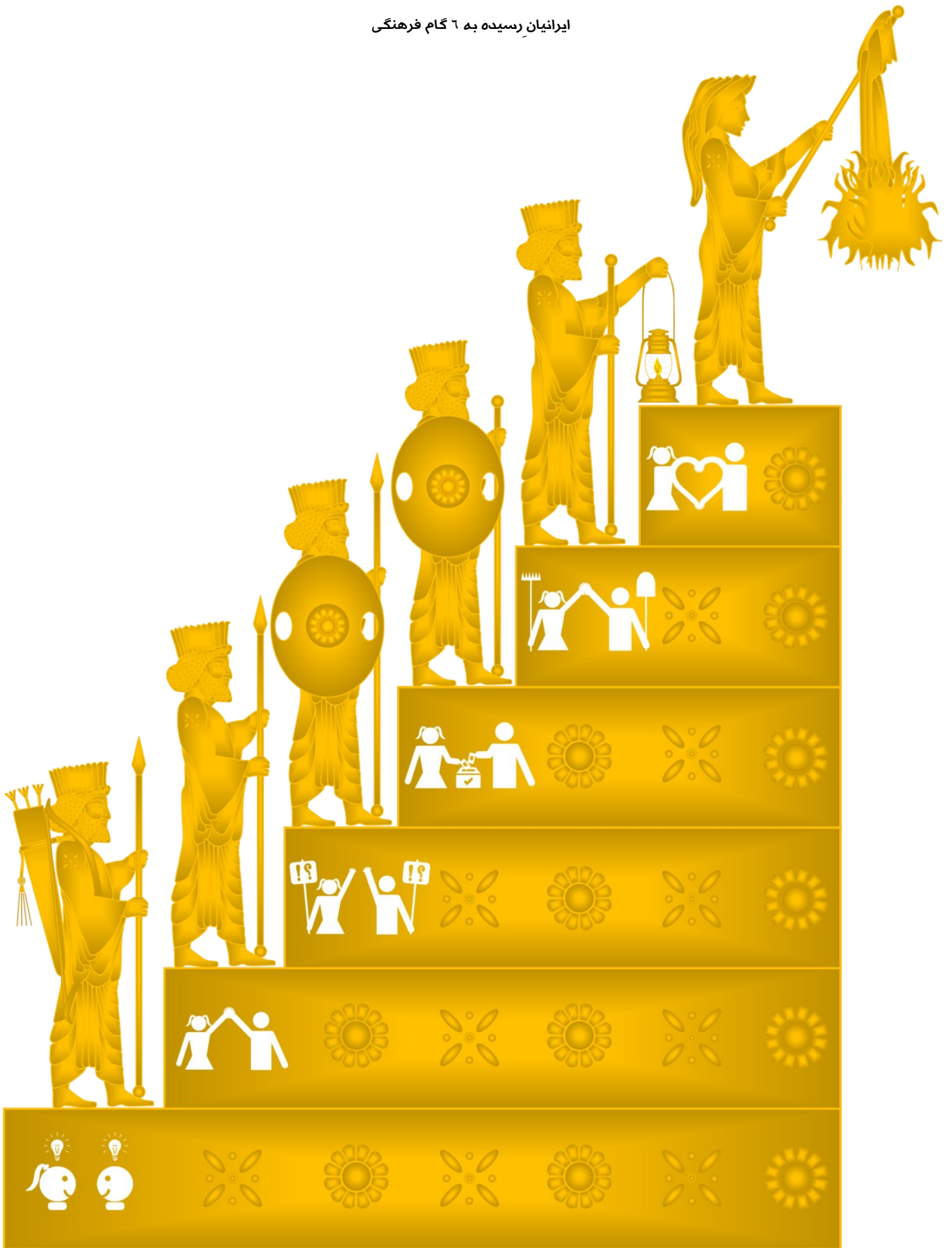


فکر یک ایران بکن، که ایرانیست در اعتماد ۲۶۹۲ که دیگه تو نشنوی نفت شد فنا به دست لات

نشه واگذار، نفتت از بر وابستگی ۲۶۹۴ نگی: پول نفت من کو؟ تو بازنشستگی



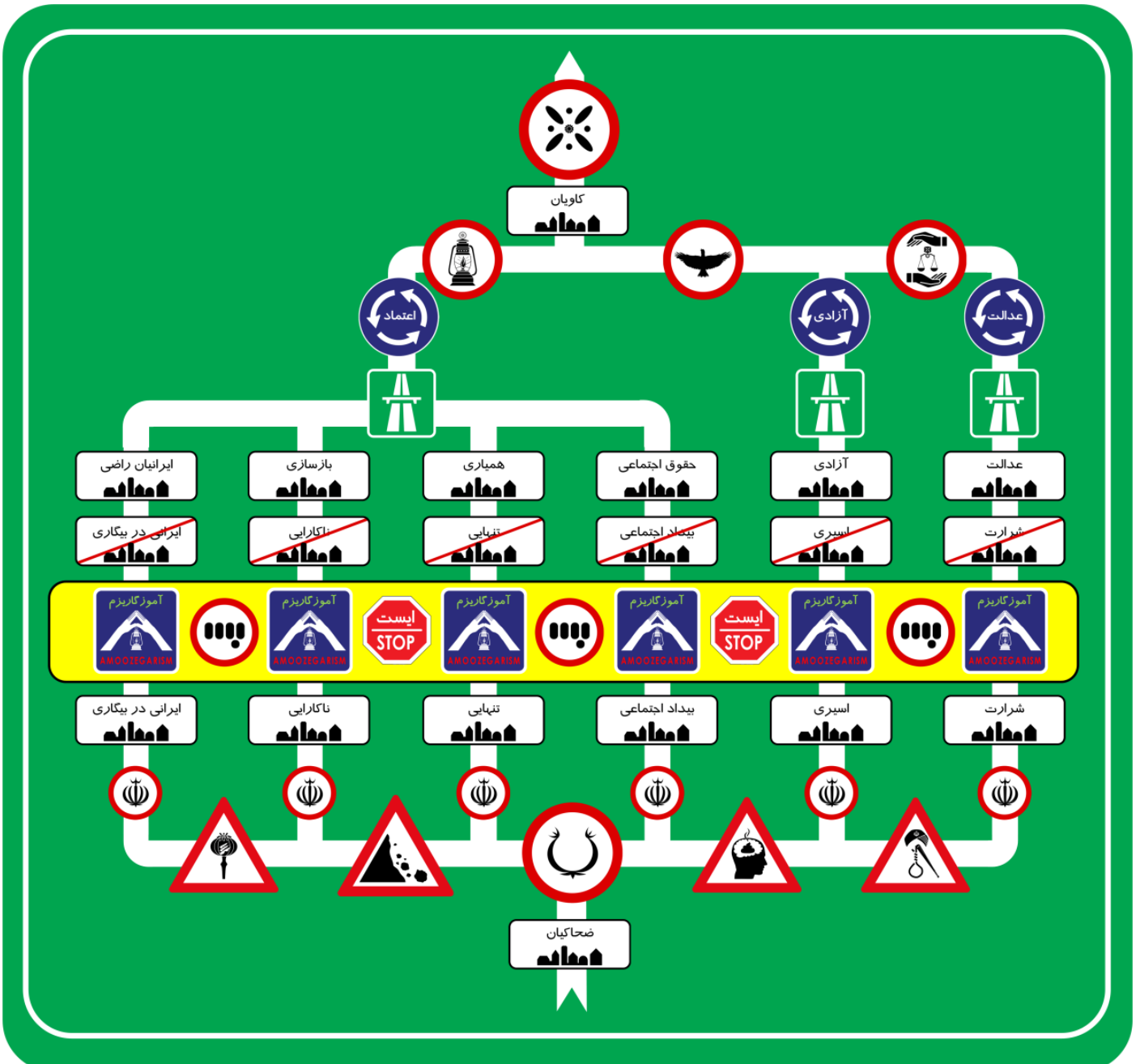




بود یک سیم رابط، آموزگاریم از نخست ۲۶۹۵ تا که از جهل آخوند رسیم به اعتماد درست

حال که داریم اعتماد، پاس داریم آن ما تا ابد ۲۶۹۶ شاید هست وقتش که آموزگاریم منحل شود؟

عدالت ، آزادی ، اعتماد



چون عدالت، آزادی، اعتماد است رمز طلوع ۲۶۹۷ ما کنیم فصل نوین در تاریخ ایران شروع





ایران مردم چون نماد پل پیوند تاریکی به روشنایی.  
 الگو: پل ورسک. شاهکار شرکت دانمارکی کمپساکس  
 سازنده راه آهن سراسری ایران، با ساخت حدود ۱۰۰۰  
 کیلومتر راه در زمان شادیداد رضا شاه پهلوی.



۳	<b>شلیکی در تاریکی، برای روشنایی ایران</b>	۴۶۱
---	--	-----

این کتاب شلیکی است درون تاریکی کور ۲۶۹۸ تا که باشد از بر ایرانیان، مشعل نور



تیر آرش کمانگیر، اسطوره ایرانی

نیست کس ناجیمان، تا که ز ایران ظلم رود ۲۶۹۹ تنها خود ناجیمان هستیم، گر یابیم خرد

پس تو ایرانی بگیر ایران مردم را به خود ۲۷۰۰ تا که ایران را کنیم رها، ز جنگ جهل بت



بخش ۹: پایان با آموزگار

۹



پایان

در ۳۹ شعر و ۳۰۰ بیت



توانا بُود هر که دارد خَرَد ۲۷۰۱ که بیداد و جَهَل را خَرَد بِشکند

ذلت و جَهَل و ریا باید از این جهان بره ۲۷۰۲ تا که عدل، اعتماد و آزادی در جهان بشه

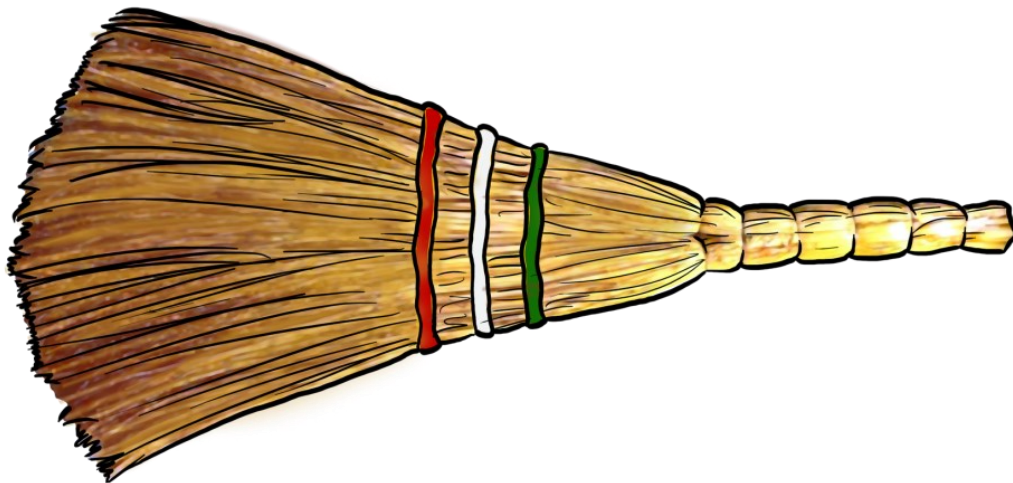


جانِ سیاهِ مَهْمِه ۲۷۰۳ جانِ یه زردِ مَهْمِه

جانِ سفیدِ مَهْمِه ۲۷۰۴ جانِ یه فردِ مَهْمِه

جانِ زنانِ مَهْمِه ۲۷۰۵ جانِ یه مردِ مَهْمِه

جانِ سِرِشْتِ مَهْمِه ۲۷۰۶ جهان، بی دردِ مَهْمِه



جارو کنیم جنایت و جنگِ ز جهان را ۲۷۰۷ جمع کنیم جهیزیه جَهَل و جَفَا را



- فرومایه تر از چنگیز و تیمور ۲۷۰۸ بُود آخوند که کرده ما را مجبور  
 که ظلم و جهل و وحشت بر سواریم ۲۷۰۹ ز آگاهی ملت بیم داریم  
 به پارسه و پاسارگاد رحم نکردند ۲۷۱۰ بدزدیدند به مسجد سنگ کردند  
 بگشتند ایرانی، زیر خدا نام ۲۷۱۱ فرو کردند به ما تاز، گام بر گام  
 در این تاریخ گشتار با تفاضل ۲۷۱۲ بگرد آخوند، ایران را چپاول  
 ولی تا چنگیز و تیمور رو دیدند ۲۷۱۳ تو شرت و تمبون و عمامه ریوند  
 ز تیغ چنگیز و تیمور، هزار هفت ۲۷۱۴ سر دین فاسدان آنجا فنا رفت  
 بدان هر چند بگردند این دو بیداد ۲۷۱۵ ز چنگی ملا کردند ایران آزاد  
 ولی چون که تن ما بد میخاره ۲۷۱۶ به پیشواز آخوند رفتیم دوباره  
 بمالیدیم پاچه، آخوند بگرد ناز ۲۷۱۷ حالا با فن تاز شدیم بار انداز  
 زمین خوردیم، نفس از جون در اومد ۲۷۱۸ هزاران ملا از این خون بر اومد  
 بگرد آخوند، آب شرب ما شور ۲۷۱۹ فرومایه تر از چنگیز و تیمور



نیک سُخَن، آداب و پاچه مالی از آخوند بس است ۲۷۲۰ هم چو خواهشِ کبوتر، زیرِ چَنگِ گرگس است  
کَس نیاموخت ۴۰ سال از هزاران "با آدب" ۲۷۲۱ حال بیاموز بسی آدب تو از این "بی آدب"

ما به بیل می‌گیم یه بیل، می‌گیم که پشکِلِ پشکِلِ است حالا تا نوروزِ بَرَنِ عَر، این بر تو مُشکل است



پدر که بود داریوشِ ۲ جانِ بدادِ هَدَر ۲۷۲۲ نداشت اردشیرِ پسر، نشان از پدر

دلخونیِ داریوشِ ۲ مرگ و جفا داد ۲۷۲۳ دلخوش، اردشیرِ ۲ زنها رو صفا داد

داریوشِ ۲ بگشت، به قدرت بود سال ۲۰ ۲۷۲۴ عشقِ اردشیر در ۴۶ سال کم نیست

مهم برای داریوش، تنها حکومت ۲۷۲۵ ز خانِ خویشِ هَخامَنِشِ بگشت بیش از ۱۰۰

برای عشقِ اردشیر، باز کن کمر بند ۲۷۲۶ ۳۵۰ تا زن ۱۱۵ فرزند

در ره جنگ، زود شوی کهن و تنها ۲۷۲۷ عشقِ بَورز، تا که بمانی شاد و بُرنا



یزدی  
خوزی

ایرانم ای تو چلنگ ۲۷۲۸ ای ایران زیبا صَنَم

سَن مَنیم ایران، گولوم ۲۷۲۹ یا ایرانی، قُل "نَعَم"

گُردی  
آذری



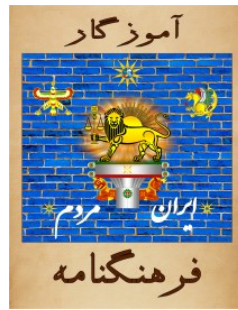
شاه داریوش ۲ هخامنشی





شاه اردشیر ۲ هخامنشی





۵	<b>نیاز هر ایرانی به خواندن ایران مردم</b>	۴۷۰
---	--	-----

- ۲۷۳۰ گر که فرهنگنامه ایران مردم را نخواند  
فرد ایرانی ز ایرانیّتش نا آگاه بماند
- ۲۷۳۱ گر نخوانی، تو کنی زندگی در جهل و غیاب  
ایران مردم بخوان، آگاهی و فرهنگ بیاب
- ۲۷۳۲ تا نوشت او در ۳ سال ۵۰۰ شعر ۳۰۰۰ بیت شعار  
فردی از خواب و خوراک بر ایرانی کرد گذار
- ۲۷۳۳ ایران مردم، اثر سید دیداد آموزگار  
این کتاب عنوان بکرد راه خرد با افتخار
- ۲۷۳۴ که باید یک بار در زیست، ایران مردم بخواند  
کس که خود ایرانی نامید بهتر است تا او بداند

۵	<b>وام</b>	۴۷۱
---	------------	-----

- ۲۷۳۵ از سخن، اشعار تا نواختن گیتار و باس  
این کتاب از ایرانی گرفته است بس وام خاص
- ۲۷۳۶ فکر ماهر، راه گشا، ترمیمگر و خرد به کار  
حرف شاعر، پادشاه، تحلیلگر و سیاستمدار
- ۲۷۳۷ قصد من نبود دزدی، اما بود عرض احترام  
گر تو آثاری بدیدی ز دگر ایرانی نام
- ۲۷۳۸ هر کسی جستجوی گوگلی را خوب بلده  
محتوای این کتاب بیشترش از نت اوّمده
- ۲۷۳۹ قوم ضحاک چون ترقه، این کتاب چون فندکه  
آمر کاملاً جدید در این کتاب، پس آندکه

۵	<b>ایران مردم به ۳ زبان و ۸ ضرب</b>	۴۷۲
---	-------------------------------------	-----

- ۲۷۴۰ آمر بازی دادن تعداد ضرب بود منطقی  
چون بدانم قافیه، ریاضیات و موسیقی
- ۲۷۴۱ که حواس جمع بکنی، به خواب نری با ضرب ۶  
مصرع ها هستند ۲ ضربی تا به ۸ ضرب در تپش
- ۲۷۴۲ فکرم آمد بکنم ترجمه اش را همزمان  
چون ۲ سال پیش، شب پیدا بیت ۱ کردم نشان
- ۲۷۴۳ هر جهان فرد، این کتاب خواند صفت آخوند شناخت  
انگلیسی، دانمارکی این کتاب آگاه بساخت
- ۲۷۴۴ وای به این آخوندها که حوض عن است پایانشان  
ایران مردم تا ۸ ضرب و جذر ۹ زبان



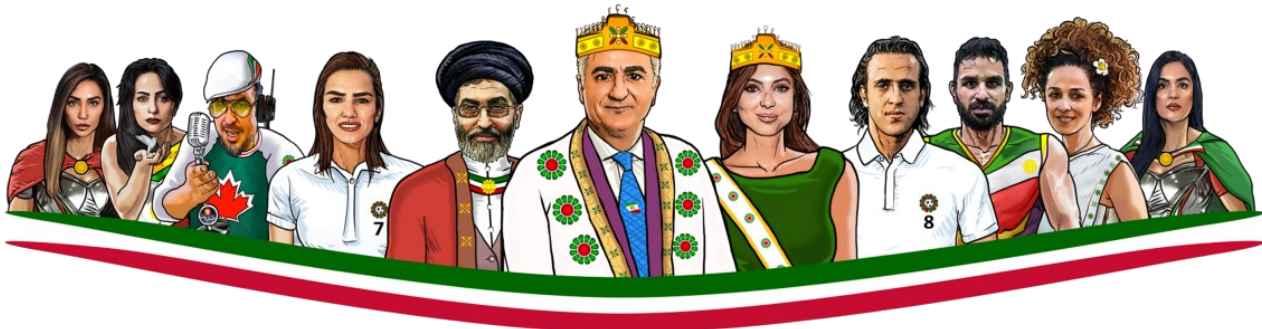
عَنچینی را که براندم:



گُلچینی را که بیافتم:



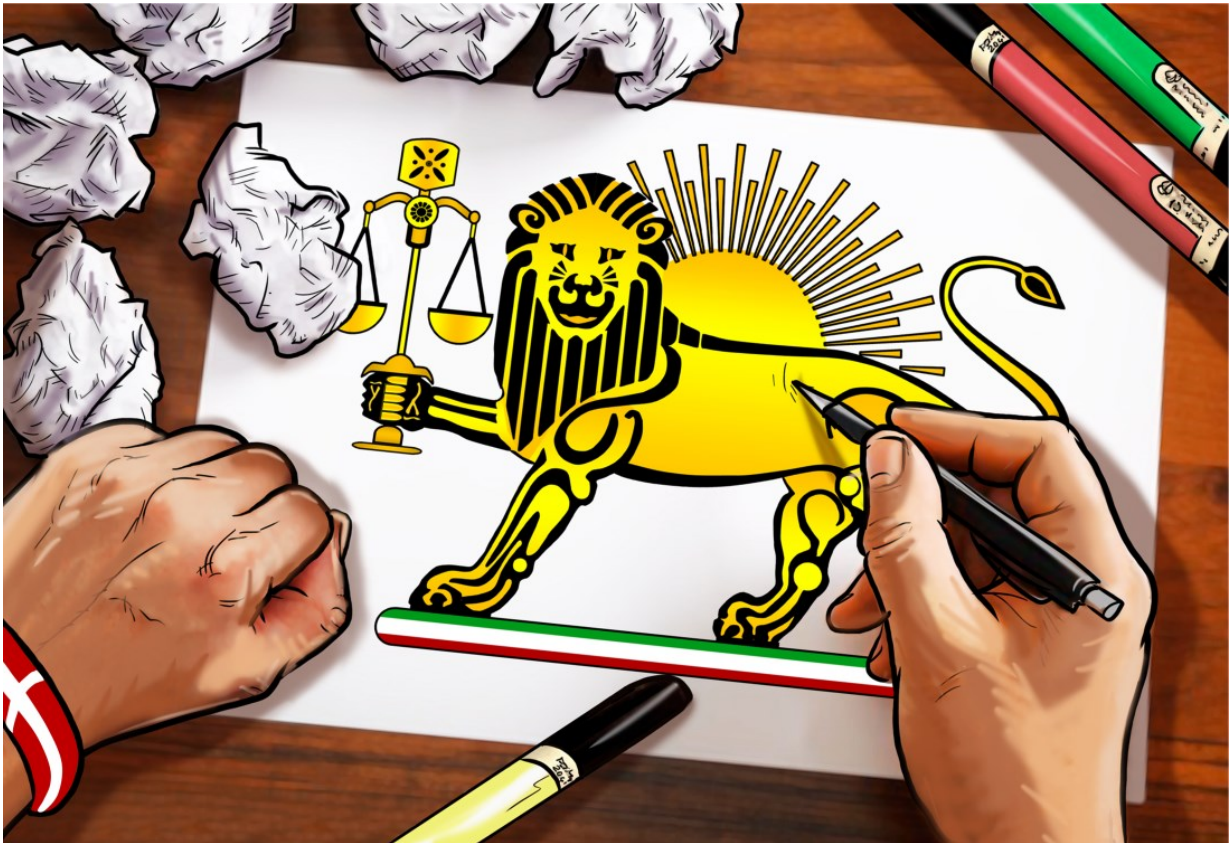
زَرچینی را که بخواستم:



جهلِ ضحاکِ براندم، صلحِ وایکینگی بیافتم ۲۷۴۰ با خرد، نیکِ عدلِ کاویان بر میهن بخواستم



- مثل ایرانی بگرد نقاشی ایران کتاب ۲۷۴۶ این سپنداد گپنهاگی نقاش زراب
- دوست وایکینگی دیداد، اندر آن سوی جهان ۲۷۴۷ خوب شناخت ایران و ایرانیت و تاریخمان
- گر چه داغ والدین، فکرش بگرد دور از تماس ۲۷۴۸ نقش این ایران کتاب کامل بگرد، بر او سپاس



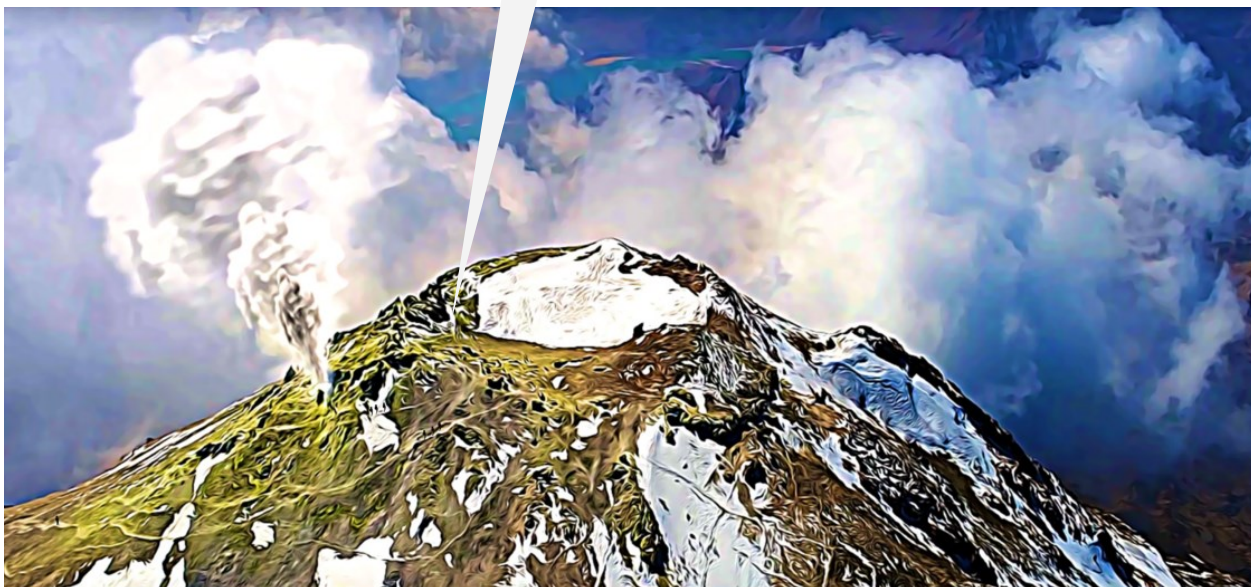
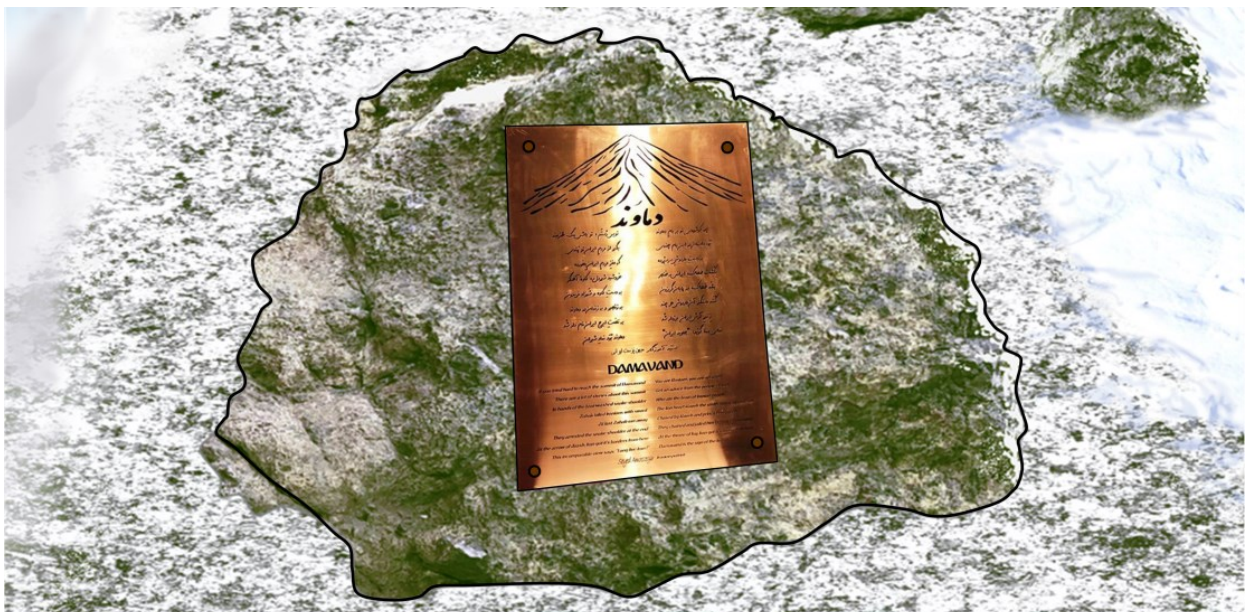
- بشنو از گیتارمان او چه حکایت میکنند ۲۷۴۹ در ره ایران مردم بس حمایت میکنند
- چند تا تخته، چند تا پیچ، اندکی چسب و چند تا سیم ۲۷۵۰ خوش صدا قوی تر از کل سلاحات رژیم



با سپاس از گوگل و یوتوب و ویکیپدیا ۲۷۰۱ من با امداد شما روز آخوند کردم سیاه

با سپاس از گوپرو، اینتل و نیکون یا که مک ۲۷۰۲ کلاهی شما بگرد به ایران مردم کمک

در دماوند خستگی کوهنورد یعنی سقوط ۲۷۰۳ با نشاط رادیو شمرون بگردیم ما صعود



مکان لوحه شعر دماوند آموزگار







۴	<b>رایگان</b>	۴۷۸
---	---------------	-----

دو تا جعبه تو بازار بذار برای امتحان ۲۷۰۰ یکی شون پوست پیاز، اون یکی خوش بو زعفران

بنویس: زعفران هست هر گرمی ۲۰ تومن ۲۷۰۶ ولی این پوست پیاز، مفت برای هموطن

زعفران این ارزونی، هر جای ایران نوبره ۲۷۰۷ ولی چون که پوست پیاز مفت، یارو اونو میبره

هر چه این کتاب "زعفران" به ایرانی بگفت ۲۷۰۸ اما گر مفت نبود، مردم نخوانند آن چه گفت

## مفت

تنها ۴ چیز باشد در ایران نو چون "مفت تمشک" این کتاب / نو اندیشی / تحصیل و / امداد پزشکی

۲	<b>آرمغان</b>	۴۷۹
---	---------------	-----

ای تو روشن، ای تو بشکن، ای تو ای آزاده جان ۲۷۰۹ ایران مردم به پارسی، بود ز دیداد آرمغان

پس بکن چاپ و بکن پخش این کتاب در هر مکان ۲۷۱۰ پول نگیر، نافردیه! از من کتاب بود رایگان





۱۴ ساله از ایران ۳۲ سال ایران برون ۲۷۶۱ خیابان آذربایجان تهران هست در جان و خون



سرسیر از ماست بند صمد، نوشابه از دکون رضا ۲۷۶۲ قنادی حسین کچل، همیشه داغ پیراشکی ها

چه صفایی داشت حیاط، زیر کهن درخت توت ۲۷۶۳ ناگهان رانده شدیم، آخوند خمینی تف به روت!

گر نکردم خدمت سربازی با سن کم ۲۷۶۴ این کتاب، سربازی من است به ایران وطنم

چون ۳ سال و ۲۰ کیلو، عینک و شاید هم سمک ۲۷۶۵ بود نرخ این کتاب، از بهر ایرانی کمک

چون نخست کار من است در مدرسه آموزگار ۲۷۶۶ این کتاب به کندی یک حلزون کردم نگار

من نیافتم هیچ کمک، نشنید کسی دیداد نام ۲۷۶۷ حال که داری این کتاب بردار بر ایران تو گام

تعهد در ایران نو؟ رویای من در شهر غرب؟ ۲۷۶۸ تصفیه با رژیم و جازموریان پر آب شرب

و بدان چه دادگری در ایران باشد، چه ستم ۲۷۶۹ فرقی در زیستم نیارد، جز نشاط و یا که غم

پس تو خود برخیز به پا، تا ز ستم شوی رها ۲۷۷۰ من به جا، گریه ام به جا، میخواهی بزا، میخواهی نزا

درد ماست حصار این برکه از دریا به دور ۲۷۷۱ که بکرده ماهیان اسیر و قانع آن به زور

طوری که فکر شنا تو دریای آزاد و سور ۲۷۷۲ این گمان به ذهن ماهیان نکرده است خطور

- این کتاب، دست دراز کرد سوی قوم کاویان ۲۷۷۲ آشتی میلیون مست و میهن پرست را داد نشان
- حتی بر شیخ و هزار دست، این کتاب نقل و نبات ۲۷۷۴ چون نشان داد، چگونه جانیان یابند نجات
- پس اگر منع بشد اصول نیک این کتاب ۲۷۷۵ باشد از سوی جهالت فرد غرق منجلاب
- کس که گوید: جهل من نشکن، ولی سرم شکن ۲۷۷۶ یا که گوید: این کتاب پر رو بکرد فرزند من
- چون اگر بی خردی نخواست که یابد او خرد ۲۷۷۷ تا آبد در منجلاب جهل، او فرو رود

- ایران مردم بداد به هر عجم حس افتخار ۲۷۷۸ ایران مردم بگرد فرهنگ تازیان را خوار
- من با ایران مردم، یک فرهنگ سازی کردم ۲۷۷۹ من با این کتاب با حس و وجدان بازی کردم
- من بسی متعصبین از خود ناراضی کردم ۲۷۸۰ حرف حق تلخ است، من آگاه سازی کردم
- پس بر حرف خرد، ایران مردم را ببخش ۲۷۸۱ غار نادانی شکن، آگاه و روشن بدرخش



گر چه جاهل پاره کرد، این نو کتاب با خرد  
از یکایک صفحات این کتاب که پاره شد

نتواند موج این دانش نو مصدود کند  
هر صفحه تبدیل به یک کتاب نو دوباره شد



گاو پیشانه سیاه، کسبست که جهل پیشه کند ۲۷۸۲ یوز آگاه ایرانی، خرد اندیشه کند

## سید

- بعضی پرسند که: چرا این سید آموزگار ۲۷۸۲ تیشه به ریشه خود زند با اینجور افکار؟
- چون اگر لقب فرو رود به ماست دیگران ۲۷۸۴ ننگ بر اون لقب که ظلم کند به خواست دیگران
- مفت تقدیر و تخفیف توی هر ایران مکان ۲۷۸۵ حالا از لبو گرفته، تا خرید ساختمان
- کل عمر گفتند: "تو سید اولاد پیغمبری (ص) ۲۷۸۶ چون تویی نسل ۴۰ حتما تو قران از بری
- آقای سید، برما بیا تو خوش آمدی ۲۷۸۷ زاده عید غدیری؟ حمد الله یا علی (ع)!
- یه دعا اینجا بخون، شفا بده ما ز ستم!" ۲۷۸۸ اگه من بیل زن بودم، خونه خود بیل میزدم
- این که هر سید مقدس است، هست یک امر لاف ۲۷۸۹ کرده آخوند معتقد ما را به این جهل و خراف
- ما میگیرم حقوق هر ایرانی، یکسان بر کار ۲۷۹۰ نه سوپرمن را میخواهیم، نه شیخ جلف مکار
- تو اگر سیدی، پس وظیفه خود این بدان ۲۷۹۱ که فقط خدمتگری واسه ایران و ایرانیان
- اگه هر سیدی بود همچون دیداد آموزگار ۲۷۹۲ ایران بود با وقار، نیاز نبود ۳۰۰۰ شعار
- ایرانی شهروندیت به هر شیخ و سید سر است ۲۷۹۳ کس که این باور ندارد، پس بدان خیلی خر است

## دیداد

- آغاز ماه زمستان، سرما و برف تهران ۲۷۹۴ در اقبال بیمارستان، گشودم چشم به جهان
- دی ماه سرد و پر باد، تاریکی کرده بیداد ۲۷۹۵ ایران به من امید داد، مرا بنامید دیداد

# آموزگار



یادم هست تکالیفِ مدرسه در کلاس پنج ۲۷۹۶ بود ساختنِ دو بیت از آیت الله، جنگ و رنج

دین معلم داشت توقع به دو بیت بر سرورش ۲۷۹۷ با دو بیت شعر "کوین" ریدم به بیت رهبرش

تهران - کلاس پنجم - اردیبهشت ۱۳۶۳

معلم دینی: بچه ها مثل این دو بیت قافیه بسازید!

در جنگ باید دعا کنیم  
این اُمت را دفاع کنیم

فتح لزوم آسلاَم  
سلاَم به روی امام

دو بیت دیداد:

جنگ کمر ما کرد ۲ نیم  
کوین داری عوض کنیم

خته ایم از این نظام  
ریدم به روحِ امام

شانس من او رفته بود، دو بیت خلاق ندید ۲۷۹۸ هفته بعد از دو چاپلوس کلاس او شنید

دین معلم گفت: "بیا سید اثنی عشری ۲۷۹۹ نام بر ۱۲ جدت را ببینم از بری؟"

این چنین لیستی به من هیچ گاه نبود امر فرا ۲۸۰۰ چون ندانستم ردیف، شکست چپ آرنج مرا

آن زمان فهمیدم این معلم است "اکبر حمار" ۲۸۰۱ جای شعر احسن، بگفت: نکن تو اینجا اشک و زار!

دین معلم یافت از برادرم سزای کار ۲۸۰۲ آرزوی من بشد که شم یک خوش آموزگار

در ره ریاضیات کوشیدمش با اجتهاد ۲۸۰۳ تا که امروز هستم آموزگار با تجربیات



از راست به چپ: میک آیندیل طنر ساز، اوفه المَن سیاستمدار، میکِل لادروپ فوتبالیست، هَنس کریستین آندرسن نویسنده، فرهنگشهبانو مارگارت دوم، تیکو براهه فیزیکدان، کیم لارسن موسیقی نواز، تام کریستینسن ماشین سوار، مارتین لیدگارد سیاستمدار

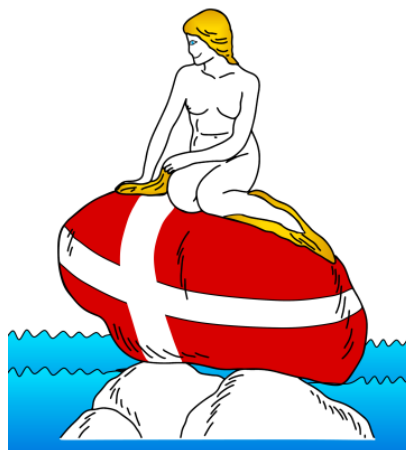
من بس آموختم از این سفر به دانمارک قشنگ ۲۸۰۴ وجدان آموختم ز آندرسن، ز لارسن آهنگ

علم گیتی ز براهه، طنز آیندیل مشنگ ۲۸۰۵ مهارت از لادروپ و سیاست از المَن سنگ

تصمیم و اراده از تام کریستینسن فیشنگ ۲۸۰۶ لیدگارد گفت: اعتماد است رمز جامعه زرنگ!

یافتم از مارگارت شهبانو، نیکی فرهنگ ۲۸۰۷ که: از بر سزا به مردم هیچ گاه نکن درنگ!

دنیا دنبال بهشت میگرده با تفنگ و جنگ ۲۸۰۸ این بهشت تو دنیا است. در این دانمارک صلح رنگ



ایران مردم الگو گرفته از سیستم دانمارک، یکی از بهترین سیستم های جهان است. ما برای ایران کمتر از بهترین را نمیخواهیم.

تندیس "پری دریایی کوچک" در بندر کپنهاگ شاهکار افسانه ای هَنس کریستین آندرسن

از بر ایران کدام یک بهتر است؟ جمهوری آمریکایی؟ یا پادشاهی پارلمانی دانمارکی؟



### رتبه آزادی سفر در جهان



### رتبه شفافیت سیاسی در جهان



### رتبه احترام به حق زیستن در جهان



و از بر ایران از آن جمهور رژیم، نسخه پیچید

کس که ناقص سیستم آمریکا را الگو بدید



ما بر ایران بخواهیم بهترین راه مفید

سند گوزی بیش نبود، خود چس پرست بود و پلید



## عفو گناه خرافاته، بشاش توش به جای اون برای ده پند بکوش

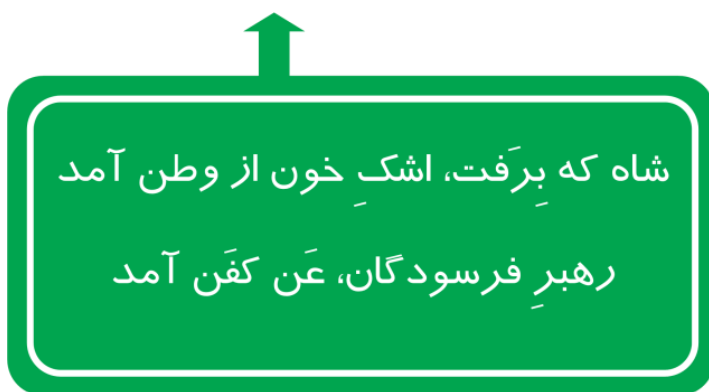


- این بدان ۱۰ پند ما دارد مسیرِ راست به راه ۲۸۰۹ کس که ۱۰ پند را نکرده، پس کرده او کارِ گناه
- از بر شخصِ خودم ۱۰ پند بود یک امرِ داغ ۲۸۱۰ غیر از کشتن بکردم ۹ گناه را چون آغ
- بد تظاهر، بت پرستی، خود پرستی با غرور ۲۸۱۱ انتقام، خشونت و کلک، کتک، دزدی و زور
- ناامیدی، فحش جنسی، یا که بد سستی به کار ۲۸۱۲ همه این غلط ها را کرده سید آموزگار
- اما هر کس میتواند پاک کند آشیان خود ۲۸۱۳ میتواند او کند ۱۰ پند نیک آرمان خود
- در ره پژوهش و نگار این فرهنگ کتاب ۲۸۱۴ خود به ۱۰ پند رسیدم، با به فرهنگ انقلاب
- 
- چون بر فتح دماوند به ایران کردم سفر ۲۸۱۵ با خودم عهد کردم، گم ۱۰ پند به هر نفر
- آندکی سوء استفاده کردند از این ۱۰ چراغ ۲۸۱۶ اما در گل سفر ایرانی داشت نیک اشتیاق
- هر جا کردم مردم خوشنود با این ۱۰ هنر ۲۸۱۷ ارزش لبخند هم میهن بود همچون گوهر
- 
- هر چه بودم پس اگر گناهکارِ ریا و جاه ۲۸۱۸ من با ۱۰ پند شدم پاک، خردمند، بیگناه
- گر که هر ایرانی راه نیک ۱۰ پند را رود ۲۸۱۹ شادی هم میهن این عزای ضحاک بشکند
- پس بکن آرمان خود ۱۰ پند نیک از این کتاب ۲۸۲۰ و بدان شد امتحان، در ایران خوب میده جواب

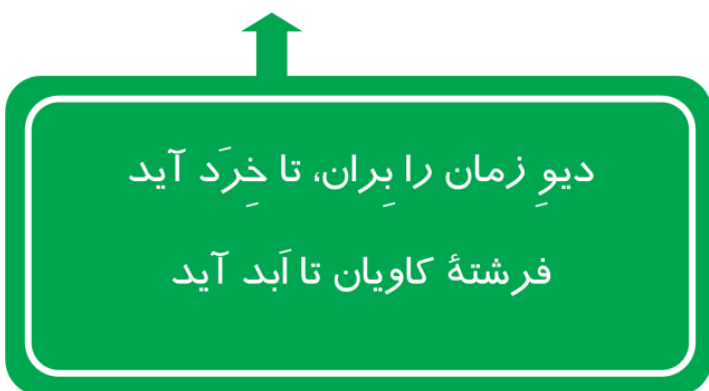


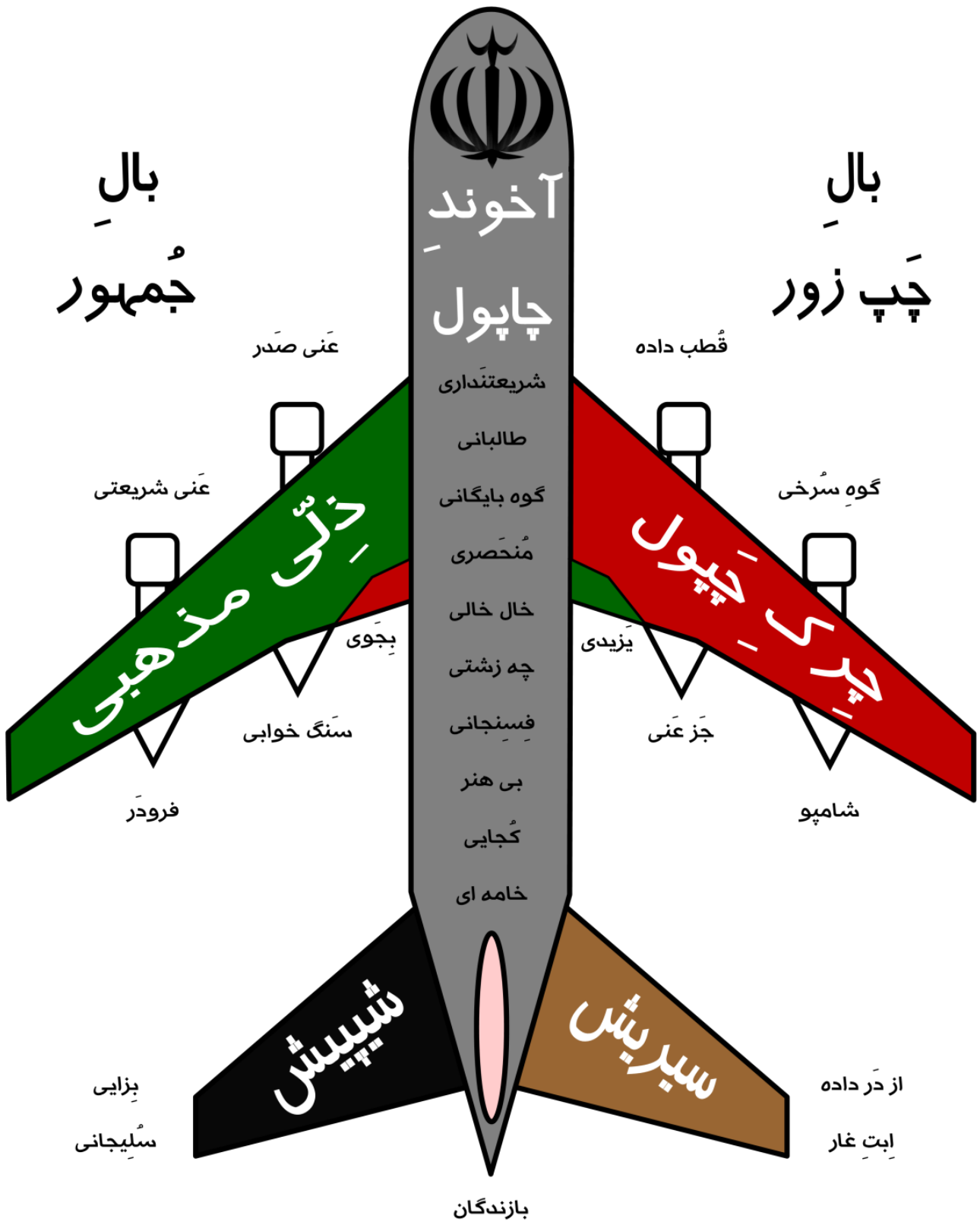


عطرِ بهار و خرد، چون به سر آمد  
بوی گوه و سوختن و حوضِ عن آمد



تا که سر است بی خرد، سور نیاید  
تا شب یلدا نرد، نور نیاید





جمهوری خواه، آخوند گرا و چپ گرا  
ریدند به ایران و بخوردند حق ما

شاه در آخرین لحظه مصاحبه مطبوعاتی را تکرار کرد

کیهان  
شماره ۴۵۰  
تیرماه ۱۳۵۷

# شاهدرفت

امام خمینی: در صورت عدم توطئه

## مارکسیست هادر ابراز عقیده آزادند

ایران خود را در حال جنگ با اسرائیل میداند



# مصاحبه امام خمینی با کیهان در حکومت اسلامی دیکتاتوری وجود ندارد

امام خمینی در مصاحبه با کیهان اعلام کرد که در حکومت اسلامی دیکتاتوری وجود ندارد و همه مردم در آن شرکت خواهند داشت.

آینده خدایی، رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی:

## ترو و شاه مخلوع، فرح و اشرف آزاد اعلام شد

ترو و تختیار، شریفی، ناهیدی، اوردشیر زاهدی، فریده دیبا، اوسی، از هادی، بالزی بان، از شیمان، جعفری حکیم دادگاه نظر مجاهدین در باره فرزندم وادایه انقلاب

## آیندگان

پام آینه الله خمینی به آیت الله خمینی

## سرخان رژیم شاه سابق

تیرباران شدند

## روحانیت نمی خواهد مستقیماً حکومت کند

تیرباران چهار ژنرال دیگر به اتهام کشتار مردم بیگناه

## تیرباران ۱۱ خائن بزرگ رژیم سابق

سقوط کرد

## تیرباران ۲۱ جنایتکار دیگر

به اعدام محکوم شدند

## تیرباران ۷ تن دیگر

از عاملان کشتار مردم

## تیرباران ۲۱ تن دیگر

از عاملان کشتار مردم

## تیرباران ۲۱ تن دیگر

از عاملان کشتار مردم

# امام آمد



سرخانی امام در فرودگاه

## اطلاعات

آخرین پیام امام خمینی در پاریس

پخش مستقیم تلویزیون

## آیندگان

پام آینه الله خمینی به آیت الله خمینی

## جوخه انقلاب، تیرباران یاران شاه را آغاز کرد

سپهبد فر دوست، علیقلی اردلان، سر تیب صفاری، صفی اصفیاطلی، سانور خواجہ نوری و دیگر یگانہ دستگیر شدند

## اطلاعات

اعصاب هاشمکست

## امشب ۲۲ خائن دیگر

اعدام یا مجازات میشوند

## تیرباران رهبران رژیم منفور شاه

تیرباران ۲۱ عامل سانور شکنجه و کشتار

## تیرباران ۲۱ تن دیگر

از عاملان کشتار مردم

## تیرباران ۲۱ تن دیگر

از عاملان کشتار مردم

هم چپ دیدیم، هم جمهور هم ملا و هم مزدور

وقتی این رژیم اومد، من یه الف بچه بودم ۲۸۲۱ شیپیش و سیریش دیدم، تو مدرسه گرچه بودم



کوچه پس کوچه تهران، دود و خون، وحش و خروش ۲۸۲۲ همه را تو راه مدرسه دیدم من با روپوش



از همون اول روزها مبارزه آغاز کردند ۲۸۲۳ احزاب ضد خمینی از ایران پرواز کردند

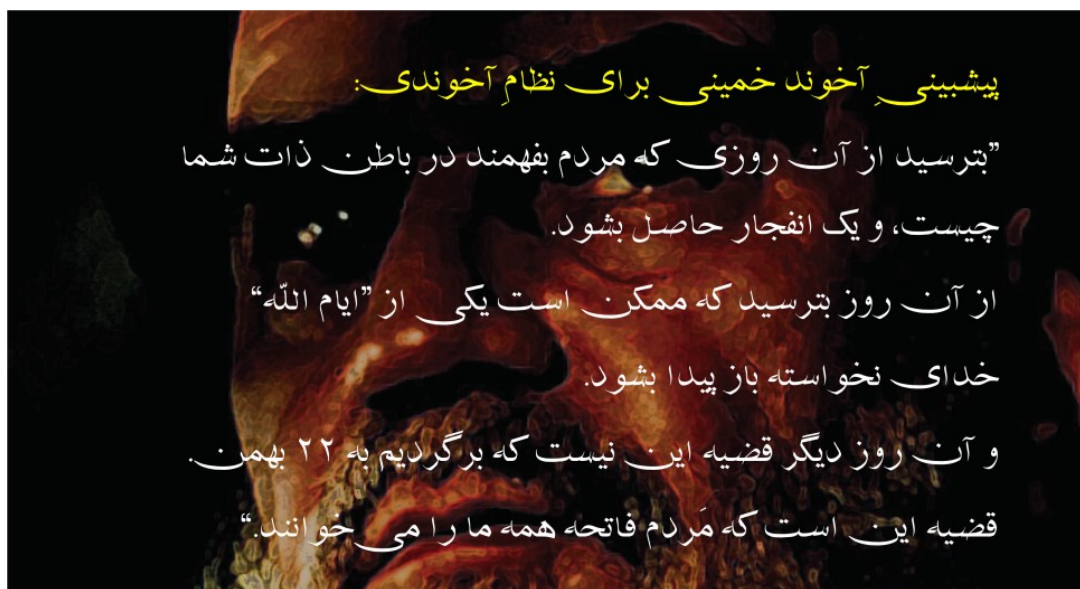
رژیم آخوندی هم که ممتازند تو قتل عام ۲۸۲۴ شروع کردند به ترور هرکی که زد حرف قیام

این عمل نه تنها ناراضیان را خاموش نکرد ۲۸۲۵ هر کی هم خنثی بود، رفت یه حزب رو آغوش کرد

- اما با خودخواهی و جهل و نفاقِ بینِ شون ۲۸۲۶ نتونستند اتحاد ایفا کنند مابینِ شون
- انقدری لغتیش دادند، که حال بیش از ۴۰ سال گذشت ۲۸۲۷ که حالا به نسل بعد از انقلاب به جا نشست
- بچه های بعد از انقلاب، خوشی ایران ندیدن ۲۸۲۸ فقط آخوند رو دیدن، از خوشی ها فقط شنیدن
- والدین بچه ها خوشی دیدن، اما ندیدن ۲۸۲۹ که با رأی به حکم ضحاک، به ایران و ایرانی رسیدن
- والدین به این گمان که ” مرغ همسایه غازه“ ۲۸۳۰ مُلا تا دسته بفهموند که جَلاد تازه
- وقتی این ساده گمان والدین از دنیا برندن ۲۸۳۱ خاطرات خوش ایرانی را با خود میبرند
- باعث این فاجعه کم کاری ناراضیان است ۲۸۳۲ تیشه به ریشه خود، پایداری ضحاکیان است
- پس تو ضد این رژیم، بیا این شانسی به دست بگیر ۲۸۳۳ شانسی اتحاد کاویان ز برنا تا به پیر
- بار پیش فردوسی ایران را بگرد بیدار ز خواب ۲۸۳۴ ۱۰۱۰ سال گذشته تا کنون از شاه کتاب
- جایگزین کردیم ولی نیکی را با فرهنگ بد ۲۸۳۵ تا که امروز نو کتاب آورد به ایرانی خرد

شاید ایران مردم دگر نیاد در روزگار ۲۸۳۶ شاید ایراندوست دگر نیاد همچون آموزگار

ایران مردم بگیر، خود را رها ز آزار کن ۲۸۳۷ نگیر و ۱۰۱۰ سال باز گریه زار کن



ای رهبرِ فرسودگان، آماده باش آماده باش ! ما بیدار و ما کاویان، آماده باش آماده باش !



چون که داریوشِ بزرگ بود عاشقِ ایران زمین ۲۸۲۸ از برِ ایرانیان، داد پادشاه پند این چنین:



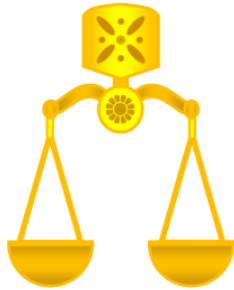
# آشتی

”در ره آشتی بکوش، چون ضدِ ما ایرانیان ۲۸۳۹ دشمنانند، دشمنانند، دشمنان



# آب

آبیاری کن تو ایران چون که بی آب زلال ۲۸۴۰ خشکسالیست، خشکسالیست، خشکسالیست، خشکسال

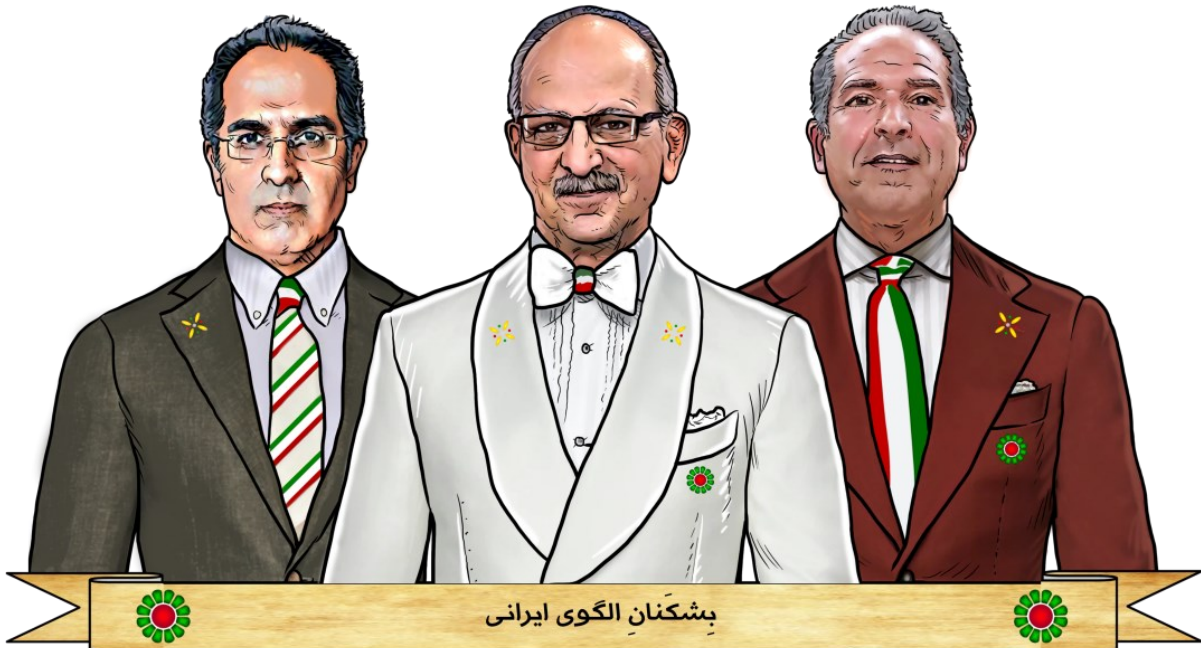


# آشا

راست گو سخن چون آفت به اعتماد و فروغ ۲۸۴۱ این دورغ است و دورغ است و دورغ است و دروغ“

ای تو، ای شاه خرد، ۲ پندت گوش ما رسید ۲۸۴۲ ما بکوشیم تا کنیم روزگارِ ایران سپید

- گر تو اَلْکویِ نیاز داری در این راه خَرَد ۲۸۴۳ یاد گیر از بَشْكَانِ، به دست بگیر خود عاقبت
- بعضی از این بَشْكَانِ مُردند بِرِ عبورِ ما ۲۸۴۴ خاندان و دوستشان اینجا بُودِ منظورِ ما
- بعضی از این بَشْكَانِ هستند نَهادِ داد به دست ۲۸۴۵ هر کس با آن نَهاد کار کرد، بدان او دَعَوَتِ است



- # خط ۱ بر بالِ سِیْمَرغِ، تاریخ و اساطیر یاد بگیر ۲۸۴۶ بَشْكَانِ اِیرانی است استاد محمود کویر
- # خط ۲ کُن جُدا اِیرانیت از نَنگِ کورِ تازیان ۲۸۴۷ بَشْكَانِ اِیرانی است زَرْتِشتِ ستوده کیان
- # خط ۳ با خَرَدِ، از جهلِ دینِ، اِیرانی کُن بیدار ز خواب ۲۸۴۸ بَشْكَانِ اِیرانی است ایمانِ سُلیمانِ ناب
- # خط ۴ در ره همتا شُدنِ، تاریخِ اِیرانِ یار ماس ۲۸۴۹ بَشْكَانِ است دریایی و خدادادِ تاریخِ شِناس
- # خط ۵ باش تو بَشْكَانِ، بسرا بَشْكَانِ بر اِیرانِ وطن ۲۸۵۰ بَشْكَانِ اِیرانی است، اِبی صدای بُتِ شِکَن
- # خط ۶ چون سفیر آموختند به اِیرانِ، کارِ عاقلی ۲۸۵۱ بَشْكَانِ است هاشمیانِ، کیا، نِکونامِ، باقری

۲۸۵۲	بشکن ایرانی این فرشته کریمیه	۲۸۵۲	راه پیروزی خلاق، اتحاد تیمیه	۷ خط #
۲۸۵۳	بشکن ایرانی است علی کریمی، نمره ۸	۲۸۵۳	ملی فرهنگشیر ایران، کل ایران پیروش	۸ خط #
۲۸۵۴	بشکن ایرانی است دَوَندَه، غفاری طاها	۲۸۵۴	ملی پوش، آخوند کُند کولبر، به سویش تیر رها	۹ خط #
۲۸۵۵	بشکن ایرانی است اَسطوره این دایی علی	۲۸۵۵	نام ایران کُن جهانی، کُن ثبات که برتری	۱۰ خط #
۲۸۵۶	نُصرتی، غفور، عزیزی، تارمی، قوچان نژاد	۲۸۵۶	شاهکار شاخ دیو بشکن به ایرانیست نشاط	۱۱ خط #
۲۸۵۷	بشکن ایرانی است این پهلوان ترکان مجید	۲۸۵۷	در زمان جنگ سوزان، نام ایران کرد سپید	۱۲ خط #
۲۸۵۸	بشکن ایرانی است، امینی ایران شناس	۲۸۵۸	آمر خاک و خون تعهد، بین ما ایرانیاس	۱۳ خط #
۲۸۵۹	بشکن و آگاه بود، ایرانی خسرو فروهر	۲۸۵۹	بشنو از تاریخ چرا شاه پارلمانی هست گوهر	۱۴ خط #
۲۸۶۰	بشکن ایرانی است بهرام مشیری دبیر	۲۸۶۰	خاک ایران را ز چنگ جهل آخوند پس بگیر	۱۵ خط #
۲۸۶۱	بشکن ایرانی است ناصر شاهین پر سوار	۲۸۶۱	بشنو از تاریخ که تازی به ایرانی کرد چه کار	۱۶ خط #
۲۸۶۲	با خرد بشکن بود استاد امیر طاهری	۲۸۶۲	نقد حرافی آخوند را بکن با ماهری	۱۷ خط #
۲۸۶۳	بشکن استاد عرفان ثابتی است جهان شناس	۲۸۶۳	با مثال از تاریخ جهان تو تازیان شناس	۱۸ خط #
۲۸۶۴	بشکن ایرانی است مسعود شجاعی گوهر	۲۸۶۴	بهر ایرانی سزا، صدای خود بکن سپر	۱۹ خط #
۲۸۶۵	بشکن است سردار آزمون، پا به توپ یا اسب سوار	۲۸۶۵	نام ایران کُن گلستان در جهان حرفه کار	۲۰ خط #
۲۸۶۶	بشکن ایرانی است غفوری شیر مرد وریا	۲۸۶۶	فرد فرهنگی خروشد ضد بیداد و ریا	۲۱ خط #
۲۸۶۷	زندى و قدوس و اشکان، داوری و بیت آشور	۲۸۶۷	باش تو یک ایرانی بشکن، حتی از کشور دور	۲۲ خط #
۲۸۶۸	صادق و بشکن بود عباس میلانی، آفرین	۲۸۶۸	انقلابی معترف که ملا ایران زد زمین	۲۳ خط #
۲۸۶۹	همره استاد تقی زاده و پاشایی فواد	۲۸۶۹	بازیاب ایران پادشاهی، این بار با خرد	۲۴ خط #
۲۸۷۰	محبوبه فتح آبادی، میترا رجایی شیر زنان	۲۸۷۰	با حسین لاجوردی یاد بگیر ده پندمان	۲۵ خط #
۲۸۷۱	بشکن ایرانی است وفا یغمایی، سرفراز	۲۸۷۱	گر تو شاعری، بکن رسوا پس این فرهنگ تاز	۲۶ خط #
۲۸۷۲	بشکن ایرانی است این مانی پارسی زبان	۲۸۷۲	با رسانه، نیک بند به قوم ضحاکي دهان	۲۷ خط #
۲۸۷۳	بشکن ایرانی است افشین نریمان، آپوزیت	۲۸۷۳	با خرد، آخوند خربت را بکن تو خوار و خیط	۲۸ خط #
۲۸۷۴	هم صدا با ناظری، فرهاد، فروغی بخروش	۲۸۷۴	چون صدای بشکنی، ستار و داریوش و گوگوش	۲۹ خط #



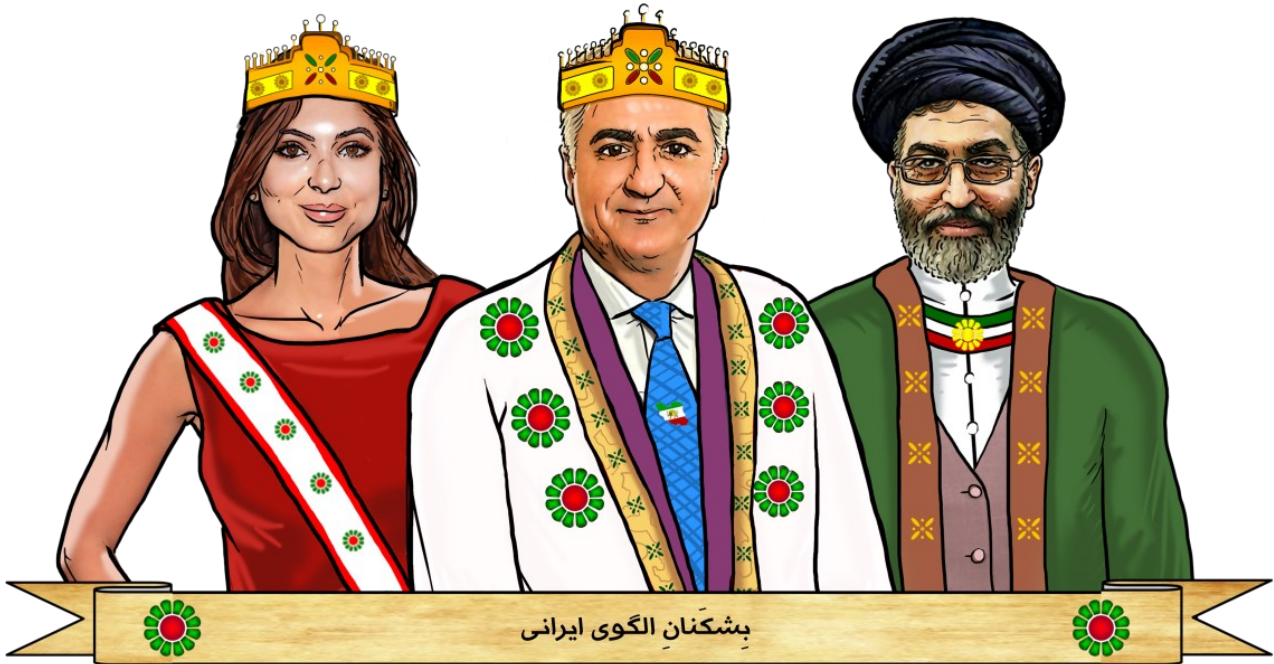
۲۸۷۵	حتی زیرِ ظلمِ ضحاک، شاد نما ایرانیان	۲۰ خط
۲۸۷۶	زن که شد بشکن، نشود زِ جهلِ ظالمینِ خلاص	۲۱ خط
۲۸۷۷	دخترِ ایرانی است عاقل و کارا همچو مرد	۲۲ خط
۲۸۷۸	از برِ ایران قیام، پایداری آموز در نبرد	۲۳ خط
۲۸۷۹	نقدِ دینِ گن، گر که دینِ منطبق برانده از میان	۲۴ خط
۲۸۸۰	گر هنوز ایرانی خواستش تقلید از شریعت است	۲۵ خط
۲۸۸۱	اهلِ هر آیین که باشی، وطن است ایران تو را	۲۶ خط
۲۸۸۲	باش نسلِ شیکِ پاسارگادیِ ایرانِ نژاد	۲۷ خط
۲۸۸۳	جهلِ دینِ نقد بگردند، بشکنانِ ایرانی	۲۸ خط
۲۸۸۴	با سلاحِ طنزِ ایرانی شکنِ آخوندِ فساد	۲۹ خط
۲۸۸۵	ملی پوش، بهمن، وحید، یعقوب و سردار آفرین	۴۰ خط
۲۸۸۶	ملی پوش، مهدی، مجید، تونیا، سهیلا قهرمان	۴۱ خط
۲۸۸۷	رفعِ خشکسالیِ ایران از نخستِ آرمانِ ماس	۴۲ خط
۲۸۸۸	کس که بر ایران سرِشست داد خواست، آخوند زندانِ نوشت	۴۳ خط
۲۸۸۹	نفتِ ایران کرده سوزان، پستِ آخوندِ ظالمی	۴۴ خط
۲۸۹۰	از برِ ایران آینده به کار گیر تو خرد	۴۵ خط
۲۸۹۱	حرفه آخوندِ فساد، بازارِ ایران کرد کساد	۴۶ خط
۲۸۹۲	بشکن است واحدی در ترمیمِ این شکافِ دین	۴۷ خط
۲۸۹۳	پاسخِ ضحاکیان، مرگ است بر ایران صدا	۴۸ خط
۲۸۹۴	اعترافِ با شکنجه، یا که ایرانی فلج	۴۹ خط
۲۸۹۵	حقِ ایران بانوان از چنگِ ظالمان بگیر	۵۰ خط
۲۸۹۶	حقِ کارگر دفاع کن تا که مُزد یابد به روز	۵۱ خط
۲۸۹۷	بشکنِ ایرانی است سیدِ آقامیری شیر	۵۲ خط

۲۸۹۸	بشکن است جانباز سیامک و قوی مرتضوی	۵۲ خط #
۲۸۹۹	بشکن است پرویز دستمالچی و ساکت نشود	۵۴ خط #
۲۹۰۰	بشکن است مهدی فلاحی به ما ایرانیها	۵۵ خط #
۲۹۰۱	بشکن است نسرين که بود زندانی ضحاکیان	۵۶ خط #
۲۹۰۲	بشکن ایرانی است این نوریزاد کله زن	۵۷ خط #
۲۹۰۳	بشکن است منوچهر، بختیاری پهلوان	۵۸ خط #
۲۹۰۴	بشکن است پدر و همسر، حامد اسماعیلیون	۵۹ خط #
۲۹۰۵	بشکن است محمدپور و شیرپیشه آموزگار	۶۰ خط #
۲۹۰۶	بشکنند آموزگار سپهری و شیر فاطمه	۶۱ خط #
۲۹۰۷	بشکن است آموزگار، شیرمرد بدایق این رسول	۶۲ خط #
۲۹۰۸	بشکن است هاشم خواستار، ایرانی آموزگار	۶۳ خط #
۲۹۰۹	بشکن است جواد، محمد، حوریه، زرتشت، گوهر	۶۴ خط #
۲۹۱۰	موسوی بشکن و بیدار ایرج مصداقی است	۶۵ خط #
۲۹۱۱	بشکن است دامون ایرانی گلریز زرنگ	۶۶ خط #
۲۹۱۲	بشکن ایرانی قاضی زاده است این شیر علی	۶۷ خط #
۲۹۱۳	همچو دهقان فداکار، شیر بود این ریز علی	۶۸ خط #
۲۹۱۴	بشکن ایرانی است شیر زن مسیح علینژاد	۶۹ خط #
۲۹۱۵	مرجان و کیوان به ایران خانه آوردند جلال	۷۰ خط #
۲۹۱۶	شهر قصه، بیژن و بهمن مفید، شاد یادشان	۷۱ خط #
۲۹۱۷	همچو نقدی، فائزه، ثابتي کن افشا تو تاز	۷۲ خط #
۲۹۱۸	اصفی، شعله سعدي، تبرزدی، پتکین بنام	۷۳ خط #
۲۹۱۹	بشکن ایرانی است این سازگرای صبور	۷۴ خط #
۲۹۲۰	بشکن است پنجهلی و کویته پور، مایلی گهن	۷۵ خط #

۷۶ # خط	بشکن آسیه، دائمی، میرزاخان، روستایی	۲۹۲۱	مُنیرو، نازیلا، آزاده و دریا صفایی
۷۷ # خط	بشکن است ناهید و ژاله، نوشین و نازافرین	۲۹۲۲	شیرین و شیما، دنا، هیوا، سپیده، نازنین
۷۸ # خط	بشکن است پروانه، بهنوش، ترمه، مهتاب، لایلا	۲۹۲۳	پروین و اشرف، سرور، نرگس، ثریا، المیرا
۷۹ # خط	بشکن ایرانی است پرویز صیاد صمد	۲۹۲۴	بشکن است سینای شوخ مند و ماشالله با خرد
۸۰ # خط	بشکن ایرانی پیک شادی است، واقف محسی	۲۹۲۵	بشکن ایرانی است جوانمردی زاگرسی
۸۱ # خط	خبر از ایران بکن تفسیر ز ظلم ظالمان	۲۹۲۶	بشکن ایرانی است چالنگی ایران بیان
۸۲ # خط	بشکن آسانلو و موتا، داوری، کاتوزیان	۲۹۲۷	اعتمادی، شهریار، صدر، اکبرین و سوریان
۸۳ # خط	چون بشیرتاش، توفیقی، سیدی، مکفی باش سپر	۲۹۲۸	بشکن است آقای، جشنی، نیلوفر، نیکو نظر
۸۴ # خط	بشکن است مهدوی آزاد، رهبر، استاد دو شوکی	۲۹۲۹	بهنام و خاوند، براتی، آرمن و اتابکی
۸۵ # خط	بشکن است میبدی، نقره کار، حسینی و داعی	۲۹۳۰	باستانی، ویسی، قاضیان، عسکری و شجایی
۸۶ # خط	بشکن است بیژن و آرش، کامران و نوری علا	۲۹۳۱	ملکی، داودی و بهرامی و یزدان پناه
۸۷ # خط	آمنه و پوریا، حافظ ایران آبرو	۲۹۳۲	بشکن است کوشا پریسا، همچو دلبر آرزو
۸۸ # خط	خبر از ریحانه، سیما، رُکسانا، میترا شینو	۲۹۳۳	باش تو با فرشاد، گزارشگر خوب من و تو
۸۹ # خط	فکر ایرانیست امیر، فکر سریش شیر دخت شوکا	۲۹۳۴	بشکن است سالی، علی، مُژده و مهشید، مدیا
۹۰ # خط	ننگ ضحاک نپذیر، حتی ز شهرت گر شی دور	۲۹۳۵	همچو رستم پور و مزدک، عادل فردوسی پور
۹۱ # خط	مجتبا پورمحسن است ایرانی خرد و مهر	۲۹۳۶	بشکن است الناز، شراره، دکتر ثابت و شلر
۹۲ # خط	بُنگاه بی بی سیریش هم داره چند ایران وقار	۲۹۳۷	دو تا داریوش و فرشته، علی، باران و ژیار
۹۳ # خط	از بر ایران فردا، هست سلاح او قلم	۲۹۳۸	بشکن ایرانی است این نوریزاده عجم
۹۴ # خط	گو که "ما هستیم" نگهبانان این خاک نگین	۲۹۳۹	بشکن است شهرام همایون، عاشق ایران زمین
۹۵ # خط	هر چه در چنته داری بهر ایران بگیر به کار	۲۹۴۰	بشکن است سعید بهبهانی رسانه دار
۹۶ # خط	بشکن ایرانشهر، ایران وایر، آی اس پی، یونیکا	۲۹۴۱	حاشیه، سرانه و مردم راپورت بکن نگاه
۹۷ # خط	کُن تو ایرانی به ظلم روز ضحاک آشنا	۲۹۴۲	بشکن است شیر دخت کوچه، کاوه زن، متین صدا
۹۸ # خط	بشکن است هر دوست و یولداش و حبیب این وطن	۲۹۴۳	همه ایرانی، علی، امیر، رضا، حسین، حسن

کُن تو ایران را رها از چنگِ این خُرافِ تاز ۲۹۴۴ بِشکنِ ایرانی، فرهنگشِیخ بُروجردی کاظ

از برِ ایران و مردم ما بخواهیم نیک سزا ۲۹۴۵ بِشکنِ ایرانی، فرهنگشاهِ دادگر است رضا



گر پُرسی که: "چرا فلان نام آمد در کتاب؟" ۲۹۴۶ پَس نیافتی تو هنوز به خود یک فرهنگ انقلاب؟

ما به ۱۰۰ خطِ بشکنانِ پیامِ اتحاد میدیم ۲۹۴۷ که با یک ایرانِ مردمِ این رژیم به باد میدیم

حالا یا آنها میگند: نه! چون الاغند و کلاغ ۲۹۴۸ یا کنند قبولِ دعوتِ را آنها با اشتیاق

هر کسی درسِ حسابِ خونده باشه، میدونه دیگه ۲۹۴۹ قانونِ رشدِ نمایی، اون به ما اینو میگه:

که اگر هر کدام از گرامی ۱۰۰ خطِ بشکنان ۲۹۵۰ ۱۰ نفر از کاویانِ دعوتِ کنند به کاروان

هر کسی دعوتِ بشد، خود ۱۰ نفر دعوتِ کند ۲۹۵۱ خیلی زود تمامِ ایران، یک جهتِ حرکتِ کند

هم صدایی هست سپرِ مقابلِ هر نوعِ خطر ۲۹۵۲ هم صدا ایران کنیم خلعِ سلاح، سرکوبِ گر

هم صدا مردم کنیم بنیانِ بشکنِ استوار ۲۹۵۳ هم صدا ایرانیانِ پرچمِ کنیم ۲۰ خواستار

ایرانِ مردمِ زندِ زمینِ ظلمِ ضحاکِ مار ۲۹۵۴ ایرانِ مردمِ کندِ خواستارِ کاوه بر قرار

پس تو شو بنیانِ گذارِ شجاعِ کاوه نو ۲۹۵۵ باش تو بشکن، در رهِ آزادیِ برو جلو

هشتگی # بشکنِ بذار، در رهِ همتاییِ بکوش ۲۹۵۶ باش تو # خط ۱۰۱ علیهِ ماردوشِ بخروش



بجای اینکه "چرا اون را بگفت، من را نگفت؟" ۲۹۵۷ خود را از ما دان بیا تو و نباش عن کلفت

با همین "منم عنم" سوار کولمون خره ۲۹۵۸ پس نباش "خود چس پرست"، یانته مرام یادت نره



خودپرستی باعث تبعیض بین مردم است ۲۹۵۹ آرزوی ما به ایران، آب و نون گندم است



ما دادیم مشعل نور به دست ۱۰۰ خط بشکنان ۲۹۶۰ تا که زود دعوت شوی به خواست ۱۰۰ خط کاویان





وای به حال تو شیخ آیت الله ۲۹۶۱ خالی بند ناب، حقه ای والله



- حقه ای والله، میکشی بالا ۲۹۶۲ مالو منالو، میکنی حاشا
- ایران فروشِ آهل بت پرستی ۲۹۶۳ ما بت نخواستیم، ما ایران پرستیم
- بارت میلنگه، الاغ لنگه ۲۹۶۴ شیشه و سنگه، شیخ آیت الله
- وای به حال تو شیخ آیت الله ۲۹۶۵ خالی بند تاپ، حقه ای والله



- ظلم شده پیشه، ظالم شده هم پیشه ۲۹۶۶ گمراهی مردم با فساد اندیشه
- با ذلت فکر، ایران آزاد نمیشه ۲۹۶۷ آخوند و ایران هم چون گرگ و میشه
- ظلم را بشکن در فکرت از ریشه ۲۹۶۸ آزادی ایران با تغییر اندیشه
- وای به حال تو شیخ آیت الله ۲۹۶۹ خالی بند یک، حقه ای والله

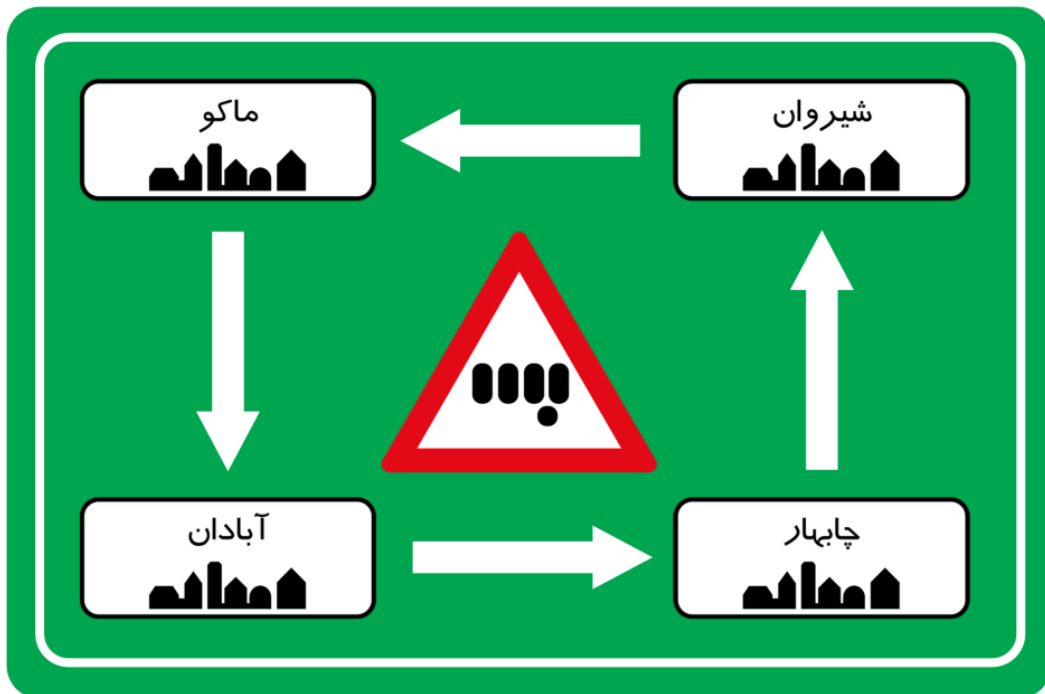


سِکِه تُو پَنَجِه، مار سَرِ گَنَجِه ۲۹۷۰ ضحاکِ میدوشه، ایران تُو رَنجِه

ظالمِ نخواستیم، ساکتِ نمانیم ۲۹۷۱ همیاریِ ملی، ما همه ایرانییم

کاوه به فکرِ خورشیدِ فردا ۲۹۷۲ جمهوریِ اسلامی باید پشه رُسوا

وای به حالِ تو شیخِ آیتِ الله ۲۹۷۳ خالی بندِ تیز، حقه ای والله



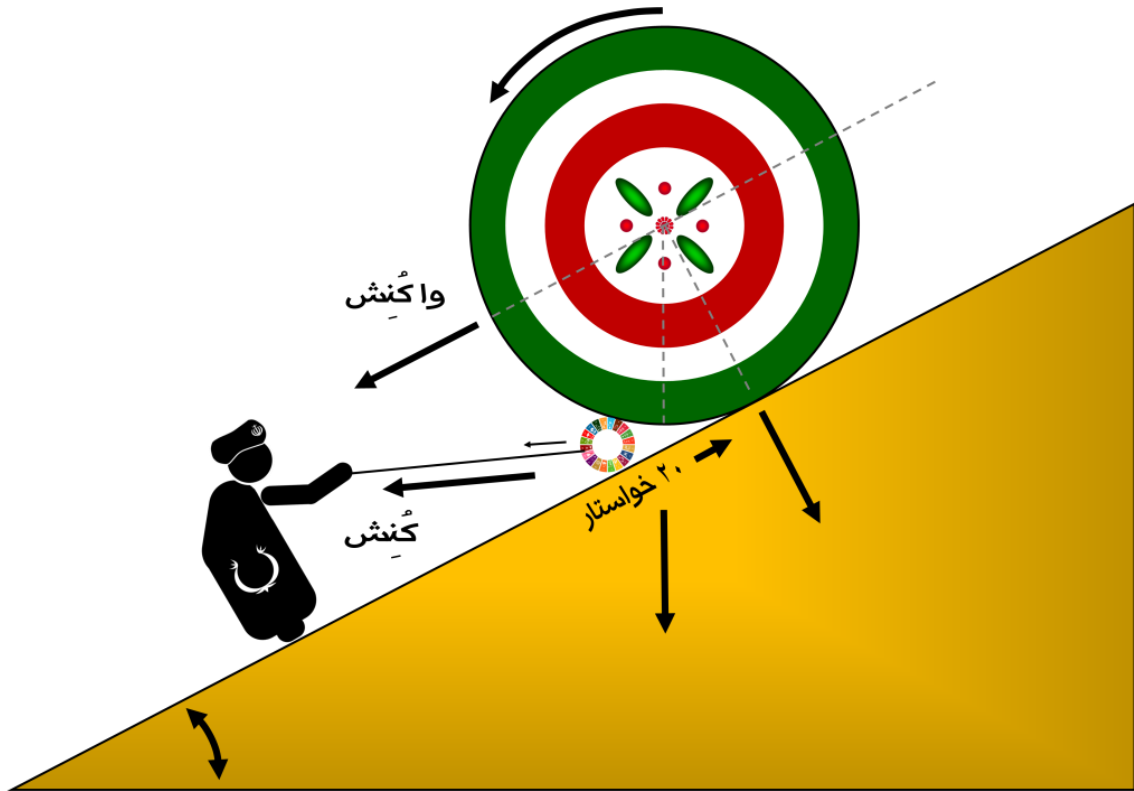
دستِ که رو شه، خون که بجوشه ۲۹۷۴ ایران بخروشه از گوشه به گوشه

از ماکو، تا آبادان، به چابهار تا شیروان ۲۹۷۵ قیامِ ملی سراسرِ ایران

کاوه کند دستگیر این زالو دروغمند ۲۹۷۶ زندانیِ ضحاک در دماوند

وای به حالِ تو شیخِ آیتِ الله ۲۹۷۷ خالی بندِ دزد، حقه ای والله





- این کتاب هست واکنش به بیداد در ایران وطن ۲۹۷۸ عدل به جای امر معروف، جانپان در حوض عن تجزیه چون گوه تو معدس، فدرال بوی چسش ۲۹۷۹ هر کسی گفت فدرال، به شیر بلال کن تو سسش او که گفت: آخوند گولم زد، انقلابم را چاپید! ۲۹۸۰ بود سپید پوش مو سیاه، حالا سیاه پوش مو سپید وقتی که فرهنگ تاز، آرمانش هست ایران خراب ۲۹۸۱ ایمان کنداب پارس، "خمینی سوزی" هست جواب



ضد این ۱۰۰۱ ضحاکیان غار نشین ۲۹۸۲ من ۱۰۰۱ دفعه ایران بنامیدم در این





- این کتاب پدادهای بسی فرنام بر ضحاکیان ۲۹۸۳ واژه های خر و گاو، گُرگ و دَد و دام در میان
- اما حیف این گروه جانوران بیگناه ۲۹۸۴ که از بر ضحاکیان، نام جانور شد فنا
- ای شما جانوران سخت کوش و بی سخن ۲۹۸۵ از شما پوزش بخوایم، من در این نیک انجمن
- ای تو گربه، سگ، پرنده، گاو و خر، باش در نشاط ۲۹۸۶ قاطر میرالله در دماوند داد مرا نجات
- جانور فکر گروه، هزار دست فکر خویشتن است ۲۹۸۷ خر واقعی جلو آخوند، یک آنبشتن است
- ایران مردم بود حامی آب، گیاه و وحش ۲۹۸۸ پس تو ایران جانور، جاوید باش، مرا ببخش



آرامگاه شاه ایران و فرعون مصر، شاه داریوش بزرگ هخامنشی - نقش رستم - استان فارس



۲	<b>بشنو، بنگر و بشکن</b>	۴۹۷
---	--------------------------	-----



ای تو ایرانی، آنچه من گفتَم نبود دروغ ۲۹۸۹ آنچه بر تو پند بشد، بشنو تا یابی تو بلوغ



ای تو ایرانی، آنچه نوشتَم نبود دروغ ۲۹۹۰ آنچه بر تو شد نگار، بنگر تا یابی تو فروغ

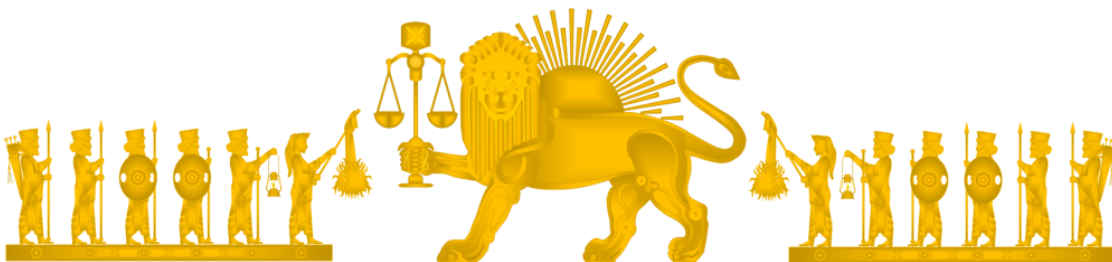
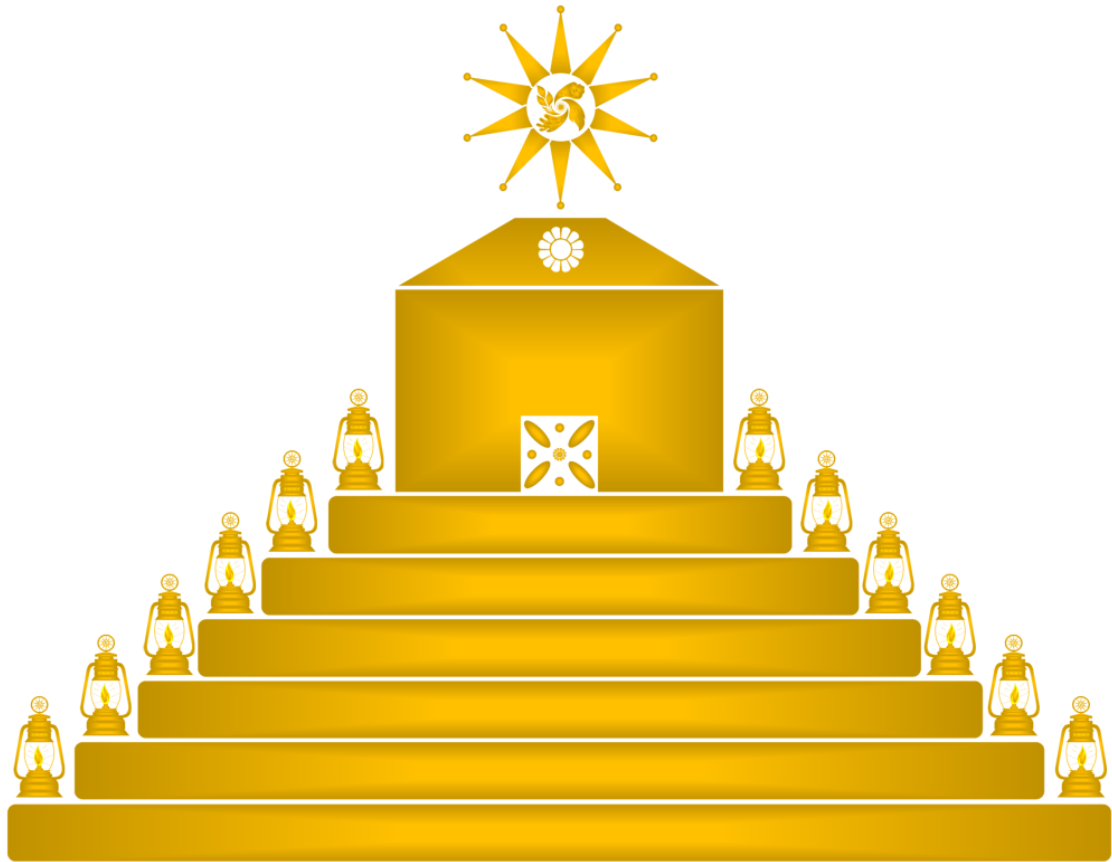


ای تو ایرانی، آنچه آموختَم نبود دروغ ۲۹۹۱ آنچه بر تو شد ستم، بشکن تا یابی تو حقوق



تنها راهِ "عَفْوِ گناه" بیداری از این جهلِ بد      ایرانِ مردمِ "بیگناه"، بخوان بیاب نور و خرد

پاک ساختی ز "گناه" خود، گر تو خواندی این کتاب ۲۹۹۲      حال که هستی "بی گناه"، بگیر به کار ۱۰ پندِ ناب



این کتاب آورد به تو آگاهی و فردانگی ۲۹۹۳      با خرد آورد به تو بهرِ خروش، آمادگی

با خرد، دانا بود مسئول، خروشِ ضدِ ظلم ۲۹۹۴      گر بگرد سر توئی برف چون کبک، بود شریکِ جرم

پس نباش کبک و نکن دوباره تو نوین "گناه" ۲۹۹۵      با خرد برخیز و کن ایران ز ظالمین رها

نادان در تاریکی، بیگناه است      تاریک خواهی دانا بد گناه است

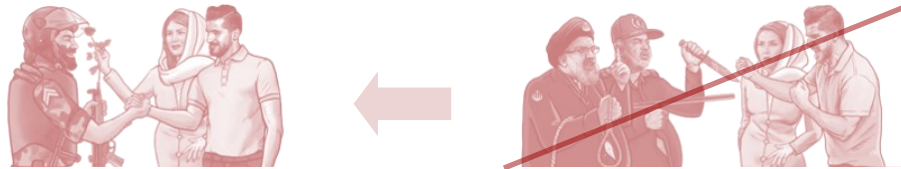


فرقه آخوند از ایران در آورده دمار ۲۹۹۶ او فرومایگی فرهنگ بکرده افتخار

ظلم و جهل است در این حکومت دار و ندار ۲۹۹۷ بشنو این پند ز سعدی و سید آموزگار:



آموزگار ۲۰۲۰ و سعدی ۱۲۳۰



”یار با یار به پا خیزد و تنها نرود“ ۲۹۹۸ ذلت فکری شکسته تا که گمراه نرود

عادلان آرام نشینند تا که خودخواه نرود“ ۲۹۹۹ صبح صادق ندمد تا شب یلدا نرود



همیاری کاویان پایان ضحاکیان





گوشه ای از بام دماوند در روشنایی بامدادِ پیروزی

ما ستاییم خاک و آب تو، هوا و آتشت ۲۰۰۰ ای گوهر ایران زمین، پاینده باد آسایشت



پیروز باد ایران و ایرانی



سید

سید دیداد آموزگار



بشکن



آفوند دشمن ماست  
ایران کشور ماست

ISBN 978-87-972948-0-2

